

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسئول: علی فرخنده

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب‌اله احمدی
 ۲. دکتر محمد بهنام‌فر
 ۳. دکتر هادی پورشافعی
 ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
 ۵. دکتر محمد تقی راشد محصل
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۸. دکتر ویلم فلور
 ۹. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی و فنی: سمیه پورسلطانی

ویرایش انگلیسی: سعید عامری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری ذره‌بین رسانه نوین

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آرا و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسئول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

علیرضا اسدی	استادیار دانشگاه ایلام
محمد بهنام فر	استاد دانشگاه بیرجند
هادی پورشافعی	دانشیار دانشگاه بیرجند
محمد حجی پور	استادیار دانشگاه بیرجند
رضا زارع	استادیار دانشگاه پیام نور بوشهر
محمدحسن شربتیان	مدرس دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی
حسین شکوهی فرد	استادیار دانشگاه بیرجند
زهرا شیرزور علی آبادی	استادیار دانشگاه بیرجند
سامان فرزین	استادیار دانشگاه بیرجند
حمیدرضا قربانی	استادیار دانشگاه هنر اصفهان
حمید مسعودی	استادیار دانشگاه بیرجند



پیشینه: *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ گوگل اسکالر https://scholar.google.com/citations?viewop=list_works&hl=en&user=hUhxDv4AAAAJ؛ پایگاه سیولیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش با تمرکز در دو حوزه فرهنگی و اجتماعی در گستره خراسان را که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱- ساختار مقاله دارای عنوان، چکیده، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسئله، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، منابع و ارجاعات دقیق و در صورت لزوم، پیوست‌ها باشد.
۲- مقاله در محیط Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود.

۳- صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب ۱۶/۵ * ۲۳/۵ (وزیری) باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه template) حداکثر ۲۵ صفحه باشد. مجله از پذیرش مقاله‌های طولانی (بیش از ۸۰۰۰ واژه) معذور است.

۴- چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و واژه‌های کلیدی (سه تا هفت کلمه) است.
۵- ارسال چکیده مبسوط به فارسی و لاتین توسط نویسنده الزامی و پس از داوری مقاله توسط نویسنده ارائه می‌گردد. جهت تنظیم چکیده مبسوط به راهنمای نویسندگان در سامانه مراجعه نمایید.

۶- معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی، اصطلاحات غیررایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۷- جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300px)، با شماره و عنوان گویا (B Nazanin 12 Regular) و همچنین ذکر مأخذ در ذیل هر کدام (B Nazanin 12 Regular) آورده شود.

۸- ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۹- فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۹-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاژ*. تهران: نشر علم.

۹-۲- مقاله

شاطری، مفید. (۱۳۸۵). گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان. *فرهنگ خراسان جنوبی*، ۱ (۱)، ۴۹-۶۶.

۹-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد. (۱۳۸۹). اثرات مهاجرت های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی. *مجموعه مقالات اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت*، جلد ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۹-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا. (۱۳۷۰). *رویاری اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۹-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا. (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۹-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت. (۱۳۸۶). *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*. بازیابی شده در:

از: <http://www.Farhanghenasi.com/article/s/9/5/html>، ۱۳۸۸/۸/۲

۱۰- نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه نویسنده بر روی صفحه جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده دارد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۱۱- مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب نظر مرتبط با موضوع مقاله ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۲- جهت اطلاعات بیشتر و تنظیم مقاله، نحوه نگارش ارجاعات درون متنی و منابع به راهنمای نویسندگان در سامانه فصلنامه مراجعه نمایید.

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی. تلفن: ۴-۳۲۳۲۳۳۹۳-۰۵۶
دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

آدرس وبگاه: <http://farhangekhorasan.ir>

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: farhangekhorasan@gmail.com

فهرست مطالب

- نقش فضیلت سازمانی، در رابطه مدیریت کوانتومی و درگیری شغلی کارکنان (مورد مطالعه: آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی)

حسین خسروی، هادی پورشافعی، علی عسگری ۹

- بررسی و تبیین هنر سفالگری شهر اسلامی بوژگان در سده‌های نخست و میانی دوران اسلامی

مهديه رحمتی، عابد تقوی، حسن هاشمی زرج آباد، حسن باصفا ۴۳

- نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه (مورد مطالعه: شهر مشهد)

نیره شاه‌محمدی، فاطمه پرسته قمبوانی ۸۱

- بررسی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی، شناسایی نقش تعدیل‌گر کیفیت زندگی کاری (مورد مطالعه: فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی)

احمد عربشاهی کریزی، ملیحه‌السادات هاشمی‌مقدم ۱۲۱

- طراحی الگوی راهبردی توسعه بازار فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی

مهدي محمودزاده‌واشان، علی فرخنده ۱۶۷

- بررسی عناصر سطح اول آگاهی انسان دوبعدی در افسانه‌ها (مطالعه موردی: افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران)

حامد نوروزی، کلثوم قربانی جویباری، انسیه بهلولی مقدم ۲۰۵



The Influence of Organizational Virtue on Quantum Management and Employee Job Engagement: A Case Study in South Khorasan's Educational Sector

Hossein Khosravi¹

Hadi Pourshafei²

Ali Asgari³

Received: 14/2/2023

Accepted: 4/9/2023

Introduction

Throughout history, people have sought ways to enhance their lives and find joy through various mechanisms. This pursuit has increasingly highlighted the importance of work participation, drawing the attention of numerous scientists. Consequently, the concept of work engagement has gained prominence in organizational behavior research (Shoul & Sedaghat, 2016). Work engagement is defined as the extent to which individuals are psychologically connected to their current job (Mudrack, 2004). Those who are highly involved in their jobs seldom contemplate leaving and are likely to remain with their organization for the long term (Brown, 1996). Studies indicate a global decline in employee engagement, with less than 30% of employees being actively engaged, which is considered low. This disengagement results in substantial financial losses for countries' economies each year. Therefore, it is crucial to focus on comprehensive and diverse developments and their impact on organizational competitiveness, as well as the role of employees in job involvement and the promotion of organizational virtues to achieve objectives. This is particularly significant given the emergence of new management styles, such as quantum management. In today's world, the need for employee occupational

1. Hossein Khosravi MA in Educational Management, Department of Educational Sciences, Birjand University, Birjand, Iran. hossinkhosravite@birjand.ac.ir

[ORCID:0009-0005-3215-5159](https://orcid.org/0009-0005-3215-5159)

2. Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, Birjand of University, Birjand, Iran. hpourshafei@birjand.ac.ir

[ORCID: 0000-0003-2435-0294](https://orcid.org/0000-0003-2435-0294)

3. Associate Professor of Educational Management, Department of Educational Sciences, Birjand University, Birjand, Iran. ali.asgari@birjand.ac.ir [ORCID: 0000-0003-0131-9802](https://orcid.org/0000-0003-0131-9802)



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

involvement in organizations has never been greater, and management practices within organizations have garnered increased attention from management scholars and practitioners (Hashmi & Pouraminzad, 2019).

Management scholars assert that 21st-century managers must adopt innovative management strategies to foster employee engagement, thereby reducing thoughts of resignation and potentially boosting productivity and efficiency (Mezginezhad, Ayati & Pourshafei, 2017). Quantum management is one such strategy (Mirsafian, 2015). In modern organizations, ethical considerations, particularly organizational virtue, have gained prominence due to various advancements. While organizations rapidly evolve in competitive terms, virtues and virtue-centric topics have received scant attention. Bird and Water (1989) observed that organizational discourse often lacks a moral dimension (Moshabakiesfahani & Rezaie, 2013). Hence, employing organizational virtue can elucidate ethics within organizations. Virtues-encompassing habits, desires, and actions—are conducive to individual and societal well-being. They are endorsed and cultivated at both personal and communal levels, ensuring their propagation and sustainability (Zemaheni et al., 2013). The findings of this research could serve as a roadmap for educational organization managers to enhance employee job involvement through contemporary management practices. This paper answers this question:

- What impact does organizational virtue have on quantum management and occupational conflict in South Khorasan province?

Methods

This study employs a descriptive, correlational design and is both applied and quantitative in nature. The research population comprises all education and training employees in South Khorasan province, totaling 750 individuals in 2019, as per the official education report. Stratified random sampling was utilized for data collection. South Khorasan Province was segmented into several strata, including the General Administration of South Khorasan Province, Birjand, Boshruyeh, Zirkouh, Darmian, Khoosf, Mehdim, Sarayan, Sarbisheh, Tabas, Ferdows, Qaen and Nehbandan. From each department, a proportional number of employees were selected: 50, 33, 33, 11, 14, 12, 13, 12, 15, 15, 24, and 18, totaling 250 participants. This sample size was determined based on Krejcie and Morgan's sample size, given the target population of 750. The distribution of administrative employees across the departments in South Khorasan province is detailed in Table 1.

Table 1. The number of education administrative staff per city

City	Number of Employees	Sample
General Administration	157	50
Boshruyeh	100	33
Birjand	100	33
Khoosf	31	11
Darmian	42	14
Zirkouh	37	12
Sarayan	39	13
Sarbisheh	36	12
Tabas	45	15
Ferdows	45	15
Qaen	70	24
Nehbandan	54	18
Total	750	250

The instruments used for data collection were standardized questionnaires on quantum management, job involvement, and organizational virtue. The validity and reliability of these questionnaires were confirmed through the Cronbach's alpha coefficient. Data analysis was conducted using SPSS and AMOS statistical software. The analytical methods employed included single-sample t-tests, Pearson correlation, simultaneous multiple regression, and structural equation modeling.

Findings and Conclusion

The study's findings reveal that the overall average scores for quantum management and organizational virtue, along with their respective components among educational staff, are significantly above the theoretical mean score of 3. However, the average score for job involvement among educational workers is notably below the theoretical mean ($p < 0.001$). Additionally, the elements of quantum thinking and trust negatively impact job involvement, whereas quantum feeling positively influences it. While quantum management does not exert a direct significant effect on job involvement, it does have a substantial indirect impact through the intermediary of organizational virtue, contributing to job involvement. Furthermore, the model demonstrated adequate fit.

Keywords: Quantum Management, Job Conflict, Organizational Virtue, Education in South Khorasan Province.

References

- Albrecht, S. L., & Andretta, M. (2011). The influence of empowering leadership, empowerment and engagement on affective commitment and turnover intentions in community health service workers test of a model. *Leadership in Health Services, 24*(3), 228-237.
- Behzadi, E., Noami, A., & Beshlide, K., (2007). Barresi-e rabbet-e fazilat-e sazmani ba raftar-e madani sazmani, vafadari-e sazmani va behzisti-e maenavi dar karkonan-e sherkat-e bahrebardari-e naft o gaz karoon [Investigating the relationship between organizational virtue and organizational civic behavior, organizational loyalty and spiritual well-being among the employees of Karoon Oil and Gas Exploitation Company]. *Psychological Achievements Quarterly, 20*(2), 233-256. [In Persian].
- Barari Nokashti, S., Banimahd, B., & Yaeghobnezhad, A. (2018). Enetafpaziri-e hesabdari va khoshbini modiran: azmon-e teori-e ekhtiarat-e modiriati [Accounting flexibility and managers' optimism: A test of the theory of managerial authority]. *Management Accounting, 11*(37). 1-14. [In Persian].
- Brown, S. P. (2002). A meta-analysis and review of organizational research on job involvement. *Psychological Bulletin, 12*(2), 225-235.
- Cameron, K. S., Bright, D., & Caza, A. (2004). Exploring the relationships between organizational virtuousness and performance. *American Behavioral Scientist, 47*(6), 766-790.
- Carson, K. D., Carson, P. P., & Bedeian, A. G. (1995). Development and construct validation of a career entrenchment measure. *Journal of Occupational and Organizational Psychology, 68*(4), 301-320.
- Dadashi, M., & Pali, S. (2023). Eraee model sakhtari az amalkerd shoghli bar asae maharathaye ertebati ba mianjigari dargiri shoghli dar moallemane madares ebtedayi [Presenting a structural model of job performance based on communication skills with the mediation of job conflict in primary school teachers]. *Education Management and Perspective Quarterly, 5*(1), 42-66. [In Persian].
- Darling, J. R., & Earl Walker, W. (2001). Effective conflict management: use of the behavioral style model. *Leadership & Organization Development Journal, 22*(5), 230-242.
- Derakhshan, M, & Zandi, Kh. (2017). Barresi-ye taesir-e rahbari asil bar fazilate sazmani [Examining the effect of authentic leadership on organizational virtue]. *Journal of Change Management, 8*(15), 88-106. [In Persian].
- Ghanbari, S, & Moradi, A. (2018). Rabete maharathaye modiriati kovantomi modiran va amadegi karkonan baraye taghyire sazmani [The relationship between managers' quantum management skills and employees' readiness for organizational change]. *Educational Leadership and Management Quarterly, 11*(3), 87-109. [In Persian].

- Gukiina, J., Ntayi, J., Balunywa, W., & Ahiauzu, A. (2019). Organizational virtuousness: The customers' perspective. *African Social Science Review*, 10(1), 106-163.
- Hashemi, H., & Pouraminzad, S. (2016). Chaleshha-ye fararo-ye tosee-ye manabe ensani va rahkary baraye rafee an [The challenges facing the development of human resources and a solution to solve it]. *Work and Society Quarterly*, 6(13), 1-18. [In Persian].
- Hirschfeld, R. (2006). Achievement orientation and psychological Involvement in job tasks: The interactive effects of work alienation and intrinsic job satisfaction. *Journal of Applied Social Psychology*, 32(8), 1663-1681.
- Homayoniye Dimirchi, A. (2016). *Quantum and quantum management* [Kovantom va modiriyat-e kovantomi]. Tehran: Besat Publication. [In Persian].
- Hosseini, S., Dehghan, M., & Dehghan, N. (2014). *Barresi rabet-ye beyn erbatate sazmani va hamdeli sazmani* [Examining the relationship between organizational communication and organizational empathy]. Proceedings of the International Conference on Management, Challenges and Solutions, Shiraz, Iran [In Persian].
- Jamasbi, N. (2017). Barresi-e rabete sarmeye-e ejtemaei ba fazilat-e sazmani va rafter-e shahrivandi-e sazmani [Examining the relationship between social capital and organizational virtue and organizational citizenship behavior]. *Quarterly Journal of Human Resource Management Development and Support*, (40), 86-107. [In Persian].
- Jamebozorgi, T., Soleymani, M, & Shaebani-Bahar, G. (2023). Asare maharathaye modiriate kovantomi modiran dar amalkerd sazmani ba naghsh mianij hoshe sazmani dar vezarate varzesh va javanan [The effect of managers' quantum management skills on organizational performance with the mediating role of organizational intelligence in the Ministry of Sports and Youth]. *Organizational Behavior Management Studies in Sports*, 9(2), 71-81. [In Persian].
- Khoshoi, M, & Nori, A. (2014). Sakhtare ameli fazilate sazmani va naghsh raftare shahrivandi dar an [Factorial structure of organizational virtue and the role of organizational citizenship behavior in it] *Knowledge and Research Quarterly in Applied Psychology*, (54), 26-34. [In Persian].
- Lambert, E., Qureshi, H., Frank, J., Holbrook, M., Hines, C., & Worley, V. (2022). The effects of work demand and resource variables on Indian prison staff job involvement. *International Criminology*, 2, 1-13.
- Lodahl, T. M., & Kejnar, M. (1965). The definition and measurement of job involvement. *Journal of Applied Psychology*, 49(1), 24-33.
- Magnier-Watanabe, R., Uchida, T., Orsini, P., & Benton, C. F. (2020). Organizational virtuousness, subjective well-being, and job performance: Comparing employees in France and Japan. *Asia-Pacific Journal of Business Administration*, 12(2), 115-138.
- Mezginezhad, S, Ayati, M., & Pourshafei, H. (2019). Naghsh modiriyat kovantomi dar bahrevari ensani ba tavajoh be miyanji avaye sazmani dar karkonane amozesh va parvareh shahre Birjand [The role of quantum management in human resource

- efficiency considering the organizational climate mediator among the employees of the education department in the city of Birjand] . *Bi-Quarterly Journal of Management on Organizational Training*, 7(1), 41-77. [In Persian].
- Mirsafian, H. (2017). Determining the relative contribution of quantum management components on entrepreneurial behaviors of employees in the sports and youth organization of Isfahan province [Investigating the relative contribution of quantum management on the components of job enthusiasm of employees of physical education departments of medical sciences universities of the country]. *Health Information Management Quarterly*, 13(1), 42-47. [In Persian].
- Mirsafian, H. (2020). Ta'sir modakhel-e amuzeshi maharatha-ye haftgane modiriat-e kwantumi bar rezayat-e shoghli, delbastegi-e shoghli va ta'ahod-e sazmani-ye mo'aliman-e tarbiyat-e badani [The effect of educational intervention in the seven skills of quantum management on job satisfaction, job involvement, and organizational commitment of physical education teachers]. *Journal of Sport Management Studies*, 11(53), 219-235. [In Persian].
- Mirsafiyani, H., & Salimi, M. (2016). Taien sahme nesbiy-e moalefeha-ye modiriyat-e kovantomi bar raftarha-ye karafarini karkonane sazmane varzesh va javanane ostane Esfahan [Determining the relative contribution of quantum management components to the entrepreneurial behaviors of employees in the Isfahan Province Sports and Youth Organization]. *Journal of New Approaches in Sports Management*, 3(11), 85-97. [In Persian].
- Moshabakiesfahani, A., & Rezaie, Z. (2015). Barresi tasire fazilate sazmani va taalogue khatere kari bar taahode sazmani [Investigating the impact of organizational virtue and affective commitment on organizational commitment]. *Quarterly Journal of Management Studies*, 22(73), 1-23. [In Persian].
- Mudrack, P. E. (2004). Job involvement, obsessive compulsive personality traits, and workaholic behavioral tendencies. *Journal of Organizational Change Management*, 17(5), 490-508.
- Nasiri Valikbani, F., Ghaltash, A. & Sarchahani, Z. (2016). Rabete tavanmandsazie karkonan ba amalkarde shoghli va bahrevarie niroye ensanie sazmane Aomzesh va parvareh ostane fars [The relationship between employee empowerment and job performance and the efficiency of human resources in the education organization of Fars Province]. *Bi-Quarterly Journal of Management on Organizational Training*, 4(2), 63-90. [In Persian].
- Nazari Jahromi, N., Naderian Jahromi, M., & Dastbarhagh, H. (2023). Eraeye modele toseeeye modiriyate kovantomi dar sazman haye varzeshi ba roikarde geranded teori [Proposing a quantum management development model in sports organizations using a grounded theory approach] . *Management and Organizational Behavior in Sports*, 11(6), 37-52. [In Persian].
- Ozen, F. (2018). The impact of the perception of organizational virtue on the perception of organizational happiness in educational organizations. *Educational Policy Analysis and Strategic Research*, 13(4), 124-140.

- Pabarja, E., Ahang, F., & Haydarbeygi, S. (2016). Barresi-e rabete fazilat-e sazmani va shadi-e sazmani. [A review of the relationship between organizational virtue and organizational happiness]. *Journal of Human Resource Management Development and Support*, (42), 161-188. [In Persian].
- Pourshafei, H. (2018). *Pajohesh va negaresh elmi ba roykarde payan name nevisi va tadvin-e maghale* [Research and scientific writing with a focus on thesis writing and article crafting]. Birjand: University of Birjand Press. [In Persian].
- Rangriz, H., & Rezaei, S. (2016). Barresi tasire seday-e karmand bar khallaghiat va amalkard-e karkonan ba mianjigarie dargiri shoghli [Investigating the impact of employee voice on creativity and employee performance with the mediating role of job engagement] *Organizational Culture Management Quarterly*, 13(3), 833-856. [In Persian].
- Setyoko, P. I., & Kurniasih, D. (2022). The role of perceived organizational support (POS), organizational virtuousness (OV) on performance and employee well-being (EWB) of non-profit organizations in the post-pandemic period. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 13(8), 1940-1944.
- Shelton, C. K., & Darling, J. R. (2001). The quantum skills model in management: A new paradigm to enhance effective leadership. *Leadership & Organization Development Journal*, 22(6), 264-273.
- Shojaeifar, Z., Marzie, A., & Nastizayi, N. (2018). Rabete-ye akhlaghe herfei ba modiriate danesh va dargirie shoghli [The relationship between professional ethics, knowledge management, and job involvement]. *Journal of Bioethics*, 7(23), 17-28 [In Persian].
- Shoul, A., & Sedaghat, A. (2018). *Barresi-e tasir-e faaliathay-e manabee ensani bar raftare shahrvandie sazmani ba naghshie mianji dargiri shoghli dar daneshghahe olom pezeshkie bosheh* [Investigating the impact of human resource activities on organizational citizenship behavior with the mediating role of job involvement at Bushehr University of Medical Sciences]. The Fifth National Conference of Applied Researches in Management and Accounting., Tehran, Iran. [In Persian].
- Shuck, B., Reio, T. G., & Rocco, T. S. (2011). Employee engagement: An examination of antecedent and outcome variables. *Human Resource Development International*, 14(4), 427-445.
- Singh, S., David, R., & Mikkilineni, S. (2018). Organizational virtuousness and work engagement: Mediating role of happiness in India. *Advances in Developing Human Resources*, 20(1), 88-102.
- Sun, H. J., & Yoon, H. H. (2022). Linking organizational virtuousness, engagement, and organizational citizenship behavior: The moderating role of individual and organizational factors. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 46(5), 879-904.
- Tabe Bordbar, F., Esmaeili, M., & Azad, R. (2023). Pishbini-e farssoodegi-e ravanshenakhti-e moalleman bar asa-e keifiat-e zendegi va dargiri-e shoghli dar doran-e pandemic-e corona dar shahrestan-e marvdasht [Predicting psychological burnout of teachers based on quality of life and job involvement during the

- COVID-19 pandemic in Marvdasht city]. *Scientific Journal of Work Psychology*, 1(2), 61-70. [In Persian].
- Torkzadeh, J., & Abdsharifi, F. (2016). Pishbini amadegi baraye taghire sazmani bar asae edrake karkonane bank az noe sakhtare sazmani ba naghsh-e vaseta-gari ensejame sazmani [Predicting organizational readiness for change based on employees' perception of organizational structure type with the mediating role of organizational coherence in a bank setting]. *Quarterly Journal of Improvement and Transformation Management Studies*, 24(78), 33-64. [In Persian].
- Whang, N. (2021). The virtue of school leadership: Three paths to fulfilling value forms. *SAGE Open*, 11(1), 1-13.
- Yeh, C. (2021). The relationship between free time activities, emotional intelligence and job involvement of frontline hotel employees. *The International Journal of Human Resource Management*, 32(4), 767-788.
- Yin, X. (2019). Review and prospect of quantum management. *American Journal of Industrial and Business Management*, 9(12), 2220-2228.
- Zare, A., Nozari, V., & Khorami Servestani, H. (2018). Barresi-ye tasir-e edalat-e sazmani va etemad-e sazmani bar amalkerd shoghli ba naghsh-e mianji angizesh-e shoghli dabirane tarbiat badanie shahre shiraz [Investigating the impact of organizational justice and organizational trust on job performance with the mediating role of job motivation among physical education teachers in Shiraz]. *Quarterly Journal of Physical Education and Sports Sciences*, 2(3), 141-149. [In Persian].
- Zemaheni, M., Moosavian, A., & Malekzadeh, S. (2014). Motale-ye rabete beyn parvareh fazilate sazmani va behboode fazaele akhlaghi dar sazeman [Studying the relationship between fostering organizational virtues and improving ethical virtues in the organization]. *Social Psychology Research Quarterly*, 3(10), 115-126. [In Persian].
- Ziaei, M., Rezaei, G., Yarmohammadi, H., Khoshbuo, E., & Ghareghozlou, F. (2016). Ertebat-e dargiri shoghli ba vizheghihaye jameiatshenakhti moallemane maghtaee rahnamaie dalaho (Kermanshah) dar sale 1392 [The relationship between job engagement and socio-demographic characteristics of middle school teachers in Dalahoo (Kermanshah) in 2013]. *Ergonomics Journal*, 3(1), 59-64. [In Persian].
- Zohar, D. (2022). *Zero distance: Management in the quantum age*. Berlin: Springer.

مقاله علمی - پژوهشی

نقش فضیلت سازمانی، در رابطه مدیریت کوانتومی و درگیری شغلی کارکنان (مورد مطالعه: آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی)

حسین خسروی^۱ هادی پورشافعی^۲ علی عسگری^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_178565.html

چکیده

با توجه به تحولات گسترده و چندجانبه و نقش آن در عرصه رقابت‌های سازمانی، نقش کارکنان از نظر درگیری شغلی و ارتقای فضیلت سازمانی برای پیشبرد اهداف ضرورت دارد که این مهم با سبک‌های جدید مدیریتی از جمله مدیریت کوانتومی دست‌یافتنی است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای فضیلت سازمانی در رابطه مدیریت کوانتومی و درگیری شغلی کارکنان آموزش و پرورش است. در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، ۲۵۰ نفر از کارکنان آموزش و پرورش ادارات شهرستان‌های استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۹ ش به‌روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد مدیریت کوانتومی، درگیری شغلی و فضیلت سازمانی بود که روایی تأیید و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و AMOS

۱. کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران، نویسنده مسئول

hossinkhosravite@birjand.ac.ir

ORCID: 0009-0005-3215-5159

hpourshafei@birjand.ac.ir

۲. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ORCID: 0000-0003-2435-0294

ali.asgari@birjand.ac.ir

۳. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ORCID: 0000-0003-0131-9802



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

و آزمون‌های t تک نمونه‌ای، همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه هم‌زمان و مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که میانگین نمره مدیریت کوانتومی و فضیلت سازمانی در کل و مؤلفه‌های آن در کارکنان آموزش و پرورش به‌طور معناداری بیشتر از میانگین نمره نظری (۳) است؛ ولی میانگین نمره درگیری شغلی در کارکنان آموزش و پرورش به‌طور معناداری کمتر از میانگین نمره نظری (۳) است ($p < 0/001$). همچنین مؤلفه‌های تفکر و اعتماد کوانتومی نقش منفی و معنادار و مؤلفه احساس کوانتومی نقش مثبت و معناداری بر درگیری شغلی دارد. مدیریت کوانتومی به‌طور مستقیم بر درگیری شغلی نقش معناداری ندارد؛ ولی مدیریت کوانتومی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی فضیلت سازمانی بر درگیری شغلی نقش معناداری داشت و مدل، از برآزش لازم برخوردار بود. با توجه به یافته‌ها به مدیران سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های آموزشی توصیه می‌شود تلاش‌های خود را جهت کاربرد مدیریت کوانتومی در سازمانشان به کار گیرند تا از این طریق، درگیری شغلی و فضیلت سازمانی کارکنان بالا رود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت کوانتومی، درگیری شغلی، فضیلت سازمانی، آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی.

مقدمه

امروزه با توجه به اهمیت و جایگاه نیروی انسانی در سازمان‌ها (Gukiina, & et al., 2019: 130) گرایش بیشتری نسبت به فضایل اخلاقی و انسانی پدید آمده و با تأکید بر آن‌ها سازمان‌ها می‌کوشند خلأهای اخلاقی و عاطفی را به حداقل برسانند (Whang, 2021: 7). علاوه بر این، در سازمان‌های امروزی به جهت تحولات گوناگون، موضوع اخلاق در مدیریت به‌ویژه فضیلت سازمانی مورد توجه قرار گرفته است. فضیلت‌ها، عادت‌ها، خواسته‌ها و اقدام‌هایی هستند که منجر به سود فردی و اجتماعی می‌شوند که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرند و پرورش، انتشار و تداوم می‌یابند (ضماهنی، موسویان و ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

فضیلت سازمانی^۱ اشاره به بافت و فضایی از سازمان دارد که طی آن عادات، آرمان‌ها و اقدامات مطلوب از قبیل رادمردی، صداقت، بخشش و اعتماد، هم در سطح فردی و هم در سطح گروهی مورد حمایت قرار می‌گیرد، توسعه و ترویج می‌یابد و تلاش می‌شود که این آرمان‌ها و اقدامات به صورت مداوم در سازمان جاری شوند (Cameron, Bright, & Caza, 2004: 772). فضیلت سازمانی به آن دسته از فضایی اطلاق می‌شود که در فضای سازمان شکل می‌گیرند و سازمان‌ها برای آن‌ها ارزش زیادی قائل هستند. همچنین مایه هویت و افتخار اعضای سازمان محسوب می‌شود (بهزادی، نعمی و بشلیده، ۱۳۹۲: ۲۴۱)؛ بنابراین سازمان فضیلت‌محور به سازمانی اطلاق می‌شود که براساس شایستگی‌های اخلاقی شکل می‌گیرد، مدیران و کارکنان آن، انسان‌هایی فضیلت‌مدار هستند و ارتباطات و فعل و انفعالات سازمانی براساس فضائل اخلاقی تنظیم می‌شود (درخشان و زندی، ۱۳۹۵: ۹۳).

فضیلت نقش مثبتی بر روی تجربه کارکنان و مشتریان سازمان دارد و تضمین می‌کند این نقش مثبت در جامعه نیز گسترش یابد. فضیلت در سازمان، به رفتار برتر و متعالی افراد سازمان اشاره دارد؛ از این رو آن دسته از ویژگی‌های سازمانی خاستگاه فضیلت سازمانی هستند که منجر به ظهور رفتارهای متعالی از سوی اعضای سازمان شوند (پابرجا، آهنگ و حیدریگی، ۱۳۹۵: ۱۷۳). فضیلت سازمانی به پیشرفت رفتارهای فردی درون سازمان منجر می‌شود. نتیجه فضیلت سازمانی، ایجاد احساسات مثبت در رفتار شهروندی سازمانی است؛ زیرا افراد با ذهنیت مثبت از سازمان، اعتبار سازمانی خود را می‌افزایند، اعتماد و احساس وفاداری را توسعه می‌دهند و برای حفظ و تقویت این اعتبار و انجام بهتر و کسب سود بیشتر برای سازمان تلاش می‌کنند (جاماسبی، ۱۳۹۵: ۹۴).

مهم‌ترین سرمایه سازمان، نیروی انسانی آن است و هرچه نیروی انسانی با کیفیت‌تر و مطلوب‌تر باشد، احتمال موفقیت، پیشرفت و بقا در سازمان بیشتر خواهد بود؛ بنابراین تمامی مدیران سازمانی برای بهبود کیفیت نیروی انسانی خود، باید تلاش کنند. بدین منظور سازمان‌ها و مدیران آن‌ها در تلاشند کارکنانی را استخدام کنند که از درگیری شغلی برخوردارند

(Albrecht, & Andreetta, 2011: 233). درگیری شغلی، نگرش متغیر مهمی در به حد اکثر رساندن اثربخشی سازمانی است (داداشی و پالی، ۱۴۰۲: ۴۷). درگیری شغلی به طور عمده شامل رضایت از کار، توان، فداکاری و دل‌بستگی است. توان، گویای سطح بالای انرژی، انعطاف‌پذیری روانی در حین کار، میل به صرف تلاش در کار خود و متفاوت بودن در رویارویی با مشکلات است (ضیائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱). در تعریفی ساده، درگیری شغلی به معنای همانندسازی روان‌شناختی فرد با شغلش تعریف شده است (تابع بردبار، اسماعیلی و آزاد، ۱۴۰۱: ۶۴). افرادی که درگیری شغلی بالایی دارند، تمایل بیشتری نسبت به عملکرد بهتر شغلی و دستیابی به اهداف سازمانی دارند (Yeh, 2021:772). همچنین به عقیده برخی از محققان درگیری شغلی با نتایج مثبتی مانند اعتماد به نفس بیشتر، سطوح بالاتر انگیزه، رضایت شغلی بالاتر، افزایش تعهد به سازمان، احساس موفقیت بالاتر، کاهش غیبت و قصد ترک خدمت کمتر مرتبط است (lambert, & et al., 2022: 6) درگیری شغلی به درجه‌ای که اشخاص به لحاظ روان‌شناختی با شغل فعلی‌شان هویت‌یابی می‌شوند، اشاره دارد (Mudrack, 2004: 499). اشخاص با درگیری شغلی، به ندرت به دست کشیدن از شغل خود می‌اندیشند و انتظار می‌رود تا مدت زیادی برای سازمان خود، فعالیت کنند (Brown, 2002: 13).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد درگیری شغلی کارکنان در سراسر جهان افت چشمگیری داشته است و گفته می‌شود کمتر از ۳۰ درصد کارکنان درگیری شغلی دارند.

عدم درگیری شغلی کارکنان، سالانه میلیاردها دلار برای اقتصاد کشورها زیان به همراه دارد (Shuck, Reio, & Rocco, 2011: 433). به طوری که درگیری شغلی پایین به بیگانگی با کار و سازمان، بی‌هدفی یا جدایی بین زندگی و شغل کارکنان سازمان منجر می‌شود (Hirschfeld, 2006: 1670). این درحالی است که کارکنان درگیر در کار، معمولاً پرانرژی و فعال هستند، به طور مثبتی با کار خود ارتباط برقرار می‌کنند و می‌کوشند کارشان را به طور اثربخشی به انجام برسانند. زمان برای کارمندانی که در محیط کار دارای درگیری شغلی بالایی هستند، به سرعت سپری می‌شود، از شغل خود رضایت دارند، روحیه مثبتی در کار نشان می‌دهند و نسبت به سازمان و همکاران خود تعهد بالایی ابراز می‌کنند (Carson, Carson, & Bedeian, 1995: 310).

شول و صداقت (۱۳۹۶) در مطالعه خود بیان داشتند اگر بتوان فعالیت‌های منابع انسانی را مدیریت کرد، می‌توان درگیری شغلی کارکنان را افزایش داد. حال با توجه به اهمیت روزافزون درگیری شغلی در سازمان‌ها به‌ویژه سازمان آموزش و پرورش که متولی امر تعلیم و تربیت است و با توجه به نقشی که درگیری شغلی بر بهبود کارایی کارکنان یک سازمان می‌گذارد، مدیران منابع انسانی و پژوهشگران در تلاش‌اند تا عوامل مؤثر بر ایجاد درگیری شغلی را شناسایی کنند و موجب افزایش بهره‌وری کارکنان آموزش و پرورش و رشد فرهنگی جامعه شوند (رنگریز و رضایی، ۱۳۹۴: ۸۴۰).

از جمله راه‌حلهایی که در دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگر برای درگیری شغلی کارکنان در سازمان‌ها مورد توجه اندیشمندان و متخصصان علم مدیریت قرار گرفته است، مدیریت در سازمان است (هاشمی و پورامین‌زاد، ۱۳۹۴: ۹). اندیشمندان علم مدیریت معتقد هستند که مدیران در قرن ۲۱ م باید شیوه‌های جدید مدیریتی را به‌کار گیرند تا بتوانند کارکنان را در کار درگیر کنند تا کمتر به دست‌کشیدن از کار بیاورند و چه‌بسا بهره‌وری و کارایی کارکنان نیز بالا رود (مزگی‌نژاد، آیتی و پورشافی، ۱۳۹۷: ۱۰)؛ بنابراین توانایی مدیران برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و به‌طور کلی مدیریت منابع انسانی مهم و ضروری به نظر می‌رسد (نظری جهرمی، نادریان جهرمی و دست برحق، ۱۴۰۱: ۴۳). یکی از این شیوه‌های مدیریت، مدیریت کوانتومی^۱ است (میرصفیان، ۱۳۹۸: ۲۲۵). یکی از اندیشه‌ها و رویکردهای نوین در حیطه مدیریت منابع انسانی و کارکنان، نظریه مدیریت کوانتومی است (Zohar, 2022: 38). بین^۲ مدیریت کوانتومی را ترکیبی از نظریه کوانتومی و علم مدیریت و همچنین کاربرد تفکر کوانتومی در علم مدیریت برشمرده است (2019: 2225).

بدیهی است به‌کارگیری و آگاهی از نظریه‌ها و تکنیک‌های نوین مدیریتی همچون مدیریت کوانتومی، همگام با تغییر و تحولات سریع هزاره سوم برای مدیران جامعه، ضروری و مهم به نظر می‌رسد (جامه‌بزرگی، سلیمانی و شعبانی بهار، ۱۴۰۱: ۷۴)؛ چراکه مدیریت کوانتومی رویکردی نوین در جهت ارتقای قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و اثربخشی مدیران به‌ویژه کارکنان است

(Shelton, & Darling, 2001: 269) که به خلاقیت و نوآوری و اعتماد توجه می‌کند و به دنبال آن است تا کارهای درستی انجام دهد (قنبری و مرادی، ۱۳۹۶: ۹۸). مدیریت کوانتومی دارای هفت مؤلفه دیدن کوانتومی (توانایی برای دیدن هدفمند، مبتنی بر این منطق که واقعیت ذاتاً ذهنی است که براساس انتظارات و باورهای مشاهده‌کننده ظهور می‌کند)، تفکر کوانتومی (توانایی فکر کردن به گونه‌ای متضاد)، احساس کوانتومی (توانایی احساس درونی خوبی داشتن بدون توجه به آنچه که در بیرون اتفاق می‌افتد)، دانستن کوانتومی (استفاده از فرایندهای تصمیم‌گیری و درک شهودی)، عمل کوانتومی (توانایی برای عمل به شیوه مسئولانه)، اعتماد کوانتومی (توانایی اعتماد به فرایندهای طبیعی زندگی و پذیرش ضرورت آشفتگی) و وجود کوانتومی (ارتباط فرصتی مناسبی برای یادگیری) است (هماینی دمیرچی، ۱۳۹۴: ۳۹). نتیجه اجرای مدیریت کوانتومی در هر سازمان، افزایش توانمندی، انگیزه و اشتیاق شغلی است و به دنبال آن می‌تواند درگیری شغلی در کارکنان را بالا ببرد تا بدین ترتیب سرزندگی سازمانی حفظ شود (Darling, & Earl Walker, 2001: 238).

یافته‌های پژوهش درخشان و زندی (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی رهبری اصیل بر فضیلت سازمانی» نشان داد که بین دو متغیر رهبری اصیل و فضیلت سازمانی پیوندی وجود دارد و رهبری اصیل، تجسم فضیلت سازمانی است و ابعاد رهبری اصیل می‌تواند متضمن رعایت ارزش‌های صداقت، عدالت، احترام، صراحت و سایر ارزش‌های انسانی باشد. همچنین جاماسبی (۱۳۹۵) بیان می‌دارد که فضیلت سازمانی بر رفتار شهروندی نیز رابطه معنادار دارد. یافته‌های پژوهش مشبکی اصفهانی و رضایی (۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهد که فضیلت سازمانی بر تعهد سازمانی و درگیری شغلی کارکنان اثر مثبت و معنادار دارد. یافته‌های پژوهش بهزادی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «رابطه وجدانی بودن، جو اخلاقی و رهبری اخلاقی با فضیلت سازمانی» نشان داد که هم ویژگی‌های فردی و هم ویژگی‌های محیطی از جمله مدیریت پیش‌بینی‌کننده خوبی برای شکل‌گیری فضیلت سازمانی است که در نتیجه می‌توان گفت مدیریت کوانتومی که یکی از روش‌های جدید مدیریتی است، بر فضیلت سازمانی اثر دارد.

نظر به ماهیت مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی و متغیر میانجی فضیلت سازمانی پژوهش‌های براری نوکاشتی، بنی مهد و یعقوب نژاد (۱۳۹۷)؛ میرصفیان و سلیمی (۱۳۹۴)؛ زارع، نوذری و خرمی

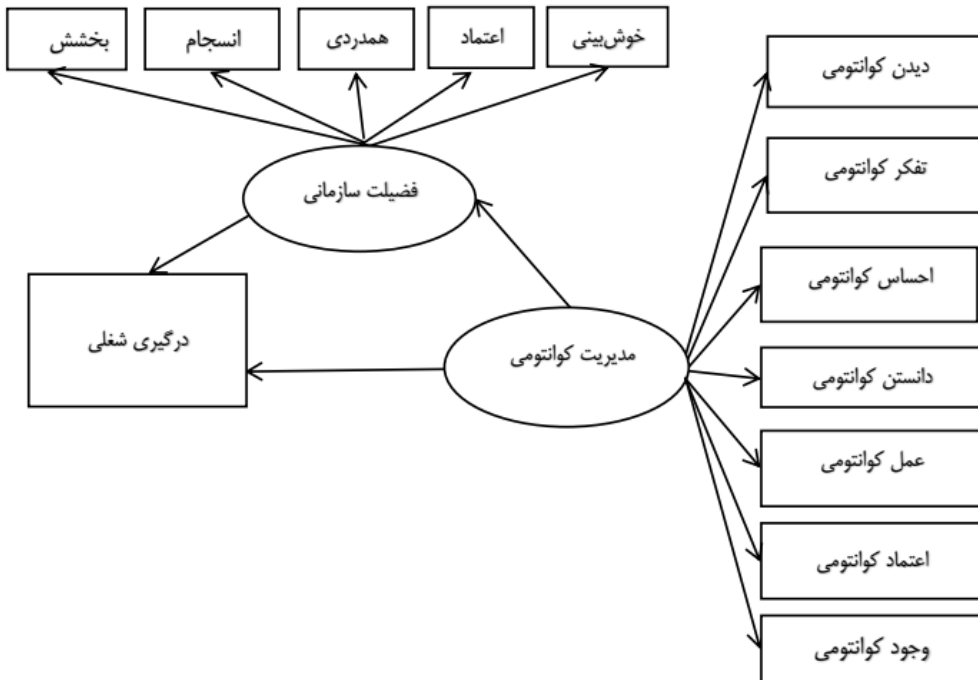
سروستانی (۱۳۹۶)؛ ترکزاده و عبدشریفی (۱۳۹۴)؛ هماینی دمیچی (۱۳۹۴)؛ خشوعی و نوری (۱۳۹۲) و حسینی، دهقان و دهقان (۱۳۹۲) ارتباط مفهومی مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد و با عنایت به پژوهش‌های نظری و میدانی فوق، می‌توان گفت که مؤلفه خوش‌بینی فضیلت سازمانی با نگاه کوانتومی و مؤلفه اعتماد سازمانی با اعتماد کوانتومی، مؤلفه انسجام سازمانی نیز با مؤلفه تفکر کوانتومی که هر دو در پی ارائه راه حل خلاقانه هستند، مرتبط است. مؤلفه بخشش با مؤلفه احساس کوانتومی که بیشتر به عواطف و احساسات درونی کارکنان اشاره دارد و مؤلفه همدردی سازمانی با مؤلفه عمل کوانتومی که انجام عمل مبتنی بر صداقت و دلسوزی را نشان می‌دهد، ارتباط مفهومی دارد.

اوزن^۱ (2018) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر فضیلت سازمانی ادراک‌شده توسط کارکنان سازمان‌های آموزشی بر شادکامی سازمانی ادراک‌شده در مدارس نشان داد مراتب بالای فضیلت سازمانی می‌تواند سطوح شادکامی سازمانی را پیش‌بینی و تبیین کند و سبب خوش‌بینی، اعتماد و ایجاد ارتباطات سازنده مثبت میان کارمندان یک سازمان شود. در تحقیقات مگنیر-واتانابه^۲ و همکاران (2020) و هم‌چنین ستیوکو^۳ و کورنیاسیه^۴ (2022) مشخص شد رشد فضیلت سازمانی، می‌تواند عملکرد شغلی کارمندان یک سازمان را به خوبی پیش‌بینی کند. سینگ^۵، دیوید^۶ و میکیلینینی^۷ (2018) نیز در پژوهش خود نشان دادند فضیلت سازمانی به‌طور مستقیم و به‌طور غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر شادی کارکنان، می‌تواند بر مشارکت و درگیری شغلی کارکنان یک شرکت صنعتی مؤثر واقع شود. علاوه بر این موارد، در پژوهش سان^۸ و یون^۹ (2022) مشخص شد میان فضیلت سازمانی و درگیری شغلی کارمندان یک هتل همبستگی معناداری وجود دارد

-
1. Ozen
 2. Magnier-Watanabe
 3. Setyoko
 4. Kurniasih
 5. Singh
 6. David
 7. Mikkilineni
 8. Sun
 9. Yoon

و سطوح بالای رعایت فضایل و اخلاق کاری در یک سازمان می‌تواند بر مشارکت و درگیری شغلی بیفزاید.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که برای داشتن آینده‌ای پویا و توسعه‌یافته و جهان پرقاب‌ت امروزی، به درگیری شغلی کارکنان نیازمندیم. مهم‌ترین عامل در روند درگیری شغلی، منابع انسانی شایسته و کارآمد آن است که بتوانند به‌وسیله مدیران کارآمد هدایت شوند و از منابع و امکانات در جهت دستیابی به اهداف سازمانی بهره‌گیرند. از دیگر سو، سازمان‌های آموزشی - به‌مثابه مهم‌ترین، مؤثرترین و گسترده‌ترین سازمان‌ها - که تعلیم و تربیت رسمی افراد جامعه را بر عهده دارند و نیز منابع انسانی سایر سازمان‌ها را تأمین می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (نصیری و لیک‌بنی، قلتاش و سرجهانی، ۱۳۹۴: ۷۳). پژوهش حاضر به بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده مدیریت کوانتومی در درگیری شغلی کارکنان و سپس به بررسی نقش میانجی فضیلت سازمانی در کارکنان آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی پرداخته است.



شکل ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کمی، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی است. نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به این صورت است که جامعه مورد مطالعه به "طبقاتی" تقسیم می‌شود و از هر طبقه، به تعداد مورد نظر و به طور تصادفی نمونه‌ها انتخاب می‌شوند (پورشافعی، ۱۳۹۷). در این روش استان خراسان جنوبی به چندین طبقه (اداره کل استان خراسان جنوبی، بیرجند، بشرویه، خوسف، درمیان، زیرکوه، سرایان، سربیشه، طبس، فردوس، قاین و نهبندان) تقسیم می‌شود و از هر یک از ادارات به ترتیب ۵۰، ۳۳، ۳۳، ۱۱، ۱۴، ۱۲، ۱۳، ۱۲، ۱۵، ۱۵، ۲۴، ۱۸ کارمند با روش نمونه‌گیری نسبتی انتخاب، که در مجموع ۲۵۰ نفر تعیین شدند. از آنجا که تعداد جامعه مورد نظر ۷۵۰ نفر است، کارکنان مورد نیاز براساس جدول مورگان و کرجسی ۲۵۰ نفر انتخاب شده‌اند. تعداد کارکنان اداری ادارات شهرستان‌های استان خراسان جنوبی به تفکیک در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. تعداد کارکنان اداری و نسبت نمونه‌های مورد نیاز آموزش و پرورش

شهرستان‌های استان خراسان جنوبی (۱۳۹۹ ش)

شهرستان‌ها	تعداد کارکنان	نمونه انتخاب‌شده	نسبت کارکنان
اداره کل	۱۵۷	۵۰	%۵۲
بشرویه	۱۰۰	۳۳	%۳۳
بیرجند	۱۰۰	۳۳	%۳۳
خوسف	۳۱	۱۱	%۱۰
درمیان	۴۲	۱۴	%۱۰
زیرکوه	۳۷	۱۲	%۱۲
سرایان	۳۹	۱۳	%۱۳
سربیشه	۳۶	۱۲	%۱۲
طبس	۴۵	۱۵	%۱۵
فردوس	۴۵	۱۵	%۱۵
قاین	۷۰	۲۴	%۲۳
نهبندان	۵۴	۱۸	%۱۸
جمع کارکنان	۷۵۰	۲۵۰	%۱۰۰

ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌های استاندارد درگیری شغلی لاداهل و کنجر^۱ (1995)، مدیریت کوانتومی میرصفیان (۱۳۹۵) و فضیلت سازمانی کامرون، برایت و کازه^۲ (2004) بود.

۱. **مدیریت کوانتومی:** این پرسش‌نامه مشتمل بر ۲۱ عبارت در هفت بعد نگاه کوانتومی (عبارات ۱ تا ۳)، تفکر کوانتومی (عبارات ۴ تا ۶)، احساس کوانتومی (عبارات ۷ تا ۹)، شناخت کوانتومی (عبارات ۱۰ تا ۱۲)، عمل کوانتومی (عبارات ۱۳ تا ۱۵)، اعتماد کوانتومی (عبارات ۱۶ تا ۱۸) و وجود کوانتومی (عبارات ۱۹ تا ۲۱) است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) است. در مطالعه میرصفیان (۱۳۹۵) روایی محتوایی این پرسش‌نامه تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شده است. روایی سازه این پرسش‌نامه در مطالعه میرصفیان و سلیمی (۱۳۹۴) با استفاده از تحلیل عاملی بررسی شده است و بار عاملی مهارت‌های مدیریت کوانتومی شامل نگاه کوانتومی (۰/۳۵)، تفکر کوانتومی (۰/۳۹)، احساس کوانتومی (۰/۴۰)، شناخت کوانتومی (۰/۴۰)، عمل کوانتومی (۰/۴۷)، اعتماد کوانتومی (۰/۴۷) و وجود کوانتومی (۰/۳۸) است. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه مزگی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مدیریت کوانتومی در کل و برای هر یک از ابعاد نگاه کوانتومی، تفکر کوانتومی، احساس کوانتومی، شناخت کوانتومی، عمل کوانتومی، اعتماد کوانتومی و وجود کوانتومی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۷، ۰/۶۲، ۰/۶۰، ۰/۶۰، ۰/۶۰، ۰/۶۸ و ۰/۶۸ به دست آمد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در کل و برای هر یک از مؤلفه‌های نگاه کوانتومی، تفکر کوانتومی، احساس کوانتومی، شناخت کوانتومی، عمل کوانتومی، اعتماد کوانتومی و وجود کوانتومی به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۸۸ و ۰/۸۴ به دست آمده است.

۲. **درگیری شغلی:** این پرسش‌نامه مشتمل بر ۲۰ سؤال است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۴) است؛ ولی عبارات ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود؛ به این صورت که گزینه کاملاً مخالفم نمره ۵ و کاملاً موافقم نمره ۱ است. حداقل نمره در این پرسش‌نامه ۲۰ و

1. Lodahl & Kenjer

2. Cameron, Bright & Caza

حداکثر نمره ۸۰ است و هرچه نمره به ۸۰ نزدیک‌تر شود، نشانه وضعیت بهتر درگیری شغلی است. در مطالعه شجاعی‌فر، مرزیه و ناستی زایی (۱۳۹۶) روایی محتوایی این پرسش‌نامه تأیید شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۷ به دست آمده است.

۳. فضیلت سازمانی: این پرسش‌نامه مشتمل بر ۱۵ سؤال در پنج بعد خوش‌بینی (سوالات ۱ تا ۳)، اعتماد (سوالات ۴ تا ۶)، همدردی (سوالات ۷ تا ۹)، یکپارچگی (سوالات ۱۰ تا ۱۲) و بخشش (سوالات ۱۳ تا ۱۵) است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) است. در مطالعه خشوعی و نوری (۱۳۹۲) اعتبار سازه این پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی تأیید شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در کل ۰/۹۳ به دست آمد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در کل و برای هر یک از مؤلفه‌های خوش‌بینی، اعتماد، همدردی، یکپارچگی و بخشش به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۷۹، ۰/۸۲، ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ به دست آمده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری AMOS¹⁶ و مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

از ۲۵۲ نفر مورد مطالعه، ۱۳۸ نفر (۵۴/۸٪) مرد و ۱۱۴ نفر (۴۵/۲٪) زن بودند. بیشتر کارکنان دارای تحصیلات لیسانس (۵۹/۵٪) و دارای سابقه کار بیشتر از ۲۰ سال (۳۴/۱٪) بودند. برای بررسی سؤال‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد. ابتدا پیش‌فرض‌های رگرسیون بررسی شد و پس از اطمینان از برقراری پیش‌فرض‌ها، آزمون رگرسیون چندگانه اجرا شد. پیش‌فرض‌های مورد بررسی به شرح زیر بودند:

۱. نرمال بودن باقیمانده‌ها: برای بررسی این پیش‌فرض چنانچه ضرایب کجی و کشیدگی در محدوده قابل قبول (بین -۲ تا ۲) قرار داشته باشند، نتیجه گرفته می‌شود که خطاهای مدل

رگرسیون دارای توزیع نرمال است. متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار هستند و در نتیجه خطاهای مدل رگرسیون دارای توزیع نرمال است.

۲. استقلال مقادیر خطاها: بررسی این پیش فرض با استفاده از آزمون دوربین واتسون انجام می‌گیرد که چنانچه مقادیر آن در بازه ۱ تا ۳ قرار داشته باشد، به معنای عدم همبستگی بین خطاهاست. آزمون دوربین واتسون برای مدل رگرسیون‌هایی به ترتیب ۲/۰۸، ۲/۰۵ و ۲/۱۰ به دست آمد و با توجه به اینکه همبستگی بین باقی‌مانده‌ها در تحلیل رگرسیون بین ۱ و ۳ قرار دارد، این تبیین ایجاد می‌شود که مفروض فوق برقرار است.

۳. عدم هم‌خطی چندگانه یا عدم همبستگی بین متغیرهای مستقل: بررسی این پیش فرض از طریق شاخص‌های ضریب تحمل (تولرنس) و عامل تورم واریانس (VIF) صورت می‌گیرد. شاخص تولرنس درصد تغییر یک متغیر پیش‌بین است که توسط سایر متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین نیست و بنابراین هرچه بیشتر و نزدیک به ۱ باشد نشان‌دهنده از هم‌خطی (همبستگی) کمتر بین آن متغیر با سایر متغیرهای پیش‌بین است. عامل تورم واریانس معکوس شاخص تولرنس است و هرچه کمتر و نزدیک به ۱ باشد، بهتر است. چنانچه برای متغیرهای پیش‌بین، شاخص تحمل بیشتر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است کمتر از ۵ به دست آید، نتیجه گرفته می‌شود مفروض عدم هم‌خطی چندگانه برقرار است.

برای مدل‌های رگرسیون که در ادامه می‌آید، شاخص تحمل بیشتر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس کمتر از ۵ به دست آمد؛ بنابراین مفروض عدم هم‌خطی چندگانه برقرار است.

۱. آیا مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی، پیش‌بینی‌کننده درگیری شغلی کارکنان است؟

جدول ۲. همبستگی مدیریت کوانتومی در کل و مؤلفه‌های آن با

درگیری شغلی در کارکنان مورد مطالعه

درگیری شغلی		متغیر
p	R	
<۰/۰۰۱	-۰/۳۹	نگاه کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۴۵	تفکر کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۳۳	احساس کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۴۱	شناخت کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۴۵	عمل کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۴۲	اعتماد کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۳۵	وجود کوانتومی
<۰/۰۰۱	-۰/۴۵	مدیریت کوانتومی در کل

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۲ نشان می‌دهد که بین مدیریت کوانتومی در کل و مؤلفه‌های آن با درگیری شغلی در کارکنان مورد مطالعه رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p < 0/001$).

برای تعیین اینکه مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی به چه میزان می‌توانند درگیری شغلی در کارکنان مورد مطالعه را تبیین کنند، از آزمون رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد که متغیر درگیری شغلی به‌عنوان متغیر ملاک و مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شدند.

جدول ۳. نتایج رگرسیون مربوط به اثر مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی

در کارکنان مورد مطالعه

دوربین واتسون	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات	
								مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی	مقدار باقی‌مانده جمع کل
۲/۰۸	۰/۲۶	۰/۵۱	<۰/۰۰۱	۱۱/۶۶	۰/۷۰	۷	۴/۹۰	رگرسیون	مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی
					۰/۰۶	۲۴۴	۱۳/۷۱	مقدار باقی‌مانده	
						۲۴۹	۱۸/۶۱	جمع کل	

نتیجه آزمون مذکور نشان داد که مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی با هم می‌توانند ۲۶٪ درگیری شغلی در کارکنان مورد مطالعه را پیش‌بینی کنند که از نظر آماری معنادار بود ($p < 0.001, F = 11.66$).

جدول ۴. ضرایب رگرسیون مربوط به اثر مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی

در کارکنان مورد مطالعه

VIF	ضریب تحمل	سطح معنی‌داری	مقدار t	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد		متغیر
				B	خطا استاندارد	B	
		<۰/۰۰۱	۳۷/۰۲		۰/۰۸	۲/۸۵	ثابت
۳/۳۶	۰/۳۰	۰/۷۴	۰/۳۳	-۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۱	نگاه کوانتومی
۳/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۰۴	۲/۹۱	-۰/۲۹	۰/۰۳	-۰/۰۸	تفکر کوانتومی
۴/۳۱	۰/۲۳	۰/۰۳	۲/۱۷	۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۰۷	احساس کوانتومی
۴/۸۲	۰/۲۱	۰/۶۲	۰/۵۰	-۰/۰۶	۰/۰۴	-۰/۰۲	شناخت کوانتومی
۴/۴۴	۰/۲۳	۰/۰۶	۱/۹۱	-۰/۲۲	۰/۰۴	-۰/۰۷	عمل کوانتومی
۴/۳۸	۰/۲۳	۰/۰۱	۲/۶۸	-۰/۳۱	۰/۰۴	-۰/۱۰	اعتماد کوانتومی
۴/۰۳	۰/۲۵	۰/۱۹	۱/۳۰	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۰۵	وجود کوانتومی

نتایج ضرایب رگرسیون در جدول ۴ نشان می‌دهد مؤلفه‌های تفکر کوانتومی و اعتماد کوانتومی اثر منفی و معناداری بر درگیری شغلی کارکنان مورد مطالعه دارند. همچنین مؤلفه احساس کوانتومی بر درگیری شغلی کارکنان اثر مثبت و معناداری داشت ($p < 0.05$)؛ ولی سایر مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی اثر معناداری نداشتند ($p > 0.05$). ضرایب بتا ۰/۲۹- و ۰/۳۱- نشان‌دهنده آن است که به‌ازای افزایش یک نمره مدیریت کوانتومی در مؤلفه‌های تفکر کوانتومی و اعتماد کوانتومی، درگیری شغلی در کارکنان به‌ترتیب به میزان ۰/۲۹ و ۰/۳۱ کاهش می‌یابد.

همچنین ضریب بتا ۰/۲۵ نشان دهنده آن است که به ازای افزایش یک نمره مدیریت کوانتومی در مؤلفه احساس کوانتومی، درگیری شغلی در کارکنان به میزان ۰/۲۵ افزایش می‌یابد.

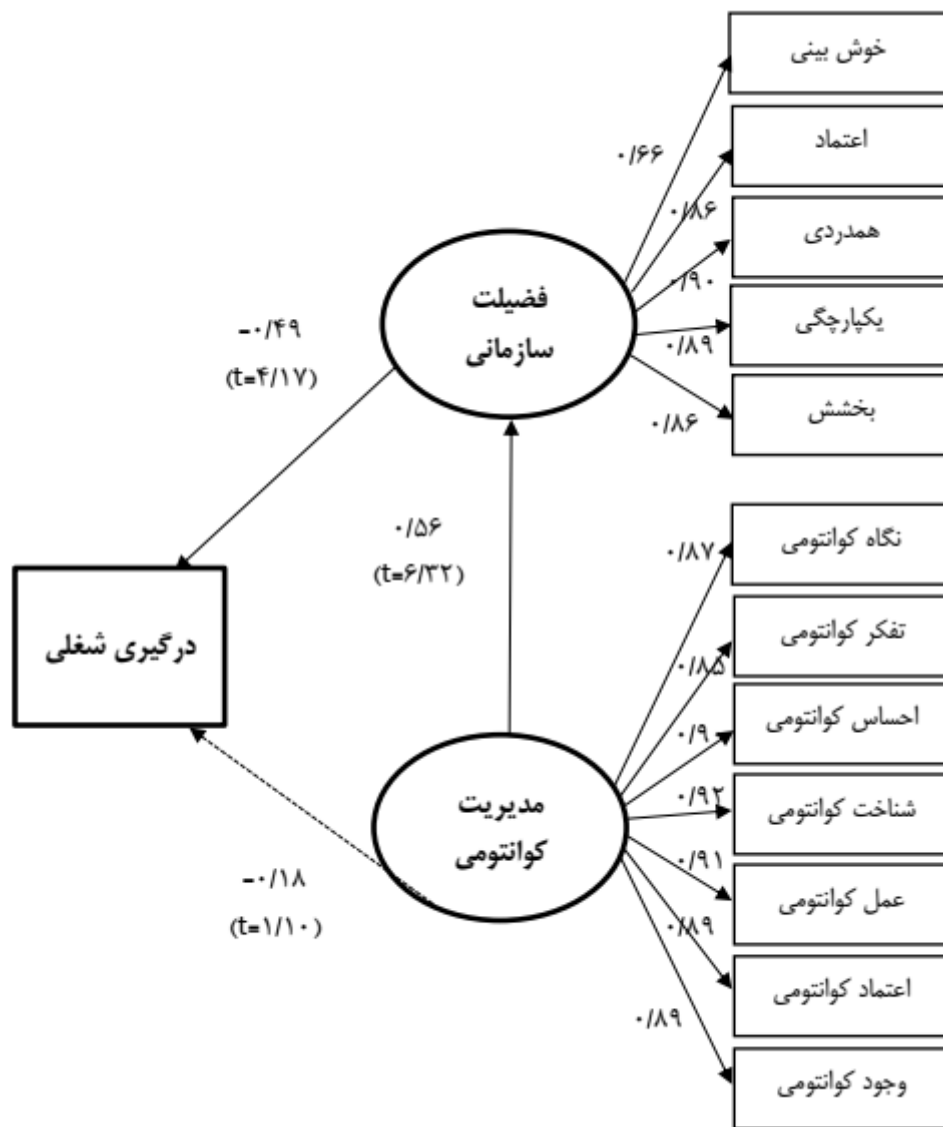
۲. آیا فضیلت سازمانی در رابطه بین مدیریت کوانتومی و درگیری شغلی کارکنان نقش

میانجی دارد؟

برای بررسی نقش میانجی فضیلت سازمانی در رابطه بین مدیریت کوانتومی و درگیری شغلی کارکنان از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد:

در شکل ۱، ضرایب مسیر مربوط به اثر مدیریت کوانتومی بر فضیلت سازمانی و همچنین اثر فضیلت سازمانی بر درگیری شغلی به ترتیب (۰/۵۶) و (۰/۴۹-) گزارش شده است و از آنجا که آماره t برای مسیرهای مذکور به ترتیب (۶/۳۲) و (۴/۱۷) است که از ۱/۹۶ بیشتر شده است، مبین معناداری ضرایب مسیر مربوطه است و می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت کوانتومی بر فضیلت سازمانی و فضیلت سازمانی بر درگیری شغلی کارکنان اثر معناداری دارد؛ به عبارتی فضیلت سازمانی در اثر مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی نقش میانجی دارد.

ضریب مسیر مربوط به اثر مستقیم مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی (۰/۱۸-) گزارش شده است و از آنجا که آماره t مربوط به این مسیر (۱/۱۰) کمتر از ۱/۹۶ است، نتیجه گرفته می‌شود که مدیریت کوانتومی به‌طور مستقیم بر درگیری شغلی اثر معناداری ندارد.



شکل ۲. ضریب مسیر مدل مربوط به نقش میانجی فضیلت سازمانی در اثر مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی کارکنان

نتایج نشان داد که مدیریت کوانتومی به طور مستقیم بر درگیری شغلی اثر معناداری ندارد؛ ولی مدیریت کوانتومی به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی فضیلت سازمانی بر درگیری شغلی اثر معناداری داشت. به منظور تأیید نقش میانجی فضیلت سازمانی در اثر مدیریت کوانتومی بر

درگیری شغلی کارکنان از آزمون Z سوبل استفاده شد که نتیجه این آزمون حاکی از تأیید نقش میانجی فضیلت سازمانی در اثر متغیر پیش‌بین بر ملاک است ($Z=3/72$ ، $p<0/001$):

$$Z_{value} = \frac{A \times B}{\sqrt{B^2 \times S_a^2 + A^2 \times S_b^2}}$$

که در این فرمول:

A: ضریب رگرسیونی اثر متغیر پیش‌بین بر میانجی = (0/56)

B: ضریب رگرسیونی اثر متغیر میانجی بر ملاک = (-0/49)

S_a: خطای استاندارد رابطه میان متغیر پیش‌بین و میانجی = (0/11)

S_b: خطای استاندارد رابطه میان متغیر میانجی و ملاک = (0/09)

$$Z_{value} = \frac{(0.56) \times (-0.49)}{\sqrt{(-0.49)^2 \times (0.11)^2 + (0.56)^2 \times (0.09)^2}} = 3.72$$

۳. آیا مدل پژوهش از برازش لازم برخوردار است؟

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش نقش میانجی فضیلت سازمانی و مدیریت کوانتومی

بر درگیری شغلی کارکنان

نام شاخص	اختصار	مقدار	بrazش قابل قبول
شاخص نیکویی برازش	GFI	0/85	0/9 >
شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	0/78	0/9 >
شاخص برازش هنجارنشده	NNFI	0/95	0/9 >
شاخص برازش هنجارشده	NFI	0/95	0/9 >
شاخص برازش تطبیقی	CFI	0/96	0/9 >
شاخص برازش نسبی	RFI	0/94	0/9 >
شاخص برازش فزاینده	IFI	0/96	1-0
شاخص برازش مقتصد هنجارشده	PNFI	0/73	0/5 >
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	0/1	0/1 <
کای مربع هنجارشده	CMIN	2/30	مقداری بین 1 تا 3

چون شاخص‌های برازندگی تطبیقی^۱ (CFI) و شاخص برازندگی نرمال^۲ (NFI) به ترتیب برابر ۰/۹۶ و ۰/۹۵ است و شاخص روایی متقاطع^۳ (ECVI) نیز ۱/۵۷ در فاصله اطمینان (۱/۳۸-۱/۷۹) قرار گرفت و کوچک‌تر از مدل اشباع‌شده به دست آمد، حاکی از تقریب معقولی از مدل در جامعه است. با توجه به اینکه ریشه دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA)، ۰/۱۰ به دست آمد، برازش مدل قابل قبول ارزیابی می‌شود. نسبت مجذور کای (۳۸۶/۴۲) به درجه آزادی (۱۶۸) برابر ۲/۳۰ شد. مطابق با ملاک‌های پیشنهادی بایرن عدد کمتر از ۳ را نشان داد که می‌توان استنباط کرد مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد مؤلفه‌های تفکر کوانتومی و اعتماد کوانتومی اثر منفی و معناداری بر درگیری شغلی کارکنان مورد مطالعه دارند و مؤلفه احساس کوانتومی بر درگیری شغلی کارکنان اثر مثبت و معناداری داشت؛ ولی سایر مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی بر درگیری شغلی اثر معناداری نداشتند. با توجه به این نتایج می‌توان بیان کرد دیدگاه مدیریت کوانتومی، جهان را به‌عنوان یک سیستم پویا، خودسازمان‌ده و غیرقابل‌پیش‌بینی توصیف می‌کند. در این دیدگاه سازمان‌ها باید آرایش یادگیرنده و خودکنترلی داشته باشند. سازمان‌ها درصدد ایجاد توانایی‌های شخصیت پرسش‌جو، ارتباط برقرار کردن، ایجاد رفتار محترمانه، ایجاد انگیزه در مخاطب، برخورد پخته با مسائل، آزادی فکر و حفظ آن و خودکنترلی هستند که همه این‌ها با برخورداری از مهارت‌های کوانتومی امکان‌پذیر می‌شود. در نتیجه، شرایطی به وجود می‌آید تا افراد با کسب دانش شغلی جدید آشنا شوند؛ ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را در جهت افزایش موفقیت و بهره‌وری توسعه دهند؛ با توان بیشتری برای اهداف سازمان فعالیت کنند و بدین وسیله میزان دلبستگی روانی فرد نسبت به شغلش افزایش می‌یابد و درگیر در کار می‌شود.

-
1. Comparative Fit Index (CFI)
 2. Normed Fit Index (NFI)
 3. Expected Cross Validation Index (ECVI)

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد مدیریت کوانتومی به طور مستقیم بر درگیری شغلی اثر معناداری ندارد؛ ولی مدیریت کوانتومی به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی فضیلت سازمانی بر درگیری شغلی اثر معناداری داشت و مدل، از برازش لازم برخوردار بود.

با توجه به نتایج مطالعه می توان بیان کرد که نظریه کوانتومی خدمتی است به اثربخشی مدیران که آن ها را از تفکرات و رفتارهای ماشینی و جبری به رفتارهای پویا، خلاق و اثربخش هدایت می کند. در دیدگاه کوانتومی هر سازمانی بر مبنای یک جهان کوچک در نظر گرفته می شود و برخلاف نظریه های قبلی و کلاسیک که ساختار سلسله مراتبی را باور داشتند، در این دیدگاه تأکید بر تعامل، همکاری، برابری، ارتباط، سود دوطرفه، هماهنگی و گستردگی است و فردگرایی در این تئوری جایگاهی ندارد. مدیریت کوانتومی از طریق ایجاد حس مسئولیت پذیری و تعهد در کارکنان می تواند از توانایی ها و استعداد های افراد برای اهداف عالی سازمان استفاده کند. هر اندازه افراد مهارت های کوانتومی بالایی داشته باشند، مسئولیت پذیری بیشتری دارند؛ در حل تعارضات توانایی بالاتری خواهند داشت و به همان میزان چابک تر خواهند بود. بر این اساس مدیریت کوانتومی، به عنوان یک علم جدید در نظام مدیریتی سازمان ها، این توان را دارد تا بتواند با ترویج انسانیت، صداقت، اعتماد و وفاداری شرایطی را به وجود بیاورد تا افراد در سطح فردی و جمعی در یک سازمان در جهت موفقیت سازمان تلاش کنند که در چنین شرایطی فضیلت سازمانی نیز افزایش خواهد یافت؛ زیرا کارکنان با صداقت، اعتماد و وفاداری بیشتری برای اهداف سازمان فعالیت خواهند کرد.

همچنین وجود مهارت های کوانتومی در سازمان موجب می شود که مدیران کوانتومی به نشانه های تغییر حساس شوند و با خلاقیت و دانش موجب سوق دادن سازمان به سوی آینده و بهره وری بیشتر شوند. چنین مدیرانی تلاش می کنند امکاناتی را که ممکن است طی چند سال آینده برای ارتقا و بهره وری سازمان در اختیار کارکنان قرار گیرد، امروز فراهم کنند. مدیرانی که دارای مهارت های کوانتومی هستند، تضاد در سازمان را برای رسیدن به فهم مشترک و تصمیم بهینه لازم می دانند و شرایطی را فراهم می کنند که در آن وضعیت، به تفاوت ها احترام گذاشته می شود و کنترل و سلطه جای خود را به اعتماد دوطرفه دهد. مدیر برخوردار از مهارت های کوانتومی، آشوب را امری طبیعی می داند و قدرت و کنترل را به دلیل اعتماد به توانایی کارکنان

برای خودسازمان‌دهی به آنان واگذار کرده است و بر خلاقیت، خودسازمان‌دهی و پاسخگویی سریع تأکید می‌کند.

فضیلت در سازمان به معنای ایجاد، ترویج، حمایت و پرورش رفتارها، عادت‌ها، اعمال و تمایلات رفیع و متعالی از قبیل انسانیت، صداقت، بخشش، اعتماد و وفاداری در سطح فردی و جمعی در یک سازمان است. فضیلت سازمانی تجربه کارکنانی است که در کارشان پرحرارت و باانرژی هستند، از رضایت شغلی برخوردارند، معنا و هدف در کارشان را درک می‌کنند و احساس می‌کنند با همکارانشان ارتباطی اثربخش دارند. فضیلت‌گرایی در کار با افزایش خلاقیت، صداقت، اعتماد و تعهد در محیط کار، همراه با بالارفتن احساس تکامل شخصی و بالندگی کارکنان پیوند خورده است که این شرایط می‌تواند زمینه‌ساز درگیری شغلی هرچه بیشتر کارکنان را فراهم کند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود با اقداماتی مانند قدردانی از تلاش کارکنان، دادن فرصت یادگیری به کارکنان، ایجاد فضای حمایتی درون‌سازمانی، تعریف روشن و واضحی از وظایف و مسئولیت‌ها جهت رفع سردرگمی، تعریف مشاغل معنی‌دار در ساختار سازمانی، شرایطی برای افزایش درگیری شغلی کارکنان فراهم شود. همچنین به مدیران پیشنهاد می‌شود با استفاده از پرسش‌نامه فضیلت سازمانی نسبت به ارزیابی مداوم نیروی‌های سازمانی اقدام کنند تا با توجه به شناختی که از ابعاد فضیلت سازمانی به دست می‌آورند، گام‌های عملی را برای بهبود عملکرد کارکنان و اوضاع سازمان تحت مدیریت خود بردارند. با توجه به بالابودن سطح مدیریت کوانتومی و پیامدهای مثبت ناشی از آن نیز پیشنهاد می‌شود زمینه‌آشنایی سایر سازمان‌ها با این نوع مدیریت فراهم شود.

تشکر و قدردانی: در انجام فعالیت میدانی از اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی و اساتید محترم دانشگاه بیرجند قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- براری نوکاشتی، صغری، بنی‌مهد، بهمن، و یعقوب‌نژاد، احمد. (۱۳۹۷). انعطاف‌پذیری حسابداری و خوش‌بینی مدیران: آزمون تئوری اختیارات مدیریتی. *حسابداری مدیریت*، ۱۱ (۳۷)، ۱۴-۱.
- بهزادی، الهام، نعمی، عبدالزهرا، و بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۲). بررسی رابطه فضیلت سازمانی با رفتار مدنی سازمانی، وفاداری سازمانی و بهزیستی معنوی در کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون. *فصلنامه دستاوردهای روان‌شناختی*، ۲۰ (۲)، ۲۳۳-۲۵۶.
- پابرجا، الهام، آهنگ، فرحناز، و حیدریگی، شهلا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه فضیلت سازمانی و شادی سازمانی. *فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*، ش ۴۲، ۱۶۱-۱۸۸.
- پورشافعی، هادی. (۱۳۹۷). پژوهش و نگارش علمی با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی و تدوین مقاله. *بیرجند: انتشارات چهاردرخت*.
- تابع بردبار، فریبا، اسماعیلی، معصوم، و آزاد، رضا. (۱۴۰۱). پیش‌بینی فرسودگی روان‌شناختی معلمان براساس کیفیت زندگی و درگیری شغلی در دوران پاندمی کرونا در شهرستان مرودشت. *فصلنامه علمی روان‌شناسی کار*، ۱ (۲)، ۶۱-۷۰. Doi: 10.30473/JPSY.2022.9244
- ترک‌زاده، جعفر، و عبدشریفی، فاطمه. (۱۳۹۴). پیش‌بینی آمادگی برای تغییر سازمانی براساس ادراک کارکنان بانک از نوع ساختار سازمانی با نقش واسطه‌گری انسجام سازمانی. *فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۲۴ (۷۸)، ۳۳-۶۴.
- جاماسی، نوین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی. *فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*، ش ۴۰، ۸۶-۱۰۷.
- جامه‌بزرگی، طیبه، سلیمانی، مجید، و شعبانی بهار، غلامرضا. (۱۴۰۱). اثر مهارت‌های مدیریت کوانتومی مدیران در عملکرد سازمانی با نقش میانجی هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان. *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، ۹ (۲)، ۷۱-۸۱.

- حسینی، عبدالرسول، دهقان، مژده، و دهقان، نجمه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ارتباطات سازمانی و همدلی سازمانی. مجموعه مقالات در کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها. شیراز.
- خشوعی، مهدیه‌سادات، و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). ساختار عاملی فضیلت سازمانی و نقش رفتار شهروندی سازمانی در آن. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۵۴، ۲۶-۳۴.
- داداشی، معصومه، و پالی، سمیرا. (۱۴۰۲). ارائه مدل ساختاری از عملکرد شغلی براساس مهارت‌های ارتباطی با میانجی‌گری درگیری شغلی در معلمان مدارس ابتدایی. فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش، ۵ (۱)، ۴۲-۶۶. doi:10.22034/jmep.2022.345442.1123
- درخشان، مژگان، و زندی، خلیل. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر رهبری اصیل بر فضیلت سازمانی. پژوهشنامه مدیریت تحول، ۸ (۱۵)، ۸۸-۱۰۶. doi: 10.22067/pmt.v8i15.51527
- رنگریز، حسن، و رضایی، سعید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر صدای کارمند بر خلاقیت و عملکرد کارکنان با میانجی‌گری درگیری شغلی. فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۳ (۳)، ۸۳۳-۸۵۶. doi:10.22059/JOMC.2015.54741
- زارع، ابوذر، نوذری، ولی، و خرمی سروستانی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عدالت سازمانی و اعتماد سازمانی بر عملکرد شغلی با نقش میانجی انگیزش شغلی دبیران تربیت‌بدنی شهر شیراز. فصلنامه مطالعات تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، ۲ (۳)، ۱۴۱-۱۴۹.
- شجاعی‌فر، زینب، مرزیه، افسانه، و ناستی‌زایی، ناصر. (۱۳۹۶). رابطه اخلاق حرفه‌ای با مدیریت دانش و درگیری شغلی. مجله اخلاق زیستی، ۷ (۲۳)، ۱۷-۲۸.
- شول، عباس، و صداقت، امین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر فعالیت‌های منابع انسانی بر رفتار شهروندی سازمانی با نقش میانجی درگیری شغلی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر. پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری. تهران: انجمن مدیریت ایران.
- ضماهنی، مجید، موسویان، عاطفه‌سادات، و ملک‌زاده، سمنبر. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین پرورش فضیلت‌های سازمانی و بهبود فضایل اخلاقی در سازمان. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۳ (۱۰)، ۱۱۵-۱۲۶.

- ضیائی، منصور، رضائی، قباد، یارمحمدی، حامد، خوشبو، الهه، و قره‌گوزلو، فرامرز. (۱۳۹۴). ارتباط درگیری شغلی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی معلمان مقطع راهنمایی دالاهو (کرمانشاه) در سال ۱۳۹۲. *مجله ارگونومی*، ۳ (۱)، ۵۹-۶۴.
- قنبری، سیروس، و مرادی، علی. (۱۳۹۶). رابطه مهارت‌های مدیریت کوانتومی مدیران و آمادگی کارکنان برای تغییر سازمانی. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱۱ (۳)، ۸۷-۱۰۹.
- مزگی‌نژاد، سمیه، آیتی، محسن، و پورشافعی، هادی. (۱۳۹۷). نقش مدیریت کوانتومی در بهره‌وری انسانی با توجه به میانجی‌آوای سازمانی در کارکنان آموزش و پرورش شهر بیرجند. *دوفصلنامه مدیریت برآموزش سازمان‌ها*، ۷ (۱)، ۴۱-۷۷.
- مشبکی‌اصفهانی، اصغر، و رضایی، زینب. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فضیلت سازمانی و تعلق خاطر کاری بر تعهد سازمانی. *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ۲۲ (۷۳)، ۱-۲۳.
- Doi:20.1001.1.22518037.1393.23.73.1.6
- میرصفیان، حمیدرضا. (۱۳۹۵). بررسی سهم نسبی مدیریت کوانتومی بر مؤلفه‌های اشتیاق شغلی کارکنان ادارات تربیت‌بدنی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور. *فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت*، ۱۳ (۱)، ۴۲-۴۷.
- _____ (۱۳۹۸). تأثیر مداخله آموزشی مهارت‌های هفتگانه مدیریت کوانتومی بر رضایت شغلی، دلبستگی شغلی و تعهد سازمانی معلمان تربیت‌بدنی. *فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۱ (۵۳)، ۲۱۹-۲۳۶.
- Doi: 10.22089/smrj.2017.4040.1779
- میرصفیان، حمیدرضا، و سلیمی، مهدی. (۱۳۹۴). تعیین سهم نسبی مؤلفه‌های مدیریت کوانتومی بر رفتارهای کارآفرینی کارکنان سازمان ورزش و جوانان استان اصفهان. *مجله رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی*، ۳ (۱۱)، ۸۵-۹۷.
- نصیری ولیک‌بنی، فخرالسادات، قلتاش، عباس، و سرچپانی، زهرا. (۱۳۹۴). رابطه توانمندسازی کارکنان با عملکرد شغلی و بهره‌وری نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش استان فارس. *دوفصلنامه مدیریت برآموزش سازمان‌ها*، ۴ (۲)، ۶۳-۹۰.

- نظری جهرمی، نحله، نادریان جهرمی، مسعود، و دست‌برحق، حسین. (۱۴۰۱). ارائه مدل توسعه مدیریت کوانتومی در سازمان‌های ورزشی با رویکرد گراند تئوری. مدیریت و رفتار سازمانی در ورزش، ۱۱ (۶)، ۳۷-۵۲.
- هاشمی، حامد، و پورامین‌زاد، سعیده. (۱۳۹۴). چالش‌های فراروی توسعه منابع انسانی و راهکاری برای رفع آن. فصلنامه کار و جامعه، ۶ (۱۳)، ۱-۱۸.
- هماینی دمیرچی، امین. (۱۳۹۴). کوانتوم و مدیریت کوانتومی. تهران: انتشارات بعثت.
- Albrecht, S. L., & Andreetta, M. (2011). The Influence of Empowering Leadership, Empowerment and Engagement on Affective Commitment and Turnover Intentions in Community Health Service Workers Test of a Model. *Leadership in Health Services*, 24(3), 228-237.
- Brown, S. P. (2002). Ameta- analysis and review of organizational research on job involvement. *psychological Bullentin*, 12(2), 225-235.
- Cameron, K. S., Bright, D., & Caza, A. (2004). Exploring the relationships between organizational virtuousness and performance. *American Behavioral Scientist*, 47(6), 766-790. Doi: 10.1177/0002764203260
- Carson, K. D., Carson, P. P., & Bedeian, A. G. (1995). Development and construct validation of a career entrenchment measure. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 68(4), 301-320.
Doi: doi.org/10.1111/j.2044-8325.1995.tb00589.x
- Darling, J. R., & Earl Walker, W. (2001). Effective conflict management: use of the behavioral style model. *Leadership & Organization Development Journal*, 22(5), 230-242.
- Gukiina, J., Ntayi, J., Balunywa, W., & Ahiauzu, A. (2019). Organizational virtuousness: The customers' perspective. *African Social Science Review*, 10(1), 106-163.
- Hirschfeld, R. (2006). Achievement orientation and psychological Involvement in job tasks: The interactive effects of work alienation and intrinsic job satisfaction. *Journal of Applied Social Psychology*, 32(8), 1663-1681.
- Lambert, E., Qureshi, H., Frank, J., Holbrook, M., Hines, C., & Worley, V. (2022). The Effects of Work Demand and Resource Variables on Indian Prison Staff Job Involvement. *International Criminology*, 2(1), 1-13.
- Lodahl, Th. M., & Kenjer, M. (1995). The Definition and Measurement of Job Involvement. *Journal of Applied Psychology*, 49, 24-33.

- Magnier-Watanabe, R., Uchida, T., Orsini, P., & Benton, C. F. (2020). Organizational virtuousness, subjective well-being, and job performance: Comparing employees in France and Japan. *Asia-Pacific journal of business administration*, 12(2), 115-138.
- Mudrack, P. E. (2004). Job Involvement, Obsessive compulsive Personality Traits, and Workaholic Behavioral Tendencies. *Journal of Organizational Change Management*, 17(5), 490-508.
- Ozen, F. (2018). The Impact of the Perception of Organizational Virtue on the Perception of Organizational Happiness in Educational Organizations. *Educational Policy Analysis and Strategic Research*, 13(4), 124-140.
- Setyoko, P. I., & Kurniasih, D. (2022). The Role of perceived organizational support (POS), organizational virtuousness (OV) on performance and employee well-being (EWB) of non-profit organizations in the post-pandemic period. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 13(08): 1940-1944.
Doi:10.47750/pnr.2022.13.S08.236
- Singh, S., David, R., & Mikkilineni, S. (2018). Organizational virtuousness and work engagement: Mediating role of happiness in India. *Advances in Developing Human Resources*, 20(1), 88-102. Doi:10.1177/1523422317741885
- Shelton, C. K., & Darling, J. R. (2001). The quantum skills model in management: a new paradigm to enhance effective leadership. *Leadership & Organization Development Journal*, 22(6), 264-273.
- Shuck, B., Reio, T. G., Rocco, T. S. (2011). Employee engagement: an examination of antecedent and outcome variables. *Human Resource Development International*, 14(4), 427-445.
- Sun, H. J., & Yoon, H. H. (2022). Linking organizational virtuousness, engagement, and organizational citizenship behavior: The moderating role of individual and organizational factors. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 46(5), 879-904. Doi: 10.1177/1096348020963701
- Whang, N. (2021). The virtue of school leadership: Three paths to fulfilling value forms. *SAGE Open*, 11(1), 1-13. Doi: 10.1177/21582440211006136
- Yeh, C. (2021). The relationship between free time activities, emotional intelligence and job involvement of frontline hotel employees. *The International Journal of Human Resource Management*, 32(4), 767-788. Doi: 10.1080/09585192.2018.1496127
- Yin, X. (2019). Review and Prospect of Quantum Management. *American Journal of Industrial and Business Management*, 9(12), 2220-2228.
- Zohar, D. (2022). *Zero Distance: Management in the Quantum Age*. Berlin: Springer.

An Exploration and Elucidation of Islamic Pottery in Buzhgan City during the Early and Middle Islamic Periods

Mahdiye Rahmati¹
Hassan Hashemi Zarjabad³

Abed Taghavi²
Hassan Basafa⁴

Received: 24/4/2024

Accepted: 10/6/2024

Introduction

The eastern region of Iran, specifically Khorasan, played a pivotal role in the cultural, economic, and political developments of the Islamic era, particularly during the first to middle centuries. The region's rich cultural heritage, including its pottery, can be studied through the analysis of remaining data. The Jam Plain, supported by written sources and archaeological findings, has been a significant contributor to the region's historical developments. Specifically, the city of Buzhgan (also known as Buzhgan) has been identified as an important urban center situated on the ancient trade route connecting Neyshabur to Herat. The examination of pottery findings is crucial in archaeology, as it enables the reconstruction of chronology and the determination of historical periods.

In this context, the typological analysis of pottery from the first and middle Islamic centuries is essential for understanding the formation and development of Buzhgan. This study aims to address fundamental research questions, including the identification of typology and production methods, chronology, and the significance of Buzhgan in the broader historical context. Employing a mixed-methods approach combining field and library research, this study utilizes a descriptive-analytical and comparative methodology. Preliminary findings from the analysis of pottery pieces

-
1. Doctoral Student of Archeology, Department of Archeology, University of Mazandaran, corresponding author: mahdiye.rahmati@gmail.com. <https://orcid.org/0009-0007-9514-8364>
 2. Assistant Professor, Department of Archeology, University of Mazandaran, abed.taghavi@umz.ac.ir
 3. Associate Professor, Department of Archeology, University of Mazandaran, h.hashemi@umz.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-7115-2859>
 4. Associate Professor, Department of Archeology, University of Neyshabur, basafa@neyshabur.ac.ir <https://orcid.org/0000-0001-5390-6197>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

have provided valuable insights into the pottery cultures, cultural periods, and evolutionary dynamics of the Jam basin. The diverse species and production technologies evident in Buzhgan's pottery art can be interpreted within the framework of the region's pottery tradition.

Research Methods

The data utilized in this study was collected through a systematic and painstaking archaeological approach, incorporating both fieldwork and documentary research. The research design consisted of two stages: first, fieldwork was conducted in Buzhgan, followed by a comparative analysis of the samples to establish a relative chronology. This involved comparing the findings with prominent ceramic centers in eastern Iran. Additionally, key historical and geographical sources were consulted to provide a comprehensive understanding of urban developments.

Findings

The ceramic samples collected from the systematic excavation of Buzhgan were categorized based on variables such as type of piece, manufacturing technique, quality of construction, firing temperature, decoration type, clay body color, glaze color, and type of mixture. Furthermore, the Buzhgan ceramics can be broadly classified into six groups: rim, body, base, foot, handle, and lid, with the body accounting for the largest proportion. Following this, the base, rim, handle, and lid account for the remaining proportions. In terms of manufacturing techniques, considering Buzhgan's Islamic period, most pieces were wheel-thrown, with hand-building and coiling methods also being employed. The ceramics were produced in advanced kilns, and the clay bodies were well-fired, suggesting that Buzhgan was an important production center during the Islamic period, particularly during the Seljuk and Khwarazmian periods. Regarding the typology of the Buzhgan ceramics, the primary variables were glaze type, design motif, and decoration style. Based on these variables, the ceramics can be broadly categorized into two main groups: unglazed and glazed wares. Unglazed ceramics typically served daily functions and were often found in residential areas and daily life spaces. The unglazed ceramics can be further divided into two categories: plain unglazed and decorated unglazed wares. The plain unglazed ceramics include simple, undecorated ceramics, while the decorated unglazed ceramics feature engraved, stamped, or molded designs. The glazed ceramics, on the other hand, can be classified into two categories: simple glazed and ornate glazed wares. The ornate glazed ceramics feature intricate designs, including underglaze painting, overglaze painting, and luster techniques. Notably, the glazed ceramics with geometric and floral patterns, which are characteristic of Islamic ceramic art, were also found in Buzhgan. The presence of these ceramics suggests that Buzhgan was an important center for ceramic production during the Islamic period.

Conclusion

The Jam region, due to having suitable infrastructures for development, has been a suitable place for human gatherings since ancient times. The city of Buzhgan is considered one of the key cities of the Islamic period in the region, but unfortunately its remains have been severely affected by post-settlement processes. However, systematic archaeological studies of the Buzhgan area have yielded valuable information about its urban life. Various types of pottery have been obtained in this city, and comparative iconography shows that urban life existed in the early and middle Islamic centuries. Based on studies of pottery collections from the early to seventh centuries, main types of pottery such as plain pottery (without glaze or decoration), plain decorated pottery (without glazed decoration), plain incised pottery, and molded decorated pottery can be distinguished. These types, except for molded pottery which was popular in the Seljuk period, have been used in most Islamic periods. Floral and incised motifs under plain glaze spread in the first to fifth centuries and single-colored glazed examples, such as turquoise, black ink, golden enamel, and blue and white in the middle centuries, are datable. Additionally, Buzhgan was developed in the early Islamic centuries alongside the city of Nishapur, and flourished in its cultural zone and played an important role in communication with Herat. Other pottery types indicate its flourishing in the middle centuries. The overall evidence from archaeology, along with historical sources, shows that Buzhgan has been a stable city and has had an influence on the historical developments of Islamic cities in eastern Iran alongside important cities like Neyshabur and Herat.

Keywords: Islamic Archeology, Khorasan, Buzhgan, Pottery art, Dasht Jam.

References

- Afzali, Z., & Khaledian, S. (2023). Goneshenasi va gahnegari yafteh-haye sofali movahete Bagh-Bamid Sirjan az sad'ha-ye avvalieh eslami ta sad'ha haftom hijri qamari [Typology and chronology of pottery findings in the Bagh-Bamid site of Sirjan from the Early Islamic centuries to the thirteenth century AD]. *Journal of Archaeological Studies*, 15(1), 1-27. [In Persian]
- Alizadeh, A., (2004). Nazariye va amal dar bastanshenasi [Theory and practice in archaeology]. *Gozareshhaye Bastanshenasi* (3), Tehran: Research Institute of Cultural Heritage Organization. [In Persian]
- Alizadeh, K. (2002). Mo'arrefi raveshe sabt va zabt ashya' dar yek barrasi bastanshenakhti [Introducing the method of recording objects in an archaeological investigation]. *Bastan Pazhoi*, 9(1): 1-11. [In Persian]
- Amirhajloo, S., & Saghaei, S. (2019). Gostareshe va tanavvo'e gonah-haye sofal doran Eslami dar sokoonat-haye dasht Narmashir [Distribution, continuity and diversity of islamic ceramics in the settlements of Narmashir plain], Kerman. *Pazhohesh-ha-ye Bastanshenasi Iran*, 8(19), 207-226. [In Persian].
- Ataie, M. Mosaviehaji, S. R., & Koulabadi, R. (2012). Sofal manqoosh golabeh'i (Anva', gostardagi, tarikh gozari [Illumed ceramic vases (Types, extent, dating)], *Negare*, 7(23): 71-88. [In Persian].
- Atbi, M A. J. (1995). *Tarikh-e Yamini* (N. Z. Jarfadghani. Trans). Corrected by Jafar Shaar. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Bakhtiari Shahri, M., Mortezaei, M., & Shabani Samghabadi, R. (2014). Pazhoheshi piramoon-e joghrafiyaye tarikhi, farhangi-ye nahiyeye toos dar chahar gharn-e nokhostin eslami ba etekā be dādehāye bastanshenakhti va matun-e tarikhi [A historical-geographical study of the Toos region in the first four centuries of Islam, based on archaeological data and historical texts]. *Journal of Greater Khorasan*, 6(21), 30-11. [In Persian]
- Basafa H., & Rahmati M. (2015). Analyzing the cultural urban landscape of Neyshabur city in the early and middle Islamic periods: A case study of Buzhgan city, based on written records. *Journal of Historical Society*, 7(1) :263-276 [In Persian]
- Choubak, H. (2012). Sofalineh-haye dorehan Eslami shahr-e kohan Jiroft [Islamic pottery of ancient city of Jiroft]. *Journal of Archaeological Studies*, 4(1), 83-112. [In Persian]
- Dark, Ken. R. (2000). *Theoretical archeology* (K.Abdi. Trans). Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]
- Forghani, M. F. (2006). Tarikh-e esma'ilian-e qahestan [*History of the Ismailis of Qohestan*] (Vol. 1). Tehran: Association of Cultural Artifacts and Honors. [In Persian]
- Gerdizi, A. Z., (1995). *Zain al-Akhbar*, correcting and dealing with Abdul-Hai Habibi, Tehran: Dunyay Ketab. [In Persian].
- Ghafarpoor, L. (2011). *Consideration and Analysis of Archaeology of Earth wares in Islamic Shadiakh Area of Nishabur*, Literature and Human since, University of Mohaghegh Ardabili. [In Persian].

- Grubb, E. (2005). *Islamic pottery. A selection of ten volumes from the collection of Islamic art*. C7. Compiled and edited by Nasser Khalili (Farnaz Zahiri, Trans.). Tehran: Karang. [In Persian]
- Haerink, E. (1997). *Iranian pottery in the Parthian period*. (Hamide Chobak, Trans), Tehran: Cultural Heritage Organization of the country. [In Persian]
- Hafez Abro, A. (1991). *The historical geography of Khorasan in the history of Hafez Abro*, (Gholamreza Varharam. Trans.) Tehran. [In Persian]
- Hosseini, H. (2006). *Archaeological investigation of the Islamic site of Tabran Tos: The status of architectural and pottery arts* (Ph. D thesis). Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human Sciences, Tarbiat Modares University, Iran. [In Persian]
- Ibn HawqaL. (1987). *Surat al-arz*, Tehran: Amirkabir. [In Persian].
- Ibn Khordadbeh. (1992). *Masalek va al-Mamalek*, (S. Khakrend, Trans.) Tehran: Mirase Melall. [In Persian].
- Ibn-Faqih Hamdani, Abu Bakr. (1970). *Mokhtasar Al-boldan* (H. Masoud, Trans). Tehran: Iran Culture Foundation. [In Persian]
- Ibn Hawqal, A. (1966). *Surat al-Ardh* (J. Sha'ar, Trans.). Tehran: Bonyad Farhang Iran.
- Kambakhsh Fard, S. (1970). [*Excavations of Neyshabur and Iranian pottery in the 5th and 6th centuries AH*]. Tehran: Ministry of Culture and Art. [In Persian]
- Kambakhsh Fard. S., (2000). *Pottery and pottery in Iran (from the beginning of the Neolithic to the modern era)*. Tehran: Phoenix. [In Persian]
- Kameshki, N. and Amirhajlo, S. (2018). Examining molded pottery of the Seljuk period in the ancient Bam citadel exhibition. *The 4th National Archeological Conference of Iran*, Birjand University. [In Persian]
- Karimi, F. and Kayani, M. Y. (1985). *Pottery art of the Islamic era in Iran*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Khafi, A. (1962-1960). *Majmal Al-fasihi*, Mashhad: Mahmoud Farrokh. [In Persian]
- Khosravi, Kh. (1998). Bozjan, *Encyclopedia of Islamic World*. Qom: Dayerato al-maref Fegh-he Islami. [In Persian]
- Labaf, R. A. (1985). *Bozhgan site registration report*. Mashhad: General Department of Khorasan Razavi Cultural Heritage. [unpublished report-In Persian]
- Laleh, H. Larzadeh, Z. Shojaei Esfahani, A. and Haji Alilou, S. (2011). *The scope of the ancient city of Neishabur in the natural and historical scope from the Sassanid period to the Qajar period is a report of the registration of the area and the boundaries of the ancient city of Neishabur and its landscape*. Tehran: Archeology Research Institute Document Center [unpublished report-In Persian]
- Lestrangle, G. (1985). *Historical Geography of Eastern Caliphate Lands* (Majmoud Irfan, Trans). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Mahsarodi, M. (2014). *Knowing the components and effective factors in the formation of the city of Jizd in the Islamic era in the landscape of Dasht Khaf* (Master's thesis). Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human Sciences, Golestan Institute of Higher Education. Iran. [In Persian]

- Majidzadeh, Y. (1991). Archeology and pottery. *Archeology and History*, 8(10), 4-14. [In Persian]
- Monshi, M. A. (1977). *Safarnameye Rokn al-Dawlah be Sarakhs*. Tehran: Mohammad Golban. [In Persian]
- Moradi, H. and Karimian, H. (2019). Classification and typology of pottery of the Islamic period of Niriz Plain. *Archaeological Studies*, 12(3): 271-279. [In Persian]
- Mortezaei, M. (2007). *Investigating the natural and cultural infrastructure in the formation of the city of Gorgan (Jorjan) in the Islamic period with a case study exploring the Islamic environment of the city of Gorgan* (Ph. D. thesis). Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human Sciences, Tarbiat Modares University, Iran. [In Persian]
- Mosavi Haji, S. R. Ataei, M. (2010). *Study of Pottery Collection, Zahedan: Edare kol Miras Farhangi, Saneh Dasti va Gardeshgari Ostan Sistan va Balochestan*. Tehran: Edare Kol Ravabet Umomi, Umor Farhangi VA Ejtemai, Edare Barname Rizi. [In Persian]
- Nasri, E. (2020). An introduction to the formation of Iranian golden-colored pottery in the Islamic era. *Paykareh*, 9(21): 11-24. [In Persian]
- Nemati, M., esmaeil, S., & sadraei, A. (2020). Research on Molded Pottery in Zolfaabad Site of Farahan. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 10(26): 119-140. [In Persian]
- Nikkhah, H. Khazaei, M. Hatam, Gh. A. And Neyestani, J. (2011). Reflection of Configuration of two Social Phenomena on luster Ceramics in Seljuk Era (The Appearance of Middle Class and Popular Art). *CHS* 2011; 3(9) :107-125 [In Persian]
- Nouri, N., & Salehi kakhki, A. (2019). Documentation of Polychrome Slip-painted Potteries with White Background (Case study: Mostazafan Foundation Museum of Tehran)*. *Negarineh Islamic Art*, 6(17), 4-22. doi: 10.22077/nia.2019.2097.1171 [In Persian]
- Rafiei, L. (1998). *Iranian pottery from prehistory to the present day*. Tehran: Yesavali. [In Persian]
- Rafifar, J. (1994). Archaeology. *Encyclopedia of Islamic World*. Volume 1, Publications of Islamic Encyclopedia Foundation, 484-486. [In Persian]
- Rahmati, M. (2012). *Sistematic archaeological survey of Bozhgan historical site* (Master's thesis), Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Golestan University, Iran. [In Persian]
- Rezanjad, H. (2001). *Recognizing and introducing the pottery of Tabran Tos citadel* (Master's thesis). Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Iran. [In Persian]
- Salehi Kakhki, A. (1993). *Iranian Architecture in East Khorasan* (Master's Thesis). Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human Sciences, Tarbiat Modares University, Iran. [In Persian]
- Salehi-Kakhki, A., Seddigian, H. and Montazerzohori, M. (2012). Investigating the process of blue and white production in Iran during different Islamic periods. *Pazhohe-she Honar*, 3(5), 1-13. [In Persian]

- Shaieste Far, M. (2007). *An introduction to Iranian Islamic art*. Qom: Tavanmandan. [In Persian]
- Toghraei, M. (1998). *Registration report of Buzhgan historical site*. Mashhad: General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Khorasan Razavi. (not published) [unpublished report. In Persian]
- Tohidi, F. (2003). *The Taniqie and art of pottery*. second edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Yaqoubi, I. V. (2002). *Al-Boldan* (Mohammad Ibrahim Aiti, Trans). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Zarei, A., & laleh, H. (2016). A Study on the Role and Importance of Sheikh Ahmad-e Jami Mausoleum Complex in the Urban Development of the Historic City of Torbat-e Jam: From the Seljuk to the Late Pahlavi Period. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 6(10), 173-192. doi: 10.22084/nbsh.2016.1553 [In Persian]
- Zareyi, M. I., Amerian, H., & Nikgoftar, A. (2016). Classifying Typical Glazed Potteries of the Second to Fourth Hijri Centuries Discovered from the Bolqays Historical City of Ancient Isfarayen, Khorasan. *Journal of Archaeological Studies*, 8(1), 57-76. [In Persian]
- Allan, J. (1982). *Nishapur: Metalwork of the early Islamic period*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Bulliet, R. (1976). Medieval Nishapur: A topographic and demographic reconstruction. *Studia Iranica*, 5(1), 68-89.
- Burke, H., & Smith, S. (2004). *The archaeologist's field handbook*. Sydney: Allen and Unwin.
- Kervran, M. (2005-2006). *Nishapur, Rapport de la Mission archéologique irano-français*. Iranian Center for Cultural Heritage and Tourism Organization.
- Kiani, M. (1984). *The Islamic city of Gurgan*. Deutsches Archäologisches Institut. Abt. Teheran. Archäologische Mitteilungen aus Iran. Ergänzungsband 11. Berlin: Dietrich Reimer Verlag.
- Northedge, A., & Kennet, D. (1994). The Samarra horizon. In E.J. Grube (Ed.), *Cobalt and Luster. The first centuries of Islamic pottery* (pp. 21-35). New York: Khalili Collections
- Pope, A. U. (1967). The ceramics art in Islamic times: The Middle Period. In A. U. Pope & P. Ackerman (Eds.), *Survey of Persian art* (Vol. 4). London and New York: Oxford University Press.
- Priestman, S. (2013). A quantitative archaeological analysis of ceramic exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400-1275 [Unpublished doctoral dissertation, University of Southampton].
- Shepard, A. O. (1980). *Ceramics for the archaeologist*. Washington DC: Carnegie Institution of Washington.
- Treptow, T. (2007). *Daily life ornamented; the Medieval Persian City of Rayy*. Chicago: Oriental Institute Museum of the University of Chicago.
- Watson, O. (2004). *Ceramic from Islamic lands*. London: Thames & Hudson Publication.
- Watson, O. (1985). *Persian Lustre ware*. London: Faber and Faber.

- Whitehouse, D. (1979). Islamic glazed pottery in Iraq and the Persian Gulf: the ninth and tenth centuries. *Annali. Istituto Orientale di Napoli*, 39(1): 45-61.
- Wilkinson, C. K. (1961). The glazed pottery of Nishapur and Samarkan. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*. 20(3), 102-115.
- Wilkinson, C. K. (1971). Islamic archaeology in Iran. *Expedition*, 13(1), 62-65.
- Wilkinson, C. K. (1973). *Nishapur, pottery of Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Wilkinson, C. K. (1986). *Nishapur: Some early Islamic building and their decoration*. New York: the Metropolitan Museum of Art.
- Williamson, A.G. (1987). Regional distribution of medieval Persian pottery in the light of recent investigations. In, J.W. Allan, & C. Roberts (Eds.), *Syria and Iran, Three Studies in Medieval Ceramics. Oxford Studies in Islamic Art* 4, 11-22.

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی و تبیین هنر سفالگری شهر اسلامی بوژگان در سده‌های نخست و میانی دوران اسلامی

مهدیه رحمتی^۱عابد تقوی^۲حسن هاشمی زرج آباد^۳حسن باصفا^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_197652.html

چکیده

بوژگان از مهم‌ترین شهرهای خراسان بزرگ است و براساس منابع مکتوب تاریخی در پهنه فرهنگی نیشابور و ولایت جام نقش مهمی داشته است. این شهر در سده‌های نخست اسلامی به دلیل قرارگیری در مسیر راه ارتباطی دو شهر مهم نیشابور و هرات اهمیت می‌یابد. در متون مهم تاریخی و جغرافیایی از شهری به نام بوزجان نام برده می‌شود که نگاه تطبیقی به منابع مکتوب و قراین باستان‌شناختی نشان می‌دهد که محوطه بوژگان در دشت تربت جام همان شهر تاریخی مذکور است. مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر، ارائه گاه‌نگاری تطبیقی و گونه‌شناسی سفال‌های

۱. دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول mahdiye.rahmati@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-9514-8364>

(پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری مهدیه رحمتی با عنوان تبیین حیات شهری محوطه تاریخی بوژگان بر پایه مطالعات باستان‌شناسی منطری به راهنمایی دکتر عابد تقوی و مشاوره دکتر حسن هاشمی زرج آباد و دکتر حسن باصفا در دانشگاه مازندران است).

2. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران abed.taghavi@umz.ac.ir

3. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران h.hashemi@umz.ac.ir

4. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور basafa@neyshabur.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-7115-2859>

<https://orcid.org/0000-0001-5390-6197>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

محوطه بوژگان از قرن اول تا هفتم هجری است. براین اساس، می‌توان انواع گونه‌های سفالی را شناسایی و تاریخ‌گذاری نسبی نیز ارائه داد. مهم‌ترین پرسش‌ها عبارت‌اند از: یافته‌های سفالی محوطه بوژگان در زمره کدام گونه‌های سفالی هستند و به لحاظ گاه‌نگاری به چه دوره یا دوره‌هایی تعلق دارند. براساس مقایسه یافته‌های سفالی می‌توان به فرآیند شکل‌گیری، توسعه و اضمحلال بوژگان نیز پی برد. روش پژوهش ترکیبی از مطالعات میدانی و مطالعات اسنادی است و دارای رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. در این نگاه ابتدا یافته‌های سفالی برای تاریخ‌گذاری و گونه‌شناسی از نظر متغیرهای فیزیکی طبقه‌بندی شده و سپس با نمونه‌های مشابه به‌دست‌آمده از سایر کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در دیگر مناطق با تأکید بر حوزه شرقی ایران تطبیق داده شده است. نتایج تاریخ‌گذاری نسبی نشان می‌دهد که دوران شکل‌گیری بوژگان در سده‌های اولیه بوده که در سده‌های میانی به اوج شکوفایی خود رسیده است. یافته‌های سفالی آن نیز شامل گونه‌های متنوع بی‌لعب و لعاب‌دار است که شباهت بسیار زیادی با یافته‌های دیگر محوطه-های مطالعه شده شرق ایران به‌ویژه نیشابور دارد. علاوه بر آن ظهور انواع سبک‌های تزئینی می‌تواند نشان‌دهنده توسعه اقتصادی جامعه و ثروت باشد که در سده‌های میانی هم‌زمان با اوج حیات شهری بوژگان، رخ داده است.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی اسلامی، خراسان، بوژگان، هنر سفالگری، دشت جام.

مقدمه

با مطالعه نتایج پژوهش‌ها می‌توان دریافت که باستان‌شناسی دوران اسلامی در ایران علی‌رغم تنوع داده‌ها و گستردگی زمانی چندان مورد توجه نبوده و همواره با خلأهای مطالعاتی فراوانی روبرو بوده است. در حوزه شرقی ایران منطقه‌ای به نام خراسان نقش مهمی در تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دوران اسلامی به‌ویژه در سده‌های نخست تا میانی داشته است و می‌توان تحولات فرهنگی به‌ویژه سفالگری را براساس داده‌های به‌جامانده مورد پژوهش قرار داد. همچنین در باب اهمیت باستان‌شناسی دوران اسلامی حوزه خراسان می‌توان اشاره کرد که از مهم‌ترین مناطق میانه آسیا نیز محسوب شده (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۳-۲۰) و در این حوزه شهرهای متعددی با اهمیت بسیار بالا نظیر نیشابور، توس، هرات و مرو و غیره وجود داشته‌اند (تصویر ۱) که در

کنار سایر شهرها با درجه اهمیت کمتر تحولات بنیادی را در دوران اسلامی ایجاد کرده‌اند (باصفا و رحمتی، ۱۳۹۴: ۲۶۴). با این حال کمبود مطالعات و تحقیقات انجام شده در حوزه باستان‌شناسی خراسان در دوران اسلامی ضرورت انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی خراسان را نشان می‌دهد. در این میان، دشت جام - براساس منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی - نقش مهمی در تحولات تاریخی منطقه داشته است. در این حوزه شهری به نام بوژگان یا بوزجان شناسایی شده که براساس متون، شهری مهم در مسیر جاده ارتباطی نیشابور به هرات بوده است (خسروی، ۱۳۷۷: ۸۲۹). مطالعه یافته‌های سفالی در باستان‌شناسی، گاه‌نگاری و مشخص نمودن دوره‌های تاریخی نقش مهمی دارد. یافته‌های سفالی بوژگان با توجه به گونه‌شناسی انجام شده در سده‌های نخست و میانی اسلامی تاریخ‌گذاری می‌شوند و با هدف شناخت دوره شکل‌گیری و توسعه بوژگان مورد مطالعه قرار گرفته، کمک می‌کنند تا پرسش‌های پژوهش که شامل مطالعه گونه‌شناسی و روش تولید، گاه‌نگاری و نقش آن‌ها در شناخت دوران اهمیت بوژگان است، پاسخ داده شوند. پژوهش به روش میدانی و کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. یافته‌های سفالین توانسته درک اولیه‌ای از فرهنگ‌های سفالی، دوره‌های فرهنگی و تحولات حوزه جام در اختیار قرار دهد. آنچه در هنر سفالگری بوژگان مشاهده می‌شود، تنوع گونه‌ها و فناوری تولید است که در چهارچوب هنر سفالگری منطقه قابل تفسیرند.



تصویر ۱. موقعیت بوژگان و استقرارهای مهم دوران اسلامی خراسان بزرگ (ترسیم از نگارندگان)

داده‌های مورد مطالعه با رویکرد بررسی روشمند باستان‌شناسی و مطالعات اسنادی گردآوری شده است. در این راستا، در دو مرحله فعالیت میدانی در بوژگان انجام شده و پس از آن به منظور گاه‌نگاری نسبی، نمونه‌ها با نگاهی تطبیقی با مراکز مهم سفالگری شرق ایران مقایسه شده‌اند. در این پژوهش از منابع مهم تاریخی و جغرافیایی استفاده شده تا درک صحیحی از تحولات شهری ارائه شود.

روش پژوهش: داده‌های مورد مطالعه با رویکرد بررسی روشمند باستان‌شناسی و مطالعات اسنادی گردآوری شده است. در این راستا در دو مرحله فعالیت میدانی در بوژگان انجام شده و پس از آن به منظور گاه‌نگاری نسبی، نمونه‌ها با نگاهی تطبیقی با مراکز مهم سفالگری شرق ایران مقایسه شده‌اند. در این راستا از منابع مهم تاریخی و جغرافیایی استفاده شده تا درک صحیحی از تحولات شهری ارائه شود.

پیشینه پژوهش

نزدیک به یک قرن از اولین مطالعات باستان‌شناختی دوران اسلامی می‌گذرد. در ابتدا پژوهش‌های انحصاری فرانسویان از حدود سال ۱۹۳۰ م در محوطه مهمی به نام شوش شروع شده و پس از آن با تغییر شرایط، مطالعات میدانی مرتبط با باستان‌شناسی اسلامی تغییر کرده و باستان‌شناسان آمریکایی در دو شهر بسیار مهم استخر و ری کاوش‌های گسترده‌ای انجام دادند (Wilkinson, 1971: 62). در خراسان شروع مطالعات با کاوش‌های موزه متروپولیتن در نیشابور معنا پیدا کرد. شهری مهم با پیشینه ساسانی و در قامت کلان‌شهر در سده‌های نخست و میانی اسلامی که در مطالعات دوران اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. اولین کاوش‌های نیشابور به سرپرستی چارلز کیرل ویلکینسون^۱ - از طرف موزه متروپولیتن - با هدف کشف عتیقه بین سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸ م / ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶ ش در تپه‌های سبزپوشان، مدرسه، تاکستان و قنات تپه انجام شد که نیمی از مواد فرهنگی یافت شده را به موزه ایران باستان تحویل داد و نیمی دیگر را به موزه متروپولیتن منتقل کرد (ر.ک. به Wilkinson, & Allan, 1986: 1982). کاوش‌های هیئت

آمریکایی نشان داد که در منابع نوشتاری (متون جغرافیایی و تاریخی) نیشابور در دوران اسلامی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است. اهمیت نیشابور باعث شد تا دیگر بار در سال ۱۳۴۷ ش سیف‌الله کامبخش فرد در کاوشی ۲۲ روزه چندین کوره سفال‌پزی بیابد که نشان از فرآیند کاملاً تخصصی تولید سفال در نیشابور دارد (ر.ک به کامبخش فرد، ۱۳۴۹: ۱۶). ریچارد بولیت دیگر محققی است که در سال ۱۳۴۴ ش با رویکردی تاریخی و سنجش سایر داده‌های باستان‌شناختی شامل بررسی باستان‌شناختی و مطالعات سنجش از دور، محلات شهر قدیم نیشابور را بازسازی کرد که مطالعه وی امروزه نیز با توجه به آسیب فراوان نهشته‌های باستانی بسیار ارزشمند است (Bulliet, 1976: 69). جدیدترین مطالعات باستان‌شناختی بعد از انقلاب در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ ش به مدت شش فصل در محله شادیاخ شهر نیشابور به سرپرستی رجبعلی لباف خانیکی انجام شد و کاوش‌های مشترک وی با مونیک کروان فرانسوی نیز در سال ۱۳۸۳ ش به مدت دو فصل از مطالعات صورت گرفته است (Kervran, 2005-2006). در سال ۱۳۹۰ ش پژوهشی با هدف مطالعه پهنه شهر کهن نیشابور از دوران ساسانی تا قاجار توسط پایگاه شهر کهن نیشابور به سرپرستی هاید لاله صورت پذیرفت (لاله و همکاران، ۱۳۹۰). در دوره انقلاب اسلامی نیز کاوش‌های توس (بختیاری، مرتضایی و شعبانی، ۱۳۹۴)، نیشابور و بلقیس (زارعی، عامریان و نیک‌گفتار، ۱۳۹۵) نتایج مهمی از این دوره ارائه کرده‌اند. در کنار منابع مهم مکتوب، اولین پژوهش حوزه جام با رویکرد شناخت معماری بناهای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد احمد صالحی کاخکی در دانشگاه تربیت مدرس بوده (صالحی کاخکی، ۱۳۷۲) که هدف اصلی آن شناخت آثار معماری برجای‌مانده حوزه جام است. این پژوهش اشاره‌ای مختصر و کلی به منابع تاریخی بوژگان محسوب می‌شود. پس از آن محوطه بوژگان - از مهم‌ترین استقرارهای اسلامی خراسان - برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ ش به شماره ۲۳۶۲ در فهرست آثار ملی ثبت شد. این اقدام توسط محمود طغرای، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی وقت، صورت پذیرفت. نکته برجسته در گزارش ثبتی ذکر شده، پراکندگی فراوان گونه‌های مختلف سفال متعلق به سده‌های نخست تا میانی اسلامی می‌باشد (طغرای، ۱۳۷۷). لازم به ذکر است در گزارش‌های بی‌نام در آرشیو میراث خراسان رضوی به بررسی محمود بختیاری شهری نیز اشاره شده است. علاوه بر آنچه ذکر شد، کامل‌ترین مطالعه بوژگان بررسی روشمند بوژگان در یک پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد

است (رحمتی، ۱۳۹۲) که نخستین اقدام در راستای مطالعه صحیح استقرار مذکور براساس بررسی روشمند بوده و در پژوهش حاضر نیز مطالعه سفال‌های سده‌های نخست و میانی اسلامی در بوژگان مد نظر قرار گرفته است.

موقعیت مکانی بوژگان

بوژگان نام محوطه‌ای است در طول ۳۵ درجه و ۱۰ دقیقه و ۴۲ ثانیه و عرض ۶۰ درجه و ۴۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه جغرافیایی که به صورت تپه‌ماهورهای متعدد با وسعتی بالغ بر ۸ هزار مترمربع برآورد می‌شود. در نگاه اولیه از شهرهای مهم دوران اسلامی محسوب شده که البته در قیاس با کلان‌شهرهایی مانند نیشابور در رده‌های بعدی قرار داشته است (تصویر ۲). شهر بوژگان به دلیل فرآیندهای بعد از نهشته شدن آسیب فراوان دیده است. این آسیب‌دیدگی ناشی از عوامل طبیعی و انسانی است که فعالیت‌های مانند کشاورزی، راه‌سازی و غیره آسیب‌های جدی به آن وارد کرده است. مطالعه عکس‌های هوایی نشان می‌دهد که در ضلع شمالی محوطه بقایای روستایی در دوره معاصر وجود داشته که امروز از میان رفته و به زمین‌های زراعی تبدیل شده است. توصیف سفرنامه‌ها از نهشته‌های بوژگان در دوره قاجاریه و به سال ۱۲۹۹ ش نشان می‌دهد که بقایای برج و باروهای آن هنوز برجا بوده است (منشی، ۱۳۵۶: ۱۰۶). از نکات مهم بوژگان این است که در کنار نهشته‌های باستانی زیارتگاه شیخ ابودر بوژگانی قرار دارد.



تصویر ۲. نمایی از شهر بوژگان و ارگ آن در بخش شمالی آن (عکس از نگارندگان)

بررسی سطحی روشمند

بررسی‌های باستان‌شناسی به‌عنوان روش‌هایی مستقل برای پژوهش‌های باستان‌شناسی از ابتدای دهه ۱۹۷۰ م شکل گرفت. بررسی سطحی روشمند محوطه‌های باستانی روشی نوین در مطالعات باستان‌شناسی است که در دو دهه اخیر کاربرد فراوانی یافته است. از میان روش‌های گوناگون نمونه‌برداری سطحی محوطه‌ها، نمونه‌برداری روشمند طبقه‌بندی‌شده، مناسب‌ترین روش بوده و شیوه‌ای با کارایی بالاست که از نظر مطالعات آماری نیز بهترین نتیجه ممکن را به‌دست می‌دهد. کاربرد این روش از لحاظ بُعد زمانی و مکانی نیز مقرون‌به‌صرفه است. همچنین با استفاده از این روش، پیش از آغاز کاوش و به دلیل دقت نسبتاً بالای موجود در جمع‌آوری مواد فرهنگی، انتخاب و نقطه‌یابی به منظور هدف‌گذاری کاوش یا گمانه‌زنی نیز بسیار آسان‌تر صورت گرفته و با نتایج مطلوب‌تری همراه می‌گردد (Burke, & Smith, 2004: 68). بررسی‌های روشمند باستان‌شناسی برای درک اولیه از توالی سکونت و مراحل استقرار در یک محوطه و تعیین گاه‌نگاری اولیه بخش‌های مختلف محوطه و کمک به مکان‌های مناسب کاوش کارایی دارند. بررسی روشمند بوژگان در دو مرحله به‌وسیله نگارندگان انجام شده است که اولین آن در سال ۱۳۹۱ ش انجام شده و مرحله دوم در سال ۱۴۰۲ ش با هدف تدقیق اطلاعات پیشین و شناخت گاه‌شناختی دوره‌هایی که بوژگان گسترش یافته، انجام شده است. باید اشاره شود که این شناخت براساس مطالعات عکس‌های ماهواره‌ای صورت گرفته است. در بررسی محوطه یا شهر بوژگان سعی شده تا داده‌های باستان‌شناختی به روشی کاملاً علمی جمع‌آوری و ثبت و ضبط شده و با توجه به تاریخ‌گذاری نسبی داده‌ها و با سنجش سایر اطلاعات مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا بتواند پاسخ‌گوی سوالات باشد. باید اشاره شود که همچون تمامی بررسی‌های روشمند، سطح محوطه به مربع‌هایی یکسان تقسیم شده و به درصد مورد نیاز در تعدادی از مربعات نمونه‌برداری صورت گرفته و سپس نمونه‌های بخش‌های مختلف محوطه به‌طور جداگانه مطالعه شده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۱: ۹-۱۰). براین‌اساس سطح بوژگان به مربعات ۲۰ در ۲۰ مترمربع تقسیم‌بندی شده است. شبکه‌ها نیز در تمام سطح گسترده شده‌اند و نمونه‌برداری از بخش‌هایی صورت گرفته که کمتر تخریب گشته‌اند. با توجه به وسعت محوطه حدود ۵٪ از کل آن نمونه‌برداری شده است.

سفال فراوان‌ترین، شکننده‌ترین و متنوع‌ترین کالای مصنوعی است که انسان از دوره نوسنگی به بعد در اختیار داشته است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۴). سفالگری همواره اهمیت ویژه‌ای در خاورمیانه داشته و باستان‌شناسان از آن برای درک تحولات بهره می‌برند (علیزاده، ۱۳۸۳: ۲). به دلیل اهمیت صنعت سفالگری در امر شناخت فرهنگ‌های پیش از تاریخ تا اسلامی و نقش تجزیه و تحلیل اشکال و نقوش سفالی در توسعه نظم و ترتیب ادوار فرهنگی، بخش گسترده‌ای از تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های باستان‌شناسان به مسائل و موضوعات مربوط به سفال و صنعت سفالگری اختصاص یافته است (Shepard, 1980: 13). در بوژگان نیز مطالعات آماری نمونه‌های سفالی با هدف طبقه‌بندی و شناخت فرهنگ‌های سفالی، گاه‌نگاری آن‌ها و شناخت دوره‌های تاریخی صورت گرفته است. همچنین وجود برخی سفال‌ها می‌تواند نشان‌دهنده ثروت یک جامعه نیز باشد و نشان‌دهنده اهمیت دوره‌های تاریخی شهر باشد. باید اشاره شود که سفال‌های مورد مطالعه از محدوده شارسران و به صورت پراکنده از پیرامون و داخل ارگ در قالب بررسی نمونه‌برداری شده است.

گونه‌شناسی

گونه‌شناسی اشیای باستانی و گروه‌بندی آن‌ها از نظر شکل، جنس، ساختار و عملکرد به شناخت مجموعه‌های مشخصی می‌انجامد که از لحاظ زمانی به یکدیگر وابسته‌اند و معرف مناسبی برای شناخت زمانی - مکانی فرهنگ‌های بشری است (رفیع‌فر، ۱۳۷۳: ۴۷۴). گونه‌شناسی می‌تواند مواد فرهنگی بدون تاریخ را در سری‌های مختلف طبقه‌بندی کند تا بتوان به کمک بافت‌هایی که تاریخ مطلق دارند، عمل تاریخ‌گذاری انجام شود (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۱). باستان‌شناسان به هنگام تهیه گزارش پژوهشی، آثاری را که یافته‌اند، طبقه‌بندی می‌کنند و سپس براساس این طبقه‌بندی به تاریخ‌گذاری دست می‌زنند. در حقیقت به کارگرفتن مفهومی به نام گونه و طبقه‌بندی گونه‌ها (گونه‌شناسی) به باستان‌شناسان کمک می‌کند که تفاوت آثار را بشناسد و از طریق مقایسه به تاریخ‌گذاری نسبی دست یابند. معمولاً در طبقه‌بندی‌ها به شکل (طبقه‌بندی شکلی) یا کاربرد (طبقه‌بندی کاربردی) بیشتر توجه می‌شود. طبقه‌بندی عددی و طبقه‌بندی

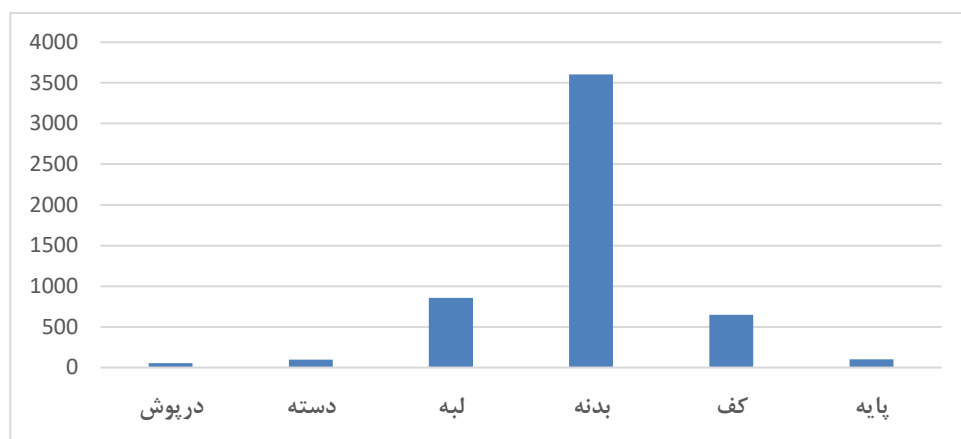
آزمایشی از دیگر روش‌های گونه‌شناسی است که جهت تاریخ‌گذاری نسبی و گاه‌نگاری در باستان‌شناسی استفاده می‌گردد (دارک، ۱۳۷۹: ۹۶).

ارزیابی یافته‌های سفالی

پیش از پرداختن به این بخش می‌بایست بار دیگر به فرایندهای بعد از نهشته‌شدن در بوژگان اشاره کرد. بدون شک بسیاری از عوامل سبب شده‌اند که مواد فرهنگی سطحی جابه‌جا شوند و در بسیاری از قسمت‌های محوطه که تحت تأثیر کشاورزی و فعالیت‌های خاک‌برداری واقع شده‌اند، پراکندگی مواد فرهنگی را نمی‌توان به‌درستی شناسایی کرد. براساس نهشته‌های بوژگان که به‌صورت تپه‌ماهورهای متعدد است، قسمت‌های مرکزی به لحاظ تعداد مواد فرهنگی غنی‌تر از مابقی قسمت‌ها هستند و دقیقاً انباشت نیز در این قسمت بسیار متراکم‌تر از دیگر قسمت‌ها است. به‌طور کلی از منظر توپوگرافی محوطه، تراکم یافته‌ها در منحنی‌های مرکزی نسبت به سایر قسمت‌هایی تپه بیشتر است. بر روی سفال‌های می‌توان مطالعات آماری نیز انجام داد که بیشتر نمونه‌ها در بوژگان براساس متغیرهای مختلف مورد مطالعه آماری قرار گرفته‌اند. در این راستا، سفال‌ها براساس ویژگی‌های زیر طبقه‌بندی شده‌اند: نوع قطعات؛ روش ساخت؛ کیفیت ساخت؛ میزان پخت؛ نوع تزیین؛ رنگ خمیره؛ رنگ پوشش و نوع آمیزه (رحمتی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۸).

همچنین در یک نگاه کلی سفال‌های محوطه بوژگان از نظر نوع قطعه در شش گروه لبه، بدنه، کف، پایه، دسته و درپوش قرار می‌گیرند که معمولاً بدنه بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد (نمودار ۱). پس از آن کف، سپس لبه، دسته و درپوش قرار می‌گیرند. از نظر روش ساخت نیز با توجه به اینکه مقیاس زمانی مورد مطالعه دوره اسلامی است، درصد فراوانی از جامعه آماری، با چرخ سفالگری ساخته شده‌اند که علاوه بر آن، روش دست‌ساز و فتیله‌ای نیز قابل تشخیص است. سفال‌های این محوطه در کوره‌هایی باکیفیت ساخته شده و دارای خمیره‌ای مغزپخت‌اند که می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت این شهر باشد. این اتفاق در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی یعنی قرون میانی مشهود است. باید اشاره شود که متغیرهای اصلی گونه‌شناسی نمونه‌های سفالین بوژگان براساس نوع لعاب، نوع نقش‌مایه و شیوه تزیین بوده است. بر همین اساس در نگاه کلی سفال‌ها با دو دسته اصلی بدون لعاب و با لعاب گونه‌شناسی شده‌اند. سفال‌های بدون لعاب که

عموماً دارای کاربرد روزمره هستند، در بیشتر بافت‌ها و استقرار به دست می‌آیند. سفال‌های بدون نیز لعاب به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. سفال‌های بدون لعاب ساده و سفال‌های بدون لعاب دارای تزئین. سفال‌های لعاب‌دار نیز در حالت کلی به دو دسته لعاب‌دار ساده به معنای لعاب تک‌رنگ و لعاب‌دار منقوش تقسیم شده‌اند. در این تقسیم‌بندی نمونه‌های گلابه‌ای نیز به دست آمده که از مهم‌ترین مشخصه‌های سفالگری در سده‌های نخست اسلامی محسوب می‌شوند (نمودار ۲).



نمودار ۱. فراوانی آماری نمونه‌های بوژگان براساس نوع قطعه

سفال ساده (بدون لعاب و بدون تزئین): در محوطه‌های دوران اسلامی همواره تعداد قابل توجهی سفال ساده به دست می‌آید. کاربرد این نوع رفع نیازهای روزمره است و نمی‌تواند کالایی شان‌زا معرفی شود. نمونه‌های بوژگان در دو گروه اصلی نخودی و قرمز تقسیم می‌شوند. گاه‌نگاری این نمونه‌ها مشکل است و از نظر فرم می‌تواند در دوره‌های تاریخی و اسلامی قرار گیرند.

سفال ساده منقوش (بدون لعاب منقوش): این دسته از سفال‌ها از نظر متغیر رنگ به سه دسته نخودی، خاکستری و آجری تقسیم می‌شوند. تزئین این نوع ظروف سفالی به چند طریق صورت می‌گرفته است. ساده‌ترین آن‌ها، حک کردن خطوط موازی، منحنی و اشکال ساده نباتی است. گروه دیگری از ظروف سفالی بدون لعاب وجود دارد که با مهر گرد یا شکلی دیگر، روی آن‌ها به طریقی که در دوره ساسانی مرسوم بوده، تزئین می‌شده است (شایسته فر، ۱۳۸۶: ۳۲-).

۳۴). برای تزئین سفال‌های بدون لعاب از روش‌های مختلفی استفاده شده که نمونه‌های آن‌ها در تمامی شهرهای مهم دوران اسلامی همانند نیشابور، سمرقند، هرات، مرو، جرجان، شوش، توس و اصطخر گزارش شده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۵۹). این دسته معمولاً دارای تزئین کننده و قالبی‌اند.

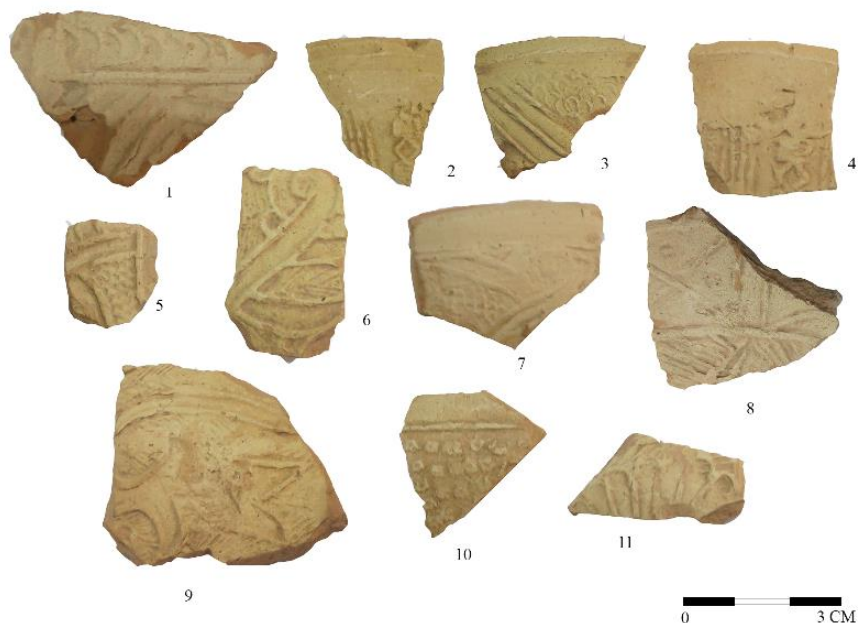
سفال ساده با نقش کنده: در سفال‌هایی که به شیوه دارای نقش کنده تزئین شده‌اند، معمولاً در فرایند تولید پیش از خشک‌شدن سفال با شی نوک‌تیزی خراشیده شده که معمول‌ترین نقش‌مایه‌ها شامل ساده به صورت خطوط جناقی، موجی، زیگزاگی، خطوط متقاطع که اشکال لوزی مانند را به وجود آورده به همراه برخی نقوش گیاهی و هندسی ساده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۵). در بوژگان نیز تعداد قابل‌توجهی از سفال‌های ساده با این روش تزئین شده‌اند. براساس مطالعات تطبیقی می‌توان آن‌ها را در سده‌های نخست، میانی و متأخر اسلامی گاه‌نگاری کرد (تصویر ۳)؛ اما با توجه به سایر روش‌های تولید در این محوطه تاریخ‌گذاری دوره‌های نخست و میانی به یقین نزدیک‌ترند. در اکثر محوطه‌های اسلامی خراسان مانند نیشابور (Wilkinson, 1973: 338-340)، شادیاخ (غفارپور، ۱۳۸۹: ۳۵) و جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۱۹۶) از این روش استفاده شده است.



تصویر ۳. قطعات سفال با نقش کنده از محوطه بوژگان

سفال ساده با تزیین قالب‌زده: در روش تزیین قالب‌زده، نقش موردنظر را با مهر یا قالب روی بدنه ظروف ایجاد می‌کنند که این روش در دوره سلجوقی به اوج خود می‌رسد (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۴۵۷)، دوره‌ای که آن را عصر طلایی هنر سفالگری ایران در دوران اسلامی نامیده‌اند (Pope, 1967: 1512). لازم به ذکر است که این روش در دوره بعد یعنی ایلخانی نیز ادامه یافته است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱). در تزیین نقش قالبی، نقش‌مایه‌های مدنظر ابتدا روی قالب منفی اصلی - از جنس سفالینه سخت یا سنگ - ایجاد و در برآیند تولید ظروف سفالین آماده شده داخل آن قرار گرفته و نقش قالب بر روی آن به طور معکوس ایجاد می‌شود.

در بوژگان علاوه بر نمونه‌هایی که با این روش تزیین شده‌اند (تصویر ۴)، قالب‌های تولید آن نیز گزارش شده است که نشان از تولید این ظروف در شهر بوژگان در سده‌های ۵ تا ۷ ق دارند. این روش در حوزه فرهنگی شمال شرق ایران به دلیل تنوع نقوش و کمیت زیاد رایج بوده است (Watson, 2004: 108-109). لازم به ذکر است در نیشابور دوران سلجوقی مشهورترین نمونه‌های سفال قالب‌زده به‌دست‌آمده است (Wilkinson, 1973: 359؛ کامبخش فرد، ۱۳۴۹: ۱۸). در همین شهر و در محله شادیاخ آن نیز نمونه‌های متعددی گزارش شده که قابل مقایسه با نمونه‌های بوژگان هستند (غفارپور، ۱۳۸۹: ۷۳ و ۸۹). علاوه بر آن در محوطه‌های دیگر حوزه شرقی ایران مانند توس (رضانژاد، ۱۳۸۰: ۱۸۷)، جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۱۹۷-۱۹۸)، جرجان (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱؛ مرتضایی، ۱۳۸۶: ۴۲۱-۴۲۴) و در جنوب شرق در دشت سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۸) و در دیگر مناطق ایران در محوطه‌هایی مانند شهر دقیانوس در جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)، بم (کمشکی و امیرحاجلو، ۱۳۹۸: ۳)، دشت نرماشیر (امیرحاجلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۱۳) و فراهان (نعمتی، شراهی و صدراپی، ۱۳۹۹: ۱۳۳) نیز نمونه‌های مشابه به‌دست‌آمده است.



تصویر ۴. قطعات سفال با نقش قالبی از محوطه بوژگان

سفال لعابدار ساده (لعاب تک رنگ): نمونه‌های لعاب دار به طور کلی به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می‌شوند. براساس مطالعات باستان‌شناسی می‌توان گفت که لعاب‌دهی سفال به دو دوره پارت (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۹) و ساسانی برمی‌گردد. از نظر گاه‌نگاری این شیوه در کلیه ادوار اسلامی رواج داشته و دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی زمان شکوفایی آن بوده است (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶۲). نمونه‌های این روش در بسیاری از شهرهای اسلامی ایران و مناطق هم‌جوار قابل مشاهده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). نمونه‌های بوژگان دارای لعاب به رنگ‌های سبز، آبی فیروزه‌ای، آبی پررنگ و گاهی قهوه‌ای‌اند (تصویر ۵). در بین آن‌ها لعاب ساده سبز رنگ از فراوانی بیشتری برخوردار بوده است. در حوزه شرقی ایران نمونه‌های بوژگان شباهت زیادی با سفال‌های شهر کهن نیشابور (Wilkinson, 1973: 229) و محوطه شادیاخ (غفارپور، ۱۳۸۹: ۷۸) دارند. علاوه بر این، نمونه‌های شهر توس (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶۲)، جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۵۴)، سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوحه های ۲۹-۳۲) و بلقیس (زارعی، عامریان و نیک گفتار، ۱۳۹۵: ۶۲) بیشترین شباهت‌ها را به نمونه‌های بوژگان دارند و با توجه به مطالعات تطبیقی

در سده‌های اول تا هفتم هجری تاریخ‌گذاری می‌شوند. همچنین میان نمونه‌های سفالی بوژگان یک قطعه سفال با لعاب تک‌رنگ سفید به دست آمده که احتمالاً از نمونه‌های وارداتی محسوب شده و در برخی مراکز مهم مانند نیشابور نیز گزارش شده است (Williamson, 1987: 15).
گاه‌نگاری این موارد می‌تواند مربوط به اواسط سده سوم تا نیمه سده چهارم هجری باشد (Whitehouse, 1979: 52 & 59).



تصویر ۵. سفال با تزئین لعاب ساده (تک رنگ) به رنگ‌های آبی، سبز و قهوه‌ای بوژگان

سفال لعابدار منقوش: هنر سفالگری دوران اسلامی با لعاب‌های متنوع شناخته می‌شود. در کنار سفال‌های لعابدار ساده تولید انواع منقوش نیز در جوامع اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشته و به نوعی نشانه‌هایی از ثروت و رشد اقتصادی صاحبان ظروف نیز هستند. سفال‌های لعابدار منقوش انواع مختلفی را شامل می‌شوند که در ادامه بدان اشاره می‌شود. به طور کلی متداول‌ترین نمونه‌های بوژگان را نقاشی روی لعاب تشکیل می‌دهد. سابقه این نوع سفال به سده‌های نخست تا سده هفتم هجری اسلامی باز می‌گردد و شامل گونه‌های سفال با تزئین نقش‌کننده زیر لعاب (اسگرافیاتو^۱)، سفال با لعاب پاشیده، سفال گلابه‌ای، سفال فیروزه قلم مشکی، سفال زرین فام و سفال آبی سفید می‌شوند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

1. Sgraffito

سفال با تزئین نقش کنده زیر لعاب (اسگرافیاتو): پیشینه این روش به دوره‌های تاریخی تا اسلامی برمی‌گردد. در این فن ابتدا بدنه ظروف با نقوش از پیش طراحی شده اسلیمی، گیاهان، حیوانات و بعدها انسان به صورت کنده‌کاری تزئین شده و سپس با لعاب‌های یک رنگ، لایه‌ای شفاف و خوش‌رنگ بر سطح ظرف پوشانده شده‌اند (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۴۵۷-۴۵۹؛ گروه، ۱۳۸۴: ۱۰۳). گاه‌نگاری این گونه به اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری برمی‌گردد و علاوه بر شوش و سیراف (Northedge, & Kennet, 1994: 33)، در نیمه شرقی ایران، شهر نیشابور از مهم‌ترین مراکز تولیدی آن محسوب می‌شود (Wilkinson, 1961: 107). در نمونه‌های حوزه فرهنگی خراسان بزرگ استفاده از رنگ‌های زرد، سبز یا قهوه‌ای به صورت ترکیبی یا مجزا به‌کاررفته که در نهایت این ترکیب ناموزون با لعاب شفافی پوشش داده شده است (رفیعی، ۱۳۷۷: ۵۳). در بوژگان گونه اسگرافیاتوی تک‌رنگ، دو رنگ و چند رنگ با خطوط ظریف هندسی کنده بر سطح سفال به همراه لعاب پاشیده با رنگ‌های سبز، زرد و قهوه‌ای به‌دست آمده است (تصویر ۶). نمونه‌های بوژگان در نگاه منطقه‌ای قابل تطبیق با نمونه‌های نیشابور (Wilkinson, 1973: 77-78)، شادیاخ (غفارپور، ۱۳۸۹: ۱۱۲)، بلقیس (زارعی، عامریان و نیک‌گفتار، ۱۳۹۵: ۷۳) و جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۱۶۰) بوده و در دیگر مناطق نیز مانند جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷)، سیراف (Whitehouse, 1979: 58) و جرجان (Kiani, 1984: 46) نیز گزارش شده است.

سفال با لعاب پاشیده: سفال با لعاب پاشیده در قرن چهارم هجری در بیشتر شهرهای خراسان بزرگ رایج بوده و شهرهای نیشابور و جرجان از مهم‌ترین مراکز ساخت این سفال در شمال شرق محسوب می‌شوند. به لحاظ سابقه تاریخی مرکز اولیه این نوع سفال کشور چین بوده و در دوره خلفای عباسی با توجه به رونق تجارت و بازرگانی بین چین و جهان اسلام این دسته از ظروف به کشورهای اسلامی نیز راه یافت و پس از مدتی مورد تقلید سفالگران مسلمان قرار گرفت (Northedge, & Kennet, 1994: 33). در بوژگان نمونه‌های نقش کنده زیر لعاب همراه با لعاب پاشیده نیز به دست آمده که به نظر می‌رسد دارای نقش مایه هندسی بوده است (تصویر ۶: طرح ۴). نمونه‌های بوژگان قرابت نزدیکی با نمونه‌های شهرکهن نیشابور (Wilkinson, 1973: 77)،

شادیاخ (غفارپور، ۱۳۸۹: ۸۱) و بلقیس (نیک‌گفتار، ۱۳۹۱: ۱۴۳) در حوزه خراسان و بندرگاه سیراف (Whitehouse, 1979: 52-59) دارند.



تصویر ۶. سفال‌های بوژگان از نوع اسگرافیاتو (تزئین نقش کنده زیر لعاب و لعاب پاشیده)

سفال گلابه‌ای: سفال گلابه‌ای با کاوش‌های نیشابور مطالعه، طبقه‌بندی و توصیف شده است (نوری و صالحی کاخکی، ۱۳۹۸: ۶) و در سده‌های نخست اسلامی به تعداد زیاد در نیشابور و افراسیاب در نزدیکی سمرقند تولید و در چرخه مبادلات اقتصادی به دیگر مناطق صادر می‌شده است که نمونه‌های بندر سیراف مصداق این موضوع هستند (عطایی، موسوی حاجی و کولابادی، ۱۳۹۱: ۷۲). این‌گونه سفالی در مراکز دیگر چون سیرجان، جیرفت، قومن و ری تقلید و به شکل محدودتری تولید می‌شده است. در سیرجان به عنوان نزدیک‌ترین مرکز، این نوع سفال به تعداد زیاد تولید می‌شده و طرح‌های آن محدود به کتیبه‌های کوچک، شبه کتیبه و خطوط موازی بوده که به شیوه‌های متمایز از سبک نیشابور به کار رفته است (مرادی و کریمیان، ۱۳۹۹: ۲۷۹).

در نگاه کلی سفال‌های گلابه‌ای بوژگان شباهت زیادی با سفال‌های شهر نیشابور دارند که از مراکز مهم تولید این‌گونه سفال است. کاوش‌های انجام شده در تپه مدرسه، سبزپوشان، قنات تپه و شادیاخ نمایانگر این فرهنگ سفالی‌اند (غفارپور، ۱۳۸۹: ۸۰-۸۲). در نمونه‌های بوژگان سفال لعاب گلی با نقوش سیاه روی زمینه سفید به‌دست‌آمده است که سفال پس از پخت با پوشش گلی تزیین شده و سپس نقش عبارات به خط کوفی یا خطوط تزئینی به رنگ سیاه روی آن نوشته می‌شد (تصویر ۷: طرح ۵). ویژگی این ظروف، آن است که بیشتر فضای ظروف، خالی است و در گوشه‌ای از آن عبارتی نقش شده است. باید اشاره شود که این تزئین ابداع سفالگران سامانی در سده سوم و چهارم هجری است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۶؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۴۴۰). علاوه بر این، نمونه‌هایی با لعاب گلی و نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید نیز به‌دست‌آمده

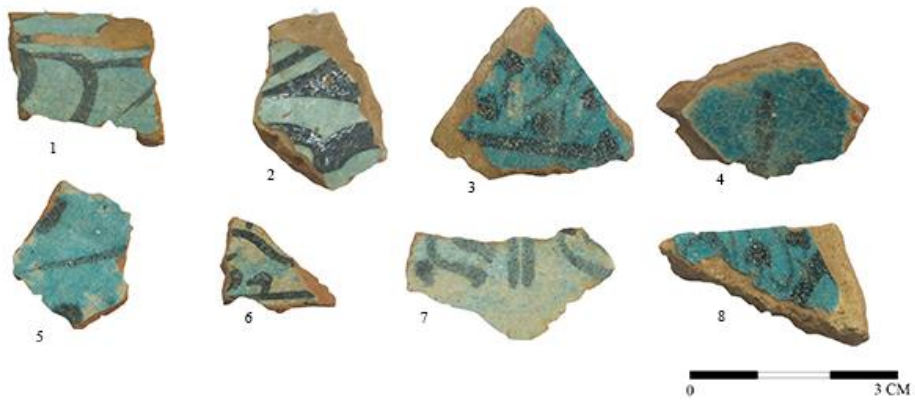
(تصویر ۷: طرح ۱، ۲ و ۶) که متعلق به دورانی است که کیمیاگران و تهیه‌کنندگان لعاب با رنگ‌های مختلف و با اکسیدهای متنوع آشنا شده‌اند و به تبع علاقه، نقوشی از انسان، گل‌ها، گیاهان و حیوانات را روی آن‌ها ترسیم می‌کردند (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). در میان مراکز تولید این نوع ظروف، نیشابور از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و نمونه‌های متعددی از شهر کهن نیشابور گزارش شده است (Wilkinson, 1973: 15). علاوه بر آن از محوطه‌های بلقیس (نیک-گفتار، ۱۳۹۱: ۱۴۹؛ وحدتی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) و جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) نمونه‌های مشابهی گزارش شده است.



تصویر ۷. سفال با تزئین لعاب گلی و انواع مختلف آن از بوژگان

سفال فیروزه قلم مشکی: مطالعات هنر سفالگری نشان می‌دهد که در قرن ششم هجری نقاشی زیر لعاب یا قلم مشکی برای تزئین ظروف سفالی استفاده می‌شده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). بدین‌گونه که دارای نقوش سیاه روی زمینه فیروزه‌ای، سبز و سبز-آبی زیر لعاب شفاف است. سفال مذکور در اکثر شهرهای مهم دوران اسلامی در حوزه خراسان بزرگ مانند نیشابور و سمرقند (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۴۶۹) گزارش شده است. در کاوش‌های نیشابور به‌ویژه شادیاخ (غفارپور، ۱۳۸۹: ۸۸) نمونه‌های شاخصی از این شیوه گزارش شده که به رنگ‌های مختلف روی زمینه سفید، آبی و فیروزه‌ای ایجاد شده‌اند. در حوزه‌های هم‌جوار مانند دشت سیستان که طبق گاه‌نگاری ارائه شده در سده‌های ششم تا نهم هجری و هم‌زمان با دوران تیموری گاه‌نگاری نسبی

شده‌اند، رایج‌ترین نمونه بوده‌اند (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۲). در بسیاری از دیگر مناطق ایران در حوزه دشت گرگان و شهرهایی مانند جرجان، فلات مرکزی و شهرهایی مانند ری این نمونه گزارش شده است. باید اشاره شود که در سده‌های متأخر اسلامی و به عنوان مثال در دوره ایلخانی نیز این گونه در شهرهایی مانند سلطان‌آباد قابل تشخیص است (Pope, 1967: 1840-1845). در مطالعات بوژگان مشخص شده که تعداد قابل توجهی از سفال‌ها با این روش تزئین شده‌اند و خمیره برخی از آن‌ها با جنس خمیره سنگ است. در حالت کلی نقوش سیاه رنگ روی بدنه ایجاد شده و با لعاب‌هایی به رنگ‌های فیروزه‌ای و آبی تثبیت شده‌اند (تصویر ۸).

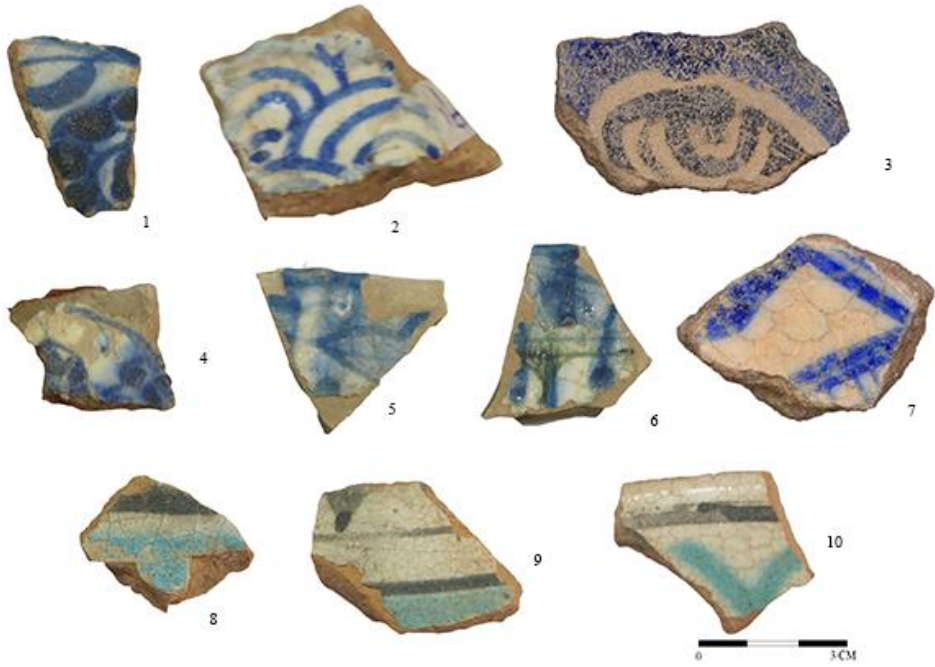


تصویر ۸. سفال منقوش لعابدار از نوع فیروزه قلم مشکی از بوژگان

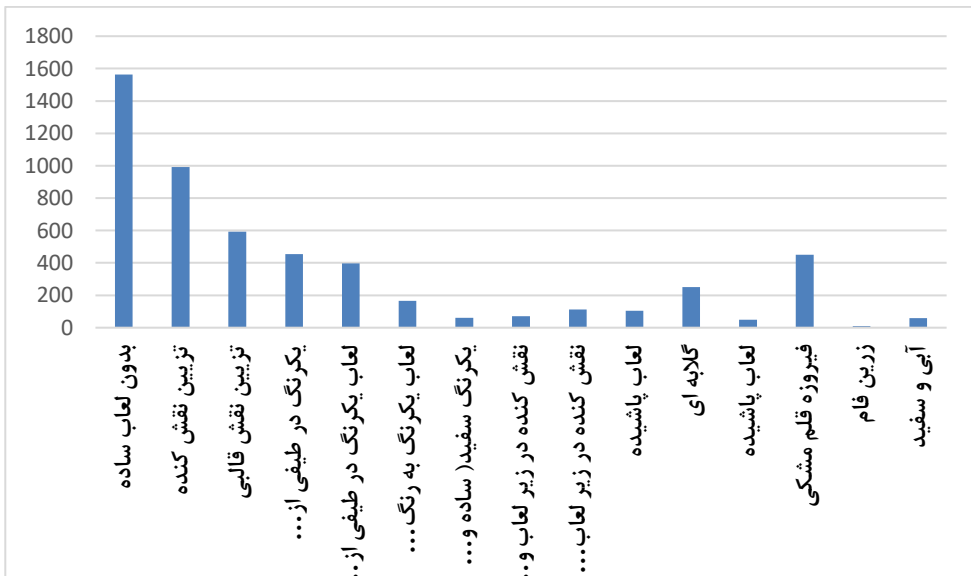
سفال زرین‌فام: در مورد علت و چرایی تولید این نوع از سفال اشاره شده که هم‌زمان با قرون سوم و چهارم هجری در کلیه شهرهای مهم دوران اسلامی به جهت منع تولید ظروف سیمین و زرین دوره‌های پیشین نخبگان اجتماع گرایش به استفاده از این ظروف داشته و سبب تولید آن شده‌اند (ر.ک به نصری، ۱۳۹۹). البته برخی نیز رواج این ظروف را نتیجه مردمی شدن هنر در دوران سلجوقی می‌دانند (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). تولید این سفال همانند سفال فیروزه قلم مشکی در سده‌های ششم تا هشتم هجری در ایران رواجی چشمگیر داشته و می‌توان گفت که توسعه آن در دوره سلجوقیان رخ داده است. در خصوص ریشه این فناوری پژوهشگران معتقدند که ریشه‌های آن در قرون اولیه اسلامی و در مناطق غربی سرزمین اسلامی بوده است (Watson, 1985: 10-16). باید اشاره شود که در متون و منابع اسلامی ساخت سفال و کاشی

زرین‌فام را در سه دوره تقسیم‌بندی نموده‌اند (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۴) که نمونه‌های بوژگان در سده‌های میانی قابل گاه‌نگاری‌اند. براساس گزارش ثبتی این محوطه و بررسی سال ۱۳۶۴ش چند قطعه از این نوع گزارش شده، که متأسفانه اطلاعات دقیق آن موجود نیست (لباف، ۱۳۶۴: ۲۱). نمونه‌های مشابه بوژگان از شادیاخ (غفاری، ۱۳۸۹: ۱۳۴)، جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۱۶۶)، محوطه‌های حاشیه خلیج‌فارس و جنوب ایران (Priestman, 2013: 700)، کاشان (گروبه، ۱۳۸۴: ش ۲۴۴) و ری (Treptow, 2007: 53) به‌دست‌آمده است.

سفال آبی سفید: از نمونه‌های بسیار رایج در هنر سفالگری دوران اسلامی سفال آبی سفید است و مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد از سده‌های نخستین تا متأخر رواج داشته است که البته در هر دوره با تغییراتی همراه بوده است. براساس کاوش‌های شهر سامرا در بازه زمانی قرون سوم و چهارم هجری اولین نمونه‌ها گزارش شده است (صالحی کاخکی، صدیقیان و منتظر ظهوری، ۱۳۹۱: ۲). در حوزه خراسان بزرگ در کاوش‌های نیشابور نمونه‌های متعددی به‌دست‌آمده است که در گاه‌نگاری نمونه‌های منطقه حائز اهمیت‌اند (Wilkinson, 1973: 259). در قرون میانی نیز نمونه‌های اندکی یافت شده اما در دوره‌های بعد از نمونه‌های بسیار رایج می‌گردد (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۸۷). در دیگر شهرهای خراسان مانند جیزد (معتبر رودی، ۱۳۹۴: ۶۸) این نمونه‌ها گزارش شده‌اند. در حالت کلی نمونه‌های بوژگان باتوجه‌به اینکه ماحصل بررسی سطحی‌اند، می‌توانند در دوره‌های تاریخی میانی و متأخر اسلامی گاه‌نگاری شوند. البته اگر در کنار سایر روش‌های تولید سفال مد نظر قرار گیرند، احتمال انتساب آن‌ها به سده‌های میانی بسیار بیشتر است (تصویر ۹).



تصویر ۹. سفال‌های آبی و سفید محوطه بوژگان



نمودار ۲. فراوانی گونه‌های شناسایی شده از محوطه بوژگان

بحث و تحلیل

در برآیند اولیه مطالعه منابع مکتوب نشان می‌دهد که شهر بوژگان در سده‌های اولیه اسلامی مرکز ولایت جام است و نقش مهمی در تحولات تاریخی خراسان داشته است (زارعی و لاله، ۱۳۹۵: ۱۷۷-۱۷۸). جام و کرسی آن یعنی محوطه بوژگان از ابتدا در متون مهم دوران اسلامی به‌عنوان یکی از رستاق‌های نیشابور توصیف شده است. براین‌اساس نام بوژگان در متون صدر اسلام (قرن اول تا چهارم هجری) به صورت‌های بوزگان/ پوزگان/ پوچکان (خسروی، ۱۳۷۷: ۸۲۹) آمده و یکی از مناطق پیرامونی و خوره‌های خراسان ذیل نیشابور ذکر شده است (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۱۶۸). در دیگر متون مانند *المسالك و الممالك* که در حدود ۲۵۰ ق نگاهشته شده (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴)، *البلدان* به تاریخ حدود ۲۸۲ ق (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۲۷۸) و *اعلاق النفیسه* کتابی تألیف شده در ۲۹۰ ق در شرح آگاهی‌های کهن از نجوم و شهرها و کشورها (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۷۱) نام جام به عنوان یکی از استقرارهای پهنه فرهنگی نیشابور ذکر شده که منظور آن‌ها محوطه بوژگان بوده است (باصفا و رحمتی، ۱۳۹۴: ۲۶۵-۲۶۶). دیگر متون نیز همچون *زین الاخبار* (گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۷۵) و *تاریخ یمینی* (عتبی، ۱۳۷۴: ۱۸۶-۱۸۸) در ۳۹۱ ق در نبرد سامانیان و غزنویان، نبردهای اسماعیلیان در قرن پنجم هجری (فرقانی، ۱۳۸۵: ۲۲۱)، و چیره شدن سنجر سلجوقی در بوژگان بر مخالفان (خوافی، ۱۳۳۹-۱۳۴۱: ۲۱۰) به این شهر اشاره کرده‌اند.

این توصیف‌ها تا قرن نهم هجری ادامه پیدا می‌کند (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۴۰) و پس از آن شواهد اضمحلال این شهر نمایان می‌شود اما در این سده‌ها بوژگان به دلیل قرارگرفتن بر سر راه نیشابور به هرات اهمیت داشته و بدون شک تحولات شهرهای مهم ذکر شده سبب رشد و توسعه بوژگان شده است. در متون جغرافیایی بارها به این موضوع اشاره شده و به نقل از ابن حوقل آمده است که در قرن چهارم هجری فاصله نیشابور تا بوزجان چهار مرحله، و از آنجا تا بوشنج (پوشنگ) نیز چهار مرحله و از آنجا تا هرات یک مرحله بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۵۳).

بوژگان یا بوزجان در بررسی‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۳۹۲ ش و ۱۴۰۲ ش دقیق‌تر مورد مطالعه قرار می‌گیرد و براساس آن به‌عنوان مرکز و کرسی ولایت جام بر سر راه ابریشم و جاده مهم نیشابور به هرات و دیگر شهرها، مانند مالین و باخرز، مبادلات تجاری و فرهنگی گسترده‌ای

با مناطق هم‌جوار و دوردست داشته است. این شهر در سده‌های نخست شکل گرفته، در سده‌های میانی توسعه یافته و سپس از بین رفته است. در این بین یافته‌های سفالی درک بهتری از تحولات بوژگان و تبیین حیات شهری آن دارند. از بررسی‌های بوژگان سفال‌های ویژه‌ای به‌دست‌آمده که براساس آن می‌توان فرهنگ‌های سفالی را شناسایی کرد و گاه‌نگاری این شهر را ارائه داد. گاه‌نگاری سفالینه‌ها و مقایسه تطبیقی آن‌ها نشان می‌دهد، اوج گسترش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوژگان قرون سوم تا ششم هجری بوده است. همچنین گونه‌های سفالی نشان می‌دهند، این شهر احتمالاً تا قرن نهم هجری همچنان مورد استفاده بوده است.

علاوه‌براین، یافته‌های سفالی بوژگان نشانه‌هایی از ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای دارد (افضلی و خالدیان، ۱۴۰۲: ۲۱). آن‌ها می‌توانند به درک روابط و اشتراکات سرزمین‌های مختلف کمک کرده و به چگونگی این ارتباطات و یا شباهت‌ها اشاره کنند (موسوی‌حاجی، و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۲۵-۳۲۶). سفال‌های نمونه‌برداری شده از بررسی بوژگان به درک بهتر این موضوع کمک می‌کنند. وجود گونه‌های متنوع سفالی و فرهنگ‌های آن‌ها در سده‌های اولیه و میانه اسلامی نشان‌دهنده ارتباطات تجاری با دیگر مناطق است. در سده‌های نخست وجود سفال گلابه‌ای که شباهت ویژه‌ای به نیشابور دارد و در کنار اشاره‌های متعدد متون به قرارگیری آن در پهنه فرهنگی نیشابور (باصفا و رحمتی، ۱۳۹۴: ۲۶۸) به ارتباط ویژه بوژگان و نیشابور اشاره دارند، هر چند که ممکن است برخی از برندهای سفالی با کیفیت پایین‌تری در چند مرکز با درجه اهمیت دوم ساخته شده باشند. علاوه‌براین، سبک اسگرافیاتو یک فناوری مشترک میان شهرهای اسلامی سده‌های نخست تا میانی اسلامی محسوب می‌شود که مصداقی بر ادعای مذکور است.

به هر ترتیب تولید گونه‌های یکسان در شهرها و محوطه‌های مختلف اسلامی می‌تواند دلیلی بر روابط فرهنگی و اقتصادی میان شهرهای مختلف اسلامی باشد (افضلی و خالدیان، ۱۴۰۲: ۲۲) موقعیت مکانی مناسب کمک زیادی به گسترش انواع سفال‌ها در شبکه مبادلاتی می‌کند که شباهت گونه‌های سفالی میان محوطه‌های مهمی مانند نیشابور، شادیاخ، توس، بلقیس، سیستان به این ارتباطات صحه می‌گذارد. در سده‌های میانی تولید سفال‌های شآن‌زا که به نوعی نشان‌دهنده ثروت و رشد اقتصادی جامعه نیز هستند، در بوژگان به‌دست‌آمده است. به‌عنوان مثال

نمونه‌های زرین فام، آبی سفید و فیروزه قلم مشکی از این دست هستند. ضمن اینکه هم‌گونی آن‌ها با دیگر مناطق به ارتباطات گسترده تجاری و فرهنگی بوژگان با مناطق هم‌جوار و دور دست تأکید می‌کنند. همچنین از دوره سلجوقی سفال‌های قالب‌زده، تک‌رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی گزارش شده که نشانه‌هایی از حیات شهری آن در دوره سلجوقی دارد.

نتیجه‌گیری

حوزه جام، به دلیل دارا بودن بسترهای مناسب جهت توسعه از دیر باز مکان مناسبی برای اجتماعات انسانی بوده است. در این حوزه شهر بوژگان از کلیدی‌ترین شهرهای دوره اسلامی منطقه محسوب شده که بقایای آن متاسفانه به شدت تحت تأثیر فرآیندهای بعد از نهشته شدن آسیب دیده است. با این حال در بررسی روشمند باستان‌شناسی محوطه بوژگان، اطلاعات ارزنده‌ای از حیات شهری آن به دست آمده است. در این شهر گونه‌های سفالی متعددی به دست آمده که گاه‌نگاری مقایسه‌ای آن‌ها نشان می‌دهد، در سده‌های نخست و میانی اسلامی حیات شهری در آن وجود داشته است. با توجه به مطالعاتی که روی مجموعه سفالی مربوط به سده‌های اولیه تا هفتم هجری این محوطه انجام شده است، گونه‌های اصلی سفال ساده (بدون لعاب و بدون تزیین)، ساده منقوش (بدون لعاب منقوش)، ساده با نقش‌کنده، ساده با تزیین قالب‌زده قابل تشخیص است. این گونه‌ها - به جز قالب‌زده که در دوران سلجوقی رایج بوده - در اکثر دوره‌های اسلامی مورد استفاده بوده‌اند. گونه‌های گلابه‌ای و نقش‌کنده زیر لعاب ساده و پاشیده در سده‌های نخست تا پنجم هجری و نمونه‌های لعابدار تک رنگ، فیروزه قلم مشکی، زرین فام و آبی سفید در سده‌های میانی قابل تاریخ‌گذاری هستند. علاوه بر این، بوژگان در سده‌های اولیه اسلامی و هم‌زمان با شهر نیشابور شکل گرفته و در پهنه فرهنگی آن و مسیر ارتباطی مهم به هرات شکوفا شده است. دیگر گونه‌های سفالی نیز شکوفایی آن را در سده‌های میانی نشان می‌دهند. برآیند کلی قراین باستان‌شناسی در کنار منابع اسنادی نشان می‌دهد، بوژگان شهری پایدار است و در کنار شهرهای مهمی مانند نیشابور و هرات در تحولات تاریخی شهرهای اسلامی شرق ایران تأثیرگذار بوده است.

تشکر و قدردانی: در انجام فعالیت میدانی از جناب آقای عباسزاده، معاون محترم میراث فرهنگی؛ آقای محمود طغرای، مسئول محترم اداره حفظ و احیا؛ جناب آقای مهندس سیاوش صابری مقدم، ریاست محترم اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تربت جام و جناب آقای مهندس متقی از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). *صورة الأرض* (ترجمه جعفر شعار). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک* (ترجمه سعید خاکنند). تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن رسته، احمد. (۱۳۶۵). *اعلاق النفیسه* (ترجمه حسین قره‌چانلو). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر. (۱۳۴۹). *مختصر البلدان* (ترجمه ح. مسعود). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- افضل، زینب، و خالدیان، ستار. (۱۴۰۲). گونه‌شناسی و گاه‌نگاری یافته‌های سفالی محوطه باغ‌بمید سیرجان از سده‌های اولیه اسلامی تا سده هفتم هجری قمری. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۵ (۱)، ۱-۲۷. doi. 10.22059/jarcs.2022.343725.143120
- امیرحاجلو، سعید، و سقایی، سارا. (۱۳۹۷). گسترش و تنوع گونه‌های سفال دوران اسلامی در سکونت‌های دشت نرماشیر. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۹ (۸)، ۲۰۷-۲۲۶. doi. 10.22084/nbsh.2019.17433.1823
- باصفا، حسن، رحمتی، مهدیه. (۱۳۹۴). تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه و میانه اسلامی براساس منابع مکتوب (مطالعه موردی: شهر بوژگان). *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۷ (۱)، ۲۶۳-۲۷۶.
- بختیاری‌شهری، محمود، مرتضایی، محمد، و شعبانی صمغ آبادی، رضا. (۱۳۹۴). پژوهشی پیرامون جغرافیای تاریخی، فرهنگی ناحیه توس در چهار قرن نخستین اسلامی با اتکاء به داده‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۶ (۲۱)، ۱۱-۳۰. doi. 20.1001.1.22516131.1394.5.21.1.2
- توحیدی، فائق. (۱۳۸۲). *فن و هنر سفالگری*. چاپ دوم. تهران: سمت.
- چوبک، حمیده (۱۳۹۱). سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۴ (۱)، ۸۳-۱۱۲.

- حافظ ابرو، عبدالله. (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*، تصحیح و تعلیق غلامرضا ورهرام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- حسینی، هاشم. (۱۳۸۵). *بررسی باستان‌شناختی محوطه اسلامی تابران توس*. وضعیت هنرهای معماری و سفالگری (پایان‌نامه دکتری). رشته باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- خسروی، خسرو. (۱۳۷۷). *بوزجان. دانشنامه جهان اسلام*. ج ۴. قم: مرکز دایره المعارف الفقه الاسلامی.
- خوافی، احمد. (۱۳۳۹-۱۳۴۱). *مجمعل فصیحی*. ج ۲. مشهد: محمود فرخ.
- دارک، کن. آر. (۱۳۷۹). *مبانی نظری باستان‌شناسی (ترجمه کامیار عبدی)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رحمتی. مهدیه. (۱۳۹۲). *بررسی روشمند باستان‌شناختی محوطه تاریخی بوژگان (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)*، رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گلستان، ایران.
- رضائزاد، حسین. (۱۳۸۰). *شناخت و معرفی سفال‌های ارگ تابران توس (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). *باستان‌شناسی. دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱. انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۴۸۴-۴۸۶.
- رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷). *سفال ایران از پیش از تاریخ تا عصر حاضر*. تهران: یساولی.
- زارعی، علی، و لاله، هایده. (۱۳۹۵). *بررسی نقش و اهمیت مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جامی در روند تحولات شهرسازی شهر تاریخی تربت جام (از دوره سلجوقی تا اواخر دوره پهلوی)*. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۶ (۱۰)، ۱۷۳-۱۹۲.
- doi: 10.22084/nbsh.2016.1553
- زارعی، محمدابراهیم، عامریان، حمید، و نیک‌گفتار، احمد. (۱۳۹۵). *طبقه‌بندی گونه سفالینه‌های لعاب‌دار قرن ۲ تا ۴ هـ ق کشف‌شده از شهر تاریخی بلقیس (اسفراین کهن)*.
- doi: 10.22059/jarcs.2016.59495. ۷۶-۵۷، (۱)، ۸
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۶). *دیباچه ای بر هنر ایرانی اسلامی*. قم: توانمندان.

- صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۷۲). *معماری ایرانی در شرق خراسان* (پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- صالحی کاخکی، احمد، صدیقیان، حسین، و منتظرظهوری، مجید. (۱۳۹۱). بررسی روند تولید آبی و سفید در ایران طی ادوار مختلف اسلامی. *پژوهش هنر*، ۳ (۵)، ۱-۱۳.
- طغرای، محمود. (۱۳۷۷). *گزارش ثبتی محوطه تاریخی بوژگان*. مشهد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی. (چاپ نشده).
- عتبی، محمد بن عبد الجبار. (۱۳۷۴). *تاریخ یمینی* (ترجمه ناصر بن ظفر جرفادقانی). مصحح جعفر شعار. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- علیزاده عباس. (۱۳۸۳). نظریه و عمل در باستان‌شناسی. *گزارش‌های باستان‌شناسی* (۳)، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی.
- علیزاده، کریم. (۱۳۸۱). معرفی روش ثبت و ضبط اشیاء در یک بررسی باستان‌شناختی. *باستان پژوهی*، ۹ (۱)، ۱-۱۱.
- عطایی، مرتضی، موسوی حاجی، سیدرسول، و کولابادی، راحله. (۱۳۹۱). سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری). *نگره*، ۷ (۲۳)، ۷۰-۸۷.
- غفارپور، لیلا. (۱۳۸۹). *بررسی تحلیل باستان‌شناختی سفالینه‌های محوطه اسلامی شادیاخ نیشابور* (پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران.
- فرقانی، محمد فاروق. (۱۳۸۵). *تاریخ اسماعیلیان قهستان*. ج ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. (۱۳۴۹). *کاوش‌های نیشابور و سفالگری ایران در سده ۵ و ۶ هـ.ق*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- _____ (۱۳۷۹). *سفال و سفالگری در ایران (از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر)*. تهران: ققنوس.
- کریمی، فاطمه، و کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). *هنر سفالگری دوران اسلامی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کمشکی، ندا، و امیرحاجلو، سعید. (۱۳۹۸). مطالعه سفال‌های قالبی عصر سلجوقی در نمایشگاه ارگ قدیم بم. چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- گردریزی، عبدالحی بن ضحاک. (۱۳۴۷). *زین الاخبار*. تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گروبه، ارنست. (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. گزیده ده جلدی مجموعه هنر اسلامی. ج ۷. گردآوری و تدوین ناصرخلیلی (ترجمه فرنازحائری). تهران: کارنگ.
- لاله، هایده، لرزاده، زهرا، شجاعی اصفهانی، علی، و حاجی علیلو، سولماز. (۱۳۹۰). *پهنه شهر کهن نیشابور در گستره طبیعی و تاریخی از دوره ساسانی تا دوره قاجار*، گزارش ثبت عرصه و حریم مجموعه آثار شهر کهن نیشابور و حریم منظری آن. تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی [گزارش منتشر نشده].
- لباف، رجبعلی. (۱۳۶۴). *گزارش ثبتی محوطه بوژگان*. مشهد: اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی. (چاپ نشده).
- لسترنج، گای. (۱۳۶۴). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* (ترجمه محمود عرفان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۰). *باستان‌شناسی و سفال*. باستان‌شناسی و تاریخ، ۸ (۱۰)، ۴-۱۴.
- مرادی، حسن، کریمیان، حسن. (۱۳۹۹). *طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوران اسلامی دشت نیریز*. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۲ (۳)، ۲۷۱-۲۷۹.
- مرتضایی، محمد. (۱۳۸۶). *مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان) در دوره اسلامی با مطالعه موردی کاوش در محوطه اسلامی شهر گرگان* (رساله دکتری باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- معتبرودی، مهسا. (۱۳۹۴). *شناخت مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر دوران اسلامی جیزد در چشم‌انداز دشت خواف* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی گلستان. ایران.
- منشی، محمدعلی. (۱۳۵۶). *سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس*. تهران: محمد گلبن.

- موسوی حاجی، سید رسول، و مرتضی عطایی. (۱۳۸۹). *مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان و زاهدان*. زاهدان: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- نصری، اسماعیل. (۱۳۹۹). درآمدی بر شکل‌گیری سفالینه‌های زرین فام ایران در دوران اسلامی. پیکره، ۹ (۲۱)، ۱۱-۲۴. doi.10.22055/pyk.2020.16544
- نعمتی، محمدرضا، شراهی، اسماعیل، و صدرائی، علی. (۱۳۹۹). پژوهشی در سفالینه‌های قالب زدهٔ محوطهٔ زلف آباد فراهان. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۰ (۲۶)، ۱۱۹-۱۴۰. doi.10.22084/nbsh.2020.14058.1612
- نوری، نجمه، و صالحی کاخکی، احمد. (۱۳۹۸). مستندنگاری سفال‌های گلابه ای منقوش رنگارنگ روی زمینه سفید (نمونه موردی موزه بنیاد مستضعفان تهران). *نگارینه هنر اسلامی*، ۶ (۱۷)، ۴-۲۲. doi.10.22077/nia.2019.2097.1171
- نیک‌گفتار، احمد. (۱۳۹۱). *گزارش فصل پنجم شهر تاریخی بلقیس اسفراین*. اسفراین: آرشیو پایگاه شهر بلقیس. (چاپ نشده).
- نیک‌خواه، هانیه، خزایی، محمد، حاتم، غلامعلی، و نیستانی، جواد. (۱۳۹۰). بازتاب شکل‌گیری دو پدیده اجتماعی بر سفال‌های زرین فام دوره‌ی سلجوقیان؛ پیدایش طبقه متوسط و مردمی شدن هنر. *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۳ (۹)، ۱۲۵-۱۰۷.
- هرینک، ارنی. (۱۳۷۶). *سفال ایران در دوران اشکانی* (ترجمه حمیده چوبک). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یعقوبی، ابن واضح. (۱۳۸۱). *البلدان* (ترجمه محمد ابراهیم آیتی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- Allan, J. (1982). *Nishapur: Metalwork of the Early Islamic Period*, New York: Metropolitan Museum of Art.

- Bulliet, R. (1976). Medieval Nishapur: A Topographic and Demographic Reconstruction. *Studia Iranica*, 5(1): 68-89.

- Burke, H., & Smith, S. (2004). *The Archaeologist's Field Handbook*. Sydney: Allen and Unwin.

- Kervran, M. (2005-2006). *Nishapur, Rapport de la Mission archéologique irano-française*. Iranian Center for Cultural Heritage and Tourism Organization, (Unpublished).

- Kiani, M. (1984). *The Islamic City of Gurgan*. Deutsches Archäologisches Institut. Abt. Teheran. Archäologische Mitteilungen aus Iran. Ergänzungsband 11. Berlin: Dietrich Reimer Verlag.
- Northedge, A., & Kennet, D. (1994). The Samarra horizon. In E.J. Grube (Ed.), *Cobalt and Luster. The first centuries of Islamic pottery, The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art*, 9(1): 21-35.
- Pope, A. U. (1967). The Ceramics Art in Islamic Times: The Middle Period, In Pope, Arthur Upham & Phillis Ackerman (Eds.), *Survey of Persian Art*. Vol. IV. London and New York: Oxford University Press.
- Priestman, S. (2013). *A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400 – 1275*. PhD Thesis, Centre for Maritime Archaeology, University of Southampton, England.
- Shepard, A. O. (1980). *Ceramics for the Archaeologist*. Washington DC: Carnegie Institution of Washington,.
- Treptow, T. (2007). *Daily Life Ornamented; the Medieval Persian City of Rayy*. Chicago: Oriental Institute Museum of the University of Chicago.
- Watson, O. (2004). *Ceramic from Islamic Lands*. London: Thames & Hudson Publication.
- Watson, O. (1985). *Persian Lustre Ware*. Published by London : Faber and Faber.
- Whitehouse, D. (1979). Islamic glazed pottery in Iraq and the Persian Gulf: the ninth and tenth centuries. *Annali. Istituto Orientale di Napoli*, 39(1): 45-61.
- Wilkinson, C. k. (1961). The Glazed Pottery of Nishapur and Samarkan. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*. New Series, 20(3), 102-115.
- Wilkinson, C. k. (1971). Islamic archaeology in Iran. *Expedition*, 13(1): 62-65.
- Wilkinson, C. k. (1973). *Nishapur, pottery of Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Wilkinson, C. k. (1986). *Nishapur: Some Early Islamic Building and Their Decoration*. New York: the Metropolitan Museum of Art.
- Williamson, A.G. (1987). Regional distribution of medieval Persian pottery in the light of recent investigations. In, J.W. Allan, & C. Roberts (Eds.), *Syria and Iran, Three Studies in Medieval Ceramics. Oxford Studies in Islamic Art 4*, 11-22.

A Study on Needs of Junior High School Students in Mashhad

Nayereh Shahmohammadi¹

Fatemeh Parasteh Ghombavani²

Received: 25/10/2022

Accepted: 26/5/2024

Introduction

Recognizing and addressing students' needs is a crucial step in designing effective educational programs (Levi, 2010, p. 88). To engage students and meet their requirements, curricula should be adaptable and evolve to align with their interests (Smith, 2009, p. 9). However, Iran's current centralized curriculum system is not adequately preparing students for real-life challenges (Ramzanejad, Hemtinejad, & Benar, 2003, p. 107), as numerous studies have shown (Javanmard & Pour Garhami, 2014, p. 31; Aminon et al., 2015, p. 1021; Bagheri & Rahimian, 2016, p. 259; Al-Ahmadi & Sharfi Abqa, 2015, p. 111). High school students believe the current program does not meet their needs (Haj Hosseini, Shabeiri, & Farajollahi, 2015, p. 2315; Sarmadi, Ghanbari, & Talebian Sharif, 2018, p. 564), indicating a disconnect between the curriculum and students' and society's needs (Perrota & Keese, 2024, p. 2). Despite this, educational documents emphasize the importance of students being active, influential, and creative individuals who take ownership of their learning (National Curriculum Document, paragraphs 12, 4-3, and 12-8; Education Reform Document, paragraph 1-16). To enhance the education system's effectiveness, it is essential to create content that resonates with students' genuine needs, promote educational equity, and ensure equal access to resources (National Curriculum Document, 2011, p. 1; Education Reform Document, 2011, p. 1). This approach fosters lifelong learning, collaborative education, and a more inclusive environment. By designing flexible frameworks that transcend traditional boundaries, education can overcome time and place constraints, enabling conscious, voluntary, and engaging lifelong learning. Given the significance of understanding students' needs, this study aims to identify these needs and determine what

1. Associate Professor and Academic Staff of Organization for Educational Research and Planning, Ministry of Education, Tehran, Iran, nsh_teh@yahoo.com (Corresponding Author), **ORCID: 0000-0001-7087-2662**

2. Assistant Professor of Department of Educational Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran, fatemeh.parasteh@yahoo.com.sg **ORCID: 0000-0002-8670-6164**



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

students should be learning. Specifically, this research will evaluate the needs of junior high school students in Mashhad.

Research Method

This study employs a survey methodology, utilizing a semi-structured questionnaire to gather data. The statistical population consisted of 79,000 junior high school students in Mashhad. The sample size was calculated using the Cochran formula to be 384 students. To select the sample group, four districts of Mashhad were chosen (east District 5, north District 6, west District 4, and south District 3), and then two boys' schools and two girls' schools were selected from each district. Students were randomly selected from these schools to participate in the sample group. A researcher-made questionnaire was designed to determine the basic needs of the junior high school students. The questionnaire consisted of general, demographic, and main questions based on theoretical foundations and research objectives. To establish the reliability of the instrument, 30 junior high school students were initially selected and asked to respond to the questionnaire twice, with a one-month interval. The reliability was then calculated using the correlation between the questions, which was 0.7, indicating suitable reliability. For data analysis, descriptive statistics, one-sample chi-square test, and Friedman test were employed.

Findings

The research findings identified the top ten needs of junior high school students as follows:

- Introduction to cinema and music (293 responses)
- Methods for recognizing and analyzing political and social issues (266)
- Introduction to academic fields and entrance examinations (242)
- Introduction to famous stories and novels (234)
- Curricular and extracurricular materials (216)
- Teaching strategies for dealing with social issues (207)
- Teaching the art of storytelling (191)
- Developing problem-solving skills (188)
- Introducing methods for happiness and vitality (178)
- Introducing applied sciences, technical, and professional skills (176)

In contrast, the least important needs, as perceived by students, were:

- Education on citizenship rights and duties (77 responses)
- Moral education (74)
- Addressing religious questions and doubts (72)
- Group education and decision-making (70)

When categorized, the average ratings of high school students' needs showed that Scientific and educational materials ranked highest with an average of 5.03, while political materials ranked ninth with an average of 1.459. The remaining needs, in order of importance, were:

- Religious and moral content with an average of 4.10
- Spiritual and psychological needs with an average of 2.76
- Social and cultural needs with an average of 2.35
- Economic, job, and professional skills with an average of 1.92
- Recreation and entertainment with an average of 1.97
- Wellness, health, and safety with an average of 1.90
- Artistic and literary materials with an average of 1.18

The results of the Friedman test indicate a chi-square value of 538.247, significant at a level of less than 0.05 ($p < 0.05$), demonstrating differences in the importance students attribute to various types of needs ($0.001 > p$, 5 degrees of freedom, 538.247 = chi-square value).

Discussion and Conclusion

The findings indicate that students prioritize scientific and educational needs, followed closely by religious and moral content. The three categories of spiritual and psychological skills, as well as social, cultural, economic, and professional needs, are also important to students. However, entertainment, literary and artistic, health, safety, and political needs are less of a concern for students. The research findings of this study are in line with the research results of Diba Vajari, Hosseinian, and Qaedi (2011), Hamidi (2005), Akbari and Sharifi (2008), and Salimi (2003). The results can be explained by considering the significant impact of media, cultural-social changes, virtual interactions, and the evolving needs, attitudes, lifestyle, and cultural consumption of students. The fluidity and change that occur every three years in the lives of junior high school students necessitate continuous audience analysis for this age group. To cater to the diverse and varied needs of these students, it is essential to address the increasing trend of social harms that affect them at a younger age and extend into adolescence. The sensitivity and importance of the adolescent period, identity issues, independence-seeking, and conflicting attractions and interests during this period make education on topics related to mental and psychological counseling, strengthening resilience and life skills, marriage, and family formation crucial. Curriculum planners and educational content producers should seriously consider these essential needs. Furthermore, given the highly politicized society and the surge of political news and events, students are naturally drawn to these subjects. Developing

a suitable program for political education, scientific understanding of issues, and systematic analysis of political matters is a necessity.

Keywords: Student Needs, Need for Entertainment, Literary and Artistic, Health, Safety, Political Needs.

References

- Abbaszadegan, M., & Turkzade, J. (1386). *Niayzasanji amoozesh dar saze-manha* [Training needs assessment in organizations]. Tehran: Sahami Publication. [In Persian]
- Agbemenu, K. & Schlenk, E. A. (2011). An integrative review of comprehensive sex education for adolescent girls in Kenya. *Journal of Nursing Scholarship*, 43(1), 54-63.
- Akbari, A., & Sharifi, P. (2008). Niazhay-e motaleati daneshamozan dorey-e motevasete keshvar darbareye ketabhaye gheyr-e darsi [A study on the needs of high school students in Iran about non-curricular books]. *Educational Innovation Quarterly*, 7(28), 111-128. [In Persian]
- Aminon, E., Sharifipour, Z., Aminon, F., Aminon, I., & Sharifipour, P. (2016). *Barasi asarbakhshi tose-e fanavari-e etelaat va ertebataat bar tashil yadgiri daneshamoozan va afzayesh keyfiat barnameye darsi madares* [Investigating the effectiveness of information and communication technology development on facilitating students' learning and increasing the quality of school curricula]. The Third International Conference on Research in Engineering, Science and Technology, Gorjestan. [In Persian]
- Aminzadeh, A., & Sarmad, Z. (2004). Rabetey-e pishraft-e tahsili ba faaliyatha-ye bade madrese [The relationship between academic progress and after school activities]. *Journal of Psychology*, 3(31), 294-312. [In Persian]
- Asle Ahmadi, Y. S., & Ramzani Nejad, R (2021). Barasi-ye rabete-ye negaresh yadgiri online va amadegiye yadgiri tarbiyat badani dar mohite digital [Investigating the relationship between students' online learning attitude and readiness to learn physical education in the digital environment], *Proceedings of the First International Conference of Educational Sciences, Psychology and Human Sciences*. Brussels: Sarmadnoor Institute. [In Persian]
- Bagheri Najafabad, Z., & Rahimian, J. (2017). Tahlil mohtavaye motoon darsi zaban-e farsi az nazare tanasob-e aan ba sene daneshamoozan [Analysis of the content of Persian language textbooks in terms of its appropriateness with the age of the students]. *Journal of Education Technology*, 13(2), 259-268. [In Persian]
- Bonta, J., & Wormith, S. J. (2007). Risk and need assessment. *Developments in Social Work with Offenders*, 15(1), 131-152.
- Bradshaw, J. (1972). *Taxonomy of social need*. London: Oxford University Press.
- Crişan, C. Pavelea, A., & Ghimbuluţ, O. (2015). A need assessment on students' career guidance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180(2), 1022-1029.
- DeSilets, L. D. (2006). Needs assessment. *The Journal of Continuing Education in Nursing*, 37(4), 148-149.
- Diba Vajari, M., Hosseiniyan, S., & Qaedi, Y. (2011). Baresiy-e niyaz be rahnamayei daneshamoozan dabirestanhay-e shahr-e Tehran [Examining the need for guidance among high school students in Tehran]. *Educational Innovations Quarterly*, 10(4), 131-148. [In Persian]

- Esmaili, R., & Rabiei, K. (2008). Sanjesh niyazhaye farhangi-ejtemaei dokhtaran daneshamooz shahr-e esfahan [Assessing the cultural-social needs of female students in Isfahan]. *Women's Strategic Studies*, 41(2), 97-134. [In Persian]
- Fathi Vajargah, K., & Fakhamzadeh, P. (2012). Niyazsanji amoozeshi: Olgooha va fonoon [Educational needs assessment: Patterns and techniques]. Tehran: Aij Publication. [In Persian]
- Gholami, K., Nosrati, M. S., & Asadi, M. (2017). Tadvin-e charchub-e mafhumi baray-e niyazsanji daneshamoozan motavasete: Rahyaftri bar nazariyeh amali-ye tadrīs [Developing a conceptual framework for secondary school students' needs assessment: An approach based on the practical theory of teaching]. *Teaching Research*, 6(2), 69-94. [In Persian]
- Gibbons, M. M., & Shoffner, M. F. (2004). Prospective first-generation college students: Meeting their needs through social cognitive career theory. *Professional School Counseling*, 3(2), 91-97.
- Golshani, M., & Heydari, A. H. (2021). Hoviyat-e melli dar ketabhay-e motaleat-e ejtemai paye-e sheshome ebtdai va haftom-e motavasete [National identity in social studies textbooks of the 6th grade of primary and 7th grade of secondary school]. *National Studies Quarterly*, 33(2), 97-118. [In Persian]
- Grant, J. (2002). Learning needs assessment: Assessing the need. *Bmj*, 324(7330), 156-159.
- Hajhosseini, H., Shobeyri, S. M., & Farajollahi, M. (2010). *Niyaz sanji va tain-e olaviyathay-e amozeshi daneshamoozan maghtae motevasete dar zaminey-e mohit zist va tose payedar* [Assessing the needs and determining the educational priorities of high school students in the field of environment and sustainable development]. The Fourth Specialized Conference and Exhibition of Environmental Engineering, Tehran. [In Persian]
- Hamidi, F. (2005). Barasi-e moghayeseyi niyazhaye jesmani atefi ejtemaei va mazhabi nojavanan manategh-e mahrom bar asase jensiyat [A comparative study of physical, emotional, social and religious needs of adolescents in deprived areas based on gender]. *Journal of Women in Development and Politics*, 3(2), 159-179. [In Persian]
- Hasani Bafarani, T., & Azarbaijani, M. (2011). Ensane salem va vizhegihaye on az didgah Victor Frankel [A healthy person and its characteristics from Victor Frankl's point of view]. *Journal of Psychology and Religion*, 14(1), 113-143. [In Persian]
- Hosseini, S. K., Bazmi, M., Rahmati, Sh., & Qavami, R. (2015). Shenasai va olaviyat bandi niyazhaye parvareshi doreye motevasete shahr-e Mashad [Identifying and prioritizing educational needs of high students in mashhad]. *Research in Educational Science and Counseling*, 3(2), 2-4. [In Persian]
- Hsu, Y. S., Cheng, Y. J., & Chiou, G. F. (2003). Internet use in a senior high school: A case study. *Innovations in Education and Teaching International*, 40(4), 356-368.
- Javanmard, G., & Pourghahramani, S. (2015). Naghsh-e housh-e hayejani va sazegari ejtemaei dar tabin va pishbini pishrafte tahsili daneshamoozan maghtae

- motevasete [The role of emotional intelligence and social adjustment in explaining and predicting the academic progress of secondary school students]. *Applied Researches in Educational Psychology*, 2(3), 31-42. [In Persian]
- Kaplan, H. S. (1997). The evolution of the human life course. In K. Wachter & C. Finch (Eds.), *Between Zeus and Salmon: The biodemography of aging* (pp. 175–211). Washington, DC: National Academy of Sciences.
- Khajenouri, B., Hashemi, S., & Rohani, A. (2010). Sabk-e zendegi va hoviya-te meli: Motale moredi-ye daneshamuzan dabirestanha-ye shahr shiraz [Lifestyle and national identity: A case study of high school students in Shiraz]. *National Studies Quarterly*, 11(44), 127-152. [In Persian]
- Khoshkonesh, A., Asadi, M., Shiralipour, A., & Keshavarz Afshar, H. (2010). Naghsh-e niyazhay-e bonyadin va hemayat ejtemaei dar sazegari-e ejtemaei-e daneshamoozan maghtae motevasete [The role of basic needs and social support in the social adaptation of high school students]. *Journal of Applied Psychology*, 13(1), 82-94. [In Persian]
- Khosropanah, A. H., & Kashizadeh, M. (2014). Tahlil va barasi plooralism dini va gohar va sadaf din [Analysis and investigation of religious pluralism and the gem and shell of religion]. *New Religious Thought*, 10(37), 7-24. [In Persian]
- Kokabi, M., & Karamizadeh, E. (2010). Barrasi-ye mizane gerayesh, dastrasi va estefadeye daneshamoozane dabirestanha-ye shahre shiraz az manabe chapi va electroniqi [Investigating the level of inclination, access, and use of high school students in Shiraz to printed and electronic resources.]. *Library and Information Science Studies, Educational Sciences and Psychology*, 2(1), 2-10. [In Persian]
- Levy, ArieH. (2010). *Curriculum planning of schools* (F. Mashaikh, Trans). Borhan School Cultural Institute. [In Persian]
- Maier, G. W., Prange, C., & Von Rosenstiel, L. (2001). Psychological perspectives of organizational learning. *Handbook of Organizational Learning and Knowledge*, 21(4), 14-34.
- Marsh, H. W. (1992). Extracurricular activities: Beneficial extension of the traditional curriculum or subversion of academic goals? *Journal of educational psychology*, 84(4), 553.
- Maslow, A., & Lewis, K. J. (1987). Maslow's hierarchy of needs. *Salenger Incorporated*, 14(17), 987-990.
- McAdams, D. P. (2013) *Meaning and personality, In the human quest for meaning: Theories, research, and applications*. London: Rutledge.
- Ministry of Education (2011). *Sanad tahavol amouzesh parvaresh* [The education transformation document]. <https://sccr.ir/Files/6609.pdf> [In Persian]
- Mirzabeigi, A. (2010). *Barnamerizi darsi va tarh-e dars dar amoozesh-e rasmi va tarbiyate nirooy-e ensanee* [Curriculum planning and lesson design in formal education and human resource development]. Tehran: Yastaroun Publication. [In Persian]
- Nasiri, M. (2015). Mokhatabe sayyale emrooz ra jedi begirim [Taking today's dynamic audience seriously]. *Roshd Yearbook*, 2(6), 28-50. [In Persian]

- Nasresfahani, A., & Fatehizadeh, M., & Fathi, F. (2004). Jayegahe maharathaye ejtemaie mored niaz daneshamozan dar ketabhay-e darsi-e omoomie dorehe motavaseteh [The position of the required social skills for students in the general textbooks of the secondary education period]. *Journal of Behavioral Sciences*, 9(11), 49-64. [In Persian]
- National curriculum. (2011). *National curriculum document*, the Ministry of Education Publication. [In Persian]
- Parvand, M. H. (2009). *Moghadamat-e barnamehrizi amoozeshi va darsi* [Fundamentals of educational and curricular planning]. Tehran: Agah Publication. [In Persian]
- Pedler, M., Boydell, T., & Burgoyne, J. (1989). The learning company. *Studies in continuing education*, 11(2), 91-101.
- Perrotta, K., & Keese, J. (2024). It's what you know: A needs assessment of MAT students' social studies content knowledge. *The Teacher Educator*, 6(2), 1-24.
- Ramezaninejad, R., Hematinejad, M. A., & Banar, N. (2003). Baresi hadaf-e daneshamoozan az faaliyat daron-e kelasha-ye tarbiyat badani va varzesh [Examining the purpose of students' activities in physical education and sports classes]. *Harkat Magazine*, 17(1), 107-122. [In Persian]
- Reeve, J. M., & Yahya, S. M. (2010). *Motivation and emotion*: London: Routledge.
- Riffe, D. Lacy, S., Fico, F., & Watson, B. (2019). *Analyzing media messages: Using quantitative content analysis in research*. London: Routledge.
- Rostaminesab, A. A., Hemmati, M., & Fazilatpour, M. (2012). Mizan-e entebagh-e mohtaviat-e ketab-e ravanshenasi sale sevom motevasete ba niyaz be rahnamaye dabirestanhayeh shahrekord [The degree of alignment between the content of the psychology textbook for the third year of high school and the material and spiritual needs of the students in the city of Shahrekord]. *Research in educational systems*, 8(24), 17-36. [In Persian]
- Şahin, E., & Fidan, O. W. E. N. (2009). Aggression levels of high school students with different psychological needs. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 4(32), 64-74.
- Saif, A. A. (2011). *Ravanshenasi tarbiyati* [Educational psychology]. Tehran: Payam Noor University Press. [In Persian]
- Salimi, H. (2003). Motaley-e tasir-e rafter-e moallem bar nazmpaziriy-e daneshamoozan dar madrese [The study of the effect of teacher behavior on the discipline of students in school]. *Educational Innovations Quarterly*, 2(4), 28-45. [In Persian]
- Sarmadi, M., Ghanbari, H. R., & Talebian Sharif, J. (2018). *Tasire fazaye majazi bar hoveyyate farhangi va ejtemai* [The impact of the virtual space on cultural and social identity]. The 6th National Conference on Management and Human Sciences Research in Iran. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- School Renovation and Equipment Organization (2019). *Amare madares va daneshamozan keshvar* [Statistics of schools and students in Iran]. Retrieved from <http://www.dres.ir/News>. [In Persian]

- Schultz, D. P. Schultz, S. E., & Enos, M. (2009). *Theories of personality*. Berlin: Springer.
- Shabiri, S. M., Sarmadi, M. R., & Sharifian, S. (2009). Niazsanji va taen olaviyathaay-e amoozeshi-e daneshamoozan va dabiran-e maqtae rahnamaayi dar zamine mohitezist [Needs assessment and determining the educational priorities of students and teachers in the guidance school level in the field of the environment]. *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 4(47), 143-150. [In Persian]
- Sharafi, M., & Sharafi, Z. (2012). Tahlil va moqayes-e niazhaay-e tarbiyat-e dini daneshamoozan doreye motevasete dar abaad shenakhti, aafeti va amalkardi [Analysis and comparison of religious education needs of high school students in cognitive, emotional and functional dimensions]. *A New Approach in Educational Management*, 4(16), 15-37. [In Persian]
- Smith, S. R. (2009). A dynamic ecological framework for differentiating the primary curriculum. *Gifted and Talented International*, 24(2), 9-20.
- Talebzadeh Nobarian, M., & Fathivajargah, K. (2003). *Mabahese takhassosi-ye barnamerizi-e darsi* [Specialized subjects in curriculum planning]. Tehran: Abij Publication. [In Persian]
- Van der Walt, J. L., & Wolhuter, C. C. (2018). An examination of the potential of cultural historical activity theory (CHAT) for explaining transitions in national education systems. *Acta Academica*, 50(1), 104-125.
- Vogel, G., Ruppel, D. L., & Kaufmann, C. S. (1991). Learning needs assessment as a vehicle for integrating staff development into a professional practice model. *The Journal of Continuing Education in Nursing*, 22(5), 192-197.
- Yadegarzadeh, G., Parand, K., Bahrami, A., & Khodaei, A. (2009). Barrasi va sanjesh-e niazhay-e ettelaati davtalan-e mojaz be entekhab-e resht-e azmoon sarasari dar shahre Tehran [Investigating and assessing the information needs of qualified candidates for the national university entrance exam in Tehran]. *Iranian Higher Education Journal*, 2(1), 43-65. [In Persian]
- Zandipour, T., Dabiri Esfahani, E., & Nahidpour, F. (2009). Motaleat tatbiqiye niayzhaye enteghale daneshamozane Irani va Canadai ba asibhaye binaayi [Comparative studies of the transition needs of Iranian and Canadian students with visual impairments]. *Psychological Studies Quarterly*, 5(21), 29-46. [In Persian]

مقاله علمی - پژوهشی

نیازهای دانش آموزان دوره اول متوسطه (مورد مطالعه: شهر مشهد)

نیره شاه‌محمدی^۱فاطمه پرسته قمبوانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_196846.html

چکیده

شناخت نیازهای دانش آموزان از گام‌های مهم و پیش‌نیاز تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیتی و تدوین محتوای فعالیت‌های درسی است. از این رو ضروری است این برنامه‌ها با نیازهای واقعی دانش آموزان متناسب و متحول گردد زیرا دانش آموزان از کلاسی لذت می‌برند که نیازهای آنان را برآورده سازد و به علایقشان توجه کند. علی‌رغم شناسایی نیازهای دانش آموزان در نظام متمرکز برنامه‌ریزی آموزشی ایران، شواهد و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که آماده‌سازی دانش آموزان برای زندگی و رویارویی با مشکلات روزمره در نظام تعلیم و تربیت به میزان کافی مورد توجه قرار نگرفته است و دانش آموزان دوره متوسطه وضعیت موجود برنامه آموزشی را پاسخگوی نیازهای خود نمی‌دانند. از این رو بی‌توجهی به این موضوع در نظام برنامه‌ریزی آموزشی منجر به بی‌علاقگی دانش آموزان نسبت به درس و تحصیل می‌شود. با عنایت به این مهم، تعیین نیازهای دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد موضوع این پژوهش قرار گرفته است. مطالعه حاضر از منظر هدف کاربردی و از جنبه شیوه گردآوری پیمایش اجتماعی با بهره‌گیری از پرسش‌نامه نیمه‌ساختاریافته

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران، نویسنده مسئول
nsh_edu@yahoo.com

ORCID: 0000-0001-7087-2662

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، تهران، ایران

fatemeh.parasteh@yahoo.com.sg

ORCID: 0000-0002-8670-6164



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

است. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد به تعداد ۷۹۰۰۰ نفر بودند که از این تعداد نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر به پرسش‌نامه محقق‌ساخته پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی، آزمون خی دو تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان دوره اول متوسطه از بین دسته‌بندی کلان نیازها به دودسته نیازهای علمی و آموزشی و دینی و اخلاقی بیشتر احساس نیاز می‌کنند. سه دسته نیاز به مهارت‌های روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای با فاصله زیاد در مراتب بعدی سلسله نیازهای دانش‌آموزان قرار گرفته‌اند. این در حالی است که به چهار گروه تفریح و سرگرمی، ادبی و هنری، تندرستی، سلامت و ایمنی و سیاسی دانش‌آموزان کمتر احساس نیاز کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نیازهای دانش‌آموزان، نیازهای تفریح و سرگرمی، ادبی و هنری، تندرستی و ایمنی، نیازهای سیاسی.

مقدمه

آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نقشی اساسی در پیشرفت جوامع در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد و این پیشرفت وابسته به توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی به توسعه همه‌جانبه آموزش و پرورش است. زوایا و فصول مختلف و متفاوتی باید در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی مدنظر قرار گیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها شناخت نیازها و علایق گروه هدف است. شناخت این نیازها و علایق می‌تواند به برنامه‌ریزان در پیش‌بینی، طراحی، برنامه‌ریزی، اجرای دقیق و حساب‌شده برنامه‌ها برای پرورش و ارتقای دانش، بینش و مهارت‌های دانش‌آموزان و دبیران و معلمان کمک کند (لوی، ۱۳۸۹: ۸۸).

در این بین نیازسنجی از گام‌های مهم و پیش‌نیاز تدوین برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و محتوای فعالیت‌های درسی است. نیازسنجی به مدیران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا آن دسته از خواسته‌ها و نیازها را مورد توجه قرار دهند که از اولویت ویژه‌ای برخوردار بوده، منابع و امکانات نیز پاسخگوی آن‌ها باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که نیازسنجی، حداکثر استفاده از منابع موجود در جهت تحقق هدف‌های مهم و بالارزش را امکان‌پذیر می‌سازد (فتحی و اجارگاه و فخام‌زاده، ۱۳۹۲:

۱۲۲). در نظام آموزشی نیز یکی از مهم‌ترین منابع برنامه‌ریزی درسی، شناسایی و تعیین نیازهای آموزشی دانش‌آموزان است تا زمینه پاسخگویی به آن‌ها از طریق برنامه درسی فراهم آید (Ghimbulut, Crisan, & Pavelea, 2015: 1022) و انگیزه دانش‌آموزان برای تحصیل افزایش یابد (اصل احمدی و رضانی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۱۰۷).

از این رو، ضروری است برنامه‌های آموزشی و تربیتی با نیازها و علایق واقعی دانش‌آموزان متناسب و متحول گردد زیرا دانش‌آموزان از کلاسی لذت می‌برند که نیازهای آنان را برآورده سازد و به علایقشان توجه کند. به‌ویژه اگر خود دانش‌آموزان این نیازها را اعلام کنند (Smith, 2009: 9) توجه به این نیازها و علایق نه تنها منجر به ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، بلکه زمینه‌ساز رفتارها و فعالیت‌هایی می‌شود که آن‌ها را به سمت تحقق اهداف نظام آموزشی سوق دهد (فتحی و اجارگاه و فخام‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰).

نیاز از نظر لغوی به معنای کمبود، احتیاج و از نظر مفهومی به یک حالت میان آنچه هست و آنچه می‌بایست باشد، اطلاق می‌گردد (پروند، ۱۳۸۸: ۱۲۰). نیاز چیزی است که برای تحقق یک هدف قابل‌دسترس، ضروری یا مفید است (عباس‌زادگان و ترکزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

برخی از مفاهیم ارائه‌شده از نیاز عبارت‌اند از فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب (Vogel, Rupp, & Kaufmann, 1991: 192) یک خواست یا ترجیح، تمایل و آرزو، نیرویی ذهنی که موجب انگیزش و سرزدن رفتار خاصی از آدمی می‌گردد تا نیاز پدیدآمده تأمین شود (Grant, 2002: 156)، یک عیب یا نقصان (فتحی و اجارگاه و فخام‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰). نیاز ممکن است به صورت "نیاز احساس شده" یعنی نیازی که به‌وسیله فرد یا یک جامعه تشخیص داده می‌شود و یا "نیاز واقعی" یعنی نیازی که توسط مطالعه کارشناسانه مشخص می‌گردد، تعریف شود (DeSilets, 2006: 148)؛ بنابراین می‌توان گفت آنچه بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد، آنچه ترجیحات، علایق و انتظارات افراد را شکل می‌دهد و سرانجام آنچه بر عملکردهای مطلوب اثر منفی دارد، همگی نشانگر نیاز هستند (سیف، ۱۳۹۱: ۱۲۰). در زمینه آموزش و یادگیری، نیاز آموزشی برحسب ویژگی‌ها، توانایی‌ها یا دانش و نگرش‌هایی تعریف می‌شود که لازم است یادگیرنده یا گروهی از یادگیرندگان، از آن برخوردار باشند؛ ولی در حال

حاضر فاقد آن هستند (میرزابیگی، ۱۳۸۷: ۲۸۸). بویل^۱ (1995) یک نیاز آموزشی را چیزی می‌داند که شخص باید به سود خود، به سود یک سازمان یا به سود جامعه فراگیرد. این نیاز عبارت از شکافی است که بین سطح فعلی قابلیت‌هایش و سطوح بالاتر قابلیت‌هایی که برای عملکرد اثربخش لازم است توسط خودش، سازمانش یا جامعه تعریف شود. او نیاز آموزشی را نیز اختلاف نتیجه قابل‌سنجش بین "آنچه هست" و "آنچه باید باشد" می‌داند (عباس‌زادگان و ترکزاده، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

شیوه‌های گوناگونی برای تعیین نیازها وجود دارد که یکی از آن‌ها، پرسش از ذی‌نفعان به صورت خوداظهاری است. مشارکت‌دادن ذی‌نفعان در تعیین نیازها بخش بزرگی از تضمین موفقیت برنامه‌های یک سازمان است (فتحی و اجارگاه و فخامزاده، ۱۳۹۲: ۴۵).

از آنجایی که حدود یک‌سوم جمعیت کشور در مدارس و مؤسسات آموزشی مشغول به تحصیل هستند (آمار مدارس و دانش‌آموزان کشور، ۱۳۹۸. بازیابی شده در ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳، از: <http://www.dres.ir/News>)، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی مطلوب بدون بررسی دقیق نیازها و علایق دانش‌آموزان امکان‌پذیر نیست (ناصری، ۱۳۹۴: ۲۸). باید توجه داشت که نیازهای دانش‌آموزان در هر یک از دوره‌های تحصیلی متفاوت است و این تفاوت‌ها در دوره متوسطه با تغییرات جسمی ناشی از بلوغ و دوره نوجوانی به‌صورتی شدیدتر ادامه می‌یابد. دانش‌آموزان در این دوره با تغییرات رشدی همه‌جانبه جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و اعتقادی روبرو هستند. در این دوران حس رقابت‌طلبی، دوستی‌های خالصانه، تقلید، استقلال‌طلبی، زودرنجی و حساسیت، آرزوهای متعدد و غیره شعله‌ور است؛ و تغییرات مذکور نیازهای خاصی را برای دانش‌آموزانی که در این مرحله سنی قرار دارند، ایجاد خواهد کرد (شرفی و شرفی، ۱۳۹۲: ۱۵). امروزه، علی‌رغم وجود ضرورت و اهمیت مسئله تعیین نیازهای دانش‌آموزان در نظام متمرکز برنامه‌ریزی آموزشی ایران، به‌عنوان حلقه گم‌شده نظام برنامه‌ریزی درسی (رضضانی‌نژاد، همتی‌نژاد و بنار، ۱۳۸۲: ۱۰۷)، برخی شواهد و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی و رویارویی با مشکلات روزمره در نظام تعلیم و تربیت به میزان کافی مورد توجه قرار نگرفته است (جوآنمرد و پورقهرمانی، ۱۳۹۴: ۳۱؛ امینون و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۲۱؛ باقری و

رحیمیان، ۱۳۹۶: ۲۵۹؛ آل احمدی و شرفی ابقا، ۱۳۹۵: ۱۱۱) و دانش‌آموزان دوره متوسطه وضعیت موجود برنامه آموزشی را پاسخگوی نیازهای خود تشخیص نداده‌اند؛ بنابراین ایجاد تغییر در این برنامه‌ها را ضروری می‌دانند (حاج حسینی، شبیری و فرج‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۳۱۵؛ سرمدی، قنبری و طالبیان‌شریف، ۱۳۹۸: ۵۶۴). از نظر آن‌ها مهارت فناوری اطلاعات، شهروند جهانی بودن، نظم و قانون‌مداری، تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های شغلی در اولویت اول تا ششم نیازهایشان قرار دارد (Hsu, Cheng, & Chiou, 2003: 356)، نیازهایی مانند تقویت مهارت‌های دانش‌آموزان متوسطه برای ارتباط با بازار کار (Gibbons, & Shoffner, 2004: 91)، نیاز به آموزش کارکردها و خصوصیات جنسی (Schlenk, & Agbemenu, 2011: 54)، توجه به مسائل روانی، فعالیت‌های مفرح و به‌طور کلی نیازهای شخصی دانش‌آموزان (Şahin, & Fidan, 2009: 64; Bonta, & Wormith, 2007: 131)، استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در تدریس و یادگیری دانش‌آموزان (Hsu, Cheng, & Chiou: 356) نیاز به کتاب‌های غیردرسی (اکبری و شریفی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) و نیازهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان (اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۷: ۹۷) از جمله نیازهایی است که توسط مطالعات مشخص شده‌اند و نشان داده‌اند که دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مورد تأکید در برنامه درسی آموزش و پرورش عمومی به‌ویژه دوره متوسطه با نیازهای جامعه تناسب ندارد و محتوای آموزشی کتاب‌های درسی با زندگی روزمره دانش‌آموزان مرتبط نیست. حال آنکه افراد در ورای مرزهای مدرسه در بستر زمان به‌گونه‌ای جاری و پیوسته بدون تقسیم‌بندی حوزه‌ای از دانش زندگی می‌کنند. از این‌رو لازم است معلمان براساس نیازها و علایق دانش‌آموزان برنامه‌های درسی خود را طراحی نمایند (Perrota, & Keese, 2024: 2)، معلمان و یا طراحان برنامه درسی نباید دانش‌آموزان را افرادی منفعل و خالی از دانش و تجربه فرض کنند، زیرا توجه به علایق دانش‌آموزان در بهبود شرایط تدریس تأثیر اساسی دارد. محتوایی که برای دانش‌آموزان تهیه می‌شود می‌بایست برای آن‌ها معنادار باشد و با نیازها، علایق و شرایط زندگی‌شان هماهنگ باشد (غلامی، نصرتی و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۹). معلمان دوره متوسطه نیز که اشتیاق بیشتری برای کار با دانش‌آموزان موفق دارند، با برخورد با دانش‌آموزان کم‌تلاش در این مقاطع روزبه‌روز بیشتر ناامید می‌گردند. امروزه مشکل معلمان نبود انضباط در کلاس و یا اعتراض

دانش‌آموزان نسبت به معلم خود نیست بلکه آن‌ها احساس می‌کنند نتوانسته‌اند شاگردان خود را به تلاش وادارند. بدین ترتیب معلم و شاگردان در دام‌های پیچیده گرفتار شدند و دانش‌آموزان مطالب درسی برایشان خسته‌کننده است و هیچ فایده‌ای در یادگیری مطالب نمی‌بینند از طرف دیگر معلمان در راه کوشش برای وادار کردن آن‌ها به یادگیری تنها کار را بدتر می‌کنند؛ بنابراین تنها راه برای بهبود اوضاع برآورده ساختن نیازهای دانش‌آموزان و توجه به این نیازها، که هم باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و هم آسودگی خاطر معلمان می‌گردد، است. (خوش‌کنش و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲ به نقل از: Trigonaki, 2005).

این وضعیت در حالی است که بنا بر اسناد بالادستی آموزش و پرورش، دانش‌آموز به‌جای فردی منفعل بایستی تأثیرگذار، پویا و خلاق باشد که بارآده و پشتکار خود به اندیشه‌ورزی و شناخت برسد. همچنین (سند برنامه درسی ملی، بندهای ۱۲-۳، ۴-۳ و ۸-۱۲؛ سند تحول آموزش و پرورش، بند ۱-۱۶) تولید محتوای متناسب با نیازهای واقعی و ویژگی‌های دانش‌آموزان، ضمن توسعه عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی به منابع خواندنی برای دانش‌آموزان، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل نظام آموزشی دارد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۱؛ سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱). علاوه بر این شناخت نیازهای دانش‌آموزان تضمین‌کننده یادگیری مادام‌العمر و یادگیری مشارکتی نیز هست؛ به نحوی که با انعطاف‌پذیر کردن آموزش، آن را از دایره محدود مدرسه و زمان و مکان خاص رها می‌کند و امکان آموزش مادام‌العمر، آگاهانه، آزادانه و داوطلبانه، دلپذیر و اشتیاق‌انگیز را فراهم می‌سازد. از این رو، لازم است نیازهای این گروه سنی شناسایی شود تا اقدامات ضروری برای تدوین یا توسعه برنامه درسی متناسب با این نیازها به‌منظور تربیت درست نوجوانان انجام گیرد (طالب‌زاده و فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۲: ۳۵). با این حال نظام برنامه درسی در ایران، کاملاً متمرکز بوده و براساس عقلانیت فنی مهندسی شده و به نیازهای معلمان و دانش‌آموزان توجه ندارد (غلامی، نصرتی و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۹).

بنا بر آنچه گفته شد، مسئله اصلی این است که دانش‌آموزان چه نیازهایی دارند و چه مفاهیمی را باید بیاموزند؟ با توجه به ضرورت و اهمیت تعیین نیازهای دانش‌آموزان و نیز نواقص و کاستی‌های برنامه‌های آموزشی و درسی از نظر انطباق با نیازها و علایق دانش‌آموزان، این پژوهش سنجش نیازها و علایق دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد را هدف خود قرار داده است. نتایج این پژوهش

کمک خواهد کرد تا علاوه بر مناسب‌سازی برنامه‌های درسی مدارس متوسطه شهر با نیازهای شخصی دانش‌آموزان زمینه ارتقای موفقیت تحصیلی آن‌ها نیز فراهم گردد.

سؤالات پژوهش

- نیازها و مطالبات دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد چیست و چه تفاوتی باهم دارند؟
 - نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد براساس دسته‌بندی کلان (دینی و اخلاقی، سیاسی، علمی و آموزشی، مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی، روحی و روانی، تندرستی، سلامت و ایمنی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای، ادبی و هنری، تفریح و سرگرمی) چگونه است و چه تفاوتی باهم دارند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نیاز عبارت است از فاصله بین وضع موجود و آنچه که باید باشد. نیاز ممکن است به صورت "نیاز احساس شده"، یعنی نیازی که به وسیله فرد یا یک جامعه تشخیص داده می‌شود و یا "نیاز واقعی"، یعنی نیازی که توسط مطالعه کارشناسانه مشخص می‌گردد، تعریف شود (DeSilets, 2006: 148). موجودیت زندگی و بقای انسان مشروط به وجود نیازها است، زیرا زندگی حرکت و پویایی و یک جریان خود ابقاکننده است. آنچه انسان را به تلاش و تکاپو وامی‌دارد و برای رفتار انرژی تولید می‌کند، همین نیازهاست (Yahya & Reeve, 2010: 253). در زمینه نیازها نظریات متفاوتی بیان شده است.

براساس نظریات روان‌شناختی، نیاز انگیزه ایجاد رفتار بوده و روان‌شناسان محرک‌ها و انگیزه‌های رفتار را بررسی کرده و به تناسب مبانی انسان‌شناختی خود، فهرستی از نیازهای انسان ارائه

داده‌اند. در این گروه می‌توان به نظریات رایف و همکاران^۱ (1997)، فروم^۲ (1978)، مازلو^۳ (1943)، فرانکل^۴ (1971) و مک‌لند^۵ (1978) اشاره کرد.

از دیدگاه رایف و همکارانش نیازهای روان‌شناختی دارای ماهیت مثبت عملکردی می‌باشند که متشکل از عناصر مختلفی از قبیل پذیرش خود^۶، رابطه مثبت با دیگران^۷، خود پیروی^۸، غلبه بر محیط^۹، هدفمندی در زندگی^{۱۰} و رشد شخصی^{۱۱} هستند (Riffe, & et al., 2019: 145). فروم نیازها را به شش دسته: وابستگی یا مراوده، ریشه‌دار بودن، تعالی، هویت، چهارچوب جهت‌گیری، نیاز به تهییج و تحریک تقسیم کرده است (Schultz, & Schultz, 2009: 231). مازلو نیازها را به دودسته کلی نیازهای اساسی و فرانیاز تقسیم می‌کند. نیازهای اساسی شامل نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت، نیاز به عشق و تعلق، نیاز به عزت‌نفس و خودشکوفایی و فرانیازها شامل نیاز به شناختن و فهمیدن است (Maslow, & Lewis, 1987: 987). از نظر فرانکل نیازهای انسان به نیاز به تنش^{۱۲} (پویایی اندیشه)، نیاز به معنا^{۱۳}، نیاز به تعالی خویشتن^{۱۴}، نیاز به خود استعلایی^{۱۵}، نیاز به ابدیت و جاودانگی^{۱۶}، نیاز به دین^{۱۷} و نیاز به گروه دوستی عاطفی^{۱۸} تقسیم‌بندی می‌شود (خوش‌کنش و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲ به نقل از: Trigonaki, 2005). مک‌لند نیازها را به سه دسته نیاز شخصی (شامل نیاز به دوستی و قدرت)، نیازهای وسیله‌ای

-
1. Riffe etal
 2. Fromm
 3. Maslow
 4. Frankel
 5. Macleland
 6. Self – acceptance
 7. Positive Relations with Others
 8. Autonomy
 9. Environmental Mastery
 10. Purpose in Life
 11. Personal Growth
 12. Need for Tension
 13. Need for Spirit
 14. Need for Self Excellence
 15. Need for Self-transcendence
 16. Need for Eternity & Immortality
 17. Need for Religion
 18. Emotional Friendship Group

(شامل دستیابی به هدف برای رسیدن به هدفی بالاتر) و نیازهای فرهنگی تقسیم می‌کند (McAdams, 2013: 153؛ حسنی بافرانی و آذربایجانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

براساس نظریه‌های مرتبط با انگیزش، نیازها به منزله انگیزه‌های مهم رفتار هستند و رفتارها به‌منزله بازتابی از نیازها محسوب می‌شوند. در تبیین نیازها از این منظر، می‌توان به نظریه‌های اتکینسون^۱ (1957) و روزن اشتیل^۲ (2001) اشاره کرد. براساس نظر اتکینسون، نیاز به پیشرفت افراد را به‌سوی انجام تکالیف سوق می‌دهد. نیاز به پیشرفت یک ویژگی نسبتاً باثبات و دائمی برای رسیدن به موفقیت است. دو متغیر موقعیتی که افراد را به‌سوی تکالیف پیشرفت می‌کشاند، انتظار موفقیت و انتظار احساس غرور است. او نیاز به پیشرفت را به‌عنوان ظرفیت تجربه غرور پس از موفقیت می‌داند. روزن اشتیل (1987) عواملی چون ارضای نیاز، تجربه، رضایت افراد، میزان دسترسی به اهداف تعیین‌شده و کارایی بهتر برای حل مسائل را در شکل‌گیری نیازها و گرایش‌های فرد مؤثر می‌داند که در آن میان ارضای نیاز و رضایت افراد به‌عنوان مقدمه و پیش‌زمینه تجربیات مثبت یا منفی افراد محسوب می‌شود (Rosenstiel, & MaierPrange, 2001: 14).

از منظر جامعه‌شناختی، ساختارها و شرایط اجتماعی به وجودآورنده نیازها هستند. تالکوت پارسونز^۳ (1980) و هوندريش^۴ (2005)، از جامعه‌شناسان در تبیین نیازها از این منظر می‌باشند. پارسونز بر این باور است که بقای جامعه در برطرف کردن چهار نیاز اصلی شامل: انطباق با محیط (نیازهای اقتصادی)، دستیابی به هدف (نیازهای سیاسی)، یکپارچگی (نیازهای اجتماعی) و حفظ الگو (نیازهای فرهنگی) است. از نظر او، شیوه برآوردن نیازها توسط نظام هنجاری جامعه وضع می‌شود؛ به همین دلیل، با وجود تشابه نیازهای انسانی در نظام‌های مختلف اجتماعی، طریقه تأمین نیازها با یکدیگر تفاوت دارد. از دیدگاه هوندريش سه دسته نیاز وجود دارد: نیاز شخصی یا بیولوژیک انسان، نیاز مادی و طبیعی و نیاز اجتماعی (Van der Walt, & Wolhuter, 2018: 104).

از منظر فرهنگی، نیازها انتظاراتی است که افراد در خصوص گذران اوقات فراغت داشته و با استفاده از ابزارها، کالاها و خدمات فرهنگی به تکمیل اوقات فراغتی خود می‌پردازند. از دیدگاه

-
1. Atkinson
 2. Rosenstiel
 3. Talcott Parsons
 4. Hondrich

کاپلان^۱ (1997: 175) این دسته از این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی و رسانه‌ای طبقه‌بندی کرد. انسان با نیازها متولد می‌شود. آدمی در بدو تولد ناتوان‌ترین و نیازمندترین حیوانات است؛ چه از لحاظ زیست‌شناسی و چه از لحاظ تکامل‌شناسی فاقد انطباق غریزی با طبیعت بوده و نیاز به حمایت و مراقبت بیشتری در مقایسه با سایر حیوانات دارد.

از منظر آموزشی، از دیدگاه برادشاو^۲ (1972) نیازها به پنج دسته نیازهای هنجاری (فاصله بین وضع موجود و استانداردهای تعیین‌شده)، نیازهای بیان‌شده (نیازهای ابرازشده توسط فرد)، نیازهای مقایسه‌ای (نیازهای به‌دست‌آمده از مقایسه با نمونه مشابه)، نیازهای احساس شده (مترادف با خواست) و نیازهای پیش‌بینی‌شده (تحولات نیازها) طبقه‌بندی می‌شود. بویدل^۳ (1989) نیازها را شامل نیازهای فردی (نیاز ویژه هر فرد برای انجام کار خود)، نیازهای حرفه‌ای (نیازهای مشترک بین افراد یک سازمان که دارای وظایف مشابه هستند) و نیاز سازمانی می‌داند (Pedler, Burgoyne, & Boydel, 1989: 91).

درک و تحلیل نیازهای افراد در زمینه‌های حرفه‌ای و تخصصی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. یکی از چالش‌برانگیزترین این زمینه‌ها، نیازهای دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی و پرورشی است. مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، نیازهای دانش‌آموزان دوره متوسطه را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند.

نتایج مطالعه گلشنی و حیدری (۱۴۰۰) نشان داد که کتاب‌درسی علوم اجتماعی پایه هفتم به نیاز دانش‌آموزان در زمینه هویت ملی پاسخ نداده است. حسینی و همکاران (۱۳۹۵) مهم‌ترین نیاز مذهبی دانش‌آموزان را آموزش اذان و اقامه نماز، مهم‌ترین نیاز فرهنگی کتاب‌خوانی و مهم‌ترین نیاز فعالیت آزاد، مسابقات درون مدرسه‌ای و نیازهایی همچون پاسخگویی به سؤالات اعتقادی، شرعی و ریشه‌ای در خصوص دین، تعمیق تربیت و آداب اسلامی، برگزاری جشنواره‌های محلی و بومی و آموزش‌های شهروندی و ملی‌گرایی دانسته‌اند. برمبنای پژوهش شرفی و شرفی (۱۳۹۲) بالاترین نیازهای آموزشی دانش‌آموزان به ترتیب عبارت‌اند از: شناخت مفهوم پلورالیسم

1. Kaplan
2. Beradshav
3. Boydel

دینی^۱، روش‌های پژوهش دینی و آشنایی با ادیان دیگر، چگونگی احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام‌زمان(ع) و مشارکت در نماز جمعه و پایین‌ترین نیاز مربوط به آموزش در زمینه شناخت مفهوم توکل به خداوند، اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان و چگونگی روزه‌گرفتن بوده است. براساس پژوهش رستمی نسب، همتی و فضیلت‌پور (۱۳۹۱) لازم است کتاب‌های درسی به نیازهای مادی و معنوی دانش‌آموزان توجه کنند. نتایج بررسی دیبا واجاری، حسینیان و قائدی (۱۳۹۰) مبین میزان نیاز دانش‌آموزان به راهنمایی‌شدن مختلف است و از نظر آنان نیاز تحصیلی در درجه اول و نیاز شغلی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. مطالعه کوبکی و کرمی‌زاده (۱۳۸۹) مشخص کرد که دانش‌آموزان دوره متوسطه به برنامه‌هایی جهت انتقال موفقیت‌آمیز به بازار کار و یا تحصیلات عالی و سواد اقتصادی و مالی نیاز دارند.

در مطالعه خواجه‌نوری، هاشمی و روحانی (۱۳۸۹) دانش‌آموزان فعالیت‌هایی مانند گذراندن وقت با دوستان و همسالان، گوش‌دادن به موسیقی و حضور در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها را برای گذراندن اوقات فراغت خود ترجیح می‌دهند. شبیری، سردی و شریفیان (۱۳۸۹) در مطالعه خود دریافتند که دانش‌آموزان و دبیران نیاز به کسب دانش و آگاهی‌های بیشتری در زمینه مسائل مربوط به محیط‌زیست دارند. در پژوهش یادگارزاده و همکاران (۱۳۸۸) (به نقل از دیبا واجاری، حسینیان و قائدی، ۱۳۹۰: ۱۳۱) نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان شامل استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی، آشنایی با رشته‌ها، دانشگاه‌ها و شیوه‌گزینش علمی، آشنایی و دسترسی به کتاب‌های کمک‌آموزشی، شرکت در آزمون‌های آزمایشی، مطالعه هفته‌نامه پیک سنجش، دسترسی به منابع طرح سؤال، نحوه تکمیل فرم انتخاب رشته و زمان آن، برنامه‌ریزی دقیق برای مطالعه، دوری از عوامل اضطراب‌زا، آگاهی از نکات فنی انتخاب رشته، در اختیار داشتن مشاور و راهنما بود. زندگی‌پور، دبیری اصفهانی و ناهیدپور (۱۳۸۸) در مطالعه تطبیقی خود به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان از احراز انتخاب‌های تحصیلی شغلی خود مطمئن نیستند. براساس مطالعه اکبری

۱. پلورالیسم دینی (religious pluralism) به معنای باور به این است که چندین دین و مذهب می‌توانند مسیرهای مشروع و معتبری برای رسیدن به حقیقت و رستگاری معنوی باشند، نه اینکه فقط یک دین ادعای انحصار حقیقت را داشته باشد. این رویکرد به معنای پذیرش و احترام به تنوع باورها و عقاید دینی است و رد کردن این ایده که یک دین خاص تنها راه رسیدن به حقیقت است (خسروپناه و کاشی‌زاده، ۱۳۹۳)

و شریفی (۱۳۸۷) موضوعات موردنیاز دانش‌آموزان در میان کتاب‌های غیردرسی به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: روابط دختر و پسر و مسائل ازدواج، رمان و داستان‌های عشقی، اطلاعات علمی، اطلاعات دینی، اخلاقی و مذهبی و انواع بازی‌های فکری و سرگرمی. در بررسی مقایسه‌ای نیازهای نوجوانان مناطق محروم براساس جنسیت که توسط حمیدی (۱۳۸۴) انجام شد، اولویت نیازهای دانش‌آموزان عبارت بودند از: رفتن به مدرسه، روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، نیاز به اعتماد والدین، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمی و تندرستی، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در بین اعضای خانواده، توجه به معنویت و ارزش‌های اخلاقی، استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموز، توجه والدین به امر تغذیه و بهداشت نوجوان، نیاز به مورد قبول واقع شدن در بین اعضای خانواده، اهمیت دادن والدین به وضع تحصیلی دانش‌آموز، آگاهی از اصول بهداشتی، مشورت با والدین در انتخاب رشته تحصیلی، آشنایی نوجوان با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، احترام به قوانین در بازی‌ها یا ورزش‌ها و فعالیت‌های جمعی، نقش والدین در آموزش مسائل مربوط به بلوغ، آشنایی با قوانین اساسی کشور و آشنایی دختران و پسران قبل از ازدواج. امین‌زاده و سرمد (۱۳۸۳) و مارش^۱ (1992) در پژوهش خود مشخص کردند که دانش‌آموزان فعالیت‌های ورزشی و تفریحی و استفاده از وسایل سمعی و بصری را ترجیح می‌دهند.

آگبمنو و شلنک^۲ (2011) و هسو، چنگ و چیو^۳ (2003) معتقدند که در برنامه‌درسی مدارس متوسطه کنیا بایستی محتوایی برای آموزش نیازهای جنسی دانش‌آموزان متوسطه طراحی شود تا به کاهش بارداری، ایدز و انتقال ویروس‌های جنسی کمک کند. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه به وابستگی و تعهد بیشتر دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، ارتقای پیشرفت تحصیلی و ایجاد رابطه مثبت داوطلبانه و مفید با همسالان کمک می‌کند.

جمع‌بندی نظریه‌های نیاز و نیز پژوهش‌های تجربی در مورد نیازها به گونه‌بندی کلان نیازها منتهی می‌شود که در جدول ۱ ارائه شده است و شامل نیازهای دینی و اخلاقی، سیاسی، علمی

1. Marsh

2. Agbemenu, & Schlenk

3. Hsu, Cheng, & Chiou

و آموزشی، مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی، روحی و روانی، تندرستی، سلامت و ایمنی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای، ادبی و هنری، تفریح و سرگرمی می‌شود.

جدول ۱. دسته‌بندی نیازها براساس نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام شده

دسته نیاز	پژوهش‌ها
دینی و اخلاقی	اکبری و پاشا شریفی، ۱۳۸۷؛ فرانکل، ۱۹۷۱؛ فروم، ۱۹۷۸؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شرفی و شرفی، ۱۳۹۲؛ رستمی نسب، همتی و فضیلت پور، ۱۳۹۱
سیاسی	حمیدی، ۱۳۸۴؛ اکبری و پاشا شریفی، ۱۳۸۷؛ نصراصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی، ۱۳۸۳؛ رایف و همکاران، ۱۹۹۷؛ فروم، ۱۹۷۸؛ مازلو، ۱۹۴۳؛ فرانکل، ۱۹۷۱؛ مک لند؛ ۱۹۸۷؛ ماهونی و کرنز، ۱۹۹۷؛ گلشنی و حیدری، ۱۴۰۰
علمی و آموزشی	حمیدی، ۱۳۸۴؛ اکبری و پاشا شریفی، ۱۳۸۷؛ شبیری، سردمدی و شریفیان، ۱۳۸۹؛ یادگارزاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ زندی پور و ناهیدپور، ۱۳۸۸؛ هسو و چنگ و چیو، ۲۰۰۳؛ مازلو، ۱۹۴۳؛ برادشاو و برادشاو، ۱۹۷۲؛ بویدل، ۱۹۸۹
مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی	نصراصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی، ۱۳۸۳؛ مازلو، ۱۹۴۳؛ رایف و همکاران؛ ۱۹۹۷؛ پارسونز، ۱۹۸۰؛ هوندیش، ۲۰۰۵؛ کاپلان، ۱۹۹۷
روحی و روانی	حمیدی، ۱۳۸۴؛ رایف و همکاران، ۱۹۹۷؛ فروم، ۱۹۷۸؛ مازلو، ۱۹۴۳؛ فرانکل، ۱۹۷۱؛ یادگارزاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ اتکینسون، ۱۹۵۷؛ روزن‌اشتیل، ۱۹۸۷
تندرستی، سلامت و ایمنی	حمیدی، ۱۳۸۴؛ آگیمنو و سلنک، ۲۰۱۱؛ مازلو، ۱۹۴۳
اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای	دیباواری، حسینیان و قائدی، ۱۳۹۰؛ حمیدی، ۱۳۸۴؛ کریمی‌زاده و کوبکی، ۱۳۸۹؛ نصراصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی، ۱۳۸۳
ادبی و هنری	اکبری و پاشا شریفی، ۱۳۸۷؛ خواجه نوری، هاشمی و روحانی، ۱۳۸۹
تفریح و سرگرمی	اکبری و پاشا شریفی، ۱۳۸۷؛ نصراصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی، ۱۳۸۳؛ مارش، ۱۹۹۲؛ امین‌زاده و سرمد، ۱۳۸۳؛ خواجه نوری، هاشمی و روحانی، ۱۳۸۹

مطالعه حاضر به بررسی نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد بر مبنای دسته‌بندی مذکور پرداخته است.

روش تحقیق

این پژوهش از منظر هدف کاربردی است، زیرا بر مبنای نتایج آن پیشنهادهایی به برنامه‌ریزان درسی و متولیان نظام تعلیم و تربیت برای توجه به نیازهای دانش‌آموزان داده شده است. همچنین با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات پیمایش اجتماعی با بهره‌گیری از پرسش‌نامه نیمه‌ساختار یافته است که از طریق آن نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد معین شدند.

جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد به تعداد ۷۹۰۰۰ نفر بودند که حجم نمونه آماری موردبررسی با استفاده از فرمول $n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$ حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد. در فرمول میزان p و q را برابر با ۰/۵، d براساس سطح خطای ۰/۰۵ برابر ۱/۹۶ و مقدار d (حمیدی، ۱۳۸۴) برابر ۰/۰۵ است. برای انتخاب گروه نمونه دانش‌آموزان، ابتدا چهار ناحیه در مناطق شرق (ناحیه ۵)، شمال (ناحیه ۶)، غرب (ناحیه ۴) و جنوب (ناحیه ۳) انتخاب گردید. سپس لیست مدارس دوره متوسطه اول در این نواحی مشخص شد و از هر ناحیه دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه انتخاب گردید. پس از انتخاب مدارس، دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب و در گروه نمونه قرار گرفتند.

در این پژوهش به منظور تعیین نیازهای اساسی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه از پرسش‌نامه استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل سؤالات عمومی و جمعیت‌شناختی و سؤالات اصلی بود که براساس مبانی نظری و اهداف و سؤالات پژوهش تهیه شده بود. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از ۲۰ نفر از متخصصان رسانه و تعلیم‌وتربیت خواسته شد تا در مورد ارتباط منطقی بین سؤال‌های پرسش‌نامه و موضوع، اهداف پژوهش و متغیرهای مورد سنجش و همچنین مطلوب بودن عبارات به لحاظ وضوح (استفاده از واژه‌های ساده و قابل فهم)، کاربرد زبان مشترک (پرهیز از به‌کارگیری واژه‌های فنی و تخصصی)، رعایت دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، اهمیت سؤال‌ها، قرارگیری سؤال‌ها در جای مناسب خود و زمان پاسخ‌دهی نظر دهند. پس از جمع‌آوری نظرات، با مشورت ناظر پژوهش تغییرات موردنیاز در پرسش‌نامه موردتوجه قرار گرفت.

برای تعیین پایایی ابزار، ابتدا ۳۰ دانش‌آموز دوره اول متوسطه انتخاب شدند تا به فاصله یک ماه، دو بار به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ دهند. سپس پایایی با استفاده از تعیین میزان همبستگی بین سؤالات محاسبه شد و میزان آن ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسبی است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از درصد، فراوانی، میانگین و آزمون‌های استنباطی مانند آزمون مجذور کای تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن^۱ مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

جامعه مورد بررسی این مطالعه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه از نواحی ۴، ۶، ۳ و ۵ آموزش و پرورش شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ ش بودند که از این مقدار ۵۹/۲٪ دختر و ۴۰/۸٪ پسر بودند.

سؤال اول - نیازها و مطالبات دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد چیست و چه تفاوتی باهم دارند؟

جدول ۲. نیازها و مطالبات دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

نیاز	فراوانی	درصد	نیاز	فراوانی	درصد	نیاز	فراوانی	درصد	نیاز	فراوانی	درصد
مطالب درسی و فرادری	۲۱۶	۳۰/۵	پاسخ به سؤالات و شبهات دینی	۷۲	۱۰/۲	آموزش مهارت‌های حل مسئله	۱۸۸	۲۶/۶	روش‌های شناخت و تحلیل مسائل سیاسی	۲۶۶	۳۷/۶
مطالب علمی جدید	۹۴	۱۳/۳	آشنایی با احکام دین	۱۰۵	۱۴/۸	معرفی روش‌های شادبودن و نشاط	۱۷۸	۲۵/۱	طنز و سرگرمی	۱۶۵	۲۳/۳
آموزش روش تحقیق و مطالعه	۱۷۴	۲۴/۶	آموزش آداب و رسوم اجتماعی	۸۱	۱۱/۴	آموزش مهارت‌ها و سبک زندگی	۱۴۸	۲۰/۹	آموزش و معرفی ورزش‌ها	۱۴۲	۲۰/۱
آشنایی با تحولات دوران بلوغ	۱۳۰	۱۸/۴	آموزش چگونگی مشارکت اجتماعی	۹۰	۱۲/۷	آموزش مهارت‌های ارتباطی و روابط اجتماعی	۱۴۳	۲۰/۲	آموزش و معرفی هنر داستان‌نویسی و شعر	۱۹۱	۲۷
سلامت و بهداشت فردی و اجتماعی	۹۳	۱۳/۱	آموزش حقوق و وظایف شهروندی	۷۷	۱۰/۹	آموزش مواجهه با آسیب‌های اجتماعی	۲۰۷	۲۹/۲	معرفی داستان‌های و رمان‌های معروف	۳۳۴	۳۳/۱
حفظ محیط‌زیست	۱۴۳	۲۰/۲	آموزش قانون اساسی و قانون‌مداری	۱۰۹	۱۵/۴	آموزش چگونگی تقویت روحیه	۱۶۴	۲۳ و ۲	معرفی سینما و موسیقی	۳۹۳	۴۱/۴
علوم کاربردی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای	۱۷۶	۲۴/۹	آموزش تاریخ و میراث فرهنگی	۸۰	۱۱/۳	آموزش بیان احساسات و عواطف	۸۵	۱۲	معرفی و آشنایی با رشته‌های تحصیلی و کنکور	۳۴۲	۳۴/۲
آشنایی با مشاغل و کارآفرینی	۱۲۷	۱۷/۹	آموزش کارگروهی و تصمیم‌گیری جمعی	۷۰	۹/۹	آموزش دینی و خداشناسی و معاد	۱۱۵	۱۶ و ۳	آموزش مسائل اخلاقی	۷۴	۱۰/۵

براساس جدول ۲، ده نیاز دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر مشهد با بیشترین فراوانی بدین قرار است:

معرفی سینما و موسیقی (۲۹۳)، روش شناخت و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی (۲۶۶)، معرفی رشته‌های تحصیلی و کنکور (۲۴۲)، معرفی داستان و رمان‌های معروف (۲۳۴)، مطالب درسی و فرادرسی (۲۱۶)، آموزش مواجهه با آسیب‌های اجتماعی (۲۰۷)، آموزش هنر داستان‌نویسی (۱۹۱)، آموزش مهارت‌های حل مسئله (۱۸۸)، معرفی روش‌های شادبودن و نشاط (۱۷۸) و معرفی علوم کاربردی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای (۱۷۶).

همچنین بر مبنای یافته‌ها، نیازهای کم‌اهمیت‌تر (با کمترین فراوانی) عبارت‌اند از: مطالب جدید علمی (۹۴)، آموزش چگونگی مشارکت اجتماعی (۹۰)، آموزش بیان احساسات و عواطف (۸۵)، آموزش آداب و رسوم اجتماعی (۸۱)، آموزش تاریخ و میراث فرهنگی (۸۰)، آموزش حقوق و وظایف شهروندی (۷۷)، آموزش مسائل اخلاقی (۷۴)، پاسخ به سؤالات و شبهات دینی (۷۲) و آموزش کارگروهی و تصمیم‌گیری (۷۰).

جدول ۳. نتیجه آزمون‌های دو برای نیازهای دانش‌آموزان شهر مشهد

p	مقدار ^۲	درجه آزادی	باقی‌مانده	مورد انتظار	مشاهده‌شده	
۰.۰۰۰	۱۷۰/۵۹۳	۱	-۶۱	۳۵۴	۲۹۳	معرفی سینما و موسیقی
۰.۰۰۰	۱۲۲/۰۸۵	۱	-۸۸	۳۵۴	۲۶۶	آموزش روش‌های شناخت و تحلیل مسائل سیاسی
۰.۰۰۰	۴۳/۷۵۱	۱	-۱۱۲	۳۵۴	۲۴۲	معرفی و آشنایی با رشته‌های تحصیلی و کنکور
۰.۰۰۰	۱۵۰/۱۰۷	۱	-۱۲۰	۳۵۴	۲۳۴	معرفی داستان و رمان‌های معروف
۰.۰۰۰	۸۱/۳۵۶	۱	-۱۳۸	۳۵۴	۲۱۶	مطالب درسی و فرادرسی
۰.۰۰۰	۲۱/۰۲۳	۱	-۱۴۷	۳۵۴	۲۰۷	آموزش مواجهه با آسیب‌های اجتماعی
۰.۰۰۰	۷۰/۸۷۰	۱	-۱۶۳	۳۵۴	۱۹۱	آموزش و معرفی هنر داستان‌نویسی و شعر

بر مبنای جدول ۳، نتایج آزمون‌های ۲ یا کای اسکور برای هفت نیازی که بالاترین فراوانی را داشته‌اند، نشان می‌دهد فراوانی نیازهای مشاهده‌شده با فراوانی مورد انتظار همان نیازها در جامعه متفاوت است و مقدار به‌دست‌آمده در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ / معنی‌دار است ($R < 0/05$). نتایج آزمون فریدمن (جدول شماره ۴) نیز در مورد معنی‌دار بودن تفاوت میانگین رتبه نیازها

نشان می‌دهد مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده برابر با $538/247$ است که در سطح خطای کمتر از $0/05$ قرار دارد ($p < 0/05$) و به لحاظ آماری معنی‌دار است و تفاوت رتبه نیازهای دانش‌آموزان را نشان می‌دهد ($df=5, p < 0/001$ ، $df=5$ ، $p < 0/001$ = مجذور کای).

جدول ۴. نتیجه آزمون فریدمن برای نیازهای دانش‌آموزان شهر مشهد

رتبه	نیاز	رتبه	مقدار ^۲	درجه آزادی
اول	معرفی سینما و موسیقی	۴/۵۲	۵۳۸/۲۴۷	۵
دوم	آموزش روش‌های شناخت و تحلیل مسائل سیاسی	۳/۹۶		
سوم	معرفی و آشنایی با رشته‌های تحصیلی و کنکور	۳/۵۳		
چهارم	معرفی داستان و رمان‌های معروف	۳/۲۰		
پنجم	مطالب درسی و فرادرسی	۲/۹۶		
ششم	آموزش مواجهه با آسیب‌های اجتماعی	۲/۹۶		
هفتم	آموزش و معرفی هنر داستان‌نویسی و شعر	۲/۹۵		

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، فراوانی نیازهایی چون معرفی سینما و موسیقی (اولویت اول)، معرفی داستان و رمان‌های معروف (اولویت چهارم) و آموزش و معرفی هنر داستان‌نویسی و شعر (اولویت هفتم) نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان به هنر و ادبیات - که تجلی قوه تخیل خلاقه است - احساس نیاز می‌کنند. آموزش روش‌های شناخت و تحلیل مسائل سیاسی به‌عنوان اولویت دوم و آموزش مواجهه با آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان اولویت ششم دانش‌آموزان نشان می‌دهد سایه مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی در جامعه امروز ما بر همه جوانب زندگی سنگینی می‌کند و به‌نوعی کل زندگی را دربرگرفته است. به همین دلیل نیاز به چنین موضوعاتی از سوی دانش‌آموزان احساس می‌شود. معرفی و آشنایی با رشته‌های تحصیلی و کنکور و مطالب درسی و فرادرسی به‌عنوان اولویت‌های سوم و پنجم دانش‌آموزان نشان‌دهنده اهمیت بالای درس و مطالب درسی است زیرا آن‌ها مهم‌ترین راه ارتقا و پیشرفت را در پیگیری درس و مدرسه می‌دانند. لازم به ذکر است، علت پایین بودن فراوانی نیازهایی چون آموزش بیان احساسات و عواطف، آموزش آداب و رسوم اجتماعی، پاسخ به شبهات دینی، آموزش مسائل دینی

و اخلاقی، آموزش تاریخ و میراث‌فرهنگی می‌تواند ناشی از تأمین چنین نیازهایی از سوی جامعه و خانواده و اشباع و ارضای این نیازهایی باشد.

سؤال دوم- نیازهای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر مشهد براساس دسته‌بندی کلان (دینی و اخلاقی، سیاسی، علمی و آموزشی، مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی، روحی و روانی، تندرستی، سلامت و ایمنی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای، ادبی و هنری، تفریح و سرگرمی) چگونه است و چه تفاوتی باهم دارند؟

براساس جدول ۵، میانگین‌های رتبه‌بندی نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در دسته‌بندی کلان نیازها به این قرار است: اولین رتبه مربوط به مطالب علمی - آموزشی با میانگین ۵/۰۳ و آخرین رتبه مربوط به مطالب سیاسی با میانگین ۱/۴۵۹ می‌باشد. سایر نیازهای دانش‌آموزان از دوم تا هشتم بدین ترتیب فهرست می‌شوند: مطالب دینی و اخلاقی (۴/۱۰)، روحی و روانی (۲/۷۶)، اجتماعی و فرهنگی (۲/۳۵)، مهارت‌های اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای (۲/۱۴)، تفریح و سرگرمی (۱/۹۷)، تندرستی، سلامت و ایمنی (۱/۹۰) و مطالب هنری و ادبی (۱/۱۸).

جدول ۵. مقایسه میانگین‌های رتبه‌بندی نیازهای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

بر اساس دسته‌بندی کلان نیازها

رتبه	نیاز	میانگین رتبه	مقدار خی دو	درجه آزادی	P
اول	علمی، آموزشی	۵/۰۲۸۲	۵۳۸/۲۴۷	۸	۰.۰۰۰
دوم	دینی و اخلاقی	۴/۱۰۱۷			
سوم	روحی و روانی	۲/۷۵۸۵			
چهارم	مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی	۲/۳۴۶۰			
پنجم	اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای	۲/۱۳۸۴			
ششم	تفریح و سرگرمی	۱/۹۷۱۸			
هفتم	ادبی و هنری	۱/۹۰۲۵			
هشتم	تندرستی، سلامت و ایمنی	۱/۸۱۹۲			
نهم	سیاسی	۱/۴۵۹۰			

نتایج آزمون فریدمن در مورد معنی‌دار بودن تفاوت میانگین رتبه نیازها نشان می‌دهد که مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده برابر با ۵۳۸/۲۴۷ است و در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد

($p < 0/05$). معنی دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه‌بندی نیازهای دانش‌آموزان بامعناست. آزمون فریدمن نشان‌دهنده تفاوت رتبه نیازهای دانش‌آموزان با یکدیگر است ($p < 0/01$, $df=5$, $p < 0/01$ = مجذور کای).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دوره اول متوسطه از بین مجموعه کلان نیازها به دو دسته نیازهای علمی و آموزشی و دینی و اخلاقی بیشتر احساس نیاز می‌کنند. سه دسته نیاز به مهارت‌های روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای با فاصله زیاد در مراتب بعدی سلسله نیازهای دانش‌آموزان قرار گرفته‌اند. این در حالی است که به چهار گروه نیاز تفریح و سرگرمی، ادبی و هنری، تندرستی، سلامت، ایمنی و سیاسی دانش‌آموزان کمتر احساس نیاز کرده‌اند.

نیازهای علمی-آموزشی از نظر دانش‌آموزان برحسب فراوانی در جایگاه اول قرار دارد. دانش‌آموزان در این مورد به ضرورت پرداختن به «مطالب درسی، فرادرسی، معرفی رشته‌های تحصیلی، روش‌های مطالعه، تحقیق و پژوهش و امکانات آن، معرفی دانش و فناوری‌های نوین و سواد رسانه‌ای، مطالب علمی در مورد تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم، آموزش زبان‌های خارجی و شیوه‌های، مشاوره و هدایت تحصیلی، معرفی چهره‌های برتر علمی و همچنین معرفی امکانات آموزشی چون کتابخانه، آزمایشگاه، کامپیوتر، اینترنت و منابع معتبر آموزشی، علمی» اشاره کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین نیازها و مطالبات دانش‌آموزان - باتوجه به نقش، فعالیت اصلی و مورد انتظارشان - آموزشی و علمی است. البته دانش‌آموزان مایل به ارائه مطالب جدید، روزآمد و نو، همچنین پیوند درس و مطالب علمی، آموزشی با فناوری‌های نو و نیز ارائه مطالب فرادرسی می‌باشند.

نیاز به مطالب دینی و اخلاقی دومین نیاز مطرح‌شده از سوی دانش‌آموزان است. آموزش‌های دینی و اخلاقی نقش بسزایی در ایجاد و تقویت هویت فرهنگی و نیز احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی دارد. مهم‌ترین مواردی که دانش‌آموزان در زمینه موضوعات دینی به آن‌ها اشاره کرده‌اند، عبارت است از: «شناخت فلسفه و غایت زندگی، فلسفه انتظار، پاسخ به شبهات و پرسش‌های

مختلف در زمینه دینی، آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی، آموزش اخلاق و رفتار دینی، خودسازی، نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری و معرفی منابع مکتوب و تصویری مناسب در زمینه موضوعات دینی در کنار معرفی احکام و نیاز به الگوها و اسوه‌های دینی». نوع مطالب موردنیاز دانش‌آموزان نشان می‌دهد که دغدغه‌های آن‌ها تلاش برای تقویت و تحکیم هویت دینی در دنیای به‌شدت متحول و متغیر کنونی است. از چنین منظری نوع مطالب و موضوعات دینی باید مبتنی بر چنین دغدغه‌هایی باشد و به مسائل و نیازها و نیز سؤالات و شبهات دینی آن‌ها با زبان علمی، روزآمد، مستدل و مستحکم بپردازد و وجهه استدلالی و اخلاقی دین را نیز مورد تأکید قرار دهد.

سومین نیاز و انتظار دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌ها و مقتضیات دوره نوجوانی نیازهای روحی، روانی و عاطفی است. شدت چنین نیازی به میزانی است که دانش‌آموزان تمایل دارند در مورد «روحیات و حالات روحی و احساسات خود، خودشناسی، سردرگمی و بلا تکلیفی احساسی، کنترل اضطراب و استرس، اعتماد به نفس، استقلال رأی، بزرگداشت خود، خودکم‌بینی در مقایسه با دیگران، تقویت روحیه، آزادی اختیار عمل و نیز فقدان قدرت اراده و تصمیم‌گیری، مشکلات و آسیب‌های دوره بلوغ و نوجوانی» آموزش‌های موردنیاز در اختیارشان قرار گیرد.

آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی چهارمین نیاز دانش‌آموزان است. «آموزش حقوق، وظایف و مسئولیت‌های شهروندی، ترویج کارگروهی، کمک و همیاری، مشارکت اجتماعی، همدلی، وطن‌دوستی و مهارت‌های ارتباطات و تعاملات اجتماعی، دوست‌یابی، حل مسئله، نه گفتن، دوری از رفتارهای پرخطر، گفت‌وگو، پرسشگری، احترام و تکریم خانواده و آداب معاشرت اجتماعی» از جمله نیازهایی است که دانش‌آموزان دوره اول متوسطه خواستار آموزش آن هستند. امروزه سایه مسائل و موضوعات اجتماعی بر همه جوانب زندگی سنگینی می‌کند و به‌نوعی کل زندگی را دربر گرفته است. به همین دلیل این دسته در چهارمین مرتبه از سوی دانش‌آموزان مطرح شده است. نیاز به آموزش مسائل اجتماعی و فرهنگی نشانه احساس تعهد و مسئولیت دانش‌آموزان نسبت به جامعه و مسائل اجتماعی و عبور از فردگرایی می‌باشد. همچنین آموزش این دسته از مهارت‌ها در جهان به‌شدت متحول و متغیر کنونی از جمله آموزش‌های اساسی است و دانش‌آموزان به‌درستی دریافته‌اند که کسب تجارب خاص در حیطه محدود خانوادگی به‌تنهایی برای زندگی

در جامعه جدید کفایت نمی‌کند. چنین مباحثی ضمن آماده‌کردن آن‌ها برای ورود آگاهانه به زندگی اجتماعی، احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی را در آن‌ها تقویت کرده و از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از سستی و گسست‌های خانوادگی و یا ناهنجاری‌هایی چون اعتیاد و رفتارهای پرخطر، جلوگیری به عمل می‌آورد.

مهارت‌های اقتصادی، شغلی و حرفه‌ای برحسب فراوانی در مرتبه پنجم نیازها از سوی دانش‌آموزان قرار دارد. «آموزش علوم کاربردی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، کارآفرینی، سواد مالی، پس‌انداز، مدیریت ریسک، بورس، معرفی مشاغل و حرفه‌های اقتصادی مولد، آموزش شیوه‌های تولید محصول و کالا بر مبنای اصول علمی و فناورانه، آموزش شیوه‌های انتخاب شغل و کسب‌وکار، آموزش شیوه‌های سرمایه‌گذاری، معرفی افراد موفق در مشاغل مختلف» از جمله مهم‌ترین مواردی است که دانش‌آموزان در این زمینه مطرح کرده‌اند. همه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه اول در کنار آموزش دروس نظری به آموزش علوم کاربردی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای احساس نیاز می‌کنند. زیرا این قبیل آموزش‌ها زودتر دانش‌آموزان را به بازار کار هدایت می‌کند. علاوه‌براین، اعلام چنین نیازی بر تلفیق آموزش‌های نظری و عملی در برنامه‌های درسی رسمی نیز تأکید دارد. اقتضات سنی دوره متوسطه از یک‌سو و ارزیابی منفی آن‌ها از رابطه اشتغال با ادامه تحصیل در دانشگاه از سوی دیگر موجب شده است که آن‌ها به آموزش‌های اقتصادی و فنی و حرفه‌ای برای ورود هر چه زودتر به بازار کار بیشتر تأکید کنند. نکته قابل توجه این است که دانش‌آموزان دوره متوسطه به تحولات روبه‌جلو بازار اشتغال، تغییرات فناوری‌های نو در زمینه اشتغال، کارآفرینی، مهارت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و نیز بازارهایی که در پرتو فناوری‌های نو و مالی شکل گرفته، توجه دارند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که موفقیت اقتصادی و ارزش‌های پولی، مالی و کالایی نزد آن‌ها اهمیت پیدا کرده است.

نیاز به تفریح و سرگرمی و شادی و نشاط از نظر فراوانی در مرتبه ششم برای دانش‌آموزان قرار دارد. دانش‌آموزان خواستار طرح مطالبی در مورد «آموزش نحوه گذراندن اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن، ارائه مطالب سرگرم‌کننده، طنز، لطیفه، مسابقه، جدول، معما، انواع بازی‌ها به‌ویژه بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی، ورزش، آشپزی، کاردستی، جدول، برگزاری مسابقه، معرفی تفرجگاه‌ها، امکانات تفریحی و ورزشی، معرفی مراکز تاریخی و دیدنی برای سفر، گزارش از

مراسم‌ها و مناسبت‌های شاد» هستند. دانش‌آموزان می‌خواهند محتواهای آموزشی از قالب بی‌روح و خشک فاصله گیرد و به شکل منعطف و غیرمستقیم و در قالب تفریح و سرگرمی ارائه گردد. مطالب هنری و ادبی اولویت هفتم نیاز دانش‌آموزان است. نیاز به «مطالب هنری و ادبی مانند قصه و داستان، رمان، شعر، فیلم و سینما، موسیقی، حکایت، متن و نقد ادبی، خوشنویسی، کاریکاتور، تصویرگری و نقاشی، تایپوگرافی، اینفوگرافی، معرفی چهره‌های مشهور هنری و ادبی ایران و جهان، مقاله‌نویسی، معرفی رمان‌های مشهور ایران و جهان و به‌طورکلی آموزش شیوه‌های خلق آثار هنری و ادبی» از مهم‌ترین مواردی است که دانش‌آموزان به آن اشاره کرده‌اند. هنر و ادبیات تجلی قوه تخیل خلاقه است و نوجوانی مساعدترین سن و دوران برای رشد و شکوفایی چنین قوه خلاقه‌ای است. به همین دلیل برخی از دانش‌آموزان نسبت به چنین مسائلی احساس نیاز می‌کنند و تمایل دارند که ضمن آموزش شیوه‌های تولید ادبی و هنری، در جریان تولیدات هنری و ادبی و نیز تحولات ادبی و هنری جهان و ایران قرار گیرند. ادبیات و هنر شکل غیرمستقیم و تلطیف شده بیان مسائل و موضوعات زندگی است و نوجوانان مایل هستند که زندگی و جامعه را از دریچه هنر و ادبیات ببینند.

مطالب مربوط به تندرستی، سلامتی و ایمنی هشتمین نیاز مطرح‌شده از سوی دانش‌آموزان است. چنین نیازی باتوجه‌به اقتضای سنی و از آنجایی که بیشتر توسط خانواده پوشش داده شده، کمتر از سوی دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفته است. با این وجود در مواردی که آموزش‌های خانواده در این زمینه کفایت نمی‌کند، دانش‌آموزان انتظار دارند به آن‌ها پرداخته شود. از جمله مهم‌ترین نیازهای سلامت و ایمنی مطرح‌شده از سوی دانش‌آموزان اول متوسطه می‌توان به مواردی چون «آموزش ایمنی در مقابل مخاطرات طبیعی چون زلزله، آموزش و حفظ محیط‌زیست، آموزش اصول صحیح تغذیه، حفظ و ارتقای بهداشت محیط فردی و اجتماعی، آموزش معیارهای زندگی سالم، شیوه‌های جلوگیری از آسیب‌ها و معلولیت‌های جسمی و حرکتی، کارکرد اعضا و اندام‌ها، آموزش حرکت‌های ورزشی در زمینه سلامت و تندرستی» اشاره کرد. اگرچه نیازهای اولیه تندرستی و سلامت توسط خانواده تأمین شده است؛ اما از آنجاکه جامعه جدید مملو از مخاطرات طبیعی چون سیل و زلزله و مخاطرات انسانی چون مشکلات زیست‌محیطی، آب‌وهوا، تصادفات و حوادث و نیز مشکلات تغذیه‌ای، عدم تحرک و انفعال و در

نتیجه چاقی و انواع بیماری‌هاست، دانش‌آموزان به درستی به لزوم پاسخگویی به چنین نیازهایی تأکید کرده‌اند.

آموزش سیاسی آخرین نیاز دانش‌آموزان است. «آشنایی با ساختار سیاسی، آموزش روش‌های شناخت و تحلیل مسائل سیاسی، آشنایی با چهره‌های سیاسی شاخص ملی و جهانی و شیوه زندگی آن‌ها، آموزش عدالت‌طلبی، مبارزه با حق‌کشی و تبعیض، معرفی سیاست‌های کلان کشور و درک رفتار گروه‌ها و بازیگران اجتماعی و سیاسی، چگونگی توسعه رفاه در عین حفظ انسجام و امنیت و نحوه مواجهه با رسانه‌ها و غیره» از جمله مهم‌ترین موضوعات سیاسی است که دانش‌آموزان دوره اول متوسطه به آن احساس نیاز می‌کنند. پرورش سیاسی جزئی اساسی از نظام تعلیم و تربیت است. بخشی که به هیچ‌وجه، ناپستی به غفلت سپرده شود و یا کم‌رنگ گردد. آموزش مسائل سیاسی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که آن‌ها درک و فهم درستی نسبت به نظام سیاسی کشور و نقش خود در آن کسب کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیق دیبا واجاری و حسینیان و قاعدی (۱۳۹۰) در زمینه اولویت نیازهای تحصیلی و شغلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان؛ یافته‌های حمیدی (۱۳۸۴) در زمینه نیازهای روحی - روانی و مشاوره، مهارت‌های زندگی، موفقیت تحصیلی و نیازهای اجتماعی و سیاسی؛ یافته‌های اکبری و شریفی (۱۳۸۷) در مورد نیاز دانش‌آموزان به روابط اجتماعی، دوستی و ازدواج و تشکیل خانواده، نیازهای ادبی و هنری، رمان و داستان و انواع سرگرمی و تفریح و نتایج پژوهش سلیمی (۱۳۸۲) در زمینه نقش مجلات رشد در تأمین نیازهای درسی، علمی و آموزشی و تقویت روحیه کنجکاوی، ابتکار و خلاقیت و تفریح و سرگرمی تأیید و حمایت می‌شود. تحولات رسانه‌ای، فرهنگی - اجتماعی، مجازی، تعاملی و دوطرفه شدن رسانه‌ها، تغییر و تحول نیازها، نگرش‌ها و سبک زندگی و مصرف فرهنگی دانش‌آموزان از یک‌سو و سیال بودن و تغییر مداوم دانش‌آموزان دوره‌های اول متوسطه از سوی دیگر ضرورت مخاطب‌شناسی مستمر این گروه سنی را ایجاب می‌کند. در جهت تأمین نیازها و علایق گروه‌های متنوع و متکثر دانش‌آموزان و باتوجه به روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی - که سن شروع آن نیز پایین آمده و به دوره نوجوانی کشیده شده است - حساسیت و اهمیت دوران جوانی، مشکلات هویت‌یابی و استقلال‌طلبی و نیز کشش‌ها و علایق متفاوت و متعارض این دوره، آموزش مباحث و مطالبی در زمینه‌های مشاوره

روحی و روانی، تقویت روحیه و مهارت‌های زندگی، ازدواج و تشکیل خانواده یک نیاز ضروری است که باید به‌طور جدی در دستور کار برنامه‌ریزان درسی و تولیدکنندگان محتوای آموزشی قرار گیرد. همچنین با توجه به جوّ به‌شدت سیاسی و سیاست‌زده جامعه که در کنار فوران اخبار و وقایع سیاسی خواه‌ناخواه ذهن دانش‌آموزان را به این موضوعات جلب می‌کند، تدوین برنامه مناسب برای آموزش سیاسی و شناخت علمی و روشمند از مسائل و نیز آموزش روش تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی یک ضرورت است.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- امینون، عفت، شریفی پور، زهرا، امینون، فاطمه، امینون، عصمت، و شریفی پور، پریسا. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تسهیل یادگیری دانش‌آموزان و افزایش کیفیت برنامه درسی مدارس. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی. گرجستان: موسسه سرآمده‌مایش کارین.
- اسماعیلی رضا، و ربیعی، کامران. (۱۳۸۷). سنجش نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران دانش‌آموز شهر اصفهان. *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۱ (۲)، ۹۷-۱۳۴.
- اصل احمدی، یاسمین سادات، و رضانی نژاد، رحیم. (۱۴۰۰). بررسی رابطه نگرش یادگیری آنلاین دانش‌آموزان و آمادگی یادگیری تربیت‌بدنی در محیط دیجیتال. *مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی و روانشناسی و علوم انسانی*. بروکسل: موسسه سرآمدنور.
- اکبری، ابوالقاسم، و شریفی، پاشا. (۱۳۸۷). نیازهای مطالعاتی دانش‌آموزان دوره متوسطه کشور درباره کتاب‌های غیردرسی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۷ (۲۸)، ۱۱۱-۱۲۸.
- امین‌زاده، انوشه، و سرمد، زهره. (۱۳۸۳). رابطه پیشرفت تحصیلی با فعالیت‌های بعد از مدرسه. *مجله روانشناسی*، ۳ (۳۱)، ۲۹۴-۳۱۲.
- *آمار مدارس و دانش‌آموزان کشور [اخبار]*. (۱۳۹۸). بازیابی شده در ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳، از: <http://www.dres.ir/News>
- باقری نجف‌آباد، زینب، و رحیمیان، جلال. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای متون درسی زبان فارسی از نظر تناسب آن با سن دانش‌آموزان. *نشریه فناوری آموزش*، ۱۳ (۲)، ۲۵۹-۲۶۸.
- برنامه‌درسی ملی (۱۳۹۰). *سند برنامه درسی ملی*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- پروند، محمدحسن. (۱۳۸۸). *مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی*. تهران: انتشارات گاه.
- جوانمرد، غلامحسین، و پور قهرمانی، سوسن. (۱۳۹۴). نقش هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در تبیین و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *پژوهش‌های کاربردی در روانشناسی تربیتی*، ۲ (۳)، ۳۱-۴۲.

- حاج‌حسینی، حمیده، شبیری، سید محمد، و فرج‌الهی، مهران. (۱۳۸۹). نیازسنجی و تعیین اولویت‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در زمینه محیط زیست و توسعه‌ی پایدار. چهارمین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست. تهران: دانشگاه تهران.
- حسنی بافرانی، طلعت، و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۰). انسان سالم و ویژگی‌های آن از دیدگاه ویکتور فرانکل. *مجله روانشناسی و دین*، ۱۴ (۱)، ۱۱۳-۱۴۳.
- حسینی، سید کمال، بزمی، مهناز، رحمتی، شهربانو، و قوامی، رویا. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای پرورشی، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مشهد. *پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، ۳ (۲)، ۲-۴.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای نیازهای جسمانی عاطفی اجتماعی و مذهبی نوجوانان مناطق محروم براساس جنسیت. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۳ (۲)، ۱۵۹-۱۷۹.
- خسروپناه، عبدالحسین، وکاشی زاده، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل و بررسی پلورالیسم دینی و گوهر و صدف دین. *اندیشه نوین دینی*، ۱۰ (۳۷)، ۷-۲۴.
- خواجه نوری، بیژن، هاشمی، سمیه، و روحانی، علی. (۱۳۸۹). سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز). *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۱ (۴۴)، ۱۲۷-۱۵۲.
- خوش‌کنش، ابوالقاسم، اسدی، مسعود، شیرعلی پور، اصغر، و کشاورز افشار، حسین. (۱۳۸۹). نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *نشریه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳ (۱)، ۸۲-۹۴.
- دیبا واجاری، مریم؛ حسینیان، سیمین، و قائدی، یحیی. (۱۳۹۰). بررسی میزان نیاز به راهنمایی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۰ (۴)، ۱۳۱-۱۴۸.
- رستمی‌نسب، عباسعلی، همتی، محمد، و فضیلت پور، مسعود. (۱۳۹۱). میزان انطباق محتوای کتاب روانشناسی سال سوم متوسطه با نیازهای مادی و معنوی دانش‌آموزان شهرستان شهرکرد. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۸ (۲۴)، ۱۷-۳۶.

- رضانی نژاد، رحیم، همتی نژاد، مهرعلی، و بنار، نوشین. (۱۳۸۲). بررسی هدف دانش‌آموزان از فعالیت درون کلاس‌های تربیت‌بدنی و ورزش. *نشریه حرکت*، ۱۷ (۱)، ۱۰۷-۱۲۲.
- زندی پور، طیبه، دبیری اصفهانی، عذرا، و ناهیدپور، فرزانه. (۱۳۸۸). *مطالعات تطبیقی نیازهای انتقالی دانش‌آموزان ایرانی و کانادایی با آسیب‌های بینایی. فصل‌نامه مطالعات روان‌شناختی*، ۵ (۲۱)، ۲۹-۴۶.
- *سند تحول آموزش و پرورش (۱۳۹۰)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). *روانشناسی تربیتی*. تهران: انتشارات پیام‌نور.
- سرمدی، مهدی، قنبری، حمیدرضا، و طالبیان شریف، جعفر. (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی بر هویت فرهنگی و اجتماعی. *ششمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۲). مطالعه تأثیر رفتار معلم بر نظم‌پذیری دانش‌آموزان در مدرسه، *فصلنامه علمی نوآوری‌های آموزشی*، ۲ (۴)، ۲۸-۴۵.
- شبیری، سیدمحمد، سرمدی، محمدرضا، و شریفیان، شیوا. (۱۳۸۹). نیازسنجی و تعیین اولویت‌های آموزشی دانش‌آموزان و دبیران مقطع راهنمایی در زمینه محیط‌زیست. *نشریه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۴ (۴۷)، ۱۴۳-۱۵۰.
- شرفی، محمود، و شرفی، زینت. (۱۳۹۲). تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۴ (۱۶)، ۳۷-۱۵.
- طالب‌زاده نوبریان، محسن، و فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۲). *مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی*. تهران: انتشارات آبیژ.
- عباس‌زادگان، محمد، و ترکزاد، جعفر. (۱۳۸۶). *نیازسنجی آموزش در سازمان‌ها*. تهران: سهامی.
- غلامی، خلیل، نصرتی، محمدصالح، و اسدی، محمد. (۱۳۹۷). تدوین چارچوبی مفهومی برای نیازسنجی دانش‌آموزان متوسطه: رهیافتی بر نظریه عملی تدریس. *تدریس پژوهی*، ۶ (۲)، ۶۹-۹۴.

- فتحی واجارگاه، کوروش، و فخامزاده، پروانه. (۱۳۹۲). *نیازسنجی آموزشی: الگوها و فنون*. تهران: نشر آبیژ.
- کویکی، مرتضی، و کرمی‌زاده، الهام. (۱۳۸۹). بررسی میزان گرایش، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز از منابع چاپی و الکترونیکی. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات علوم تربیتی و روانشناسی*، ۲ (۱)، ۱۰-۲.
- گلشنی، مرتضی، و حیدری، عبدالحسین. (۱۴۰۰). هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی و هفتم متوسطه. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳۳ (۲)، ۹۷-۱۱۸.
- لوی، اریه. (۱۳۸۹). *برنامه‌ریزی درسی مدارس* (ترجمه فریده مشایخ). تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- میرزاییگی، علی. (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*. تهران: انتشارات یسطرون.
- ناصری، محمد. (۱۳۹۴). مخاطب سیال امروز را جدی بگیریم. *سالنامه رشد*، ۲ (۶)، ۲۸-۵۰.
- نصرافهانی، احمدرضا، و فتحی، فاطمه. (۱۳۸۳). جایگاه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی عمومی دوره متوسطه. *نشریه دانشور رفتار*، ۹ (۱۱)، ۴۹-۶۴.
- یادگارزاده، غلامرضا، پرند، کوروش، بهرامی، آرش، و خدایی، ابراهیم. (۱۳۸۸). بررسی و سنجش نیازهای اطلاعاتی داوطلبان مجاز به انتخاب رشته آزمون سراسری در شهر تهران. *نشریه آموزش عالی ایران*، ۲ (۱)، ۴۳-۶۵.

- Agbemenu, K. & Schlenk, E. A. (2011). An integrative review of comprehensive sex education for adolescent girls in Kenya. *Journal of nursing scholarship*, 43(1), 54-63.
- Bonta, J., & Wormith, S. J. (2007). Risk and need assessment. *Developments in social work with offenders*, 15(1), 131-152.
- Bradshaw, J. (1972). *Taxonomy of social need*. London: Oxford University Press.
- Crişan, C. Pavelea, A., & Ghimbuluţ, O. (2015). A need assessment on students' career guidance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180(2), 1022-1029.
- DeSilets, L. D. (2006). Needs assessment. *The Journal of Continuing Education in Nursing*, 37(4), 148-149.
- Gibbons, M. M., & Shoffner, M. F. (2004). Prospective first-generation college students: Meeting their needs through social cognitive career theory. *Professional School Counseling*, 3(2), 91-97.
- Grant, J. (2002). Learning needs assessment: assessing the need. *Bmj*, 324(7330), 156-159.
- Hsu, Y. S., Cheng, Y. J., & Chiou, G. F. (2003). Internet use in a senior high school: A case study. *Innovations in Education and Teaching International*, 40(4), 356-368.
- Kaplan, H. (1997). *The evolution of the human life course. Between Zeus and the salmon*. Washington DC: National Academies Press.
- Maier, G. W., Prange, C., & Von Rosenstiel, L. (2001). Psychological perspectives of organizational learning. *Handbook of organizational learning and knowledge*, 21(4), 14-34.
- Marsh, H. W. (1992). Extracurricular activities: Beneficial extension of the traditional curriculum or subversion of academic goals?, *Journal of educational psychology*, 84(4), 553.
- Maslow, A., & Lewis, K. J. (1987). Maslow's hierarchy of needs. *Salenger Incorporated*, 14(17), 987-990.
- McAdams, D. P. (2013). Meaning and personality. In Paul T. P. Wong(Ed.), *The Human Quest for Meaning: Theories, Research, and Applications*. United State: Routledge, 107-124.
- Pedler, M., Boydell, T., & Burgoyne, J. (1989). The learning company. *Studies in continuing education*, 11(2), 91-101
- Perrotta, K., & Keese, J. (2024). It's What You Know: A Needs Assessment of MAT students' Social Studies Content Knowledge. *The Teacher Educator*, 6(2), 1-24.
- Reeve, J. M., & Yahya, S. M. (2010). *Motivation and Emotion* . United kingdom: Routledge.

- Riffe, D. Lacy, S., Fico, F., & Watson, B. (2019). *Analyzing media messages: Using quantitative content analysis in research*. United Kingdom: Routledge.
- Şahin, E., & Fidan, O. W. E. N. (2009). Aggression Levels of High School Students with Different Psychological Needs. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 4(32), 64-74.
- Schultz, D. P. Schultz, S. E., & Enos, M. (2009). *Theories of personality*. Germany: Springer.
- Smith, S. R. (2009). A dynamic ecological framework for differentiating the primary curriculum. *Gifted and Talented International*, 24(2), 9-20.
- Van der Walt, J. L., & Wolhuter, C. C. (2018). An examination of the potential of cultural-historical activity theory (CHAT) for explaining transitions in national education systems. *Acta Academica: Critical views on society, culture and politics*, 50(1), 104-125.
- Vogel, G., Ruppel, D. L., & Kaufmann, C. S. (1991). Learning needs assessment as a vehicle for integrating staff development into a professional practice model. *The Journal of Continuing Education in Nursing*, 22(5), 192-197.

Exploring the Association Between Organizational Pessimism and Job Burnout in South Khorasan Airports: A Case Study of the Moderating Role of Working Life Quality

Ahmad Arabshahi Kerizi¹

Maliheh Sadat Hashemi Moghadam²

Received: 21/7/2023

Accepted: 29/10/2023

Introduction

Organizations strive for success, and achieving their goals requires attention to key factors like work-life quality, organizational cynicism, and job burnout. Work-life quality encompasses elements such as effective supervision, positive working conditions, competitive compensation and benefits, and a stimulating, collaborative, and motivating work environment (Asadi & Shakori, 2021, p. 22). It essentially reflects employees' perceptions of the desirability of their work environment, both physically and psychologically (Mahdizadeh Ashrafi & Ilka, 2010, p. 3). Organizational cynicism is a form of negativity, characterized by a lack of trust in the organization's integrity (Moradi & Farrokhi, 2022, p. 2). This cynicism creates a psychological distance between employees and their employer, negatively impacting both organizational efficiency and employee satisfaction (Ghorbani & Amerimaneh, 2018, p. 114). Job burnout signifies a loss of interest and motivation in one's work, leading to decreased performance (Barari & Jamshidi, 2016, p. 179). Key symptoms of burnout include feelings of helplessness, hopelessness, and a negative self-image, as well as a negative view of others (Attari & Fathizadeh, 2014, p. 1). This research aims to investigate the following questions:

- Does organizational cynicism significantly impact job burnout?
- Does work-life quality moderate the relationship between organizational cynicism and job burnout?

1. Assistant Professor, Department of Public Administration, Payam Noor University, Tehran, Iran. aarabshahi@pnu.ac.ir [ORCID: 0000-0002-1746-0244](https://orcid.org/0000-0002-1746-0244)

2. MA in Master of Public Administration, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran. m.hashemi_2012@yahoo.com



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Methods

This research is applied in nature, with a descriptive-survey methodology. The study focuses on the airports of South Khorasan province, surveying a total of 74 individuals. Data collection tools included three standard questionnaires: the Organizational Cynicism Questionnaire by Dean, Brandes and Dharwadkar (1998), the Job Burnout Questionnaire by Maslach (1981), and the Work Life Quality Questionnaire by Walton (1973). The content validity of the questionnaire was ensured by consulting with professors. Construct validity, convergent validity, and divergent validity were all confirmed. The reliability of the questionnaires was verified using Cronbach's alpha. The obtained Cronbach's alpha values for the Job Burnout, Organizational Pessimism, and Quality of Work Life questionnaires were 0.812, 0.706, and 0.906 respectively, indicating that the research questionnaire has acceptable reliability. For data and information analysis, various tools of descriptive and inferential statistics were employed. Structural equations and Smart PLS software were used to verify and test the hypotheses.

Results

The main and sub-hypotheses of the research were evaluated using structural equations. The main hypotheses indicate that organizational pessimism has an impact on job burnout, as the *t*-value for this effect is 4.419, which is greater than 1.96. Furthermore, the quality of work life plays a moderating role in the influence of organizational pessimism on job burnout, as the *t*-value for this effect is 2.207, also greater than 1.96. Upon examining the sub-hypotheses, it was found that the first three are confirmed, as their *t*-values are greater than 1.96 and the path coefficient values are positive. However, the seventh and eighth sub-hypotheses are rejected, as their *t*-values are less than 1.96. The fourth, fifth, sixth, ninth, tenth, and eleventh sub-hypotheses are confirmed, as their *t*-values are greater than 1.96 and the path coefficient values are positive. Therefore, these hypotheses are confirmed; more precisely, organizational formalization and social dependency in work life do not moderate the impact of organizational cynicism on job burnout. Fair and adequate compensation, a safe and healthy work environment, opportunities for growth and continuous security, overall life space, human capability development, and social integration and cohesion moderate and influence the impact of organizational cynicism on job burnout.

Conclusion

In this study, we sought to determine the impact of organizational pessimism on job burnout and to ascertain if the quality of work life has a moderating effect on this relationship. The findings indicate that organizational pessimism significantly contributes to job burnout, while the quality of work life plays a moderating role, influencing the extent of this effect.

Based on the outcomes of the research hypotheses, the following recommendations are proposed:

- A positive, cooperative, supportive, and amiable environment should be fostered to bolster the quality of work life.
- Managers should exercise caution and deliberation in decision-making.
- The employee evaluation process must be conducted with precision and scientific rigor.
- Enhance information flow and decision-making transparency to dispel negative perceptions about the organization.
- Any form of discrimination should be addressed by revising organizational policies and regulations.
- Supervisors should engage with employees in a manner that is respectful, equitable, and fair, thereby reducing organizational pessimism.
- It is imperative for managers to thoroughly investigate the root causes and factors contributing to organizational pessimism and devise strategies to mitigate them.

By adopting these measures, we anticipate a decrease in pessimism, an improvement in the quality of work life, and a reduction in job burnout, ultimately leading to enhanced job satisfaction and organizational performance.

Keywords: Organizational Pessimism, Job Burnout, Quality of Work Life.

References

- Abedini, S., & Esmaealzadeh, A. (2009). Barrasi rabeteh taahod sazmani ba keyfiyat zendegi kari kar konaan bimarestan shahid madani tabriz [The study of relationship between organizational commitment and quality of working life among the staff of Madani Martyr Hospital]. *Sociological Studies*, 2(2), 117-133. [In Persian]
- Alabduljader, S. A. (2022). The impact of quality of work-life on reducing occupational burnout among workers. *Polish Journal of Management Studies*, 26(2), 24-41.
- Alirezaei, M., Malmir, A., & Abbasi, H. (2021). Tahlil ta'sir badbini sazmani bar keyfiyat era'eh khadamat ba naqsh miyanjigari rezayat shoghli va naqsh ta'dilgar hoviyaat sazmani [Analysis of the negative impact of organizational cynicism on service quality with the mediating role of job satisfaction and the moderating role of organizational identity]. *Journal of Human Capital Empowerment*, 4(3), 179-192. [In Persian]
- Amiri, M., Asadi, M. R., & Delbari Ragheb, F. (2011). Barrasi vaziyat farsudegi shoghli dar miyan karkonaan bank va era'eh rahkarhaai behboud vaziyat aan [Barriers and challenges in obtaining financial support in the education sector: Solutions for improvement]. *Journal of Business Management*, 3(1), 37-92. [In Persian]
- Asadi, M., & Shakori, Z. (2021). Rabeteh abaad keyfiyat zendegi kari va jo sazmani ba raftar shahrivandi sazmani dar bein moallemān [The relationship between dimensions of quality of work life and organizational climate with organizational citizenship behavior in teachers]. *Journal of Pouyesh in Education and Consultation (JPEC)*, 6(13), 19-36. [In Persian]
- Atashi, SH., Fathiazar, I., Beirami, M., & Hashemi, T. (2010). Barrasi moteghayyerhaai pish-bini-konandeh farsudegi shoghli dar kar konaan payvar aja [Investigation of predictive variables of job burnout in employees of Payvar Aja]. *Military Management*, 10(39), 195-224. [In Persian]
- Attari, M., & Fathizadeh, A. (2014). *Avamel mo'ser bar farsudegi shoghli karkonaan* [Factors affecting employee burnout]. International Conference on New Researches in Management and Industrial Engineering. Tehran. [In Persian]
- Bahmani, A., Mahdavidrad, M. R., & Balouchi, H. (2016). Barrasi rabeteh badbini sazmani ba keyfiyat khadamat era'eh-shodeh kar konaan ba naqsh miyanjigari va ta'dilgari taahod sazmani [Investigating the relationship between organizational pessimism and the quality of services provided by employees with the mediating and moderating role of organizational commitment]. *Public Management Researches*, 9(31), 161-185. [In Persian]

- Barari, R., & Jamshidi., L. (2016). Naqsh miyanji khodkaarāmdi moallemān dar rabeteḥ bein hosh hijaaani va farsudegi shoghli moallemān ebtedaai [Investigating the relationship between organizational pessimism and the quality of services provided by employees with the mediating and moderating role of organizational commitment]. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 6(4), 177-200. [In Persian]
- Bashir, S. (2011). *Organizational cynicism development and testing of an integrated model a study of public sector employees in Pakistan* (Unpublished doctoral dissertation). Mohammad Ali Jinnah University, Islamabad, Pakistan.
- Bayani A A., & Samiei R. (2015). Naqsh-e stress shoghli va farsudegi shoghli bar salamat ravani moallemān ebtedaai: azmoon yek model farzi [The effect of job stress and job burnout on mental health of elementary teachers: examining a hypothetical model]. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 2(4), 312-321. [In Persian]
- Bazvand, M., & Batmani, F. (2014). *Barrasi rabeteḥ bein badbini sazmani va farsudegi shoghli (mored motale'eh kar konaan jihad keshavarzi ostan lorestan)* [Investigating the Relationship between Organizational Cynicism and Job Burnout (A Case Study of Agricultural Jihad Employees in Lorestan Province)]. International Conference of Humanities, Psychology and Educational Sciences. Tehran. [In Persian]
- Boodlaie, H., Karkon, N., & Qeshlaghi, M. (2018). Barrasi-ye rabete-ye badbini-ye sazmani bā taahod-e sazmani dar sho'ab va setad-e markazi-ye Post Bank-e Yazd. [Investigating the relationship between organizational pessimism and organizational commitment in Yazd Post Bank branches and central headquarters]. *Journal of Human Resource Management*, 7(4), 33-50. [In Persian]
- Brown, M., Cregan, C. (2008). Organizational change cynicism: The role of employee involvement. *Human Resource Management*, 47(4), 667-696.
- Choua, S.W., Chen, P. Y. (2009). The influence of individual differences on continuance intentions of enterprise resource planning (ERP). *International Journal of Human Computer Studies*, 67(6), 484-496.
- Cole, M., Brunch, H., & Vogel, B. (2006). Emotion as mediators of the relations between perceived supervision support and psychological hardiness on employee cynicism, *Journal of Organizational Behavior*, 27(4), 463-484.
- Dean, J. W., Brandes, P. & Dharwadkar, R. (1998). Organizational cynicism. *Academy of Management Review*, 23(2), 341-352.
- Ebrahiminejad, M., Zare, F., Rezaee, Z., & Hosseini, S. S. (2017). Barrasi-ye rabete-ye beyn-e keyfiyat-e zendegi-ye kari va farhang-e akhlaghi dar fanni-va-herfe-i ostān-e Kerman [Investigating the relationship between work-life quality and

- ethical culture in the technical and vocational education of Kerman province.]. *Public Management Researches*, 9(34), 115-134. [In Persian]
- Fallahi, M., & Torabi, B. (2012). Rabeteḥ beyn kontrol-e shoghli va estres-e shoghli ba tedad, shiddat, faravani bimari-haye jesmi dar kar-konan-e sanaye-e shimiaiye Fars [Relationship between job control and job stress with the number, intensity, and frequency of physical illnesses in employees of Fars chemical industries.]. *Journal of Modern Industrial/Organization Psychology*, 3(11), 91-99. [In Persian]
- Ghorbani, M., & Amerimanesh, Z. (2018). Barrasi-ye rabeteḥ beyn badbini-ye sazmani ba amalkard-e karkonan ba naqsh-e tadiel-gar akhlaq-e herfe-i dar bimarestan-e takhasosi ghalb-o-orogh Javadal-Aemme Mashhad [A survey of organizational cynicism and employee performance relationship, considering professional ethics moderator role in Javad-al-Aemeh Cardiac Hospital in Mashhad]. *Journal of Studies in Religion, Spirituality & Management*, 7(13), 60-75. [In Persian]
- Haghighi Kafash, M., Mazloumi, N., & Mirzamohammadi, F. (2011). Pishzamineha va payamadha-ye badbini-ye sazmani [Backgrounds and consequences of organizational pessimism]. *Management Studies in Development and Evolution*, 21(64), 117-139. [In Persian]
- Hasanpour, A., Noori, R., & Kiaee, M. (2009). Badbini-ye sazmani, elal va payamdehayan [Organizational cynicism; causes and effects]. *Organizational Culture Management*, 7(19), 141-119. [In Persian]
- Hasanvand, A., Hasanvand, B., & Hasanvandi, S. (2016). Barrasi-ye rabeteḥ-ye farsudgi-ye shoghli ba tovanmandsazi va keyfiyat-e zendegi-ye kari dar polis [Investigation of the relationship between job burnout, empowerment, and quality of work life in the police]. *Journal of Logistics & Human Resources Management*, 38, 103-126. [In Persian]
- Homan, H. (2008). *Modelyabi-ye moadelat sakhtari ba korbord narmafzar LISREL* [Structural equation modeling with LISREL]. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Hosseini, M., Naderian, M., Homayi, R., & Mousavi, Z. (2009). Rabeteḥ beyn keyfiyat-e zendegi-ye kari va taahod-e sazmani-ye karkonan-e edareh kol-e tarbiyat-e badani-ye ostan-e Esfahan [The relationship between the quality of work life and organizational commitment of the employees of the General Department of Physical Education of Isfahan Province]. *Sport Management Journal*, 1(2), 167-347. [In Persian]
- Hosseinzadeh Nikooei, H., & Poureminan, A. (2013). *Barrasi-ye erteḥat beyn eztarab, estres va afsordegi ba farsudegi-ye shoghli (motale'e-ye mowredi dar sherkat-e tozi'-e niroye barq-e ostan qom)* [Investigating the relationship between

- anxiety, stress and depression with job burnout]. 29th International Electricity Conference. Tehran. [In Persian]
- Jafari Pourmoghadam, M. (2013). Barrasi-ye ta'sir abaad-e badbini-ye sazmani bar roval-e amalkard-e sazmani ba roykard-e kart-e emtiaz-e motavazen dar beyn-e karkonan-e sarparasti-ye bank-e saderat-e ostan-e Khorasan-e Razavi [Investigation of the impact of organizational pessimism dimensions on organizational performance routines with a balanced scorecard approach among the supervisory staff of the Export Development Bank of Khorasan Razavi Province]. *Humanities and Art*, 3(9), 1-20. [In Persian]
- Kalagan, G., & Aksu, B. (2010). Organizational cynicism of the research assistants: A Case of Akdeniz University. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4820-4825.
- Koohi, K. (2020). Tabi'in ta'sir-e sarmāye-ye ejtemā'i, sarmāye-ye ravān-shenākhti, jow-e sāzmāni va sabeghe-ye shoghli bar farsudegi-ye shoghli mored-e motāle'eh: a'zā-ye hey'at-e 'elmi-ye dāneshgāh-e Tabriz [Explaining the impact of social capital, psychological capital, organizational climate, and job history on job burnout case study: faculty members of the University of Tabriz]. *Journal of Applied Sociology*, 31(2), 77-94. [In Persian]
- Koushki, M. S., Sari, A., Arab, M., & Ahmadi Engali, K. (2013). Keyfiyat zendegi kari va rabete an ba behravari parastaran bimarestanhaye olum pezeskhi daneshgah shahid beheshti [Quality of working life and its relation with productivity of nurses' performance in Shahid Beheshti University of Medical Sciences hospitals]. *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 10(4), 81-90. [In Persian]
- Leitão, J., Pereira, D., & Gonçalves, Â. (2021). Quality of work life and contribution to productivity: Assessing the moderator effects of burnout syndrome. *International Journal of Environ Res Public Health*, 18(5), 2425.
- Mahdizadeh Ashrafi, A., & Ilka, H. A. (2010). Barresi-ye rabete-ye beyn-e keyfiyat-e zendegi-ye kari (QWL) va amalkard-e karkonan-e daneshgah-e azad-e eslami vahed-e firoozkooch bar asas-e model-e Walton [Examining the relationship between Quality of Work Life (QWL) and the performance of employees at the Islamic Azad University, Firoozkooch branch, based on Walton's model]. *Management Quarterly*, 7(20), 1-8. [In Persian]
- Malek Akhlaq, I., Doostar, M., & Shanbadi, F. (2021). Tasir-e rahbari-ye makkiaivelli bar farsudegi-ye shoghli-ye karkonan ba naqsh-e miyanji-ye badbini-ye sazmani [The impact of Machiavellian leadership on employees' job burnout with the mediating role of organizational pessimism]. *Cultural Leadership Studies*, 3(2), 72-83. [In Persian]

- Malekpour Lapari, K., & Bakhtiari Renani, A. (2021). Predicting teachers' burnout based on tolerance of ambiguity and self-compassion. *Teacher Professional Development*, 6(1), 1-15. [In Persian]
- Mandalizadeh, Z., & Naghsh Javaheri, S. (2022). Barresi ertebat-e badbini sazmanie va farsudegi shoghli ba naqsh miyanji sokoot sazemanie dar bain najian gharigh estakhrha-ye shahrdari shahr Tehran [Investigating the relationship between organizational pessimism and job burnout with the mediating role of organizational silence among the lifeguards of municipal swimming pools in Tehran city.]. *Journal of Occupational Hygiene and Health Promotion*, 6(1), 54-65. [In Persian]
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1981). The measurement of experienced burnout. *Journal of Occupational Behavior*, 2(2), 99-113.
- Maslach, C., Schaufeli, W. B., & Leiter, M. P. (2001). Job burnout. *Annual Review of Psychology*, 52, 397-422.
- Mehdad, A., Zaribafan, M., & Mehdizadegan, I. (2015). Barresi ertebat badbini sazmanie va farsudegi shoghli ba naqsh miyanji sokoot sazmanie dar bain najian gharigh estakhrha-ye shahrdari shahr Tehran [Quality of work life factors for employee productivity: A case study of job alienation and emotional burnout]. *Journal of Productivity Management*, 9(1(32)), 125-146. [In Persian]
- Mete, Y. (2013). Relationship between organizational cynicism and ethical leadership behaviour: A study at higher education. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 89(3), 476-483.
- Mirzaei, V., Bahrami, M., & Akbari Noghabi, M. S. (2022). Barrasi-ye ta'sir-e badbini-ye sazmani va rezayat-e shoghli bar tahod-e sazmani dar daberan-e moghta'e motavasete shahrestan-e Bojnurd" [Investigating the impact of organizational pessimism and job satisfaction on organizational commitment among high school teachers in Bojnurd]. *Applied Research in Management and Accounting*, 7(25), 38-54. [In Persian]
- Moradi, A., & Farrokhi, F. (2022). Badbini-e sazmani alayeh etemad-e sazmani: bazshenasi-ye mafahim [Organizational cynicism versus organizational trust: Recognizing the concepts]. *New Research Approaches in Management and Accounting*, 6(22), 203-211. [In Persian]
- Moradi, M & Jalilian, H. (2016). Avamel-e moasser bar badbini nesbat be taghyirat-e sazmani va nataaij an [A review of causes and consequences organizational cynicism about organizational change]. *Management Studies in Development and Evolution*, 25(81), 123-150. [In Persian]
- Nafei, W. A. (2013). Examining the relationship between organizational cynicism and organizational change: a study from Egyptian context. *Journal of Business Administration Research*, 2(2), 52-69.

- Naghbi, F., Golmakani, N., Esmaeili, H., & Moharari, F. (2013). Barresi erbat-e sabk-e zendegi ba kifayat-e zendegi motebaqat ba salamat dar dokhtarane nojavanan-e dabirestan-haye shahrestan-e Mashhad dar sale tahsili 91-92 [An examination of the relationship between lifestyle and health-related quality of life in female students in high schools of Mashhad during the 2011-2012 academic year]. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 16(61), 9-19. [In Persian]
- Nair, P., & Kamalanabhan, T. J. (2010). The impact of cynicism on ethical intentions of Indian managers: The moderating role of seniority. *Journal of International Business Ethics*, 3(1), 14-29.
- Narehan, H., Hairunnisa, M., Razak, A., Norfadzillah, R.A., & Freziamella, L (2014), The effect of quality of work life (QWL) programs on quality of life (QOL) among employees at multinational companies in Malaysia. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 112, 24 – 34.
- Nejati Hatamian, L., Abbasian, H., Zaynabadi, H. R., & Arasteh, H. R. (2019). Vakāvī-e padideh-e badbīnī-e sāmānī-ye mo'allemān: yek pazhūhesh-e ravesh-keifi [Uncovering teachers' organizational cynicism: A study with qualitative method]. *School Administration*, 7(4), 153-135. [In Persian]
- Nobakht, F., & Ouliaei, A. (2011). *Barrasi farsudegi shoghli dar pezeskhan va ravanshenasan-e etiyad va moghayese ba pezeskhan va ravanshenasan-e sair-e klinik-ha dar ostan-e Tehran* [Investigation of job burnout in physicians and addiction psychologists and comparison with physicians and psychologists in other clinics in Tehran province]. Tehran: Anti-Narcotics Headquarters, Research and Training Office.
- Pardakhtchi, M.H., Ahmadi, G.A., & Arzumandi, F. (2009). Barresi rabete bein kifayat-e zendegi kari va farsudegi shoghli dar modirane va moalaman-e madarise shahrestan-e Tākestān [Investigating the relationship between the quality of work life and job burnout of managers and teachers in schools in Takestan]. *Educational Leadership & administration*, 3(3), 25-50. [In Persian]
- Poltcan, M., & Titrek, O. (2013). The relationship between leadership behaviors of school principals and their organizational cynicism attitudes. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 141, 1291-1303.
- Pour Afkari, N. (2001). *Farhang-e jaame'e ravanshenasi* [A comprehensive dictionary of psychology]. Tehran: Farhang Moaser Publication. [In Persian]
- Rafiei, S., Kiaiei, M.Z., sadeghi, P., Makhtoomi, V., & Asghari, D. (2019). Barresi-e vasate'i farsudegi-ye shoghli dar rabete miyan kifiat-e zendegi-e kari va amalkard-e shoghli-i parastaran-e shaghl dar marakez-e amuzeshi darmani vabaste be daneshgah-e olum-e pezeskhi-ye qazvin [Investigating the mediating role of job

- burnout in the relationship between work life quality and job performance of nurses working in educational and medical centers affiliated with Qazvin University of Medical Sciences]. *Journal of Hospital*, 17(4), 47-55. [In Persian]
- Rahimnia, F., & Hassanzadeh, Z. F. (2011). Ta'sir-e farsudegi-ye shoghli bar abaad-e farhang-e sazmani Denison [The impact of job burnout on the dimensions of Denison organizational culture]. *Management of Tomorrow*, 11(33), 129-143. [In Persian]
- Rajabi Farjad, H., & Shojaeian, M. (2014). Barresi-e rabete keyfiyat-e zendegi-e kari va razayat-e shoghli [Investigating the relationship between work life quality and job satisfaction]. *Quarterly Journal of Logistics & Human Resources Management*, 1393(33), 21-38. [In Persian]
- Raminmehr, H., Hadizadeh Moghadam, A., & Ahmadi, I. (2009). Barresi rabete bein edrak az edalat sazmani va raftar shahrvandi sazmani (mored motaleh: sherkat meli paksh faravardehay-e nafti setad tehran) [Examining the relationship between the perception of organizational justice and organizational citizenship behavior]. *Transformation Management Journal*, 1(2), 65-89. [In Persian]
- Sabokro, M., Vafaei Yeganeh, M., & Kashani, S. (2008). Beherevari karkonan sherkatha-ye bime dar partow-e hosh-e aatifi va keyfiyat-e zendegi-ye kar [Employee productivity in insurance companies in the light of emotional intelligence and work life quality]. *Insurance Industry*, 25(1), 179-202. [In Persian]
- Sadeghian, M. H., Bakhshandeh, M. K., Safi, S. M. H., Haj Manochehri, R., & Abolfathi, N. (2022). Ta'sir-e modiriyat-e tahavvol-gara dar sazman bar keyfiyat-e zendegi-ye kari-ye eslami-ye karkonan-e bimarestan-e shari'ati-ye tehran [The impact of transformational management in the organization on the Islamic work life quality of employees at Shariati Hospital in Tehran]. *Quran and Medicine*, 7(2), 1-11. [In Persian]
- Saedi, S., Khaalatbari, J., & Murray Najafabadi, N. (2010). Rābete-ye keyfiyat-e zendegi-ye kāri va salāmat-e sāzmāni bā khoshnudi-ye shoghli [The relationship between the quality of work life and organizational health with job satisfaction]. *Journal of Modern Industrial/Organization Psychology*, 1(4), 55-64. [In Persian]
- Salvati, A., Zandi, R., & Amani, S. (2013). Barrasi-ye rabete beyn-e badbini-ye sazmani va tashim-e danesh: Morede motaleaati-e daneshgah-e azad [Examining the relationship between organizational pessimism and knowledge sharing: A case study of Islamic Azad University]. *Industrial Management*, 9(28), 119-107. [In Persian]
- Shahmansouri, E., Soleimani, M., & Yusofvand, L. (2012). Barresi rabete kifayat-e zendegi kari va farsudgi shoghli moalemin-e madares-e shahrestan-e Alashtar [Investigating the relationship between the quality of work life and job burnout

- among teachers in the schools of Alashtar County]. *Humanities Research*, 5(31), 43-58. [In Persian]
- Shekarriz, J., Nasr Esfehiani, A., & Safari, A. (2021). Elguye badbini-e sazemani dar daneshgah-ha [A model for organizational cynicism in the universities]. *Journal of Strategic Management Studies*, 12(47), 155-187. [In Persian]
- Shirzad Kebria, B., & Ghafari Mojlaj, M. (2015). Barresi rabete bein kifayat-e zendegi kari va taahod-e sazmani-e karkhanan-e sazman-e bandar va daryanavardi-e jomhuri-ye eslami-ye Iran [Investigating the relationship between the quality of work life and organizational commitment of employees in the Ports and Maritime Organization of the Islamic Republic of Iran]. *Journal of Maritime Transport Industry*, 1(3), 63-72. [In Persian]
- Shojafard, J., Poursadegh, N., Shahrashoub, G., & Zangisheh, S. (2014). Barresi rabete-ye bein kifayat-e zendegi kari va taahod-e sazmani-e karkhanan-e sazman-e bandar va daryanavardi-e Jomhuri-ye Eslami-ye Iran [Investigating the relationship between the quality of work life and organizational commitment of employees in the Ports and Maritime Organization of the Islamic Republic of Iran]. *Journal of Search and Rescue*, 6(2), 26-42. [In Persian]
- Simao, M. B. A. (2021). Burnout, quality of work life and occupational self-efficacy. *Psicologia Clínica e da Saúde*, 20, 1-28.
- Simha, A., Elloy, D., & Huang, H .C (2014). The moderated relationship between jobburnout and organizational cynicism. *Management Decision*, 52(3), 482-504.
- Sina, H., Karimzadeh, S., Nazem, F., Fattah, F., & Ahmadi, A. (2014). Eraye model-e sakhtari pishbini-e abaad farsudgi shoghl-i bar asas-e kifayat-e zendegi kari, taahod-e sazmani va modiriyaat-e danesh-e modiran-e daneshgah-e azad-e Eslami-ye Mantaghe-ye Yek [Presenting a structural model to predict dimensions of job burnout based on quality of work life, organizational commitment, and knowledge management of managers in the Islamic Azad University of Region One]. *Psychological Methods and Models*, 5(17), 55-73. [In Persian]
- Tavoosi, M., Rafiei, M., & Najari, R. (2022). Shenasi va robtebandi avamel-e moaser bar badbini-e sazmani dar edareh koll-e amoozesh fanni va herfe-ie ostante Esfahan [Identification and ranking of the effective factor on organizational pessimism]. *New Researches in Entrepreneurial Management and Business Development*, 3(1), 102-115. [In Persian]
- Walton, R.E. (1973). Quality of work life: what is it? *MIT Sloan Management Review*, 15(1), 11-21.
- Wu, W. W. (2010). Linking Bayesian networks and PLS path modeling for causal analysis. *Expert Systems with Applications*, 37(1), 134-139.

Zare, H., Haghgooyan, Z., & Karimi Asl, Z. (2014). Shenasaee-e avamal-e mo'asser bar badbini sarzmani va sanjesh an dar daneshgah-haye dolati Iran [Identification of factors influencing organizational pessimism and its assessment in Iranian state universities]. *Organizational Culture Management*, 11(4), 159-180. [In Persian]

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی، شناسایی نقش تعدیل‌گر کیفیت زندگی کاری (مورد مطالعه: فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی)

ملیحه‌السادات هاشمی‌مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

احمد عربشاهی کریزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_182033.html

چکیده

سازمان‌ها اهداف متفاوتی، چون بقا و سودآوری را دنبال می‌کنند و نیروی انسانی، مهم‌ترین عامل برای دستیابی به اهداف سازمانی، محسوب می‌شود. سازمان‌ها اگر می‌خواهند اهدافشان به نحو مؤثری تحقق یابد، باید توجه ویژه‌ای به نیروی انسانی سازمان داشته باشند و متغیرهای مهمی چون فرسودگی شغلی، بدبینی سازمانی و کیفیت زندگی کاری را مورد توجه قرار دهند. هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گری کیفیت زندگی کاری در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری به صورت تمام‌شماری نمونه بررسی شده است. ابزارهای گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های استاندارد استفاده شده است. روایی محتوایی با نظرخواهی از اساتید مورد تأیید قرار گرفت. همچنین روایی سازه، بررسی و تأیید شد. مقدار آلفای کرونباخ به ترتیب برای متغیرهای فرسودگی شغلی، بدبینی سازمانی و کیفیت زندگی کاری مقادیر ۰/۸۱۲،

aarabshahi@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

ORCID: 0000-0001-7087-2662

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

m.hashemi_2012@yahoo.com



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

۰/۷۰۶ و ۰/۹۰۶ بوده و نشان از پایداری پرسش‌نامه‌ها دارد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار قدر مطلق آماره t برای تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی برابر با ۴/۴۱۹ و مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۵۲۷ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقدار قدر مطلق آماره t برای نقش تعدیل‌گری کیفیت زندگی کاری در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی، ۲/۲۰۷ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، کیفیت زندگی کاری، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با کاهش بدبینی سازمانی و بهبود کیفیت زندگی کاری، فرسودگی شغلی در سازمان کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: بدبینی سازمانی، فرسودگی شغلی، کیفیت زندگی کاری.

مقدمه

سازمان‌ها اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. سودآوری و بقا از مهم‌ترین اهدافی است که سازمان‌ها به دنبال تحقق آن هستند. مدیران سازمان در گام اول درصددند تا بقای سازمان متبوع خود را تضمین کنند و در گام بعد در جهت افزایش سودآوری و تحقق اهداف سازمانی در تلاش‌اند. برای اثربخشی و دستیابی به اهداف در سازمان باید مؤلفه‌های مختلفی چون کیفیت زندگی کاری، بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی مورد توجه قرار گیرد.

کیفیت زندگی کاری ابتدا در اروپا و طی دهه ۵۰ میلادی مطرح شد. اریک تریست^۱ و همکارانش در دانشکده تاویستاک^۲ تحقیقاتی را در زمینه بُعد فنی و بُعد انسانی سازمان‌ها انجام دادند (صادقیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). برنامه کیفیت زندگی کاری، شامل هر گونه بهبود در فرهنگ سازمانی است که حامی رشد و تعالی کارکنان در سازمان باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۹). کیفیت زندگی کاری منجر به پیامدهایی مطلوبی در عملکرد، کسب اهداف، سودآوری سازمان و نیز ادراک برابری و اخلاقیات در کارکنان می‌شود (اسدی و شکوری، ۱۳۹۹: ۲۲).

1. Eric Trist
2. Tavistock

کیفیت زندگی کاری حداقل دو استفاده شایع دارد: اول اینکه کیفیت زندگی کاری، به مجموعه‌ای از نتایج برای کارکنان، نظیر پرداخت منصفانه شغلی، فرصت‌های رشد، مسائل روان‌شناختی، امنیت شغلی، روابط انسانی کارفرما و کارکنان و میزان پایین بودن حوادث اشاره دارد؛ دوم، کیفیت زندگی کاری به مجموعه‌ای از کارها یا عملکردهای سازمانی نظیر مدیریت مشارکتی، غنی‌سازی شغلی و شرایط کاری مطمئن اشاره می‌کند (عابدینی و اسمعیل زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

کیفیت زندگی عبارت است از: بهداشت روانی و فیزیکی فرد در محیط کار (ابراهیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). مفهوم کیفیت زندگی کاری به ابزارها، مؤلفه‌ها و عواملی اشاره دارد که مدیریت برای فراهم کردن زندگی شغلی بهتر برای کارکنان و افزایش سطح عملکرد آن‌ها و عملکرد سازمان در کنار هم به کار می‌گیرد (Alabduljader, 2022: 95). کیفیت زندگی کاری را می‌توان با برآورده ساختن مجموعه‌ای از نیازهای کارکنان در رابطه با منابع، فعالیت‌ها و نتایج مرتبط با مشارکت آن‌ها در محل کار بیان کرد (Leitão, Pereira and Gonçalves, 2021: 3).

کیفیت زندگی کاری را می‌توان به دو صورت تعریف کرد: ۱- تعریف عینی از کیفیت زندگی کاری که عبارت است از مجموعه‌ای از شرایط واقعی کار و محیط کار در یک سازمان، مانند میزان حقوق و مزایا، امکانات رفاهی، بهداشت و ایمنی، مشارکت در تصمیم‌گیری، دوره‌های آموزشی، تفویض اختیار؛ ۲- تعریف ذهنی از کیفیت زندگی کاری که شامل تصور و طرز تلقی افراد از کیفیت زندگی کاری می‌شود (رجبی فرجاد و شجاعیان، ۱۳۹۳: ۲۴). کیفیت زندگی کاری را می‌توان به‌عنوان ایجاد محیطی تعریف کرد که در آن کارگران احساس امنیت و شادی کنند، در آن استرس را تجربه نکنند و نیازهای آن‌ها -چه شغلی و چه شخصی- به گونه‌ای برآورده شود که با کاری که انجام می‌دهند در تمام جنبه‌های زندگی شخصی خود احساس رضایت کنند (Simão, 2021: 6). وینتر و همکارانش کیفیت زندگی کاری را عاملی می‌دانند که از طریق آن، سهامداران و مدیریت سازمان، اتحادیه‌ها و کارکنان می‌آموزند که چگونه با یکدیگر بهتر کار کرده، عملیات را برای خود تشریح کنند و بهبودهای لازم را اعمال کنند تا اهداف کیفیت زندگی و کاری هم‌زمان تحقق یابد (سبک‌رو، وفایی و کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). شرایط گسترده کیفیت زندگی کاری، معمولاً به ساعت و دستمزد، پاداش و حقوق، محیط کار و توسعه حرفه‌ای مربوط می‌شود که با رضایت و انگیزه، اخلاق کار، شرایط کار و نگرانی‌های مدیریتی در مورد بهره‌وری و

سود نیز در ارتباط است (نارهان، هیروننسا و نورفضل‌الله^۱، ۲۰۱۴: ۲۴). در یک تعریف کلی می‌توان گفت کیفیت زندگی کاری عبارت است از: تصویر ذهنی، درک یا برداشت کارکنان سازمان‌ها از مطلوب بودن فیزیکی و روانی محیط کار (مهدی‌زاده اشرفی و ایلکا، ۱۳۸۹: ۳). ترویج فعالیت‌های سبک زندگی ارتقادهنده سلامت در نهایت، باعث بهبود سلامت و کیفیت زندگی می‌شود. کیفیت زندگی محصول سبک زندگی سالم است (نقیبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). کیفیت زندگی کاری، نشان‌دهنده نوعی فرهنگ سازمانی و شیوه مدیریت است که کارکنان براساس آن احساس مالکیت، خودگرایی، مسئولیت و عزت نفس می‌کنند (شیرزاد کبریا و غفاری ملجج، ۱۳۹۴: ۶۴). کیفیت زندگی کاری به مفهوم داشتن نظارت صحیح، شرایط کاری خوب، پرداخت و مزایای مطلوب و مهم‌تر از همه، ایجاد فضای کار چالش‌گرانه، مشارکتی و اقناع‌کننده است (اسدی و شکوری، ۱۳۹۹: ۲۲). کیفیت زندگی کاری به عنوان ایجاد محیطی تلقی می‌شود که عوامل اخلاقی و مادی را برای افزایش احساس امنیت شغلی کارکنان فراهم می‌کند و در نتیجه بهترین خدمات را برای سازمان در پی دارد (Alabduljader, 2022: 95).

رایج‌ترین محرک‌های کیفیت زندگی کاری عبارت‌اند از: پاداش، مزایا، پیشرفت شغلی، ارتباطات، ایمنی، امنیت، مشارکت، انسجام کار و زندگی، رضایت شغلی و انگیزه کارکنان (Leitão, Pereira and Gonçalves, 2021: 3). مفهوم بدبینی در قرن چهارم قبل از میلاد در یونان ریشه دارد. واژه انگلیسی بدبینی، برگرفته از نام شهری در نزدیکی آتن است که سینوسارج^۲ نامیده می‌شد. از دهه ۱۹۹۰م به موضوع بدبینی در رشته‌های مختلف، مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت، بسیار توجه شده است (زارع، حق‌گویان و کریمی‌اصل، ۱۳۹۲: ۱۶۱). بدبینی سازمانی مفهومی جدید در رفتار سازمانی و روانشناسی سازمانی است که توجه نظریه‌پردازان سازمانی را به خود معطوف کرده است (علیرضایی، المیر و عباسی، ۱۴۰۰: ۱۸۰). بدبینی سازمانی، صرفاً احساساتی نیست که افراد منفی به درون سازمان می‌آورند؛ بلکه نوعی نگرش است که از طریق تجربه کاری در سازمان شکل می‌گیرد (مرادی و فرخی، ۱۴۰۱: ۲). بدبینی سازمانی نسبت به عوامل محیطی، انعطاف‌پذیر است و نمی‌توان آن را فقط مختص

1. Narehan, Hairunnisa, Norfadzillah and Freziamella
2. Cynosarges

احساسات افراد منفی دانست؛ بلکه بدبینی سازمانی به مرور زمان و با تجربه کردن افراد به وجود می‌آید (طاووسی، رفیعی و نجاری، ۱۴۰۱: ۱۰۴). محققان، در تعریف بدبینی سازمانی، رویکردهای مختلفی دارند. بسیاری از رویکردهای روان‌شناسی، بدبینی را از ویژگی‌های شخصیتی پایدار در نظر می‌گیرد؛ در مقابل، بسیاری از رویکردها با اثرگذاری بر دیگران کمتر سروکار دارد و بیشتر با اعتقاداتی که فرد نسبت به دیگران دارد، مرتبط است (زارع و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲). بدبینی سازمانی نوعی نگرش منفی نسبت به سازمان و باور به این است که سازمان صداقت ندارد. بدبینی سازمانی یک واکنش آموخته‌شده به جای تمایل مبتنی بر شخصیت است (مرادی و فرخی، ۱۴۰۱: ۲). بدبینی، دیدگاه‌های افرادی را توصیف می‌کند که منافع فردی را عامل اصلی انگیزش رفتارهای انسانی می‌دانند و به خلوص نیت، فضیلت انسانی و نوع‌دوستی به‌عنوان انگیزاننده‌های انسانی، اعتقادی ندارند (شکرریز، نصر اصفهانی و صفری، ۱۴۰۰: ۱۵۷). بدبینی سازمانی نگرشی است که باعث ایجاد فاصلهٔ روانی بین کارکنان و سازمانشان می‌شود و اثرهای زیانباری بر کارایی سازمان و رضایت شغلی کارکنان دارد (قربانی و عامری‌منش، ۱۳۹۷: ۱۱۴). اگر از دیدگاه روان‌شناختی به بدبینی نگریسته شود، مفهوم بدبینی بیشتر اشاره دارد به بی‌اعتمادی نسبت به مردم و اعتقاد به اینکه دیگران خودخواه هستند و ارزش اعتماد و تکیه کردن ندارند. باور اصلی مرتبط با بدبینی، این است که اصول درستکاری، عدالت و صداقت، قربانی منفعت شخصی شده است. این نگرش منفی در بسیاری از سازمان‌ها نفوذ کرده و دلیل اصلی بسیاری از پیامدهای نامطلوب و منفی سازمانی و یکی از موضوعات مشکل‌ساز در محل کار است (مرادی و جلیلیان، ۱۳۹۵: ۱۲۵). بدبینی انواع مختلفی دارد: ۱- بدبینی شناختی؛ ۲- بدبینی احساسی؛ ۳- بدبینی رفتاری (طاووسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴). بدبینی پدیده‌ای تک‌بعدی نیست و شامل باور، تجربه، انتظار، احساس، ادراک و واکنش می‌شود (بهمنی، مهدوی‌راد و بلوچی، ۱۳۹۵: ۱۶۴). کارکنانی که دچار بدبینی شده‌اند، ممکن است، کل سازمان را تحت تأثیر قرار دهند و آن را از رسیدن به اهداف بازدارند (بودلانی، کارکن و قشلاقی، ۱۳۹۶: ۳۶). عوامل بالقوه در پیش‌بینی بدبینی عبارت‌اند از: ۱- عوامل محیطی؛ ۲- عوامل سازمانی؛ ۳- ویژگی‌های شغل / نقش (طاووسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴). در مبحث پیامدهای بدبینی برای سازمان‌ها سلسله‌ای از تحقیقات نشان داده است که رابطهٔ منفی بین بدبینی سازمانی با تعهد سازمانی، رفتار شهروندی، رضایت

شغلی و عملکرد شغلی وجود دارد (نجاتی حاتمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۶). بدبینی، تغییر سازمانی ناشی از نارضایتی شغلی و بیگانگی کارکنان است و تعهد سازمانی کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدبینی اجتماعی در واقع، هم رضایت شغلی و هم تعهد را کاهش می‌دهد (میرزایی، بهرامی و اکبری نوقابی، ۱۴۰۱: ۳۹).

مفهوم فرسودگی شغلی برای نخستین بار در دهه ۷۰ میلادی توسط هربرت فرویدنبرگر بیان شد (امیری، اسدی و دلبری‌راغب، ۱۳۹۰: ۴۱). تا سال ۱۹۸۰م فرسودگی شغلی منحصرأ در آمریکا مطالعه می‌شد؛ ولی کم‌کم توجه کشورهای دیگر به خصوص کشورهای انگلیسی‌زبان مثل کانادا و انگلیس نیز به این پدیده جلب شد. سپس مقالات و کتاب‌ها به زبان‌های دیگر ترجمه و در نیمه دوم سال ۱۹۸۰م ابزارهای پژوهش به‌ویژه پرسش‌نامه مسلج^۱ به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، هندی، ایتالیایی، سوئدی، اسپانیایی و عربی ترجمه و مطالعات بین فرهنگی آغاز شد (کوهی، ۱۳۹۹: ۷۸). فرسودگی شغلی یا کارزدگی را از لحاظ لغوی می‌توان تحلیل قوای روانی تعریف کرد (پور افکاری، ۱۳۸۰: ۲۱۰) فرویدنبرگر به عنوان اولین کسی که از واژه فرسودگی شغلی با مضمون امروزی آن استفاده کرده، آن را حالت خستگی مفراط که از کار سخت و بدون انگیزه و علاقه ناشی می‌شود، تعریف کرده است (نوبخت و اولیایی، ۱۳۹۱: ۲۵). فرسودگی شغلی شامل سه بُعد خستگی، مسخ شخصیت و ناکارآمدی است (Simão, 2021: 4). نشانه‌های عمده فرسودگی شغلی عبارت‌اند از: احساس درماندگی، ناامیدی، سرخوردگی و رشد دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران (عطاری و فتحی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱). فرسودگی شغلی در ساده‌ترین تعریف خود، به احساس کارمندی اطلاق می‌شود که از کار خسته شده است؛ بیشتر اوقات دچار استرس است و در معرض فشار کاری و خستگی زیاد و ناتوانی در انجام مسئولیت‌های روزانه قرار دارد (Alabduljader, 2022: 95). عوامل سازمانی، عوامل بین‌فردی و عوامل درون‌فردی، ارتباط تنگاتنگی با فرسودگی شغلی دارند (آتشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۲). فرسودگی شغلی می‌تواند به‌صورت واگیر بین همکاران عمل کند (براری و جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۷۸). بعضی از صاحب‌نظران، فرسودگی را در چارچوب پژوهش‌های استرس قرار داده و آن را یکی از انواع استرس‌های شغلی

تلقی می‌کنند؛ ولی بعضی بر این باورند که استرس و فرسودگی دو سازه متفاوت‌اند (بیانی و سمیعی، ۱۳۹۳: ۳۱۴).

بارزترین علائم فرسودگی شغلی عبارت‌اند از: خستگی جسمی و روانی، از دست دادن علاقه به سرگرمی‌ها و فعالیت‌ها، انزوا و عدم تعامل با همکاران، تغییر قابل توجه در عادات خواب، تمایل به بی‌خوابی، از دست دادن اشتها یا خوردن زیاد، فراموشی مکرر در امور عادی روزانه، کاهش سطح عملکرد، عدم احساس خلاقیت یا نوآوری و تمایل به افسردگی و فکر کردن به چیزهای منفی (Alabduljader, 2022: 95). تحقیقات انجام‌شده، تمرکز خود را به سه عامل مرتبط با فرسودگی شغلی، معطوف کرده‌اند؛ یعنی عوامل سازمانی، عوامل بین‌فردی و عوامل درون‌فردی که هر سه عامل ارتباط تنگاتنگی با پدیده فرسودگی شغلی دارند (آتشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۲). فردی که دچار فرسودگی شغلی است، علاقه و انگیزه‌اش را نسبت به شغلش از دست می‌دهد؛ عملکردش کاهش می‌یابد و برای مقابله با محیط و تغییر آن ناتوان می‌شود (براری و جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۷۹). فرسودگی تأثیرات جدی زیانباری دارد که پیامدهای جسمی، روان‌شناختی، اجتماعی و سازمانی آن مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است؛ پیامدهایی چون: سردرد، خستگی، آلرژی، افسردگی، فشار خون، اضطراب، تضادهای خانوادگی، غیبت و حاضر نشدن در محل کار (بیانی و سمیعی، ۱۳۹۳: ۳۱۵). اولین آسیب فرسودگی شغلی، رنج بردن از فرسودگی بدنی، همچون سردرد، تهوع، کم‌خوابی و تغییراتی در عادات غذایی است. فرسودگی عاطفی همچون افسردگی، احساس درماندگی، احساس عدم کارایی در شغل خود و همچنین ایجاد نگرش‌های منفی نسبت به خود، شغل، سازمان و به‌طور کلی نسبت به زندگی از پیامدهای بعدی کارزدگی است (مالکپور لپری و بختیاری رنانی، ۱۴۰۰: ۶).

با توجه به نقش مهم فرودگاه‌ها و ارائه خدمات به مسافران، می‌توان گفت، توجه به عوامل تأثیرگذار بر عملکرد کارکنان فرودگاه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از جمله این عوامل می‌توان به نگرش خوش‌بینانه یا بدبینانه کارکنان، کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی اشاره کرد که می‌تواند تعهد، مشارکت، کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی را تحت تأثیر قرار دهد. درباره ضرورت پژوهش و اهمیت بررسی متغیرهای اشاره‌شده آن می‌توان گفت ضرورت توجه به کیفیت زندگی کاری و بهبود آن، یک منطق دارد و آن هم این است که ۶۵٪ عمر مفید انسان‌ها در محیط

کار سپری می‌شود. در مورد ضرورت فرسودگی شغلی اینکه نه تنها با بهداشت روانی شخص بلکه با میزان بهره‌وری او نیز رابطه دارد؛ از این رو آشنا شدن با روش‌های مقابله مؤثر با فشارهای روانی و غلبه بر فرسودگی شغلی می‌تواند به ارتقای بهداشت روانی و افزایش اثربخشی و بهره‌وری نیروی انسانی کمک کند. همچنین یکی از مسائلی که برای سازمان‌ها هزینه اضافی در پی دارد، بدبینی سازمانی است. در واقع، بسیاری از سازمان‌ها شامل کارکنانی با نگرش‌های بدبینانه هستند و آگاهی از واکنش‌های کارکنان به بدبینی سازمانی به منظور درک اهمیت آن و اقدام جهت کاهش بدبینی سازمانی و کاهش تأثیرات سازمانی و شغلی آن، لازم و ضروری است (حقیقی کفاش، مظلومی و میرزامحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). با توجه به مطالبی که در سطور قبل به آن اشاره شد، می‌توان گفت، بدبینی نسبت به سازمان، مدیران و همکاران و پیروان، تأثیرات منفی زیادی بر عملکرد شغلی کارکنان می‌گذارد؛ در مقابل، بهبود کیفیت زندگی کاری باعث افزایش مشارکت، تعهد و بهره‌وری کارکنان خواهد شد. فرسودگی شغلی نیز باعث خستگی جسمی، روحی، ذهنی و بی‌انگیزی افراد در سازمان می‌شود. در ادامه این پژوهش برای پاسخ به این سوالات به بحث و تحلیل می‌پردازیم که:

- آیا بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی تأثیر معناداری دارد؟

- آیا کیفیت زندگی، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند؟

پیشینه پژوهش

موضوع مورد بحث به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در پژوهش‌های گذشته بررسی شده است که تعدادی از آن را در قالب پیشینه پژوهش ارائه می‌کنیم. مندعلی‌زاده و نقش جواهری (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی با نقش میانجی سکوت سازمانی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد بدبینی سازمانی از طریق سکوت سازمانی بر فرسودگی شغلی اثرگذار بود. ملک‌اخلاق، دوستار و شنبدی (۱۴۰۰) در پژوهشی، تأثیر رهبری ماکیاولی بر فرسودگی شغلی را با در نظر گرفتن نقش میانجی بدبینی سازمانی، بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که رهبری ماکیاولی بر فرسودگی شغلی، تأثیر مثبت دارد و اجرای رهبری ماکیاولی از طریق متغیر میانجی بدبینی سازمانی، تأثیر مثبت و معناداری بر فرسودگی شغلی دارد. رفیعی و

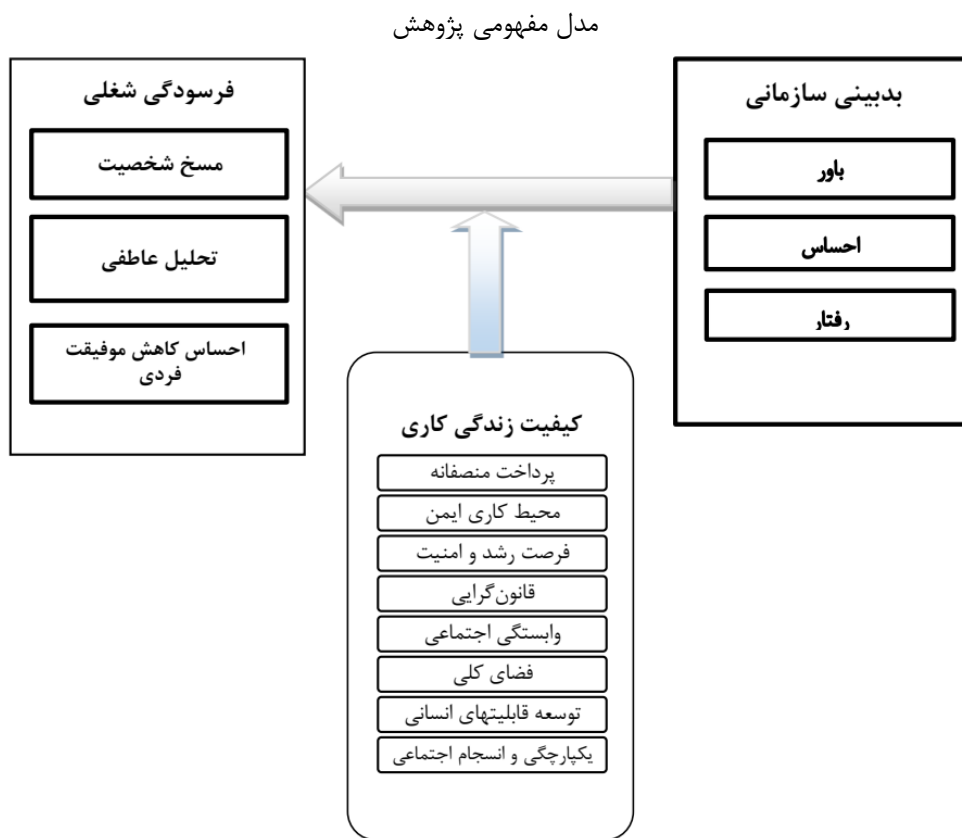
همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی، نقش واسطه‌ای فرسودگی شغلی در رابطه میان کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی را بررسی کردند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که کیفیت زندگی کاری پرستاران عامل ۲۱٪ از تغییرات در متغیر عملکرد شغلی بوده است و از سویی این ارتباط، تحت تأثیر نقش واسطه‌ای متغیر فرسودگی شغلی نیز قرار داشته است. حقیقی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی پیش‌زمینه‌ها و پیامدهای بدبینی سازمانی پرداختند و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که انحراف از قرارداد روان‌شناختی، عدالت سازمانی و حمایت سازمانی درک‌شده بر بدبینی سازمانی کارکنان تأثیر می‌گذارد؛ همچنین، بدبینی سازمانی بر تعهد سازمانی، رفتارهای شهروندی سازمانی و رفتار کاری مخرب کارکنان تأثیرگذار است. حسن‌پور، نوری و کیایی (۱۳۸۸) در پژوهشی بدبینی سازمانی و پیامدهای آن را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که از آنجایی که بدبینی درون‌سازمانی، ویژگی‌ای ذاتی نیست، می‌تواند به وسیله خود سازمان مدیریت شود و هم ویژگی‌های شغلی و هم ویژگی‌های سازمانی بر روی بدبینی درون‌سازمانی تأثیرگذارند. جعفری پورمقدم (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر ابعاد بدبینی سازمانی بر روی عملکرد سازمانی پرداخت و نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بدبینی سازمانی بر عملکرد در چهار بُعد (مالی، فرآیندهای داخلی، رشد و یادگیری و مشتری) تأثیر بسیار زیادی می‌گذارد. مهدی‌زاده اشرفی و ایلکا (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و عملکرد کارکنان بر اساس مدل والتون پرداختند و نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که کیفیت زندگی کاری و عملکرد کاری با هم رابطه دارند. صلواتی، زندی و امانی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین بدبینی سازمانی و تسهیم دانش پرداختند. یافته‌ها نشان داد که رابطه معکوس بین بدبینی سازمانی و ابعاد آن با تسهیم دانش وجود دارد. بازوند و باتمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی پرداختند. یافته‌های پژوهش، حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین متغیر بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی است. ساعدی، خلعتبری و موری نجف‌آبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و سلامت سازمانی با خوشنودی شغلی پرداختند و یافته‌ها نشان داد که بین کیفیت زندگی کاری و سلامت سازمانی با خوشنودی شغلی، همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش بهمنی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که بدبینی سازمانی بر کیفیت خدمات ارائه‌شده به مشتریان تأثیر منفی دارد؛ همچنین

نقش میانجی‌گری تعهد سازمانی در تأثیر بدبینی سازمانی بر کیفیت خدمات ارائه‌شده به مشتریان تأیید شد. نتایج پژوهش حسونند، حسونند و حسونندی (۱۳۹۴) نشان داد که بین توانمندسازی کارکنان و کیفیت زندگی کاری با فرسودگی شغلی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین ابعاد مختلف زندگی کاری و ابعاد مختلف توانمندسازی با ابعاد مختلف فرسودگی شغلی رابطه منفی وجود دارد. سینا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی ابعاد فرسودگی شغلی براساس کیفیت زندگی کاری، تعهد سازمانی و مدیریت دانش پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بین کیفیت زندگی کاری با دو بُعد فرسودگی شغلی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

سیمها، الوی و هوانگ^۱ (2014) در پژوهشی رابطه تعدیل‌شده بین فرسودگی شغلی و بدبینی سازمانی را بررسی کردند. این مطالعه، نشان داد که فرسودگی شغلی با بدبینی سازمانی، رابطه دارد؛ همچنین چندین متغیر تعدیل‌کننده را کشف کرد که بر رابطه بین فرسودگی شغلی و بدبینی سازمانی تأثیر می‌گذارد. نارهان^۲ و همکاران (2014) در پژوهشی به بررسی اثر برنامه‌های کیفیت زندگی کاری (QWL) بر کیفیت زندگی (QOL) در میان کارمندان شرکت‌های چندملیتی در مالزی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های کیفیت زندگی کاری تحت‌تأثیر کیفیت زندگی کارمندان در سازمان است. نافی^۳ (2013) رابطه بدبینی و تعهد سازمانی را بررسی کرد و دریافت که بین این دو، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد. پولتکن و تیتراک^۴ (2013) در پژوهشی به بررسی رابطه بین رفتارهای مدیریتی مدیران مدرسه و دیدگاه‌های بدبینانه سازمانی آن‌ها پرداختند. یافته‌ها نشان داد که رابطه منفی و سطح متوسط بین بدبینی و رفتارهای مدیریتی وجود دارد. نیر و کمالانابان^۵ (2010) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بدبینی درون‌سازمانی باعث ایجاد اهداف غیراخلاقی در افراد می‌شود و آنان واکنش‌های منفی‌ای از خود نشان می‌دهند که نتایج منفی برای سازمان در پی خواهد داشت.

-
1. Simha, Elloy and Huang
 2. Narehan, Hairunnisa, Norfadzillah and Freziamella
 3. Nafei
 4. Poltcan and Titrek
 5. Nair and Kamalanabhan

بشیر^۱ (2011) در مطالعه خود بر روی کارکنان بخش عمومی در پاکستان دریافت که بدبینی سازمانی، تأثیرات زینباری برای سازمان و کارکنان آن به همراه دارد و بسیاری جنبه‌های آن را مدل‌سازی کرد. براون و کرگان^۲ (2008) در پژوهشی، نتیجه گرفتند که اتخاذ سبک مدیریت مشارکتی (به اشتراک‌گذاری اطلاعات و مشارکت در تصمیم‌گیری) به‌خصوص در محیط‌های کاری‌ای که کارکنان از فرصت‌ها برای مشارکت استقبال می‌کنند، بدبینی را کاهش می‌دهد. مته^۳ (2013) در پژوهشی در دانشگاه نشان داد که بین سبک رهبری اخلاقی و بدبینی سازمانی ارتباط منفی وجود دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (منبع: نگارندگان)

1. Bashir
2. Brown and Cregan
3. Mete

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی

فرضیه اصلی ۱: بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی تأثیر معناداری دارد.
فرضیه اصلی ۲: کیفیت زندگی کاری تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه فرعی ۱: احساس بدبینانه بر فرسودگی شغلی کارکنان تأثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی ۲: باور بدبینانه بر فرسودگی شغلی کارکنان تأثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی ۳: رفتار بدبینانه بر فرسودگی شغلی کارکنان تأثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی ۴: پرداخت منصفانه و کافی، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۵: محیط کاری ایمن و بهداشتی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۶: فرصت رشد و امنیت مداوم تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۷: قانون‌گرایی در سازمان تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۸: وابستگی اجتماعی زندگی کاری تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۹: فضای کلی زندگی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.
فرضیه فرعی ۱۰: توسعه قابلیت‌های انسانی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ۱۱: یکپارچگی و انسجام اجتماعی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند.

روش تحقیق

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی است و تعداد ۷۴ نفر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزارهای گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه‌های استاندارد استفاده شده است. سطح تحلیل این پژوهش در سطح خرد و واحد تحلیل (پاسخگویان) و واحد مشاهده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، فرد در نظر گرفته شده است. در گردآوری اطلاعات از سه پرسش‌نامه استاندارد شامل پرسش‌نامه بدبینی سازمانی دین، برندس و داروادکار^۱ (1998)، پرسش‌نامه فرسودگی شغلی مسلش^۲ (1981) و پرسش‌نامه کیفیت زندگی کاری والتون^۳ (1973) استفاده شده است. برای بررسی روایی پرسش‌نامه از دیدگاه‌های استادان، استفاده و روایی محتوایی تأیید شد. همچنین روایی سازه برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب‌شده، مطالعه شده است که نشان می‌دهد نشانگرها ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه‌گیری سازه‌های مورد بحث در مدل تحقیق فراهم آورده‌اند. نتایج بررسی مقادیر واریانس استخراج‌شده از متغیرهای پنهان پژوهش نشان داد که همه متغیرها مقادیری بیش از ۰/۵ به خود اختصاص دادند و روایی همگرای ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج‌شده تأیید شد. همچنین جذر میانگین استخراج‌شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر است؛ براین اساس روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری با استفاده از آزمون فورنل- لارکر تأیید شد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه‌های استاندارد بدبینی سازمانی و پرسش‌نامه کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این روش با یک مطالعه مقدماتی روی ۳۵ کارمند جامعه مورد بررسی و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای پرسش‌نامه‌های فرسودگی شغلی، بدبینی سازمانی و کیفیت زندگی کاری به ترتیب ۰/۸۱۲، ۰/۷۰۶ و ۰/۹۰۶ است که مقدار این آماره‌ها نشان می‌دهد، پرسش‌نامه تحقیق، از پایایی برخوردار است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، به تناسب از ابزارهای مختلف آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌شود. برای

-
1. Dean, Brandes and Dharwadkar
 2. Maslach
 3. Walton

بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که مقادیر سطح معناداری تمام متغیرهای پژوهش، بیشتر از $0/05$ بود و فرض نرمال بودن متغیرها تأیید شد؛ بنابراین با توجه به نرمال بودن متغیرها از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود. برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها از معادلات ساختاری و با توجه به کم بودن حجم جامعه آماری از نرم‌افزار Smart PLS استفاده می‌کنیم.

تحلیل داده‌های پژوهش

در این قسمت به توصیف داده‌های مربوط به خصوصیات عمومی پاسخ‌دهندگان مانند جنسیت، سابقه خدمت و سطح تحصیلات می‌پردازیم.

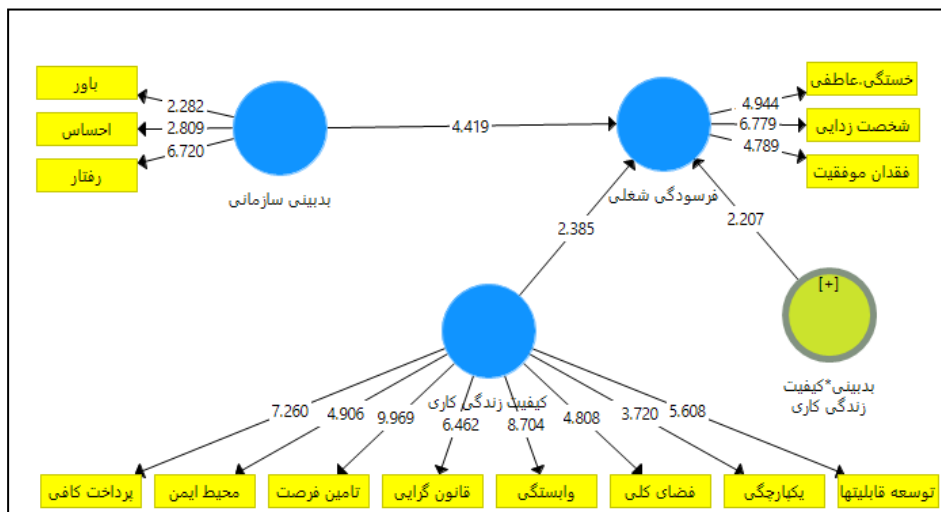
جدول ۱: توصیف آماری پاسخ‌دهندگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	سابقه اشتغال	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۶۸	۹۱/۹	زیر دیپلم	۶	۸/۱	زیر ۵ سال	۱۷	۲۳
زن	۶	۸/۱	دیپلم	۱۱	۱۴/۹	۵ تا ۱۰ سال	۲۸	۳۷/۸
مجموع	۷۴	۱۰۰	فوق دیپلم	۵	۶/۸	۱۱-۱۵ سال	۹	۱۲/۲
			کارشناسی	۴۳	۵۸/۱	بالاتر از ۱۵ سال	۲۰	۲۷
			کارشناسی ارشد و بالاتر	۹	۱۲/۲	مجموع	۷۴	۱۰۰
			مجموع	۷۴	۱۰۰			

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود $91/9\%$ از پاسخ‌دهندگان را مردان و $8/1\%$ از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. 23% از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۵ سال، $37/8\%$ تا ۵ تا ۱۰ سال، $12/2\%$ تا ۱۰ تا ۱۵ سال و 27% بالاتر از ۱۵ سال از سابقه سنوات و خدماتشان می‌گذرد. $14/9\%$ از پاسخ‌دهندگان دارای سطح تحصیلات دیپلم هستند؛ $6/8\%$ دارای سطح کاردانی، $58/1\%$ کارشناسی و $12/2\%$ تحصیلات ارشد و بالاتر هستند. آمارهای توصیفی نشان می‌دهد از لحاظ

جنسیت، بیشتر افراد مرد هستند (۹۱/۹٪ از پاسخ‌دهندگان)؛ از لحاظ سابقه کاری بیشتر افراد بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند (۳۷/۸٪) و از لحاظ تحصیلات بیشتر افراد (۵۸/۱٪) مدرک تحصیلی کارشناسی دارند.

در ادامه با توجه به معادلات ساختاری، مدل پژوهش ارائه و سپس فرضیه‌های اصلی و فرعی پژوهش آزمایش و بررسی می‌شود.



شکل ۲. مدل تحقیق فرضیات در حالت معناداری ضرایب فرضیات اصلی (t-value)

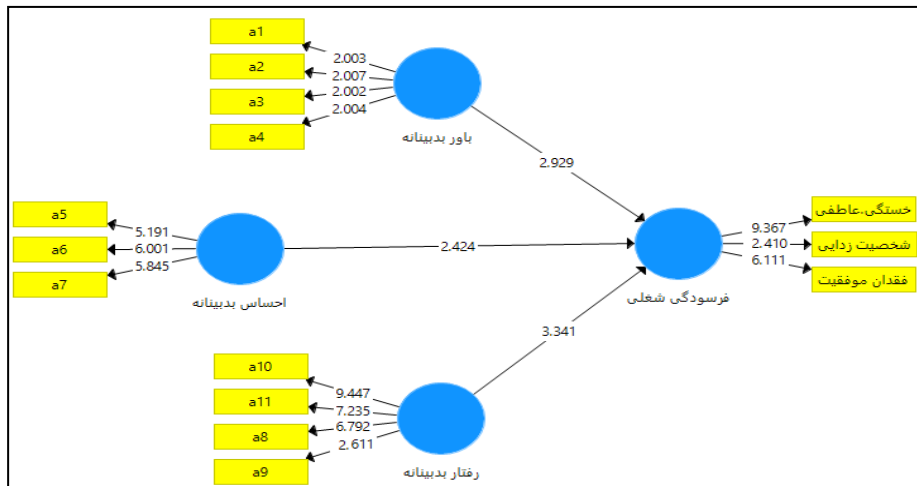
شکل بالا مدل و فرضیات اصلی را در حالت مقادیر آماره t نشان می‌دهد. مقدار آماره t معناداری تأثیر را نشان می‌دهد. در حقیقت مقدار آماره t معیار تأیید یا رد فرضیه‌ها است. اگر این مقدار آماره به ترتیب از ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ بیشتر باشد، نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح ۹۰٪، ۹۵٪ و ۹۹٪ تأیید می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر مقدار t معنادار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد؛ به‌عنوان مثال اگر مقدار t ، بیشتر از ۱/۹۶ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنادار است. اگر بین ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- باشد، اثر معناداری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد، یعنی اثر منفی دارد؛ ولی معنادار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای ۰/۶ باشد، بدین معنی است که ارتباط قوی میان دو متغیر وجود دارد. اگر بین ۰/۳ و ۰/۶ باشد، ارتباط متوسط و اگر

زیر ۰/۳ باشد، ارتباط ضعیفی وجود دارد. همچنین اعداد بالاتر از ۱/۹۶ در سطح ۰/۰۵ و بالاتر از ۲/۵۸ در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. همچنین باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد، نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل، شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس. اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد، نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود.

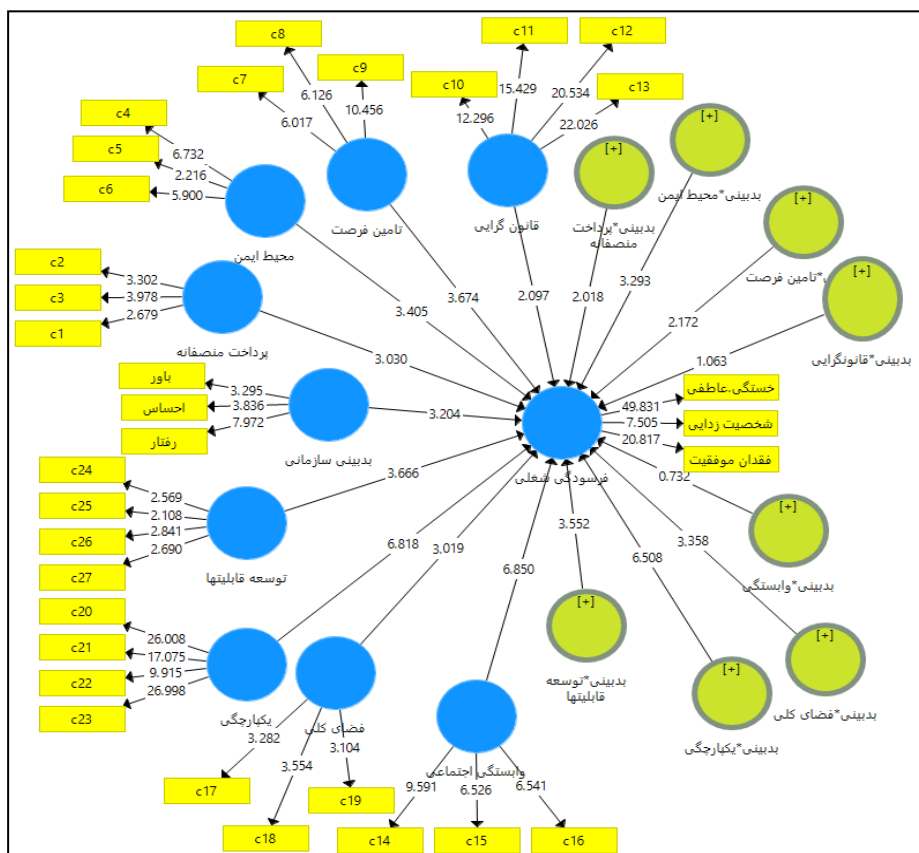
جدول ۲. نتیجه آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	ضریب مسیر	
فرضیه اصلی ۱	۰/۰۰۰	۴/۴۱۹	۰/۵۲۷	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه اصلی ۲	۰/۰۰۰	۲/۲۰۷	۰/۳۱۸	فرضیه تأیید می‌شود

مقدار قدر مطلق آماره t برای تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی برابر با ۴/۴۱۹ و از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی تأثیر دارد. از طرفی چون مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۵۲۷ و مثبت است، بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی، تأثیر مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در سطح ۹۵ درصد، قابل تأیید و تغییرات مربوط به فرسودگی شغلی، توسط بدبینی سازمانی، قابل تبیین است و از لحاظ نظری با افزایش بدبینی سازمانی، فرسودگی شغلی، افزایش خواهد یافت و با کاهش بدبینی سازمانی، فرسودگی شغلی نیز کاهش پیدا خواهد کرد. مقدار قدر مطلق آماره t برای تأثیر نقش تعدیل‌گری کیفیت زندگی کاری در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی برابر با ۲/۲۰۷ و از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، کیفیت زندگی کاری، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که کیفیت زندگی کاری، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این‌گونه نیست که افزایش یا کاهش کیفیت زندگی کاری، تأثیری بر رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی نداشته باشد.



شکل ۳. مدل تحقیق فرضیات در حالت معناداری ضرایب فرضیات فرعی یک تا سه (t-value)



شکل ۴. مدل تحقیق فرضیات در حالت معناداری ضرایب فرضیات فرعی چهار تا یازده (t-value)

شکل‌های بالا مدل و فرضیات فرعی را در حالت مقادیر آماره t نشان می‌دهد. مقدار آماره t معناداری تأثیر را نشان می‌دهد. در حقیقت مقدار آماره t معیار تأیید یا رد فرضیه‌ها است. اگر این مقدار آماره به ترتیب از $۱/۶۴$ ، $۱/۹۶$ و $۲/۵۸$ بیشتر باشد، نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح $۰/۹۰$ ، $۰/۹۵$ و $۰/۹۹$ تأیید می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر مقدار t معنادار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال اگر مقدار t ، بیشتر از $۱/۹۶$ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنادار است. اگر بین $+۱/۹۶$ و $-۱/۹۶$ باشد، اثر معناداری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از $-۱/۹۶$ باشد، یعنی اثر منفی دارد، ولی معنادار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای $۰/۶$ باشد، بدین معنی است که ارتباط قوی میان دو متغیر وجود دارد. اگر بین $۰/۳$ و $۰/۶$ باشد ارتباط متوسط و اگر زیر $۰/۳$ باشد ارتباط ضعیفی وجود دارد. همچنین اعداد بالاتر از $۱/۹۶$ در سطح $۰/۰۵$ و بالاتر از $۲/۵۸$ در سطح $۰/۰۱$ معنادار هستند. همچنین باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد، نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل، شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس. اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد، نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل، شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود.

جدول ۳. نتیجه آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

فرضیه	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه فرعی ۱	$۰/۳۷۲$	$۲/۹۲۹$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۲	$۰/۳۰۴$	$۲/۴۲۴$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۳	$۰/۳۲۷$	$۳/۳۴۱$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۴	$۰/۲۴۵$	$۲/۰۱۸$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۵	$۰/۳۲۸$	$۳/۲۹۳$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۶	$۰/۲۵۴$	$۲/۱۷۲$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۷	$۰/۰۴۷$	$۱/۰۶۳$	$۰/۱۲۳$	فرضیه رد می‌شود
فرضیه فرعی ۸	$۰/۱۰۲$	$۰/۷۳۲$	$۰/۱۴۲$	فرضیه رد می‌شود
فرضیه فرعی ۹	$۰/۲۸۱$	$۳/۳۵۸$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۱۰	$۰/۳۱۲$	$۳/۵۵۲$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود
فرضیه فرعی ۱۱	$۰/۳۶۷$	$۶/۵۰۸$	$۰/۰۰۰$	فرضیه تأیید می‌شود

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار قدر مطلق آماره t در فرضیه‌های فرعی یک تا سه از ۱/۹۶ بیشتر و مقدار ضریب مسیر، مثبت است؛ بنابراین هر سه فرضیه تأیید می‌شوند. احساس بدبینانه، باور بدبینانه و رفتار بدبینانه بر فرسودگی شغلی کارکنان، تأثیر معناداری دارد. با افزایش یا کاهش احساس بدبینانه، باور بدبینانه و رفتار بدبینانه، فرسودگی شغلی نیز افزایش یا کاهش پیدا خواهد کرد. مقدار قدر مطلق آماره t در فرضیه‌های فرعی هفت و هشت از ۱/۹۶ کمتر است؛ بنابراین این فرضیه‌ها رد می‌شوند. مقدار قدر مطلق آماره t در فرضیه‌های فرعی چهار، پنج، شش، نه، ده و یازده از ۱/۹۶ بیشتر و مقدار ضریب مسیر مثبت است؛ بنابراین این فرضیه‌ها تأیید می‌شوند؛ به عبارت دقیق‌تر، قانون‌گرایی در سازمان و وابستگی اجتماعی زندگی کاری، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل نمی‌کند. پرداخت منصفانه و کافی، محیط کاری ایمن و بهداشتی، فرصت رشد و امنیت مداوم، فضای کلی زندگی، توسعه قابلیت‌های انسانی و یکپارچگی و انسجام اجتماعی، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخص نیکویی برازش^۱ بخش ساختاری و اندازه‌گیری را به صورت همزمان بررسی می‌کند. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های اشتراکی قابل و طبق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. مقدار به‌دست آمده برای GOF به میزان ۰/۴ است که مقداری مطلوب است و برازش مدل تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش در صدد پاسخ به این سوالات بودیم که آیا بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی، تأثیر معناداری دارد و آیا کیفیت زندگی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این جهت دو فرضیه اصلی و یازده فرضیه فرعی تدوین شد. در ادامه سعی شد تا با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی و آمار استنباطی و از طریق نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تجزیه و تحلیل‌های لازم صورت گیرد. توصیف آماری نمونه نشان می‌دهد ۹۱/۹٪ از پاسخ‌دهندگان را مردان و ۸/۱٪ از آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. ۲۳٪ از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۵ سال، ۳۷/۸٪ تا ۵ تا ۱۰ سال، ۱۲/۲٪ تا ۱۰ تا ۱۵ سال و ۲۷٪ بالاتر از ۱۵ سال از سابقه سنوات و خدماتشان می‌گذرد. ۱۴/۹٪ از پاسخ‌دهندگان دارای سطح تحصیلات دیپلم هستند؛ ۶/۸٪ دارای سطح کاردانی، ۵۸/۱٪ کارشناسی و ۱۲/۲٪ تحصیلات ارشد و بالاتر هستند. در بخش آمار استنباطی، فرضیه‌های اصلی اول و دوم و تمامی فرضیه‌های فرعی به جز فرضیه‌های فرعی هفتم و هشتم تأیید شد. از بین مؤلفه‌های بدبینی سازمانی، احساس بدبینانه (با ضریب مسیر ۰/۳۷۲) بیشترین تأثیر را بر فرسودگی سازمانی داشته است. از بین مؤلفه‌های کیفیت زندگی کاری نیز یکپارچگی و انسجام اجتماعی، بیشترین نقش تعدیل‌گری را در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی داشته است. در ادامه با نگاهی دقیق‌تر به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم و آن‌ها را با پژوهش‌های سایرین مقایسه می‌کنیم. تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته جهت آزمون فرضیه‌های اصلی نشان می‌دهد که قدر مطلق آماره t برای تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب مسیر مثبت است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪، بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی تأثیر دارد. در مورد فرضیه اصلی دوم با توجه به اینکه مقدار قدر مطلق آماره t برای تأثیر نقش تعدیل‌گری کیفیت زندگی کاری در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین کیفیت زندگی کاری، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند. با بررسی و نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت مقدار t که برابر است با ۲/۹۲۹ و مثبت بودن ضریب مسیر نشان می‌دهد که احساس بدبینانه بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی تأثیر مستقیم دارد (تأیید فرضیه

فرعی اول). مقدار t که برابر است با $۲/۴۲۴$ و مثبت بودن ضریب مسیر نشان می‌دهد، باور بدبینانه بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی تأثیر مستقیم دارد (تأیید فرضیه فرعی دوم). مقدار t که برابر است با $۳/۳۴۱$ و مثبت بودن ضریب مسیر نشان می‌دهد، رفتار بدبینانه بر فرسودگی شغلی در کارکنان فرودگاه‌های استان خراسان جنوبی تأثیر مستقیم دارد (تأیید فرضیه فرعی سوم). نتایج فرضیه اصلی اول و فرضیه فرعی اول، دوم و سوم با پژوهش بازوند و باتمانی (۱۳۹۴) همسو است که نشان می‌دهد بین متغیر فرسودگی شغلی و بدبینی سازمانی در سطح معناداری ۰.۹۵% رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ با تحقیق سیمها و همکاران^۱ (2014) مطابقت دارد؛ همچنین با تحقیقات حقیقی کفاش و همکاران (۱۳۹۰)، اسدی و شکوری (۱۳۹۰)، بشیر^۲ (2011)، نافعی^۳ (2013) و نیر و کمالانابان^۴ (2010) همسو است. مقدار t که برابر است با $۲/۰۱۸$ نشان می‌دهد، پرداخت منصفانه و کافی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی چهارم). مقدار t که برابر است با $۳/۲۹۳$ نشان می‌دهد محیط کاری ایمن و بهداشتی، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی پنجم). مقدار t که برابر است با $۲/۱۷۲$ نشان می‌دهد فرصت رشد و امنیت مداوم، رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی ششم). مقدار t که برابر است با $۱/۰۶۳$ نشان می‌دهد، قانون‌گرایی در سازمان، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل نمی‌کند (رد فرضیه هفتم). مقدار t که برابر است با $۰/۷۳۲$ نشان می‌دهد وابستگی اجتماعی زندگی کاری تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل نمی‌کند (رد فرضیه فرعی هشتم). مقدار t که برابر است با $۳/۳۵۸$ نشان می‌دهد فضای کلی زندگی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی نهم). مقدار t که برابر است با $۳/۵۵۲$ نشان می‌دهد تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی دهم). مقدار t که برابر است با $۶/۵۰۸$ نشان می‌دهد یکپارچگی و انسجام اجتماعی تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی را تعدیل می‌کند (تأیید فرضیه فرعی

-
1. Simha, Elloy and Huang
 2. Bashir
 3. Nafei
 4. Nair and Kamalanabhan

یازدهم). نتایج فرضیه اصلی دوم و فرضیه‌های فرعی چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم با پژوهش پرداختچی، احمدی و آرزومندی (۱۳۸۸) همسو است که نشان می‌دهد، بین کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی معلمان و مدیران رابطه معکوس و معناداری ($r = -0/352$) وجود دارد. از میان مؤلفه‌های کیفیت زندگی کاری به ترتیب متغیرهای پرداخت منصفانه، تناسب اجتماعی، فضای کلی زندگی و توسعه قابلیت‌های فردی بیشترین تأثیر را بر فرسودگی شغلی دارند؛ همچنین با تحقیق شاه منصوری، سلیمانی و یوسفوند (۱۳۹۳) هم‌راستا است که نشان می‌دهد بین کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی معلمان و بین مؤلفه‌های ابعاد کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی معلمان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ همچنین با تحقیق فلاحی (۱۳۹۱) با عنوان رابطه بین کیفیت زندگی کاری و کنترل شغلی و استرس شغلی با تعداد، شدت و فراوانی بیماری‌های جسمی در کارکنان مطابقت دارد؛ همچنین با پژوهش سینا و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی ابعاد فرسودگی شغلی براساس کیفیت زندگی کاری، تعهد سازمانی و مدیریت دانش مدیران زن دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک و پژوهش مهداد، زری‌بافان و مهدیزادگان (۱۳۹۳) با عنوان کارکردهای کیفیت زندگی کاری برای بهره‌وری کارکنان و پژوهش حسنونند و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان رابطه فرسودگی شغلی با توانمندسازی و کیفیت زندگی کاری در پلیس هم‌خوانی دارد؛ همچنین با پژوهش‌های پولتکن و تیتراک^۱ (۲۰۱۳)، نارهان و همکاران^۲ (۲۰۱۴)، مته^۳ (۲۰۱۳) و براون و کرگان^۴ (۲۰۰۸) هم‌راستا است.

با توجه به تأیید فرضیه اصلی اول، تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی، به‌منظور کاهش بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی کارکنان به مدیران فرودگاه‌های خراسان جنوبی پیشنهاد می‌کنیم که به ایجاد جوی خوب، حمایتی و مبنی بر دوستی مبادرت ورزند؛ انتصاب‌های سازمان براساس لیاقت و شایستگی و عزل‌ها بر مبنای منطقی باشد. با توجه به تأیید فرضیه فرعی اول به مدیران پیشنهاد می‌شود از تصمیمات عجولانه و شتابزده جلوگیری کنند؛ از مدیریت مشارکتی

-
1. Poltcan and Titrek
 2. Narehan, Hairunnisa, Norfadzillah and Freziamella
 3. Mete
 4. Brown and Cregan

استفاده نموده تا کارکنان احساس خوبی نسبت به سازمان داشته باشند؛ طراحی نظام ارزشیابی کارکنان به طور دقیق و علمی انجام شود و مدیران و سرپرستان که اصلی ترین عامل انتقال و ایجاد احساس عدالت تعاملی در کارکنان هستند، تحت آموزش‌های تخصصی در حوزه ارتباطات و نحوه برقراری صحیح آن قرار گیرند تا بتوانند واکنش‌های شناختی، احساسی و رفتاری مناسب با کارکنان و زیردستان داشته باشند. با توجه به تأیید فرضیه فرعی دوم به مدیران پیشنهاد می‌شود که از طریق افزایش جریان اطلاعات و شفاف‌سازی تصمیمات، گامی مهم در زمینه از بین بردن نگرش‌های بد در مورد سازمان خود ایجاد کنند؛ فرایندهایی که به موجب آن‌ها به افراد پاداش داده می‌شود، مشخص شود. هرگونه تبعیض از طریق اصلاح آیین‌نامه‌ها، مقررات و جهت‌گیری‌های سازمان رفع شود. پیشنهاد می‌شود حمایت سازمانی از کارکنان بیشتر شود. حمایت سازمانی درک‌شده بر بدبینی سازمانی کارکنان تأثیر منفی دارد؛ هر چه کارکنان رفتار سازمان را حمایتی‌تر درک کنند، بدبینی‌شان به سازمان کمتر خواهد شد؛ به این دلیل که وقتی کارکنان درک کنند، سازمان به شکل‌های گوناگون از کارکنانش حمایت می‌کند، به این باور می‌رسند که احتمال رفتار فرصت‌طلبانه و سوءاستفاده از کارکنان و دید ابزاری به آنان از سوی سازمان کم است و در نتیجه به سازمان، خوش‌بین‌تر می‌شوند. با توجه به تأیید فرضیه فرعی سوم، ادراک کارکنان از عدالت سازمانی به طور منفی بر بدبینی آن‌ها نسبت به سازمان تأثیر می‌گذارد؛ هر چه کارکنان رفتار سازمان را در توزیع پاداش و پیامدها عادلانه و منصفانه ببینند، بدبینی آن‌ها به سازمان و رفتارهای آتی سازمان کاهش خواهد یافت. همچنین اگر رویه‌ها و سیستم‌های تعیین پاداش نیز عادلانه باشد و در مورد همه کارکنان یکسان و مداوم به کار گرفته شود، موجب کاهش بدبینی سازمانی کارکنان خواهد شد. همچنین هر چه کارکنان رفتار سرپرستان را با خود محترمانه، عادلانه و منصفانه‌تر ببینند، نسبت به سازمان کمتر بدبین خواهند شد؛ بنابراین به مدیران فرودگاه‌های خراسان جنوبی پیشنهاد می‌کنیم به رعایت عدالت سازمانی در همه ابعاد تعاملی، رویه‌ای و فرایندی اهتمام بیشتری ورزند.

با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و تعدیل‌گری کیفیت زندگی کاری در تأثیر بدبینی سازمانی بر فرسودگی شغلی و فرضیه فرعی چهارم، بُعد پرداخت منصفانه و کافی یکی از ابعاد کیفیت زندگی کاری است. اگر کارکنان استنباط کنند که حقوق و مزایا و سایر پرداخت‌های جبرانی که

از سازمان دریافت می‌کنند برای حفظ استانداردهای زندگیشان قابل قبول بوده و نیز در مقایسه با سایر کارهای مشابه در سازمان خود و در دیگر سازمان‌ها حقوق مساوی دریافت می‌کنند و در واقع تساوی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی از آن ادراک کنند و منصفانه بودن آن را بپذیرند، به احتمال بیشتر به سازمان خود به‌عنوان سازمانی منصف دلبسته می‌شوند و بهره‌ورتر و کارآمدتر خواهند شد؛ بنابراین به مدیران و برنامه‌ریزان پیشنهاد می‌شود که با پرداخت به‌موقع و عادلانه حقوق، موجب افزایش سطح کیفیت زندگی کاری کارکنان شوند و با توجه به نظریهٔ برابری و مقایسه‌ای که افراد از حقوق و دستمزد خود با دریافتی افراد دیگر در سازمان خود و سازمان‌های مشابه دارند، زمینه‌های انگیزش کارکنان را فراهم آورند. با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و فرعی پنجم به مدیران فرودگاه‌ها پیشنهاد می‌شود که در طراحی شغل به‌گونه‌ای عمل کنند تا کار هر فرد عادلانه و مناسب وی طراحی گردد؛ شرایط محیطی ایمن و بهداشتی کامل برای کارکنان فراهم گردد و با ایجاد محیطی بهداشتی و پاک به تحقق این متغیر کمک کنند تا موجب افزایش عملکرد کاری گردد. با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و فرعی ششم و تأیید تأثیر فرصت رشد و امنیت بر رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی کارکنان به مدیران پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش سطح کیفیت زندگی کاری و افزایش توانمندی کارکنان زمینهٔ رشد ظرفیت و توانایی‌های بالقوه را فراهم آورند و با ایجاد فرصت برای آشکار کردن مهارت‌های آموخته شده و تضمین امنیت شغلی پایدار و اطمینان خاطر از دریافت درآمد به این مهم تحقق بخشند. با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و فرعی نهم و تأیید تأثیر فضای کلی بر رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی کارکنان توصیه می‌شود شغل کارمند طوری طراحی شود که مانع از انجام وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی و نقش‌های اجتماعی وی نشود؛ همچنین زمینه ادامه تحصیل هم‌زمان با کار برای کارمند فراهم شود. با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و فرعی دهم و تأیید تأثیر توسعهٔ قابلیت‌های انسانی بر رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی توصیه می‌شود، در فرودگاه‌ها مشاغل به‌گونه‌ای طراحی شود که امکان به‌کارگیری دامنه وسیعی از مهارت‌های گوناگون را فراهم آورد و کارمند امکان تصمیم‌گیری و استقلال در حوزه عملیاتی خود را داشته باشد؛ دسترسی به اطلاعات متناسب با کار برای کارمند آسان باشد؛ فرصت‌های لازم به منظور ارتقا در جهت تأمین

نیازهای فرد وجود داشته باشد. با توجه به تأیید فرضیه اصلی دوم و فرعی یازدهم و تأیید تأثیر یکپارچگی و انسجام اجتماعی بر رابطه میان بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی توصیه می‌شود در فرودگاه‌ها فضای کاری به شکل تیمی باشد و جوّ فرودگاه به گونه‌ای طراحی گردد که افراد در بیان ایده‌ها و احساساتشان آزادی داشته باشند؛ همچنین زمینه مشارکت فکری و عملی فراهم آید تا کیفیت زندگی کاری و بالطبع، عملکرد افزایش یابد. بهبود کیفیت زندگی کاری باعث افزایش مشارکت، تعهد و بهره‌وری کارکنان خواهد شد؛ به عبارت دیگر پرداخت‌های منصفانه، فرصت‌های رشد، امنیت شغلی، پایین بودن حوادث، مدیریت مشارکتی، غنی‌سازی شغلی و شرایط کاری مطمئن می‌تواند آثار بسیار مفیدی در سازمان به بار آورد. بهبود کیفیت زندگی کاری می‌تواند گامی زیربنایی در جهت حل مشکلات کارکنان و سازمان و در نهایت بالندگی آنان باشد؛ چرا که تا زمانی که کارکنان احساس رضایت نکنند، انگیزه‌ای برای تلاش و فعالیت در جهت رشد و توسعه سازمان نخواهند داشت. بدبینی نسبت به سازمان، مدیران و همکاران و پیروان تأثیر بسیار منفی بر عملکرد شغلی کارکنان می‌گذارد. شناخت عوامل مؤثر در بدبینی سازمانی می‌تواند در جهت پیشگیری از بدبینی کارکنان کارگشا باشد. پیشنهاد می‌شود که مدیران سازمان با برگزاری انواع جلسات به بررسی عمیق و ریشه‌ای عوامل شکل‌دهنده بدبینی سازمانی پرداخته و ضمن دسته‌بندی آن عوامل برای رفع هر دسته از آن‌ها برنامه‌ریزی ویژه‌ای کنند. طبیعتاً اجرای پیشنهادهای فوق با کاهش بدبینی سازمانی و افزایش کیفیت زندگی کاری به کاهش فرسودگی شغلی منجر خواهد شد و بهبود عملکرد شغلی و سازمانی را در پی خواهد داشت. توجه به پرسنل فرودگاه‌ها باید بیش از پیش باشد و کیفیت زندگی کاری آنان ارتقا یابد؛ نیروهای بادانش و بالاستعداد به کارگرفته شوند و مقوله یادگیری و آموزش همواره مورد توجه باشد و توانمندسازی نیروی انسانی با جدیت دنبال شود. باید خواسته‌ها و انتظارات نیروهای فرودگاه‌ها در سطوح مختلف شناسایی و عادلانه پاسخ داده شود تا از بدبینی سازمانی و فرسودگی سازمانی پیشگیری شود و عملکرد فردی و سازمانی ارتقا یابد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- آنشی، سیدحسین، فتحی‌آذر، اسکندر، بیرامی، منصور، و هاشمی، تورج. (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده فرسودگی شغلی در کارکنان پایور آجا. *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۰ (۳۹)، ۱۹۵-۲۲۴.
- ابراهیمی‌نژاد، مهدی، زارع، فرجام، رضایی، زهرا، و حسینی، سید سجاد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و فرهنگ اخلاقی در فنی‌و حرفه‌ای استان کرمان. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۹ (۳۴)، ۱۱۵-۱۳۴.
- اسدی، مسعود، و شکوری، زینب. (۱۳۹۹). رابطه ابعاد کیفیت زندگی کاری و جو سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی در بین معلمان. *پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، ۶ (۱۳)، ۱۹-۳۶.
- امیری، مجتبی، اسدی، محمودرضا، و دلبری‌راغب، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت فرسودگی شغلی در میان کارکنان بانک و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت آن. *مدیریت بازرگانی*، ۳ (۷)، ۳۷-۹۲.
- بازوند، مجتبی، و باتمانی، فردین. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی (مورد مطالعه کارکنان جهاد کشاورزی استان لرستان). *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم تربیتی*. تهران: شرکت مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلیا.
- براری، رضا، و جمشیدی، لاله. (۱۳۹۴). نقش میانجی خودکارآمدی معلمان در رابطه بین هوش هیجانی و فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۶ (۴)، ۱۷۷-۲۰۰.
- بهمنی، اکبر، مهدوی‌راد، محمدرضا، و بلوچی، حسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بدبینی سازمانی با کیفیت خدمات ارائه‌شده کارکنان با نقش میانجی‌گری و تعدیل‌گری تعهد سازمانی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۹ (۳۱)، ۱۶۱-۱۸۵.
- بودلایی، حسن، کارکن، ناهید، و قشلاقی، مرضیه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بدبینی سازمانی با تعهد سازمانی در شعب و ستاد مرکزی ۱ پست بانک یزد. *فصلنامه مطالعات منابع انسانی*، ۶ (۲۶)، ۳۳-۵۰.

- بیانی، علی اصغر، و سمیعی، رضا. (۱۳۹۳). نقش استرس شغلی و فرسودگی شغلی بر سلامت روانی معلمان ابتدایی: آزمون یک مدل فرضی. *آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*، ۲ (۴)، ۳۱۲-۳۲۱.
- پرداختچی، محمد حسن، احمدی، غلامعلی، و آرزومندی، فریده. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی مدیران و معلمان مدارس شهرستان تاکستان. رهبری و مدیریت آموزشی، ۳ (۳)، ۲۵-۵۰.
- پور افکاری، نصرت الله. (۱۳۸۰). *فرهنگ جامع روانشناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- جعفری پورمقدم، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد بدبینی سازمانی بر روال عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیاز متوازن در بین کارکنان سرپرستی بانک صادرات استان خراسان رضوی. *علوم انسانی و هنر*، ۳ (۹)، ۱-۲۰.
- جلیلیان، حمیدرضا، و مرادی، مرتضی. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر بدبینی نسبت به تغییرات سازمانی و نتایج آن. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۲۵ (۸۱)، ۱۲۳-۱۴۹.
- حسن پور، اکبر، نوری، روح الله، و کیایی، مجتبی. (۱۳۸۸). بدبینی سازمانی، علل و پیامدهای آن. *فرهنگ مدیریت*، ۷ (۱۹)، ۱۱۹-۱۴۱.
- حسونود، عباس، حسونود، باقر، و حسونودی، صبا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه فرسودگی شغلی با توانمندسازی و کیفیت زندگی کاری در پلیس. *توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*، ۱۰ (۳۸)، ۹۱-۱۰۸.
- حسین زاده نیکویی، حمید، و پوراطمینان، آرزو. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین اضطراب، استرس و افسردگی با فرسودگی شغلی (مطالعه موردی در شرکت توزیع نیروی برق استاد قم). بیست و نهمین کنفرانس بین المللی برق. تهران: شرکت توانیر و پژوهشگاه نیرو.
- حسینی، محمدسلطان، نادریان، مسعود، همایی، رضا، و موسوی، زهره. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی کارکنان اداره کل تربیت بدنی استان اصفهان. *نشریه مدیریت ورزشی*، ۱ (۲)، ۱۶۷-۱۸۱.
- حقیقی کفاش، مهدی، مظلومی، نادر، و میرزاحمدی، فرزانه. (۱۳۹۰). پیش‌زمینه‌ها و پیامدهای بدبینی سازمانی. *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۲۱ (۶۴)، ۱۱۷-۱۳۹.

- رامین مهر، حمید، هادی‌زاده مقدم، اکرم، و احمدی، ایمان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ادراک از عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی (مورد مطالعه: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ستاد تهران). *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، ۱ (۲)، ۶۵-۸۹.
- رجبی فرجاد، حاجیه، و شجاعیان، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی. *توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی*، ۹ (۳۳)، ۲۱-۳۸.
- رحیم‌نیا، فریبرز، و حسن‌زاده، ژاله فرزانه (۱۳۹۱). تأثیر فرسودگی شغلی بر ابعاد فرهنگ سازمانی دنیسون. *مدیریت فردا*، ۱۱ (۳۳)، ۱۲۹-۱۴۳.
- رفیعی، سیما، کیائی، محمدزکریا، صادقی، پژمان، مختومی، وحید، و اصغری، دنیا. (۱۳۹۷). بررسی نقش واسطه‌ای فرسودگی شغلی در رابطه میان کیفیت زندگی کاری و عملکرد شغلی پرستاران شاغل در مراکز آموزشی درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی قزوین. *بیمارستان*، ۱۷ (۴)، ۴۷-۵۵.
- زارع، حمید، حق‌گویان، زلفا، و کریمی‌اصل، زهرا. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر بدبینی سازمانی و سنجش آن در دانشگاه‌های دولتی استان قم. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۱ (۴)، ۱۵۹-۱۸۰.
- ساعدی، سارا، خلعتبری، جواد، و موری نجف‌آبادی، ندا (۱۳۸۹). رابطه کیفیت زندگی کاری و سلامت سازمانی با خشنودی شغلی. *تازه‌های روانشناسی صنعتی/سازمانی*، ۱ (۴)، ۵۵-۶۴.
- سبک‌رو، مهدی، وفایی یگانه، محمد، و کاشانی، صالح (۱۳۸۹). بهره‌وری کارکنان شرکت‌های بیمه در پرتو هوش عاطفی و کیفیت زندگی کار. *فصلنامه صنعت بیمه*، ۲۵ (۱)، ۱۷۹-۲۰۲.
- سینا، حمید، کریم‌زاده، صمد، ناظم، فتاح، و احمدی، عبادالله. (۱۳۹۳). ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی ابعاد فرسودگی شغلی بر اساس کیفیت زندگی کاری، تعهد سازمانی و مدیریت دانش مدیران دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک. *زن و جامعه*، ۵ (۲)، ۷۳-۵۵.
- شاه منصوری، عزت‌الله، سلیمانی، مجید، و یوسفوند، لیلا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی معلمان مدارس شهرستان الشتر. *پژوهش‌های علوم انسانی*، ۵ (۳۱)، ۴۳-۵۸.

- شجاع‌فرد، جواد، پورصادق، ناصر، شهرآشوب، قاسم، و زنگیشه، سحر. (۱۳۹۳). رابطه فرسودگی شغلی و رابطه تاب‌آوری در پرسنل فوریت‌های پزشکی شهر تهران. *امداد و نجات*، ۶ (۲)، ۴۲-۲۶.

- شیرزاد کبریا، بهارک، و غفاری‌ملجج، محمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران. *صنعت حمل‌ونقل دریایی*، ۱ (۳)، ۶۳-۷۲.

- شکرریز، جواد، نصرافهانی، علی، و صفری، علی. (۱۴۰۰). الگوی بدبینی سازمانی در دانشگاه‌ها. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۲ (۴۷)، ۱۵۵-۱۸۷.

- صادقیان، محمدحسین، بخشنده، محمدکاظم، صافی، سید محمدحسن، حاج منوچهری، رضا، و ابوالفتحی، نفیسه. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت تحول‌گرا در سازمان بر کیفیت زندگی کاری اسلامی کارکنان بیمارستان شریعتی تهران. *قرآن و طب*، ۷ (۲)، ۱۱-۱.

- صلواتی، عادل، زندی، رزان، و امانی، سحر. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین بدبینی سازمانی و تسهیم دانش (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی). *مدیریت صنعتی (ویژه‌نامه مدیریت دانش)*، ۹ (۲۸)، ۱۰۷-۱۱۹.

- طاووسی، مرتضی، رفیعی، مجتبی، و نجاری، رضا. (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بدبینی سازمانی در اداره کل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان اصفهان. *پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار*، ۳ (۱)، ۱۰۲-۱۱۵.

- عابدینی، صمد، و اسمعیل‌زاده، علی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه تعهد سازمانی با کیفیت زندگی کاری کارکنان بیمارستان شهید مدنی تبریز. *جامعه‌شناسی*، ۱ (۲)، ۱۱۷-۱۳۳.

- عطاری، مسعود، و فتحی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی کارکنان. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع*. تهران: شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا.

- علیرضایی، مصطفی، المیر، آمنه، و عباسی، حمیده. (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر بدبینی سازمانی بر کیفیت ارائه خدمات با نقش میانجی‌گری رضایت شغلی و نقش تعدیل‌گر هویت سازمانی. *توانمندسازی سرمایه انسانی*، ۴ (۳)، ۱۷۹-۱۹۲.

- فلاحی، معصومه. (۱۳۹۱). رابطه بین کنترل شغلی و استرس شغلی با تعداد، شدت، فراوانی بیماری‌های جسمی در کارکنان صنایع شیمیایی فارس. *تازه‌های روانشناسی صنعتی/سازمانی*، ۳ (۱۱)، ۹۹-۹۱.
- قربانی، محمود، و عامری‌منش، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین بدبینی سازمانی با عملکرد کارکنان با نقش تعدیل‌گر اخلاق حرفه‌ای در بیمارستان تخصصی قلب و عروق جوادالائمه مشهد. *اسلام و مدیریت*، ۷ (۱۳)، ۱۱۱-۱۳۸.
- کوشکی، محمدصالح، ساری، علی‌اکبر، عرب، محمد، و احمدی‌انگالی، کامبیز. (۱۳۹۱). کیفیت زندگی کاری و رابطه آن با بهره‌وری پرستاران بیمارستان‌های علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۱۰ (۴)، ۸۱-۹۰.
- کوهی، کمال. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی، سرمایه روان‌شناختی، جو سازمانی و سابقه شغلی بر فرسودگی شغلی مورد مطالعه: اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تبریز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱ (۲)، ۷۷-۹۴.
- مالک‌پورلپری، کامران، و بختیاری‌رنانی، اعظم. (۱۴۰۰). پیش‌بینی فرسودگی شغلی معلمان بر اساس تحمل ابهام و خودشفقت‌ورزی. *توسعه حرفه‌ای معلم*، ۶ (۱)، ۱-۱۵.
- مرادی، امین، و فرخی، فاطمه. (۱۴۰۱). بدبینی سازمانی علیه اعتماد سازمانی: بازشناسی مفاهیم. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۶ (۲۲)، ۲۰۳-۲۱۱.
- مرادی، مرتضی، و جلیلیان، حمیدرضا. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر بدبینی نسبت به تغییرات سازمانی و نتایج آن. *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۲۵ (۸۱)، ۱۲۳-۱۵۰.
- ملک‌اخلاق، اسماعیل، دوستار، محمد، و شنیدی، فاطمه. (۱۴۰۰). تأثیر رهبری ماکیاوولی بر فرسودگی شغلی کارکنان با نقش میانجی بدبینی سازمانی. *مطالعات رهبری فرهنگی*، ۳ (۲)، ۷۲-۸۳.
- مندعلی‌زاده، زینب، و نقش‌جوهری، صدف. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بدبینی سازمانی و فرسودگی شغلی با نقش میانجی سکوت سازمانی در بین ناجیان غریق استخرهای شهرداری شهر تهران. *بهداشت کار و ارتقاء سلامت*، ۶ (۱)، ۵۴-۶۵.

- مهداد، علی، زری بافان، معصومه، و مهدیزادگان، ایران. (۱۳۹۴). کاردکردهای کیفیت زندگی کاری برای بهره‌وری کارکنان (مطالعه موردی بیگانگی شغلی و فرسودگی عاطفی). مدیریت بهره‌وری، ۹ (۱)، ۱۲۴-۱۴۶.
- مهدی‌زاده‌اشرفی، علی، و ایلکا، حسین‌علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری (QWL) و عملکرد کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه بر اساس مدل والتون. فصلنامه مدیریت، ۷ (۲۰)، ۸-۱.
- میرزایی، وحید، بهرامی، مهدی، و اکبری نوقایی، محمدصادق. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر بدبینی سازمانی و رضایت شغلی بر تعهد سازمانی در دبیران مقطع متوسطه شهرستان بجنورد. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، ۷ (۲۵)، ۳۸-۵۴.
- نجاتی‌حاتمیان، لیلا، عباسیان، حسین، زین‌آبادی، حسن‌رضا، و آراسته، حمیدرضا. (۱۳۹۸). واکاوی پدیده بدبینی سازمانی معلمان یک پژوهش روش کیفی. مدیریت مدرسه، ۸ (۴)، ۱-۱۹.
- نقیبی، فوزیه، گل‌مکانی، ناهید، اسماعیلی، حبیب‌الله، و محرری، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط سبک زندگی با کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در دختران نوجوان دبیرستان‌های شهرستان مشهد در سال تحصیلی ۹۱-۹۲. مجله زنان، مامایی و نازایی، ۱۶ (۶۱)، ۹-۱۹.
- نوبخت، فرانک، و اولیایی، آزاده. (۱۳۹۱). بررسی فرسودگی شغلی در پزشکان و روانشناسان اعتیاد و مقایسه با پزشکان و روانشناسان سایرکلینیک‌ها در استان تهران. تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر، دفتر تحقیقات و آموزش.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۷). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

- Alabduljader, S. A. (2022). The impact of quality of work-life on reducing occupational burnout among workers. *Polish Journal of Management Studies*, 26(2), 24-41.

- Bashir, S. (2011). *Organizational Cynicism Development and Testing of an Integrated Model A Study of Public Sector Employees in Pakistan* (PhD's thesis). Mohammad Ali Jinnah University, Islamabad, Pakistan.

- Brown, M. , Cregan, C. (2008). Organizational change cynicism: The role of employee involvement. *Human Resource Management*, 47(4), 667-696.

- Choua, S.W., Chen, P. Y. (2009). The influence of individual differences on continuance intentions of enterprise resource planning (ERP). *International Journal Of HumanComputer Studies*, 67(6), 484-496.
- Cole, M., Brunch, H., & Vogel, B. (2006). Emotion as Mediators of the Relations between Perceived Supervision Support and Psychological Hardiness on Employee Cynicism, *Journal of Organizational Behavior*, 27(4), 463-484.
- Dean, J. W., Brandes, P. & Dharwadkar, R. (1998). Organizational cynicism. *Academy of Management Review*, 23(2), 341-352.
- Kalagan, G., & Aksu, B. (2010). Organizational cynicism of the research assistants: A Case of Akdeniz University. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4820-4825.
- Leitão , J., Pereira, D., & Gonçalves, Â .(2021). Quality of work life and contribution to productivity: Assessing the moderator effects of burnout syndrome. *International Journal Of Environ Res Public Health*, 18(5), 2425.
- Maslach, C., Schaufeli, W. B., & Leiter, M. P. (2001). Job burnout. *Annual Review of Psychology*, 52, 397-422.
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1981). The measurement of experienced burnout. *Journal of occupational behavior*, 2(2), 99-113.
- Mete, Y. (2013). Relationship Between Organizational Cynicism And Ethical Leadership Behaviour: A Study At Higher Education. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 89(3), 476-483.
- Nafei, W. A. (2013). Examining the Relationship between Organizational Cynicism and Organizational Change: A Study from Egyptian Context. *Journal of Business Administration Research*, 2(2), 52-69.
- Nair, P., & Kamalanabhan, T. J. (2010). The impact of cynicism on ethical intentions of Indian managers: The moderating role of seniority. *Journal of International Business Ethics*, 3(1), 14-29.
- Narehan, H., Hairunnisa, M., Razak, A., Norfadzillah, R.A., & Freziamella, L (2014), The Effect of Quality of Work Life (QWL) Programs on Quality of Life (QOL) Among Employees at Multinational companies in Malaysia. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 112, 24 – 34.
- Poltcan, M., & Titrek, O. (2013). The Relationship Between Leadership Behaviors Of School Principals And Their Organizational Cynicism Attitudes. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 141, 1291-1303.
- Simão ,M. B. A. (2021). Burnout, Quality of Work Life and Occupational Self-Efficacy. *Psicologia Clínica e da Saúde*, 1-28.

- Simha, A., Elloy, D., & Huang, H.C (2014). The moderated relationship between jobburnout and organizational cynicism. *Management Decision*, 52(3), 482-504.
- Walton, R.E. (1973). Quality of work life: what is it?. *Sloan management review Journal*, 15(1), 11-21.
- Wu, W. W. (2010). Linking Bayesian networks and PLS path modeling for causal analysis. *Expert Systems with Applications*, 37(1), 134–139.

Designing a Strategic Pattern for Developing a Marketing Plan for the Sales of Handicraft Products in South Khorasan Province

Mahdi Mahmoodzadeh Vashan¹

Ali Farkhondeh²

Received: 12/5/2024

Accepted: 12/6/2024

Introduction

Today, overcoming the problem of unemployment and creating productive employment is one of the main concerns of policymakers in economic and social development programs. One of the ways to overcome this challenge can be found in the development of the handicraft market. In many countries, handicrafts are considered part of cultural tourism, alongside ancient monuments and cultural heritage sites (Barnard, 2021, p. 147). In fact, handicrafts are one of the most important types of home-based businesses, accounting for 2.9% of the gross domestic product (Vahidi & Naseri, 2015, p. 106). In this regard, in South Khorasan province, there are currently 12,000 handicraft artisans active in various fields, and they are registered. Despite the vast entrepreneurial capacity in South Khorasan, it has not been utilized effectively so far. Therefore, this study aims to evaluate the status of the handicraft market in the province and develop strategies for marketing these products. This article seeks to answer the following question:

- What are the strategies for developing the handicraft market and selling competitive handicraft products in the province?

As to background of this research, it is worth noting that several researchers have investigated the obstacles to market development at the provincial level. For example, Yaghoobi, Sardarshahraki, and Karbasi (2022) studied “Analyzing the obstacles to market development of rural handicraft cooperatives in Sistan and Baluchestan province”. Another example is the article “Identifying and examining the obstacles to internal market development of handicrafts in Ilam province” by Omidi, Omidi, and Mohammadi (2015). Moreover, a study entitled “Addressing the

1. Assistant Professor of Business Management Department, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran mahmoodzadeh@iau.bir.ac.ir

2. Instructor at Business Management Department, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran farkhondeh1396@gmail.com [ORCID: 0009-0003-0693-4410](https://orcid.org/0009-0003-0693-4410)



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

challenges of handicrafts in Mazandaran province: Identifying obstacles and proposing solutions” was conducted by Sorayaie and Atfi (2014).

Research Methodology

The present study is qualitative in nature and employs a thematic analysis and SWOT analysis approach. The required data was collected through semi-structured interviews. The statistical population of this study consists of 47 managers, experts, and artists in the field of handicrafts with competitive advantages in South Khorasan province. The researchers transcribed the recorded interviews and analyzed them. Based on a three-stage coding process (open, axial, and selective coding), the data were continuously reviewed and refined, and similar data were grouped around a category. Initial concepts, considering their similarity with other concepts, were organized into broader concepts and further developed into components. Subsequently, these components were combined based on continuous comparative logic, according to conceptual similarity, at a more abstract level, forming categories. To present a strategy and sales approach, the Internal Factor Evaluation (IFE) matrix was used to examine internal factors. The External Factor Evaluation (EFE) matrix was also employed to organize external factors in the form of opportunities and threats, and to analyze how to respond to opportunities and external threats in marketing activities. Finally, each of the strengths, weaknesses, opportunities, and threats was prioritized based on weighted scores, and the SWOT matrix was constructed.

Findings

Initially, the data were organized systematically and meaningfully. At this stage, 147 concepts were identified based on the semantic expressions extracted from the interviews. In the next step, the identified concepts were re-screened and categorized into 60 integrated codes based on semantic and conceptual similarity. In the third stage, the integrated codes identified in the previous stage were categorized into four categories: weaknesses, strengths, threats, and opportunities. Then, the internal and external factor evaluation matrices were constructed. In completing the external factor evaluation table, a significance coefficient between 0 and 1 was assigned to each factor based on its importance and sensitivity, and the factors were compared with each other. As a result of this analysis, opportunities and threats to the development of the market for competitive handicrafts in South Khorasan province were identified. Similarly, the internal factor evaluation table was completed, and the strengths and weaknesses of the development of the market for competitive handicrafts in South Khorasan province were identified. The total score obtained from the multiplication of the significance coefficient in the external factor evaluation matrix is 2.34, indicating that we were unable to capitalize on opportunities and mitigate threats effectively. Also, the final score of the internal factor evaluation matrix is 2.60, indicating that in the competitive handicraft industry, limitations outweigh strengths.

Discussion and Conclusion

Based on the research findings, the following components were identified as the most important opportunities for the development of competitive handicrafts in South Khorasan:

- ✓ Increased connectivity between young people and handicrafts
- ✓ Creation of sustainable income for families during drought conditions
- ✓ Employment and activity of most households in handicraft production
- ✓ Positive mental image of the quality of handicraft products and raw materials
- ✓ Potential talents of the people of the province in art and handicrafts

The following components were identified as the most important threats to the development of competitive handicrafts in South Khorasan province:

- ✓ Lack of trade exhibitions in the past two years
- ✓ Political perspective on art in budget allocation
- ✓ Creating restrictions on social networks
- ✓ Neglecting to produce documentaries
- ✓ Low status of art among people and officials
- ✓ Decreased interest of people in buying handicrafts
- ✓ Entry of factory-made products into the market
- ✓ Incorrect positioning of art in Iran
- ✓ Inability of officials to attract foreign tourists
- ✓ Low investment in infrastructure and conversion industries
- ✓ Decreased profit for artists and increased prices due to multiple middlemen
- ✓ Lack of creation of academic fields suitable for competitive industries
- ✓ Exploitation by profiteers and weak supervision by officials and lack of knowledge among people
- ✓ Unwillingness of local sellers to sell local handicraft products
- ✓ Disinterest in skill-building in some industries
- ✓ Lack of cooperation and integration of services between supportive organizations and entrepreneurs
- ✓ Unwillingness of banks to provide facilities and issue permits to unqualified individuals

The following components were identified as the most important strengths and capacities of competitive handicrafts in South Khorasan province:

- ✓ Revival of handicrafts with new decorative and consumable applications
- ✓ Active presence on social networks

- ✓ Continuous presence in trade exhibitions
- ✓ Use of technology in the production process
- ✓ Formation of cooperatives
- ✓ Receiving quality and cleanliness certificates
- ✓ Ability and capacity for increasing production volume
- ✓ Flexibility in working hours with workshop production
- ✓ Innate talent in art and handicrafts

The following components were identified as the most important weaknesses of competitive handicrafts in South Khorasan province:

- ✓ Pricing without considering perceived value
- ✓ Artists being content with minimums
- ✓ Production of products without brand names
- ✓ Reducing the value of art
- ✓ Lack of permanent marketplaces
- ✓ No sales offices in cities
- ✓ Lack of attention to cultural differences in production
- ✓ Lack of prosperity in sales markets
- ✓ Lack of attention to artist training
- ✓ Low effectiveness of advertising tabloids and websites
- ✓ Lack of interest in accepting apprentices due to specific beliefs of some artists
- ✓ Lack of review of licenses issued for handicraft fields
- ✓ Innovation without considering market demand
- ✓ Lack of specialized labor
- ✓ Inability of artists to pay installments due to lack of stable sales
- ✓ Experimental work of artists
- ✓ Inadequate facilities and staff at the Heritage Administration
- ✓ Inability of artists to prepare promotional packages
- ✓ Orientation and bureaucratic challenges in the Handicrafts Organization
- ✓ Lack of management of raw materials supply
- ✓ Lack of use of competitor databases in introducing handicraft products of the province.

Keywords: Strategic Analysis, Market Development, Competitive handicrafts.

References

- Aghayari, Z. (2018). *Barrasi-ye vaziyat-e bāzār-e sanāye' dasti (dākheli va khāreji) moshkelāt-e in bāzār va rāhkarhā-ye tose'eh va pishraft-e bāzār-e in mahsoolāt motāle'eh-ye moradi: sanāye' dasti ostān Zanjān* [Analyzing the market landscape of handicrafts, both domestic and foreign, and addressing challenges while fostering growth in this sector: A case study of handicrafts in Zanjan province] (Unpublished master's thesis). Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. [In Persian]
- Alibigi, A. H., & Rezvan, Q. A. (2012). Rade bandi-ye me'yarhā-ye keyfiyat-e giveh az didgāh-e tolid-konandegān-e ostān Kermānshāh [Classifying the quality of Giveh from the producers' perspective in Kermanshah province]. *Journal of Artistic and Literary Creations*, 7, 59-71. [In Persian]
- Amiri Aghdaei, S. F., & Zare Zardini, H. (2014). Barrasi-ye avāmel-e mo'asser bar behbood va tose'eh-ye bāzār-e giāhān-e dārooyi dar Irān (motāle'eh-ye moradi: Esfahān) [Investigating factors affecting the development of medicinal plant markets in Iran: The Case of Isfahan]. *New Marketing Research*, 4(1), 195-214. [In Persian]
- Anoosheh, M. (2015). *Tarrahi-ye model-e tose'eh-ye bāzār-e sanāye' koochak va motavasset mored motāle'eh: sanāye' ghazāyi ostān Tehrān* [Designing a market development model for small and medium-sized industries: The Case of Food industry in Tehran province]. (Unpublished doctoral dissertation) University of Tehran, Tehran, Iran. [In Persian]
- Aramesh, H., Yaghoubi, N. M., Mahdibeigi, N., Gorgich, M. (2019). Motāle'eh-ye pishrān-hā va rāhbordehā-ye bāzāryābi ānlāyn dar tose'eh-ye sanāye' dasti [Study of online marketing strategies in the development of handicrafts]. *Journal of Business Management*, 18(37), 121-129. [In Persian]
- Barnard, H. (2021). Host countries' level of development and internationalization from emerging markets: A typology of firm strategies, *Journal of International Management*, 27(3), 100828. DOI: 10.1016/j.intman.2021.100828
- Beacom, E., Bogue, J., & Repar, L. (2021). Market-oriented Development of Plant-based Food and Beverage Products: A Usage Segmentation Approach, *Journal of Food Products Marketing*, 27(4), 204-222.
<https://doi.org/10.1080/10454446.2021.1955799>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative research in psychology*, 14, 77-101. DOI:10.1191/1478088706qp063oa
- Buzarjomehri, Kh., & Eslamfard, F. (2017). Barrasi-ye mavāne' va moshkelāt-e tose'eh-ye sanāye' boomi roostāyi (motāle'eh-ye moradi: ghāli va gabbeh dar shahrestān Zarin Dasht) [An investigation into the barriers and challenges of developing indigenous rural industries: A case study of carpet and Kilim Weaving in Zariandisht County]. *Rural Research Quarterly*, 8(2), 197-207. [In Persian]
- Farastkhah, M. (2016). *Ravesh-e tahqiq-e keyfi dar olum-e ejtema'i ba ta'kid bar 'nazariye-ye barpa* [Qualitative research methods in social sciences with an emphasis on grounded theory]. Tehran: Agah. [In Persian]

- Ghosal, I., Prasad, B., & Behera, M. P. (2020). Delineating the exchange environment of handicraft industry from market space to marketplace: An inclusive map for RURBAN development, *Paradigm*, 24(2), 133-148. DOI: 10.1177/0971890720959533
- Huang, Z. Z., & Wang, X. Y. (2011). Research on Silk Apparel Retail Marketing Development Strategy, *In Advanced Materials Research*, 175 & 176, 900-905. DOI:10.4028/www.scientific.net/AMR.175-176.900
- Jones, K. E., Van Assche, K., & Parkins, J. R. (2021). Reimagining craft for community development, *Local Environment*, 26(7), 908-920. <https://doi.org/10.1080/13549839.2021.1939289>
- Karimi, A., & Mahmoudieh, M. R. (2019). Tarrahi-ye modeli baraye tose'e-ye bazār-e safarhā-ye hava'i arzān gheymat dar Irān [Designing a model for developing low-cost air travel market in Iran]. *Management Tomorrow*, 18(58), 69-92. [In Persian]
- Koumara-Tsitsou, S., & Karachalis, N. (2021). Traditional products and crafts as main elements in the effort to establish a city brand linked to sustainable tourism: promoting silversmithing in Ioannina and silk production in Soufli, Greece, *Place Branding and Public Diplomacy*, 17, 257-267. DOI:10.1057/s41254-021-00200-y
- Kumar, D., & Rajeev, P.V. (2013). A New Strategic Approach For Marketing Of Handicraft Products, *International Journal of Applied Services Marketing Perspectives*, 2(3), 540-543.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalism inquiry*, Sage, Newbury park
- Mahboubi, M. R., & Badahang Galeh-Bache, A. (2019). Avāmel-e bāzdārande-ye kasb va kārhā-ye tozi'-e mahsulāt va farāvareh-hā-ye giyāhān-e dāru'i dar ostān-e Golestān [Factors hindering the distribution of herbal products in Golestan province]. *Iranian Journal of Medicinal and Aromatic Plants*, 36(1), 112-129. [In Persian]
- Mairna, M. (2011). Potential of Sustaining Handicrafts as a Tourism Product in Jordan, *International Journal of Business and Social Science*, 2(2), 145-152.
- Maria, S., Darma, D. C., & Nurfadillah, M. (2019). The Factors that Affect Toward Performance and Cooperative Success, *Archives of Business Research*, 7(12), 219-232. DOI:10.14738/abr.712.7563
- Min, S., & Kim, J. (2022). Effect of opportunity seizing capability on new market development and small and medium-sized enterprise performance: Role of environmental uncertainty in the IT industry, *Asia Pacific Management Review*, 27(2), 69-79. <https://doi.org/10.1016/j.apmr.2021.05.004>

- Moon, S., & Lee, S. H. (2020). A Strategy for Sustainable Development of Cooperatives in Developing Countries: The Success and Failure Case of Agricultural Cooperatives in Musambira Sector, Rwanda, *Sustainability*, 12(20), 1-24. DOI:10.3390/su12208632
- Munawar, F., Rahayu, A., Disman, D., & Wibowo, L. (2019). The role of proactive market orientation and management commitment to internal resource on export performance of handicraft industry, *Management Science Letters*, 9(11), 1711-1722. DOI:10.5267/j.msl.2019.6.019
- Nobakht, F., Ehsani, M., Koozechian, H., & Amiri, M. (2015). Avāmel-e zamine'ī mosser bar movaffaqiyat-e kasb va kārḥā-ye miyanah va kuchak-e varzesh-e keshvar [Contextual factors affecting the success of small and medium-sized sports businesses in Iran]. *Strategic Studies in Sport and Youth*, 14(28), 1-18. [In Persian]
- Omidi, N., Omidi, M. R., & Mohammadi, E. (2015). Shenāsāyi va barrasi-ye mawāne' tose'eh-ye bāzār-e dākheli sanāye' dasti ostān Ilām [Identifying and investigating barriers to the development of internal markets for handicrafts in Ilam province]. *Ilam Culture*, 16(48-49), 132-146. [In Persian]
- Rahmanseresht, H., & Karimi, G. R. (2007). Modeli barāye ertebāt-e rāhbordehā-ye tose'eh-e bāzār-e sāderāti bā amalkard-e sherkathā-ye toolidi sāder konande-ye mahsoolāt-e għazāyi dar Irān [A model for relating export market development strategies to the performance of food processing companies in Iran]. *Iranian Management Science*, 2(8), 75-101. [In Persian]
- Reuschl, A., Tiberius, V., Filser, M., & Qiu, Y. (2022). Value configurations in sharing economy business models, *Review of Managerial Science*, 16, 89-112. DOI:10.1007/s11846-020-00433-w
- Rundh, B. (2023). International expansion or stagnation: market development for mature products, *Asia-Pacific Journal of Business Administration*, 15(4), 626-645. <https://doi.org/10.1108/APJBA-11-2021-0560>
- Sharma, A., Dey, A. K., & Karwa, P. (2012). Buyer-seller relationship–challenge in export marketing for The Handicrafts and Handlooms Export Corporation (HHEC), *Emerald Emerging Markets Case Studies*, 2(1), 1-17. <https://doi.org/10.1108/20450621211214469>
- Sorayaie, A., & Atef, Z. (2014). [Identifying challenges and providing solutions for the development of handicrafts: A case study of Mazandaran province]. *Management and Accounting Research*, 1(2), 19-36. [In Persian]
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (2011). *Osool-e ravesh-e tahqiq-e keyfi: nazariye-ye mabnāyi, rooyeh-hā va shiveh-hā* [Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques] (3rd ed.) (B. Mohammadpour, Trans.). Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

- Vahedi, M., & Naseri, S. (2015). Sāzokārḥā-ye tose'e-ye kasb va kārḥā-ye khānegi sanāye'dasti barāye zanān-e rustā'i shahrestān-e Ilām [Mechanisms for developing home-based industries for rural women in Ilam County]. *Rural Economy Research*, 2(4), 101-115. [In Persian]
- Wut, T. M., Chan, W. T., & Lee, S. W. (2021). Unconventional Entrepreneurship: Women Handicraft Entrepreneurs in a Market-Driven Economy, *Sustainability*, 13(13), 1-13. DOI:10.3390/su13137261
- Yaqubi, M., Sardarshahraki, A., & Karbasizadeh, O. (2023). Tahlil-e mavān'eh tose'e-ye bāzār-e ta'avoni-hā-ye sanāye'dasti-e rustā'i ostān-e Sistān va Baluchestān [Barriers to the development of rural handicraft markets in Sistan and Baluchestan province]. *Rural Development Strategies*, 10(4), 513-540. [In Persian]
- Zhang, L., Parnell, J. A., & Xiong, C. (2020). Market and Nonmarket Strategies (NMS) in China: Performance Payoffs in Turbulent Environments, *Asian Business & Management*, 20(1), 644-665. DOI:10.1057/s41291-020-00103-5

مقاله علمی - پژوهشی

طراحی الگوی راهبردی توسعه بازار فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی

مهدی محمودزاده‌واشان^۱علی فرخنده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_197819.html

چکیده

صنایع دستی فرهنگ و میراث غنی یک کشور را نشان می‌دهد و از منظر اقتصادی، با سرمایه‌گذاری کم، ارزش افزوده بالایی در اقتصاد ایجاد می‌کند. این صنعت به علت داشتن مزایایی نظیر کارطلب بودن آن، سادگی تکنیک و عدم احتیاج به آموزش فنی و سریع و تأثیر فوق‌العاده آن در افزایش سطح اشتغال بیش از هر فعالیت اقتصادی دیگر زمینه برای توسعه و پیشرفت دارد؛ به‌ویژه در مناطق روستایی و عشایری صنایع دستی می‌تواند به‌عنوان دومین منبع درآمد و در پاره‌ای از مناطق کشور حتی به‌عنوان مهم‌ترین عامل کار و درآمد به حساب آید. براین اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف بنیادی-کاربردی و استراتژی پژوهش تحلیل تم می‌باشد. جامعه آماری شامل مدیران، کارشناسان و هنرمندان فعال در حوزه صنایع دستی مزیت‌دار استان خراسان جنوبی بوده است که بدین منظور ۴۷ نفر (شامل

۱. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران

mahmoodzadeh@iau.bir.ac.ir

۲. استاد مدعو گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران

farkhondeh1396@gmail.com

ORCID: 0009-0003-0693-4410



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

۷ کارشناس و مدیر و ۴۰ هنرمند) با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل تم و ماتریس‌های EFE و IFE استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده ۵ فرصت، ۱۹ تهدید، ۹ ظرفیت (قوت) و ۳۰ محدودیت (ضعف) بود. بر طبق نظر خبرگان در ماتریس عوامل خارجی، ارتباط‌پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع دستی، مهم‌ترین فرصت و عدم برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی در دو سال اخیر، مهم‌ترین تهدید شناسایی شد. در ماتریس عوامل داخلی نیز مهم‌ترین ظرفیت (قوت)، جایگاه‌یابی و احیای صنایع دستی با کاربردهای تزئینی و مصرفی جدید و مهم‌ترین محدودیت (ضعف)، قیمت‌گذاری بدون توجه به ارزش متصور شده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل استراتژیک، توسعه بازار، صنایع دستی مزیت‌دار.

مقدمه

صنایع دستی هویت یک کشور، فرهنگ و میراث غنی آن را نشان می‌دهد و از منظر اقتصادی با توجه به سرمایه‌گذاری‌های کم و ارزش‌افزوده بالا حائز اهمیت است (Ghosal, Prasad, & Behera, 2020: 135). جایگاه صنایع دستی در اقتصاد کشور به دلیل سهم قابل توجهی که در ایجاد اشتغال و درآمدهای صادراتی دارد، حائز اهمیت است. این صنعت برای یک خریدار خارجی فرصتی برای ارتباط با کشور و احساس تنوع در فرهنگ‌های قومی در مناطق شهری و روستایی فراهم می‌کند (Sharma, Dey, & Karwa, 2012: 4). صنایع دستی به‌عنوان زیرمجموعه صنعت خلاق و هنر کاربردی، چیزی بین هنر و طراحی است و از میراث سنتی یا ایده‌های معاصر گرفته شده است که محصول نهایی را به شکل آثار هنری، محصولات کاربردی و اشیای تزئینی تولید می‌کند (Munawar, & et al., 2019: 1715).

از مشکلات اساسی صنعتگران، بازاریابی و توسعه بازار است که از میان دلایل آن، می‌توان به هزینه بالای تحقیقات بازاریابی، نداشتن کادر مجرب و در کل نداشتن امکان انجام فعالیت‌های بازاریابی گسترده به دلیل هزینه‌های بالای آن اشاره کرد (انوشه، ۱۳۹۴: ۵۰). توسعه بازار جدید توسط یک شرکت به فعالیت‌هایی اشاره دارد که به ایجاد و بهبود مدل‌های کسب‌وکار برای ساخت پایگاه مشتری خود می‌پردازد. این امر شامل تبدیل فناوری‌ها و ایده‌های نوآورانه به یک سرمایه‌گذاری تجاری

عملی است. در این توسعه فعالیت ترکیب فعالانه منابع برای ایجاد تغییرات از درون یک شرکت برای انطباق با شرایط خارجی مدنظر قرار می‌گیرد (Min, & Kim, 2022: 72). می‌توان گفت توسعه بازار شامل جذب مشتریان جدید که از محصولات و خدمات ما اطلاع ندارند یا دسترسی ندارند، به سمت کالاها و خدمات فعلی است. در ایده‌آل‌ترین حالت، یافتن مصارف جدید برای کالاهای قدیمی انگیزه‌ای می‌شود که ضمن جذب مشتریان جدید، فروش به مشتریان فعلی افزایش یابد. یک کسب‌وکار می‌تواند با پی بردن به علایق، سبک زندگی و شناسایی نیازهای بازار به ایجاد بازار جدید برای خود بپردازد (کریمی و محمودیه، ۱۳۹۸: ۷۵).

عوامل متعددی می‌تواند بر توسعه بازار یک کسب‌وکار مؤثر باشد که از آن جمله می‌توان این موارد را برشمرد: تمرکز بر نوآوری، فعال بودن و ریسک‌پذیری در یک اقتصاد بازار محور (Wut, Chan, & Lee, 2021: 10)، فعال بودن در حوزه بازاریابی و تعهد خاص مدیریت به منابع داخلی (Munawar, & et al., 2019: 1715)، ارتقای مستمر و نوآوری در پرمصرف‌ترین محصولات (Beacom, Bogue, & Repar, 2021: 218)، استفاده از وبسایت به عنوان رابط بازاریابی (Sharma, Dey, & Karwa, 2012: 214)، توانایی استفاده از فرصت‌های قابلیت جذب فرصت به‌ویژه در محیط کسب‌وکار نامطمئن (Min, & Kim, 2022: 75)، فروش برخط و پلتفرم تجارت الکترونیک (Ghosal, Prasad, & Behera, 2020: 145)، استفاده از استراتژی غیربازار در مقابل استراتژی بازاری در محیط‌های پرتلاطم و بازارهای آشفته (Zhang, Parnell, & Xiong, 2020: 660)، سفارشی‌سازی در مقابل استانداردسازی کالاها (Reuschl, & et al., 2020: 99)، بهینه‌سازی محلی، تثبیت جهانی و دسته‌بندی (دادوستد) / واسطه‌گری و جایگاه‌یابی (Barnard, 2021)، دسترسی به اطلاعات و سرمایه، آمادگی کارآفرینی، شبکه اجتماعی، قانونمندی، حمایت دولت و طرح کسب‌وکار (نوبخت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵)، تعامل ضابطه‌مند در مقابل رابطه‌گرایی، اعتمادآفرینی مشتریان، مدیریت خدمات فروش بهینه (کریمی و محمودیه، ۱۳۹۸: ۸۸)، حل مشکلات و محدودیت‌گذاری، برخورداری از قابلیت‌های تولیدی (رحمان سرشت و کریمی، ۱۳۸۶: ۹۵)، فرهنگ‌سازی، به‌کارگیری روش‌های نوین در توزیع (امیری‌عقدایی و زارع زردبینی، ۱۳۹۳: ۲۱۰)، اتصال برند خود به یک برند جهانی، ارتباط صنعتگران، کارآفرینان، موزه‌ها با جوامع (Koumara-Tsitsou, & Karachalis, 2021: 265).

پیوند دادن شبکه‌های حاکمیتی، شبکه‌های نوآوری و شبکه‌های صنایع‌دستی (Jones, Van Assche, & Parkins, 2021: 918)، حمایت سازمان‌های حمایت‌کننده از کسب‌وکارها، تعیین اهداف کوتاه‌مدت واضح و قابل تحقق (Moon, & Lee, 2020: 20)، تحصیلات و درآمد (Maria, Darma, & Nurfadillah, 2019: 148). تغییرات سریع فناوری‌ها، نوآوری‌های بازارمحور شتابان، تغییرات سریع خواسته‌های مشتریان و افزایش شدت رقابت جهانی و فناوری اطلاعات، چالش‌های استراتژیک جدیدی برای صنایع کوچک و متوسط مانند بنگاه‌های صنایع‌دستی ایجاد کرده است. با توجه به وسعت و تنوع این چالش‌ها، هیچ بنگاه کوچک و متوسطی به تنهایی قادر به پاسخگویی به آن‌ها نیست و این امر نیازمند الگوهای جدید در توسعه بازار این بنگاه‌هاست (انوشه، ۱۳۹۴: ۲۳).

براساس گزارش یونسکو، ایران به لحاظ تنوع و تعدد رشته‌های تولیدی در زمینه صنایع‌دستی، بزرگترین کشور جهان محسوب می‌شود. هم‌اکنون بیش از ۲۵۶ رشته صنایع‌دستی در کشور، فعال است و حدود ۵/۲ میلیون نفر به صورت مستقیم، در این زمینه به امر تولید اشتغال دارند (علی بیگی و رضوان، ۱۳۹۱: ۵۹)، بسیاری از کشورها از صنایع‌دستی، به‌عنوان بخشی از توریسم فرهنگی، در کنار مکان‌های باستانی و میراث‌فرهنگی بهره می‌برند؛ زیرا برای جوامع، منابع درآمدی و فرصت‌های شغلی فراهم می‌کند (Barnard, 2021: 147). صنایع‌دستی به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع کسب‌وکار خانگی محسوب می‌شود که سهم آن در تولید ناخالص داخلی ۲.۹٪ است. در شرایط فعلی که مسئله بیکاری، ایجاد اشتغال مولد، افزایش تولید داخلی، توسعه صادرات غیرنفتی و فراهم نمودن زمینه مشارکت آن در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی مهم‌ترین دغدغه مسئولین در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهد، توجه به صنایع‌دستی بیش از پیش مطرح گردیده است زیرا صنایع‌دستی علاوه بر جاذبه‌های هنری و فرهنگی و سهولت آموزش و فراگیری آن، از کمترین هزینه سرانه آموزش و ایجاد فرصت شغلی در میان بخش‌های مختلف فعالیتهای صنعتی برخوردار است (واحدی و ناصری، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

در استان خراسان جنوبی، در حال حاضر دوازده هزار نفر صنعتگر صنایع دستی شناسنامه‌دار هستند و (فعالیت ۱۲ هزار صنعتگر صنایع دستی در خراسان جنوبی، بی‌تا. بازیابی شده در ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، از: <https://www.isna.ir/news>) با تولید آثار فاخر در قالب ۱۲۰ رشته، از مجموع ۳۰۰ رشته شناسایی شده و کددار صنایع دستی ایران، سهم قابل توجهی در بازار کار و تولید کشور دارند (صنایع دستی خراسان جنوبی در انتظار بازیابی، بی‌تا. بازیابی شده در ۲۰ اسفند ۱۴۰۲، از: <https://www.irna.ir/news>). در این میان صنعتگران خراسان جنوبی، بازاریابی را مهم‌ترین دغدغه برای رونق تولید و فروش محصولات خود می‌دانند. به‌رغم ظرفیت بالای کارآفرینی در خراسان جنوبی، به‌دلیل اتکای روندهای تولید و عرضه صنایع دستی به رویکردهای سنتی و کم‌رونقی بازار فروش، تاکنون بهره‌برداری مناسبی از آن نشده است. خراسان جنوبی به‌عنوان میراث‌دار بخش مهمی از فرهنگ و تاریخ ایران‌زمین در عرصه صنایع دستی و هنرهای سنتی، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. دغدغه بیشتر صنعتگران استان فقدان نشان تجاری و برندسازی برای محصولات تولیدی است (همانجا). ازسوی دیگر، با توجه به الزام قانونی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران جهت توسعه بازار صنعت به‌ویژه بازار صنایع کوچک و متوسط لازم است مطالعه‌ای جهت ارائه استراتژی‌های توسعه بازار محصولات صنایع دستی صورت گیرد. توسعه بازار صنایع دستی، علاوه بر ارزآوری می‌تواند در معضلاتی مانند افزایش نرخ بیکاری و افزایش میزان ارزش افزوده برای توسعه اقتصادی - اجتماعی راهگشا باشد؛ لذا در این پژوهش ارزیابی وضعیت بازار صنایع دستی استان و استراتژی‌های توسعه و پیشرفت بازار این محصولات مدنظر قرار گرفته است. براین‌اساس مقاله حاضر به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش است:

استراتژی‌های توسعه بازار و راهکارهای فروش محصولات مزیت‌دار صنایع دستی استان

کدام‌اند؟

در این راستا پژوهشگرانی نیز به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه بازار پرداخته‌اند و الگوهای متفاوتی را ارائه داده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به پژوهش یعقوبی، سردار شهرکی و کرباسی (۱۴۰۲) با عنوان "تحلیل موانع توسعه بازار تعاونی‌های صنایع دستی روستایی استان سیستان و بلوچستان" اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که برگزاری محدود نمایشگاه‌ها، عدم تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی و تبلیغات ناکافی به ترتیب مهم‌ترین موانع توسعه بازار صنایع دستی به‌شمار می‌آیند.

آرامش و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "مطالعه پیشران‌ها و راهبردهای بازاریابی آنلاین در توسعه صنایع دستی" انجام دادند. نتایج اولویت‌بندی پیشران‌ها و بازدارنده‌های بازاریابی آنلاین نشان داد که "تسهیلات خرید" و "اعتماد به فروشنده" مهم‌ترین نیروهای پیشران و "عدم شناخت بازار هدف" مهم‌ترین نیروی بازدارنده محسوب می‌گردند.

امیدی، امیدی و محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "شناسایی و بررسی موانع توسعه بازار داخلی صنایع دستی استان ایلام" نشان دادند که از میان عوامل (موانع) اصلی، عامل بازاریابی و فروش، مهم‌ترین مانع توسعه بازار داخلی صنایع دستی استان ایلام به‌شمار می‌رود، از این‌رو تدوین برنامه جامع بازاریابی صنایع دستی، برگزاری دوره‌های آموزش نوین و گسترش برنامه‌های ترویجی و تبلیغی؛ از جمله راهکارهایی است که می‌توان برای بهبود و توسعه بازار داخلی صنایع دستی استان ایلام به‌کار برد.

ثریایی و عطف (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان "شناسایی چالش‌های صنایع دستی و ارائه راهکارهای لازم (مطالعه موردی: صنایع دستی استان مازندران)" انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که چالش‌های تولید و بسته‌بندی، فروش و صادرات، مدیریت و ساختار و منابع انسانی به ترتیب بیشترین تاثیرگذاری را دارند.

راندح^۱ (2023) در پژوهشی با عنوان "گسترش یا رکود بین‌المللی: توسعه بازار برای محصولات کامل" به این نتایج دست یافت که موفقیت سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به یادگیری و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. تصمیم‌گیری در مورد توسعه بازار بین‌المللی می‌تواند به طور قابل توجهی به درک نحوه ورود شرکت‌های تجاری و توسعه بازارها در زمینه‌های تجاری جدید کمک کند.

جونز، وان اسپچ و پارکینز^۲ (2021) در پژوهشی با عنوان "بازاندیشی صنایع دستی برای توسعه جامعه" به این نتایج دست یافتند که توجه به فرآیندهای یادگیری کلیدی است و مستلزم آموزش سازندگان و مصرف‌کنندگان، آگاهی از اشکال ضروری سازمان و سایر زیرساخت‌ها برای تولید، و شیوه‌های حکمرانی جامعه در راستای شناسایی پتانسیل صنایع دستی و پرورش آن است.

کومارا تسیتسو و کاراچالیس^۳ (2021) در پژوهشی با عنوان "محصولات و صنایع دستی سنتی به عنوان عناصر اصلی در تلاش برای ایجاد یک برند شهری مرتبط با گردشگری پایدار: ترویج ابریشم در یونان و تولید ابریشم در سوفلی یونان" به این نتیجه دست یافتند که برای هر دو شهر، استادکاری سنتی یک هویت کلیدی و عنصر حیاتی اقتصادی را شکل می‌دهد. این پژوهش همچنین نشان داد که ایجاد انجمن‌های مفید و جذب گروه‌های جدیدی از گردشگران و اتصال ابریشم محلی با یک برند جهانی مد یونانی مشهور، می‌تواند در این زمینه کارساز باشد. در راستای ایجاد این هویت جدید، باید بین شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی و دولتی برای طراحی و اجرای برنامه‌های جدید همکاری وجود داشته باشد تا پایداری گردشگری ایجاد گردد.

-
1. Rundh
 2. Jones, Van Assche & Parkins
 3. Koumara-Tsitsou, & Karachalis

گوشال، پراساد و بهرا^۱ (2020) در مقاله‌ای با عنوان «ترسیم فضای مبادلاتی صنعت صنایع دستی از فضای بازار تا (مکان) بازار: نقشه ای جامع برای توسعه مناطق کشاورزی» که در هند انجام دادند، به شدت از مفهوم سطح سیاست و همچنین حاکمیت مدیریتی برای افزایش ترویج صنایع دستی از طریق فروش آنلاین و پلتفرم تجارت الکترونیک از طریق توسعه مراکز کشاورزی حمایت کردند.

کومار و راجیو^۲ (2013) در تحقیق خود " رویکرد راهبردی جدید برای بازاریابی محصولات صنایع دستی " پیشنهاد می‌دهند بیان می‌کنند که بازاریابی اینترنتی نقش بسیار مهمی در سناریوی فعلی بازار ایفا می‌کند زیرا شرکت می‌خواهد با محصولات خود در میان مشتریان نفوذ بیشتری کسب کند.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، بازاریابی و توسعه بازار عاملی مهم در صنعت صنایع دستی محسوب می‌شود اما دانستن این نکته کافی نیست و بدون داشتن راهبرد مناسب و نقشه راه برای این مهم، نمی‌توان اقدامی انجام داد؛ لذا نوآوری این پژوهش و موضوعی که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است، ارائه استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و راهبرد به کار گرفته شده در این پژوهش تحلیل تم و تحلیل^۳ SWOT است. در این پژوهش از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری استفاده شده است. هدفمند بدین معنا که بتواند براساس موضوع، مسئله و موقعیت تحقیق، گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف کند. نظری بودن نمونه نیز به این معنا است که کفایت لازم برای رساندن ما به سطح انتزاع نظری را داشته باشد؛ به همین دلیل نمونه‌گیری نظری، روال تکرارشونده تا زمانی است که به کفایت محتوایی برسد و ما را به سطح انتزاع نظری و اکتشاف نظریه (یا گزاره‌های فرضیه‌ای معتبر) برساند (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۶۶). داده‌های موردنیاز با به کارگیری

-
1. Ghosal, Prasad & Behera
 2. Kumar & Rajeev
 3. Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش مدیران، کارشناسان و هنرمندان حوزه صنایع دستی مزیت‌دار استان خراسان جنوبی می‌باشند. در تحقیق کیفی زمانی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به پایان می‌رسد که اطلاعات در رابطه با تمام دسته-بندی‌های مورد نظر اشباع شود و این امر زمانی روی می‌دهد که نظریه یا موضوع مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی مرتبط با موضوع مورد مطالعه حاصل نشود. از این رو، در پژوهش‌های کیفی، حجم نمونه را مترادف با کامل شدن داده‌ها یا اشباع داده‌ها در نظر می‌گیرند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۶). در این پژوهش با داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از تعداد ۴۷ نفر مدیران و کارشناسان خبره و هنرمندان عرصه صنایع دستی به اشباع رسیدیم. که از این تعداد ۷ نفر کارشناس و مدیر و ۴۰ نفر هنرمند در حوزه صنایع دستی مزیت‌دار استان خراسان جنوبی می‌باشند. برای دستیابی به داده‌هایی که بتوانند پرسش‌های پژوهش را پاسخ دهند، پژوهشگران مصاحبه‌های ضبط شده را به متن نوشتاری برگردان کرده و بلافاصله تحلیل کرده‌اند. براساس کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی، داده‌ها به‌طور مستمر بازبینی و پالایش شده‌اند و براساس تشابهات و سنخیت داده‌ها، در فرایندی استقرایی، مجموعه‌ای از داده‌های مشابه حول یک مقوله گرد آمده‌اند. مفاهیم اولیه با توجه به سنخیت با سایر مفاهیم، در قالب مفاهیم گسترده‌تر در نقش مؤلفه سازماندهی شده‌اند و در ادامه، مؤلفه‌ها نیز براساس منطق مقایسه مستمر، برحسب قرابت مفهومی، در سطحی انتزاعی‌تر، در قالب مقوله‌ها با یکدیگر تلفیق شده‌اند. در این پژوهش، تمامی مراحل مصاحبه، پیاده‌سازی، و تحلیل را پژوهشگران انجام داده‌اند، پس نیازی به استفاده از هر کدام از نرم‌افزارهای کمکی برای تحلیل نبوده و کدگذاری‌ها و تحلیل‌ها به‌صورت دستی انجام گرفته است. در ادامه جهت ارائه استراتژی و راهکار فروش از ماتریس ارزیابی عوامل درونی یا داخلی (IFE^1) برای بررسی عوامل داخلی استفاده شد، بدین ترتیب که نقاط قوت و ضعف موجود در فعالیت‌های بازاریابی صنایع دستی مزیت‌دار استان خراسان جنوبی شناسایی شد و به هر کدام از عوامل یک ضریب وزنی بین صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیار مهم) اختصاص داده شد. همچنین از ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی و

خارجی (EFE¹) نیز جهت سازمان‌دهی عوامل خارجی در قالب فرصت‌ها و تهدیدها و تجزیه و تحلیل نحوه پاسخگویی به فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از فعالیت‌های بازاریابی استفاده شد. در مدل پس از فهرست نمودن هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید که در مرحله قبل شناسایی شده و نوشتن آن‌ها در سلول‌های مربوط به خود بر حسب ترتیب امتیاز وزن‌دار از محل تلاقی هر یک از آن‌ها، استراتژی‌های مورد نظر حاصل می‌گردد و ماتریس SWOT تشکیل می‌شود و این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی ST، WT، WO و SO می‌شود. در ادامه اعتبار نتایج مورد سنجش قرار گرفت.

مسئله اعتبارسنجی و تعمیم یافته‌های پژوهش از ابعاد چالش برانگیز و بسیار مهم در روش - شناسی مطالعات کیفی است. لینکلن و گوبا^۲ (1985: 50) معتقدند معیار قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهار معیار جداگانه باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری اما در ارتباط با هم می‌باشد. در این پژوهش هر کدام از این معیارها به ترتیب با استفاده از بازبینی توسط مصاحبه‌کننده‌ها، تکنیک کنترل عضو، کنار گذاشتن عقاید و پیش‌داوری‌های نویسندگان و تنوع در ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان بر روی نتایج پژوهش اجرا و مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

براون و کلارک^۳ (2006: 78) یک راهنمای چند مرحله‌ای ارائه داده‌اند که چارچوبی بسیار مفید برای انجام این نوع تحلیل است. در طول انجام کار، پژوهشگران از یک مرحله به بعد حرکت می‌کنند؛ اما مراحل لزوماً خطی نیستند. شما ممکن است چندین بار بین مراحل به جلو و عقب بروید؛ به خصوص اگر با بسیاری از اطلاعات پیچیده برخورد کرده باشید.

-
1. External Factors Evaluation matrix
 2. Lincoln & Guba
 3. Braun & Clarke

مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها

اولین گام در هر تحلیل کیفی، و براساس چارچوب براون و کلارک (همان)، خواندن و دوباره‌خوانی رونوشت‌هاست، به عنوان مثال در کار حاضر، بعد از اینکه مصاحبه‌های صوتی، انجام و به نوشتار تبدیل شد، مورد بررسی قرار گرفت و مجدداً خوانده شد تا آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه و نگارش عبارت‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها حاصل گردد.

مرحله ۲: تولید کدهای اولیه (استخراج مفاهیم از عبارت‌های معنایی)

محققان در این مرحله با یک روش معنادار و سیستماتیک شروع به سازمان‌دهی داده‌ها کردند. کدگذاری، داده‌های زیاد را به تکه‌های کوچک معنادار تقلیل می‌دهد. روش کدگذاری، براساس دیدگاه محقق و سؤالات تحقیق تعیین می‌شود. تولید کدهای اولیه به معنای استخراج مفاهیم اولیه از عبارات معنایی می‌باشد. زمانی که محققان کدگذاری را در مرحله اول انجام دادند، ایده‌های ابتدایی در مورد کدها داشتند. از طریق کدگذاری هر رونوشت، هر بخش از متن که به نظر می‌رسید مربوط به موضوع تحقیق است یا به طور خاص سؤال پژوهش را پشتیبانی می‌کند، بررسی شد؛ پس از اتمام کار و قبل از رفتن به سراغ بقیه رونوشت‌ها، کدها مورد مقایسه و بحث قرار گرفته و اصلاح شدند. در حین کار، کدهای جدیدی، ایجاد و در مواردی کدهای موجود اصلاح و تغییر داده شد. جدول زیر نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده و کدهای استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه‌ای از تولید کدهای اولیه (استخراج مفاهیم) مصاحبه

عبارات معنایی	کد اولیه (مفهوم)
کارای ما از چرم طبیعی ساخته شده و دست‌دوز هست و بسته به نیاز مشتری و مخاطب رنگ‌بندی و طرح فرق می‌کند.	تولید انبوه و هم‌خوان‌سازی با نیاز مشتری
۸ ساله دارم کار می‌کنم تا الان داشتم سفارشی کار می‌کردم. الان در سری کار می‌کنم	نوآوری مستمر و توجه دائم به کیفیت
کسب‌وکار سنتی فکر نکنم تعطیل بشه هیچ‌وقت چون نیاز بومی خود مردم منطقه هست شما آهنگری سنتی رو اگر درنظر بگیرین تمام کشاورزای هر منطقه‌ای نیازشون اینه که اون داسشون رو تبرشون رو تهیه بکنن پس مثلاً آهنگری سنتی به این راحتی تعطیل نمی‌شه شاید یک مقداری هزینه‌بر باشه برای کسی که داره کار می‌کنه اما تعطیل‌شدنی نیست.	پایدار بودن صنایع‌دستی از شوک‌های اقتصادی به‌دلیل نیاز و داشتن تقاضای بومی

<p>افزایش هزینه‌ها و بالا رفتن قیمت به دلیل اینکه مواد اولیه و نخ از خارج استان تأمین می‌شود.</p>	<p>به صورت کلی صنایع تبدیلی و زیرساخت‌ها نیست و اکثر استان‌ها برای این موارد به استان‌های دیگر وابسته هستند مثلاً پارچه‌بافی و چادرشب بافی استان تو کشور حرف اول رو می‌زنه اما تمام مواد اولیه و نخشون رو از اصفهان و یزد تأمین می‌کنند و این روی هزینه کار آن‌ها تاثیر داره نخي که دو سال پیش ۲۰ هزار بوده، الان ۱۲۰ هزار است.</p>
<p>ایجاد اشتغال پایدار برای خانم‌های سرپرست و تحت پوشش از طریق توسعه آموزش صنایع دستی</p>	<p>ده نفر زیر دستم کار می‌کنن هدف من اشتغال‌زایی هست دوست دارم خانم‌های سرپرست خانوار رو یا خانم‌هایی که تحت پوشش هستن یا خانم‌هایی که توان اقتصادی خوبی ندارن رو بیشتر بیارم سرکار. کار آموزشی من گلیم‌فرش و قالیچه و گلیم و تابلوفرش هست نمونه کارها رو می‌فرستم مشهده.</p>
<p>با توجه به بالا رفتن قیمت مواد اولیه و کاهش قدرت خرید مردم سهم هنر از درآمد خانوار خیلی کاهش یافته است.</p>	<p>این الگوها و نقش و نگارها رو که مال ایلپاتی خودمون هست اون‌ها ذهنی هست و همچنان تو قالیچه‌هامون بافته می‌شه ولی اگه مشتری داشته باشیم که مثلاً بگه ما این طرح و رنگ رو دوست داریم براساس سفارش مشتری می‌زنیم ولی کاری که خودمون انجام می‌دیم کار سنتی هست بیشتر. ولی بازار معمولاً چون از نظر قیمتی گرون هست به میزانی که تولید می‌کنیم فروش نداریم.</p>
<p>وجود واسطه‌ها و دلال‌ها در کانال توزیع محصولات هنری سود هنرمند را کاهش و قیمت محصولات را افزایش داده است.</p>	<p>سود ما در فروش با واسطه‌هاست تا مصرف‌کننده نهایی و اون‌ها هم که به حداقل قیمت برمی‌دارن چون من باید انبوه بفروشم که یه پولی دستم بیاد</p>
<p>عدم وجود برنامه استعدادیابی برای شناسایی و پرورش هنرمند در همه شهرستان‌های استان</p>	<p>ما حتی برای گرفتن یه عکس از یه صنعتگر با مشکل مواجهیم به همین خاطر ما مشکل داریم تو شناسایی صنعتگر که البته از طریق شوراها و دهیارها که معتمدین روستا هستند و شناخت بیشتری دارند شناسایی می‌کنیم اما اکثراً خودشون خودشون رو به ما معرفی می‌کنن</p>
<p>شکل‌گیری تعاونی‌ها و به عضویت در آوردن هنرمندان</p>	<p>از نظر من میراث‌فرهنگی تو بحث نیرو، آموزش و امکانات، اعتبارات باید جوری باشه که ما بحث شناسایی و غربالگری افراد رو به صورت تخصصی انجام بدیم و تو روستاهایی که ظرفیتشو داره هم از نظر جمعیت هم از نظر ظرفیت صنایع دستی با کمک دهیار اون روستا حداقل یه شرکت تعاونی تو این چنین روستاهایی تأسیس بشه و تمام روستا تحت پوشش اون شرکت تعاونی قرار بگیرن چون ما با محدودیت‌هایی که داریم نمی‌تونیم همه ظرفیت‌ها رو در همه روستاها شناسایی کنیم و باید تعاونی باشه در روستاهای با ظرفیت</p>
<p>قیمت‌ها رو متناسب با افزایش مواد اولیه نمی‌توان افزایش داد، به دلیل هنر سهمی از درآمد خانوار ندارد</p>	<p>از درآمد و فروش از وقتی گرونی آمده راضی نیستیم. در سال ۹۴ کیلو نخ ۱۷ بود، الان ۱۲۵ هست و نخ رنگی ۲۳ بود که شده ۱۴۵. اون موقع جفت حوله کلی می‌فروختیم جفت ۹ تومن خونگی، جفت ۱۲ تومن. الان حوله دست و صورت شده ۶۰ تومن و حوله حمام از ۲۰ رسیده به ۱۳۰ و درصد سود ما نسبت به اون وقت خیلی کم شده و قیمت رو نمی‌شه برد بالا چون قدرت خرید کم شده</p>

<p>به دلیل سفارشی کار کردن، نیاز به تبلیغات و بازاریابی در بین هنرمندان وجود ندارد.</p>	<p>الان خیلیا نمی بافن میگن بازار فروشی نداره و میگن صبر می کنیم هر وقت کسی سفارش داد می بافیم من تولیداتم رو ادامه می دم و مجبورم محصولم رو با قیمت پایین تر حتی بدم</p>
<p>سفارش هست اما به دلیل کمبود نیروی انسانی قبول نمی کنیم</p>	<p>در بشرویه حوله بافی خیلی بیشتر است . چون نخ آن پنبه است، فروش بیشتری دارد . برای انجام پخل بافی نیرو کم داریم چون دستمزد کم است و علاقه هم نیست. از تهران تعداد زیاد پخل سفارش می دهند اما چون نیرو ندارم نمی توانم جواگو باشم. درآمد زیاد نیست اما ما قانع هستیم .</p>
<p>خام فروشی مواد اولیه صنایع دستی به استان های دیگر</p>	<p>کار ما گران تر از فردوس است آن ها سنگ را رایگان می آورند، ما باید بخریم. برای همین باید قیمتی بزنیم که به صرفه باشد.</p>
<p>خیلی از تولیدات هنرمندان به دلیل عدم شناخت و آگاهی مردم از استان خارج می شود.</p>	<p>مردم خیلی از سنگ ها را نمی شناسند. مثلا اکثر افراد فیروزه می خواهند اما هنوز خود فیروزه را نمی شناسند</p>
<p>تعطیل شدن صنایع مس و قلم زنی طیس به دلیل عدم رغبت هنرمندان به گرفتن شاگرد</p>	<p>در زمان قدیم همه مسگر بودند و اصول خاص خود را داشتند. مثلا به دست چپ یاد نمی دادند یا از پدر به پسر یا به کسی یاد می دادند که متدین باشد. البته این قانون کل مسگرهای ایران است .</p>
<p>سختی و تلاش تولیدات بسیاری از محصولات دستی از درآمد هنرمند بیشتر شده است</p>	<p>برک هم مواد اولیه ش گرون هست و گرنه خوبه. ممکنه به شال گردن برک ۳۰۰، ۴۰۰ هزار دربیا. به نظرم به خاطر گرونیش الان بازار نمی پسندند برک رو و هم ناشناختگیش.</p>

بر اساس عبارات معنایی استخراج شده از مصاحبه ها، ۱۴۷ مفهوم شناسایی شد که مبنای ما برای سایر کدگذاری ها می باشد.

مرحله ۳: یکپارچه سازی مفاهیم

در این مرحله مفاهیم شناسایی شده در مرحله قبل مورد غربال گری مجدد قرار گرفت و مفاهیم تا اندازه ای یکپارچه شدند. در جدول زیر نمونه ای از نتایج این یکپارچه سازی بیان شده است.

جدول ۲. یکپارچه‌سازی کد اولیه (مفاهیم اولیه) مستخرج از عبارات معنایی

کد یکپارچه شده	کد اولیه (مفاهیم اولیه)
عدم به‌روزرسانی و بازنگری در رشته‌های صنایع دستی	قارت‌بافی، جزو صنایع‌دستی ثبت نشده اما دارای مزیت هست.
	مجاز نداشتن بعضی از رشته‌های دارای مزیت
	فعال نبودن بعضی از رشته‌های مجوزدار در قائن
	عدم هم‌خوانی بین رشته‌های ثبتی و فعال در قائن
تصویر ذهنی مثبت از کیفیت و مواد اولیه صنایع‌دستی استان	مواد اولیه، رنگ و شیوه تولید نسبت به استان‌های دیگر متمایز می‌باشد.
	سفره آردی قائن تنها صنایع‌دستی با نشان ملی مرغوبیت کالا
	متفاوت بودن و داشتن مزیت بعضی از صنایع از جمله جاجیم بافی، سفره آردی، پلاس‌بافی، قارت‌بافی در مواد اولیه، رنگ و شیوه تولید نسبت به شهرستان‌های دیگر
درآمد پایدار و مستمر در شرایط خشک‌سالی برای خانواده‌ها	حضور متوالی در جشنواره‌های صنایع‌دستی و اهدای مدال مرغوبیت کالا
	پایدار بودن صنایع‌دستی از شوک‌های اقتصادی به‌دلیل نیاز و داشتن تقاضای بومی
اشتغال و فعالیت اکثریت خانوارها در تولید صنایع‌دستی	ایجاد اشتغال پایدار برای خانم‌های سرپرست و تحت پوشش از طریق توسعه آموزش صنایع‌دستی
کاهش رغبت مردم به خرید صنایع‌دستی با افزایش سطح قیمت‌ها	افزایش هزینه‌ها و بالا رفتن قیمت محصولات دستی
	کم شدن تقاضا به‌دلیل کاهش قدرت خرید مردم
	قیمت‌ها رو متناسب با افزایش مواد اولیه نمی‌توان افزایش داد، به‌دلیل اینکه هنر سهمی از درآمد خانوار ندارد
ارتباط پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع‌دستی	به‌روزرسانی صنایع با سبک زندگی امروزی همانند سفره آردی
	ارتباط پذیر کردن صنایع‌دستی با نیازهای مصرفی و تزئینی
	هر چقدر زمان می‌گذرد، توجه و علاقه مردم به صنایع‌دستی بیشتر می‌شود
	سبک زندگی امروزی با صنایع‌دستی در هم آمیخته است
	جوان‌های امروزی بیشتر ارزش هنر را درک می‌کنند
جایگاه‌یابی و احیای صنایع‌دستی با کاربردهای تزئینی و مصرفی جدید	ارزش هنر الان بیشتر درک می‌شود
	جایگاه‌یابی صنایع با کاربردهای چندگانه مثلا سفره آردی برای رو میزی، پادری و روفرشی
	در گذشته هنر فقط جنبه مصرفی داشت، الان کاربردهای مختلف پیدا کرده.
	مصرفی، تزئینی و درمانی
	قلم‌زنی طیس به‌دلیل عدم تمایل هنرمندان به پذیرش شاگرد تعطیل شده است
	احیای هنرهای منسوخ شده با کاربری‌های جدید

براساس نتایج حاصل از این مرحله ۱۴۷ مفهوم شناسایی شده در مرحله اول براساس قرابت معنایی و مفهومی در قالب ۶۰ کد یکپارچه قرار گرفتند.

مرحله ۴: جستجوی تم‌ها

تم یک الگو است که بار معنایی جالب توجهی را در مورد داده‌ها یا سؤال پژوهش دربر دارد. براساس توضیح براون و کلارک (2006)، قوانین محکم و روشنی در مورد اینکه چه چیزی یک تم را می‌سازد، وجود ندارد و یک تم، با اهمیت آن مشخص می‌شود. اگر مجموعه داده‌ای بسیار کوچک مانند یک گروه کانونی کوچک داشته باشید، بین مرحله کدگذاری و مرحله شناسایی تم‌های اولیه ممکن است هم‌پوشانی قابل توجهی وجود داشته باشد. مرحله جستجوی تم‌ها، کنکاش برای یافتن تم‌هایی (فرعی) است که یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی را در بر گیرد؛ تم‌های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش دهد. ۶۰ کد یکپارچه شناسایی شده در مرحله قبل در این مرحله وضعیت آن‌ها در قالب چهار دسته ضعف، قوت، تهدید و فرصت دسته‌بندی شدند.

جدول ۳. نمونه‌ای از تم‌های اولیه

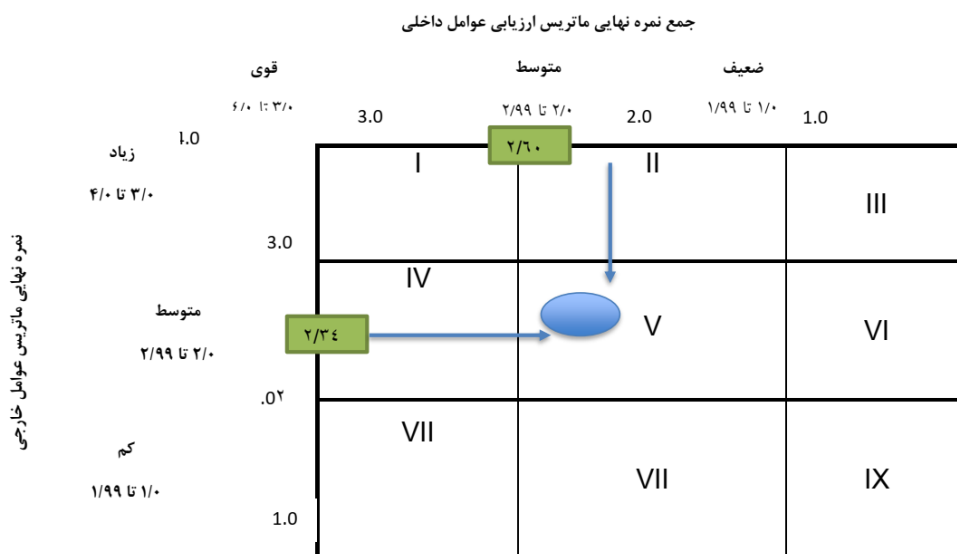
وضعیت متغیر در SWOT	تم‌های اولیه
ضعف	عدم به‌روزرسانی و بازنگری در صدور مجوز رشته‌های صنایع‌دستی
فرصت	تصور ذهنی مثبت و نشان مرغوبیت کیفیت محصولات و مواد اولیه صنایع‌دستی استان در کشور
فرصت	ایجاد درآمد پایدار و مستمر در شرایط خشک‌سالی برای خانواده‌ها
فرصت	اشتغال و فعالیت اکثریت خانوارها در تولید صنایع‌دستی
تهدید	کاهش رغبت مردم به خرید صنایع‌دستی با افزایش سطح قیمت‌ها
فرصت	ارتباط پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع‌دستی
قوت	جایگاه‌یابی و احیای صنایع‌دستی با کاربردهای تزئینی و مصرفی جدید
قوت	کارگاهی شدن و استفاده از تکنولوژی در فرایند تولید
ضعف	نوآوری بدون توجه به کشش بازار
تهدید	نگاه سیاسی به هنردر تخصیص اعتبار و بودجه
ضعف	کاهش تولید مواد اولیه و تامین آن از خارج استان
تهدید	سرمایه‌گذاری کم در صنایع زیر ساخت و تبدیلی
تهدید	صدور مجوز و اعطای تسهیلات به افراد عدم واجد شرایط
ضعف	کمبود کارشناس‌های متخصص مبتنی با رشته‌های فعال و مزیت‌دار استان
ضعف	قیمت‌گذاری بدون توجه به ارزش متصور شده
ضعف	قانع بودن هنرمند به حداقل‌ها
ضعف	عدم توجه به جانشین پروری و تربیت هنرمند
تهدید	عدم برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی در دو سال اخیر
تهدید	فیلترینگ و ایجاد محدودیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی
تهدید	مقاومت و عدم تمایل فروش محصولات دستی بومی توسط فروشندگان محلی
ضعف	ناتوانی هنرمند در پرداخت اقساط به‌دلیل عدم فروش پایدار
تهدید	عدم تمایل بانک به پرداخت تسهیلات به‌دلیل فروش فصلی و ناپایدار
تهدید	رفت‌وآمدها و بازدیدهای مسئولین تنها معطوف به گرفتن یک عکس تبلیغاتی می‌باشد
ضعف	تولید محصولات بدون نام نشان تجاری یا انتخاب نام‌های بدون قابلیت توسعه در آینده
قوت	توانایی و ظرفیت آزاد برای بالا بردن حجم تولید
ضعف	عدم تناسب بین تلاش و درآمد هنرمند
ضعف	نداشتن برجسب در محصولات دستی
ضعف	پایین آوردن ارزش هنر با توزیع از طریق کانال غیر تخصصی
قوت	انعطاف‌پذیری بودن ساعت کاری با تولید کارگاهی
ضعف	تجربی کار بودن هنرمندان
ضعف	نداشتن دفتر مرکزی فروش و دفاتر نمایندگی در شهرستان‌ها
ضعف	تولید به‌صورت سفارشی انجام می‌شود
تهدید	ورود محصولات کارخانه‌ای و فانتزی
ضعف	جانمایی و اثربخشی پایین تابلوهای تبلیغاتی تدارک دیده شده
ضعف	نیود بازارچه‌های دائمی در مسیر تردد‌های بین شهری
ضعف	عدم برندسازی در روستا و شهرها از طریق صنایع مزیت‌دار

وضعیت متغیر در SWOT	تم‌های اولیه
تهدید	کم‌توجهی به ساخت برنامه‌های مستند و مکلف کردن اداره‌جات و هتل‌ها به ایجاد ویتروینی در لابی‌ها برای نمایش و معرفی صنایع دستی استان
تهدید	جایگاه هنر در نزد مردم و مسئولین نسبت به سایر استان‌ها پایین‌تر می‌باشد
تهدید	عدم ایجاد رشته‌های دانشگاهی متناسب با صنایع فعال و مزیت‌دار
تهدید	کاهش سود هنرمند و افزایش قیمت به دلیل حلقه‌های متعدد دلال
ضعف	عدم توانایی مالی هنرمند در نگهداری ویتروینی از کارهایش برای نمونه
ضعف	کارگاه‌های ایجاد شده از حداقل امکانات رفاهی بی‌بهره هستند.
فرصت	استعدادهای بالقوه مردم در هنر
ضعف	نیود برنامه‌های برای استعدادیابی و بالفعل کردن هنر
قوت	شکل‌گیری تعاونی‌ها و به عضویت در آوردن هنرمندان
ضعف	امکانات و پرسنل کم میراث در شهرستان‌ها
تهدید	عدم جایگاه‌یابی درست هنر در ایران نسبت به دنیا
ضعف	ناتوانی هنرمندان در تهیه بسته‌های تبلیغاتی به تعداد و یکسان
ضعف	ویتروینی‌گردی و سایت‌گردی کم هنرمند
تهدید	ناتوانی مسئولین در جذب گردشگر خارجی و تعریف مسیرهای گردشگری
ضعف	حضور در نمایشگاه‌ها صرفاً برای فروش
ضعف	عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی در تولید
ضعف	عدم رونق در بازارچه‌های فروش به دلیل عدم فعالیت‌های پیشبردی
تهدید	عدم همکاری و یکپارچه‌سازی خدمات بین سازمان‌های حمایتی و کارآفرین
ضعف	جهت‌گیری و بروکراسی شدید اداری در سازمان صنایع دستی
تهدید	عدم علاقه به مهارت‌آموزی در بعضی از صنایع همچون برک‌بافی، تنورسازی و مس‌گری
ضعف	عدم مدیریت تأمین مواد اولیه
ضعف	عدم رغبت به پذیرش شاگرد به دلیل باورها و اعتقادات خاص هنرمندان طیس در قلم‌زنی و مس‌گری
تهدید	سوءاستفاده سوداگران و نظارت ضعیف مسئولین و دانش کم مردم باعث تعطیلی صنایع مس‌گری و قلم‌زنی و برک‌بافی شده است
ضعف	عدم استفاده از کمین‌گاه‌های رقیب در معرفی و شناساندن محصولات دستی استان

تحلیل SWOT فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی

در این مرحله، ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و داخلی تشکیل شد. در تکمیل جدول ارزیابی عوامل خارجی، با توجه به میزان اهمیت و حساسیت هر عامل، با مقایسه این عوامل با یکدیگر، ضریب اهمیتی بین صفر تا یک (۰-۱) به آن عامل اختصاص داده شد. تخصیص این ضرایب باید به گونه‌ای صورت گیرد که مجموع ضرایب هر عامل بیش از ۱ نباشد. در پی بررسی این ماتریس فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه بازار تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی شناسایی شد. همچنین در تکمیل جدول ارزیابی عوامل داخلی، به همین ترتیب اقدام شد و در

پی بررسی این ماتریس قوت‌ها و ضعف‌های توسعه بازار تولیدات مزیت دار صنایع دستی استان خراسان جنوبی شناسایی شد. شکل زیر تحلیل وضعیت استراتژیک صنایع دستی مزیت دار بر اساس جمع نهایی نمره ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. تحلیل وضعیت استراتژیک صنایع دستی مزیت دار براساس جمع نهایی

نمره ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

جمع نمره به دست آمده از حاصل ضرب ضریب اهمیت در رتبه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی ۲/۳۴ می‌باشد، یعنی ما نتوانستیم به خوبی از فرصت‌ها بهره برداری و تهدیدها را دفع نماییم، همچنین جمع نمره نهایی ماتریس ارزیابی عوامل داخلی برابر با ۲/۶۰ است، یعنی وضعیت صنایع دستی مزیت دار از لحاظ ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها (قوت و ضعف)، محدودیت‌ها بیشتر از قوت‌ها می‌باشد. در ادامه، استراتژی‌های کاربردی به مدیران و هنرمندان با هدف توسعه بازار صنایع دستی مزیت دار براساس تحلیل ماتریس SWOT بیان می‌شود.

جدول ۴. راهبردهای کاربردی به راهکار در جهت توسعه بازار صنایع دستی

مزیت‌دار براساس تحلیل ماتریس SWOT

ضعف‌ها:	قوت‌ها:	عوامل داخلی
<p>W1: عدم بروز رسانی و بازنگری در صدور مجوزها</p> <p>W2: نوآوری بدون توجه به کشش بازار</p> <p>W3: کمبود کارشناس‌های متخصص مبتنی با رشته</p> <p>W4: قیمت‌گذاری بدون توجه به ارزش متصور شده</p> <p>W5: قانع بودن هنرمند به حداقل‌ها</p> <p>W6: عدم توجه به جان‌سختی‌پروری و تربیت هنرمند</p> <p>W7: ناتوانی هنرمند در پرداخت اقساط به دلیل عدم فروش</p> <p>W8: تولید محصولات بدون نام نشان تجاری</p> <p>W9: عدم تناسب بین تلاش و درآمد هنرمند</p> <p>W10: نداشتن برچسب در محصولات دستی</p> <p>W11: پایین آوردن ارزش هنر با توزیع نامناسب</p> <p>W12: تجربی کار بودن هنرمندان</p> <p>W13: نداشتن دفتر مرکزی فروش و دفاتر نمایندگی</p> <p>W14: تولید به صورت سفارشی انجام می‌شود</p> <p>W15: جانمایی و اثربخشی پایین تابلوهای تبلیغاتی</p> <p>W16: نبود بازارچه‌های دائمی در مسیر تردهای بین شهری</p> <p>W17: عدم برندسازی در روستا و شهرها</p> <p>W18: عدم توانایی مالی هنرمند در نگهداری نمونه‌های تولیدی</p> <p>W19: حداقل امکانات رفاهی در کارگاه‌ها ایجاد شود.</p> <p>W20: نبود برنامه‌هایی برای استعدادیابی و بالفعل کردن هنر</p> <p>W21: امکانات و پرسنل کم میراث در شهرستان‌ها</p> <p>W22: ناتوانی هنرمندان در تهیه بسته‌های تبلیغاتی</p> <p>W23: ویتترین‌گردی و سایت‌گردی کم هنرمند</p> <p>W24: حضور در نمایشگاه‌ها صرفاً برای فروش</p> <p>W25: عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی در تولید</p> <p>W26: عدم رونق در بازارچه‌های فروش</p> <p>W27: جهت‌گیری و بروکراسی شدید اداری</p> <p>W28: عدم مدیریت تامین مواد اولیه</p> <p>W29: عدم رغبت به پذیرش شاگرد به دلیل باورها و اعتقادات خاص هنرمندان طبعی در قلم‌زنی و مس‌گری</p> <p>W30: عدم استفاده از کمین‌گاه‌های رقیب برای معرفی</p>	<p>S1: توانایی و ظرفیت آزاد برای بالا بردن حجم تولید</p> <p>S2: جایگاه‌یابی و احیای صنایع دستی با کاربردهای تزئینی و مصرفی جدید</p> <p>S3: کارگاهی شدن و استفاده از تکنولوژی در فرایند تولید</p> <p>S4: انعطاف‌پذیر بودن ساعت کاری با تولید کارگاهی</p> <p>S5: شکل‌گیری تعاونی‌ها و به عضویت درآوردن هنرمندان</p> <p>S6: حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی</p> <p>S7: حضور مستمر در نمایشگاه‌های بازرگانی</p> <p>S8: استعداد خدادادی در هنر و صنایع دستی</p> <p>S9: دریافت مدال کیفیت و تمیزی انجام کار</p>	<p>عوامل خارجی</p>
<p>WO1: استفاده از علاقه‌مندی مردم برای شناسایی و زنده کردن هنرهای قدیمی</p> <p>WO2: استفاده از ظرفیت‌های نمایشگاه و شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط‌سازی و خلق محصولات جدید</p> <p>WO3: اصلاح روش قیمت‌گذاری براساس ارزش متصور شده از طرف مشتری</p> <p>WO4: بالا بردن انگیزه و انتظارات هنرمندان برای تولید بیشتر</p>	<p>SO1: استفاده از فعالیت‌های پیشبردی جهت برجسته‌سازی تمایز و ایجاد بازارهای جدید</p> <p>SO2: افزایش انگیزه هنرمندان برای بالا بردن ظرفیت تولیدی</p> <p>SO3: تشویق کارفرمایان به شناور کردن ساعت کاری هنرمندان</p> <p>SO4: برپایی نمایشگاه‌های محلی و بین‌المللی</p>	<p>فرصت‌ها:</p> <p>O1: تصویر ذهنی مثبت از کیفیت محصولات و مواد اولیه</p> <p>O2: ایجاد درآمد پایدار و مستمر در شرایط خشک‌سالی</p> <p>O3: اشتغال و فعالیت اکثریت خانوارها در تولید صنایع دستی</p>

<p>WO5: حمایت‌های تشویقی برای پذیرش هنرآموز جهت تربیت هنرمندان برای رشته‌های تعطیل شده اما مزیت دار WO6: تشویق و آموزش هنرمندان برای ارائه محصولات با علامت تجاری WO7: برند کردن روستاها و شهرها براساس صنایع مزیت‌دار WO8: برگزاری جشن و جشنواره‌های فروش صنایع در بازارچه‌ها</p>	<p>S5: فراهم آوردن زیرساخت‌ها برای حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی S6: تشویق هنرمندان به تولید کارگاهی و فرایندی S7: بالفعل کردن استعداد‌های مردم در هنر S8: نوآوری در محصولات متناسب با سبک زندگی جوانان</p>	<p>O4: ارتباط‌پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع‌دستی O5: استعداد‌های بالقوه مردم استان در هنر</p>
<p>WT1: آموزش برای حضور موثر تر در نمایشگاه‌ها WT2: بالا بردن دانش هنرمندان از طریق ایجاد رشته‌های دانشگاهی WT3: شناسنامه‌دار کردن هنر برای جلوگیری از سوءاستفاده دلالان WT4: بالا بردن تولید از طریق فرهنگ‌سازی و ثبت ملی WT5: ارتقای دانش مسئولین از تأثیر هنر در اقتصاد و اشتغال پایدار WT6: بالا بردن ظرفیت تولیدی هنرمند با مکلف کردن هتل‌ها، بوم‌گردی‌ها و اداره‌ها به تهیه ویتیرینی از صنایع در لایه‌ها سازمان</p>	<p>ST1: ارائه تسهیلات به مردم برای خرید صنایع‌دستی ST2: داشتن برنامه استراتژیک برای توسعه ST3: صدور مجوز براساس استعدادیابی ST4: ایجاد فروشگاه‌های آنلاین ST5: هدفمند کردن دید و بازدیدها ST6: تخصیص تایم و ستون در رسانه‌ها برای معرفی ST7: ترویج جایگاه هنر در بین مسئولین و مردم</p>	<p>تهیه‌دها: T1: کاهش رغبت مردم به خرید صنایع‌دستی با افزایش سطح قیمت‌ها T2: نگاه سیاسی به هنر در تخصیص اعتبار و بودجه T3: سرمایه‌گذاری کم در صنایع زیرساخت و تبدیلی T4: صدور مجوز و اعطای تسهیلات به افراد عدم واجد شرایط T5: عدم برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی در دو سال اخیر T6: فیلترینگ و ایجاد محدودیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی T7: مقاومت و عدم تمایل فروش محصولات دستی بومی توسط فروشندهگان محلی T8: عدم تمایل بانک به پرداخت تسهیلات به دلیل فروش فصلی و ناپایدار T9: رفت‌وآمدها و بازدیدهای مسئولین تنها معطوف به گرفتن یک عکس تبلیغاتی می‌باشد T10: ورود محصولات کارخانه‌ای و فانتزی T11: کم‌توجهی در ساخت برنامه‌های مستند و مکلف کردن اداره‌ها و هتل‌ها به ایجاد ویتیرینی در لایه‌ها برای نمایش و معرفی صنایع‌دستی استان T12: جایگاه هنر در نزد مردم و مسئولین نسبت به سایر استان‌ها پایین‌تر می‌باشد T13: عدم ایجاد رشته‌های دانشگاهی متناسب با صنایع فعال و مزیت‌دار T14: کاهش سود هنرمند و افزایش قیمت به دلیل حلقه‌های متعدد دلال T15: عدم جایگاه‌یابی درست هنر در ایران نسبت به دنیا</p>

		<p>T16: ناتوانی مسئولین در جذب گردشگر خارجی و تعریف مسیرهای گردشگری</p> <p>T17: عدم همکاری و یکپارچه‌سازی خدمات بین سازمان‌های حمایتی و کارآفرین</p> <p>T18: عدم علاقه به مهارت آموزی در بعضی از صنایع همچون برک بافی، تنور سازی و مس‌گری</p> <p>T19: سوء استفاده سوداگران و نظارت ضعیف مسئولین و دانش کم مردم باعث تعطیلی صنایع مس‌گری و قلمزنی و برک بافی شده است</p>
--	--	---

۴. بحث و نتیجه‌گیری

صنایع دستی منحصر به فرد بودن فرهنگ یک کشور و فرهنگ غنی آن را نشان می‌دهد. علاوه بر این به دلیل ارزش خارجی که کسب می‌کند، با سرمایه‌گذاری‌های کم و ارزش افزوده بالا حائز اهمیت است و توجه به این بخش خصوصاً بحث فروش این صنایع ضرورت دارد، لذا در پژوهش حاضر استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات مزیت‌دار صنایع دستی استان خراسان مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج پژوهش ۵ فرصت، ۱۹ تهدید، ۹ ظرفیت (قوت) و ۳۰ محدودیت (ضعف) شناسایی شد.

در این پژوهش مؤلفه‌های ارتباط‌پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع دستی، ایجاد درآمد پایدار و مستمر در شرایط خشک‌سالی برای خانواده‌ها، اشتغال و فعالیت اکثریت خانوارها در تولید صنایع دستی، تصویر ذهنی مثبت از کیفیت محصولات و مواد اولیه صنایع دستی استان در کشور و استعدادهای بالقوه مردم استان در هنر به عنوان با اهمیت‌ترین فرصت‌های صنایع دستی مزیت‌دار استان انتخاب شدند. در زمینه تحلیل استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات با استفاده از روش SWOT پژوهشی انجام نشده است اما در برخی پژوهش‌ها بعضی از فرصت‌های شناسایی شده در این پژوهش به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه بازار شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به عامل توانمندسازی خانوارهای کم‌درآمد در پژوهش بوزرجمهری و اسلام فرد (۱۳۹۶) اشاره کرد.

در پژوهش حاضر (براساس شکل ۲) مؤلفه‌های عدم برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی در دو سال اخیر، نگاه سیاسی به هنر در تخصیص اعتبار، فیلترینگ و ایجاد محدودیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی، کم‌توجهی در ساخت برنامه‌های مستند و مکلف کردن اداره‌ها و هتل‌ها به ایجاد ویتروینی در لابی‌ها برای نمایش و معرفی صنایع‌دستی استان، پایین‌تر بودن جایگاه هنر در نزد مردم و مسئولین نسبت به سایر استان‌ها، کاهش رغبت مردم به خرید صنایع‌دستی با افزایش سطح قیمت‌ها، ورود محصولات کارخانه‌ای و فانتزی، عدم جایگاه‌یابی درست هنر در ایران نسبت به دنیا، ناتوانی مسئولین در جذب گردشگر خارجی و تعریف مسیرهای گردشگری، سرمایه‌گذاری کم در صنایع زیرساخت و تبدیلی، کاهش سود هنرمند و افزایش قیمت به دلیل حلقه‌های متعدد دلال، عدم ایجاد رشته‌های دانشگاهی متناسب با صنایع فعال و مزیت‌دار، سوءاستفاده سوداگران و نظارت ضعیف مسئولین و دانش کم مردم باعث تعطیلی صنایع مس‌گری و قلم‌زنی و برک‌بافی شده است، مقاومت و عدم تمایل فروش محصولات دستی بومی توسط فروشندگان محلی، عدم علاقه به مهارت‌آموزی در بعضی از صنایع همچون برک‌بافی، تنورسازی و مس‌گری، عدم همکاری و یکپارچه‌سازی خدمات بین سازمان‌های حمایتی و کارآفرین، عدم تمایل بانک‌ها به پرداخت تسهیلات به دلیل فروش فصلی و ناپایدار، تبلیغاتی بودن بازدهی‌های مسئولین، صدور مجوز و اعطای تسهیلات به افراد عدم واجد شرایط به عنوان با اهمیت‌ترین تهدیدهای صنایع‌دستی مزیت‌دار استان انتخاب شدند. در زمینه تحلیل استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات با استفاده از روش SWOT پژوهشی انجام نشده است اما در برخی پژوهش‌ها بعضی از تهدیدهای شناسایی شده در این پژوهش به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه بازار شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به عامل بالابودن قیمت تمام شده و عدم سرمایه‌گذاری کلان در بخش صنایع‌دستی در پژوهش امیدی و همکاران (۱۳۹۴)؛ آشتی با دانش صنایع‌دستی در پژوهش کریمی و محمودیه (۱۳۹۸)؛ افزایش دانش فروشندگان در پژوهش امیری عقدایی و زارع زردبینی (۱۳۹۳) و همکاری پایدار و مستمر بین شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی و دولتی در پژوهش کومارا تسیتسو و کاراچالیس (2021) اشاره کرد.

مؤلفه‌های جایگاه‌یابی و احیای صنایع دستی با کاربردهای تزئینی و مصرفی جدید، حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی، حضور مستمر در نمایشگاه‌های بازرگانی، کارگاهی شدن و استفاده از تکنولوژی در فرایند تولید، شکل‌گیری تعاونی‌ها و به عضویت درآوردن هنرمندان، دریافت مدال کیفیت و تمیزی انجام کار، توانایی و ظرفیت آزاد برای بالا بردن حجم تولید، انعطاف‌پذیر بودن ساعت کاری با تولید کارگاهی و استعداد خدادادی در هنر و صنایع دستی به‌عنوان بااهمیت‌ترین قوت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه صنایع دستی مزیت‌دار استان انتخاب شدند. در زمینه تحلیل استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات با استفاده از روش SWOT پژوهشی انجام نشده است اما در برخی پژوهش‌ها بعضی از قوت‌های شناسایی شده در این پژوهش به‌عنوان عوامل مؤثر بر توسعه بازار شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به عامل نوآوری در پژوهش جونز و همکاران (2021)؛ خلق مشترک محصولات غذایی جدید با ذهن مصرف‌کنندگان در پژوهش بی‌کام و همکاران (2021)؛ اجرای برنامه‌های جدید در پژوهش کومارا تسیتسو و کاراچالیس (2021) و شبکه اجتماعی در پژوهش نوبخت و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد.

در این پژوهش مؤلفه‌های قیمت‌گذاری بدون توجه به ارزش متصور شده، قانع بودن هنرمند به حداقل‌ها، تولید محصولات بدون نام نشان تجاری یا انتخاب نام‌های بدون قابلیت توسعه در آینده، پایین آوردن ارزش هنر با توزیع از طریق کانال غیر تخصصی، نبود بازارچه‌های دائمی در مسیر تردد‌های بین شهری، عدم برندسازی در روستا و شهرها از طریق صنایع مزیت‌دار، عدم توانایی مالی هنرمند در نگهداری ویتیرینی از کارهایش برای نمونه، نداشتن دفتر مرکزی فروش و دفاتر نمایندگی در شهرستان‌ها، حضور در نمایشگاه‌ها صرفاً برای فروش، عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی در تولید، عدم رونق در بازارچه‌های فروش به‌دلیل عدم فعالیت‌های پیش‌بردی، عدم توجه به جانشین‌پروری و تربیت هنرمند، عدم تناسب بین تلاش و درآمد هنرمند، نداشتن برچسب در محصولات دستی، جانمایی و اثربخشی پایین تابلوهای تبلیغاتی تدارک دیده شده توسط سازمان بی‌بهره بودن، کارگاه‌های ایجاد شده از حداقل امکانات رفاهی، نبود برنامه‌هایی برای استعدادیابی و بالفعل کردن هنر، ویتیرین‌گردی و سایت‌گردی کم هنرمند، عدم رغبت به پذیرش شاگرد به دلیل باورها و اعتقادات خاص هنرمندان طبس در قلم‌زنی و مس‌گری، عدم به‌روزرسانی و بازنگری در صدور مجوز رشته‌های صنایع دستی، نوآوری بدون توجه به کشش بازار، کمبود کارشناس‌های

متخصص مبتنی با رشته‌های فعال و مزیت‌دار استان، ناتوانی هنرمند در پرداخت اقساط به دلیل عدم فروش پایدار، تجربی کار بودن هنرمندان، تولید سفارشی، امکانات و پرسنل کم میراث در شهرستان‌ها، ناتوانی هنرمندان در تهیه پک‌های تبلیغاتی به تعداد و یکسان، جهت‌گیری و بروکراسی شدید اداری در سازمان صنایع‌دستی، عدم مدیریت تأمین مواد اولیه، عدم استفاده از کمین‌گاه‌های رقیب در معرفی و شناساندن محصولات دستی استان به‌عنوان بااهمیت‌ترین ضعف‌های تولیدات مزیت‌دار صنایع‌دستی استان انتخاب شدند. در زمینه تحلیل استراتژی‌های توسعه بازار فروش تولیدات با استفاده از روش SWOT پژوهشی انجام نشده است اما در برخی پژوهش‌ها بعضی از ضعف‌های شناسایی شده در این پژوهش به‌عنوان عوامل مؤثر بر توسعه بازار شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به عامل استفاده از راهبرد قیمت‌گذاری در پژوهش بوزرجمهری و اسلام‌فرد (۱۳۹۶)؛ استفاده از استراتژی‌های قیمت‌گذاری و تبلیغاتی مناسب در پژوهش بیکام و همکاران (2021)؛ برندینگ در پژوهش آقاییاری (۱۳۹۷)؛ استراتژی برند در پژوهش هانگ و وانگ^۱ (2011)؛ نبودن برند قدرتمند و شناخته شده، پایین بودن سطح سفارشی-سازی محصول و تبلیغات ناکافی و فعالیت‌های محدود و مقطعی ترویجی و نبود بازارچه‌های متمرکز و یکپارچه ملی در پژوهش امیدی و همکاران (۱۳۹۴)؛ عامل فرهنگی در پژوهش محبوبی و بادآهنگ گله بچه (۱۳۹۸) و استفاده از مواد اولیه مرغوب در پژوهش بوزرجمهری و اسلام‌فرد (۱۳۹۶) اشاره کرد. در ادامه پیشنهادهای کاربردی برای سازمان میراث فرهنگی و صنعتگران ارائه می‌گردد.

پیشنهادهای کاربردی

به‌منظور ایجاد درآمد پایدار و مستمر در شرایط خشک‌سالی برای خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود: با ارائه تسهیلات و تجهیزات زمینه حضور حداکثری مردان، زنان و جوانان را برای آموزش و یادگیری هنر فراهم نمود؛ ۲- با ایجاد تعاونی‌های روستایی ضمانت‌های لازم برای خرید و در اختیار قرار دادن مواد اولیه به قیمت تعاونی فراهم گردد؛ ۳- فراهم کردن بستری برای بیمه کردن هنرمندان؛ با تشکیل تیم‌های استعدادیابی از سازمان میراث، شهرداری، دهیاری‌ها، شوراها

و سازمان‌های حمایتی (کمیته امداد و بهزیستی) ظرفیت‌ها و محدودیت‌های افراد در روستاها شناسایی و متناسب با توان و علاقه مندی آن‌ها آموزش‌ها و حمایت‌های لازم انجام گردد. در جهت ارتباط پذیری بیشتر نسل جوان با صنایع دستی پیشنهاد می‌شود: مکلف کردن هنرمندان به شناسنامه‌دار کردن محصولات تولیدی؛ ۲- تعریف و جایگاه‌یابی کاربری‌های جدید متناسب با سبک زندگی جوانان؛ ۳- ارائه محصولات صنایع دستی با شیوه‌های قیمت‌گذاری تبعیضی.

برای افزایش رغبت مردم به خرید صنایع دستی پیشنهاد می‌شود: ۱- با برگزاری جشنواره‌های فروش، قیمت‌ها از طریق تولید به مصرف تعدیل شود؛ ۲- با شناسنامه‌دار کردن محصولات و برچسب‌گذاری روی محصولات، سودجویی دلالان به حداقل برسد؛ ۳- ارائه کوپن‌های تخفیف به مردم برای خرید صنایع دستی هنرمندان هدف؛ ۴- مدیریت زنجیره تأمین برای جلوگیری از سوء استفاده‌کنندگان و بازار سیاه راه انداختن مواد اولیه در جهت کاهش قیمت.

با توجه به نگاه سیاسی به هنر در تخصیص اعتبار و بودجه پیشنهاد می‌شود: ۱- برای حفظ جایگاه هنر لازم است سازمان میراث دارای یک برنامه استراتژیک باشد، تا هر مدیر در چهارچوب آن حرکت کند؛ ۲- ایجاد برنامه و فعالیت‌های پیشبردی در رسانه‌ها برای ترویج جایگاه هنر در اقتصاد و سیاست؛ ۳- ایجاد سازوکاری برای مکلف کردن دستگاه‌های اداری به تخصیص مبلغی از بودجه برای ترویج هنر و ارزش‌گذاری به جایگاه هنر؛ ۴- استفاده از مدیران فنی و فرهنگی به جای افراد سیاسی در مشاغل هنری.

با توجه به علاقه و نگرش مثبت جوانان به هنر، شیوه قیمت‌گذاری از حالت قیمت تمام شده به قیمت متصور شده از طرف مشتری تغییر پیدا کند. بدین منظور می‌بایست هر هنرمند یک مدیرفروش یا بازارباب داشته باشد، و با سنجش بازار، ارزشی را که مشتری برای در اختیار گرفتن محصول حاضر به پرداخت آن است به دست بیاورد، بعد قیمت محصول را تعیین کند، زیرا تعیین قیمت کمتر یا بیشتر از ارزش متصور شده، می‌تواند فروش را تحت‌تأثیر قرار دهد و هنرمندان متناسب با بخش‌بندی بازار برای رقابت‌پذیری و مزیت رقابتی از استراتژی‌های قیمت‌گذاری تعدیلی استفاده نمایند.

برای اینکه خود محصول بتواند زمینه فروش خود را فراهم کند، پیشنهاد می‌شود هنرمندان با تحقیقات بازاریابی با کمترین هزینه نیازهای آینده را پیش‌بینی و محصولاتی تولید کنند که پاسخگوی تقاضای بازار باشد، زیرا براساس فرصت‌های به‌وجود آمده نیاز به محصولات دستی نسبت به گذشته بیشتر شده است، اما از آنجا که کالای تولید از نظر رنگ و بافت و گاهی سایز هم‌خوان با نیاز مشتری نمی‌باشد، به فروش نمی‌رود و سرمایه هنرمندان را کد می‌ماند. همچنین پیشنهاد می‌شود نوآوری به جای تغییر در اندازه و یا رنگ باید در هسته محصول صورت گیرد تا بتواند مزیت رقابتی برای هنرمند ایجاد نماید که این امر نیازمند شناخت کامل بازار و مشتری می‌باشد.

با توجه به وجود ابزارهای مختلف فعالیت‌های پیشبردی توصیه می‌گردد به‌صورت یکپارچه و بر حسب شرایط و مشتری مناسب‌ترین ابزار انتخاب گردد، و هنرمند خود را محدود به یک ابزار ننماید.

با توجه به علاقه مردم به هنر و کاهش قدرت خرید، از طرف بانک‌ها با کمک دولت به‌صورت اقساطی و با تخفیف خرید تسهیل گردد. هنرمندان به‌جای افزایش قیمت، می‌توانند سودآوری خود را با تولید بیشتر و فروش بیشتر جبران نمایند.

مدیران با تربیت هنرمندان جوان و آموزش تجربیات خود به آن‌ها و انجام کار به‌صورت کارگاهی و فرایندی مدت زمان لازم برای تولید و هزینه تولید را از طریق بالا بردن مقیاس تولید مدیریت نمایند و با تولید محتوا و آگاهی بخشی به مردم مزایا و اثرات صنایع دستی نسبت به کارخانه‌ای را روشن‌گری نمایند.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- آرامش، حامد، یعقوبی، نورمحمد، مهدی بیگی، نجمه، و گرگیچ، مریم. (۱۳۹۸). مطالعه پیشران‌ها و راهبردهای بازاریابی آنلاین در توسعه صنایع دستی، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۱۸ (۳۷)، ۱۲۱-۱۲۹. <https://doi.org/10.29252/jbmp.18.37.121>
- امیری‌عقدایی، سیدفتح‌الله، و زارع‌زردبینی، حسین. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر بهبود و توسعه بازار گیاهان دارویی در ایران (مطالعه موردی: اصفهان). تحقیقات بازاریابی نوین، ۴ (۱)، ۱۹۵-۲۱۴.
- انوشه، مرتضی. (۱۳۹۴). طراحی مدل توسعه بازار صنایع کوچک و متوسط مورد مطالعه: صنایع غذایی استان تهران (پایان‌نامه دکتری مدیریت بازاریابی). دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران.
- امید، نبی، امید، محمدرضا، و محمدی، اسفندیار. (۱۳۹۴). شناسایی و بررسی موانع توسعه بازار داخلی صنایع دستی استان ایلام. فرهنگ/ایلام، ۱۶ (۴۸ و ۴۹)، ۱۳۲-۱۴۶.
- استراس، آنسلم، و کوربین، جولیت‌ام. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها (ترجمه بیوک محمدی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آقایاری، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت بازار صنایع دستی (داخلی و خارجی) مشکلات این بازار و راهکارهای توسعه و پیشرفت بازار این محصولات مطالعه موردی: صنایع دستی استان زنجان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازاریابی)، موسسه آموزش عالی کار (واحد خرمدره).
- بوزرجمهری، خدیجه، و اسلام‌فرد، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی موانع و مشکلات توسعه صنایع بومی روستایی (مطالعه موردی: قالی و گبه در شهرستان زریندشت). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۸ (۲)، ۱۹۷-۲۰۷. <https://civilica.com/doc/1428038>
- ثریایی، علی، و عطف، زهرا. (۱۳۹۳). شناسایی چالش‌های صنایع دستی و ارائه راهکارهای لازم (مطالعه موردی: صنایع دستی استان مازندران). ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ۱ (۲)، ۱۹-۳۶. <https://civilica.com/doc/406497>

- رحمان سرشت، حسین، و کریمی، غلامرضا. (۱۳۸۶). مدلی برای ارتباط راهبردهای توسعه بازار صادراتی با عملکرد شرکت‌های تولیدی صادر کننده محصولات غذایی در ایران. علوم مدیریت ایران، ۲ (۸)، ۷۵-۱۰۱. <https://sid.ir/paper/130381/fa>
- علیبیگی، امیرحسین، و رضوان، قمبرعلی. (۱۳۹۱). رده‌بندی معیارهای کیفیت گیوه از دیدگاه تولیدکنندگان استان کرمانشاه. دو فصلنامه جلوه هنر، ش ۷، ۵۹-۷۱. <https://doi.org/10.22051/jjh.2012.3>
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر "نظریه‌ی برپایه" (گراند تئوری GTM). تهران: آگاه.
- کریمی، آصف، و محمودیه، محمدرضا. (۱۳۹۸). طراحی مدلی برای توسعه بازار سفرهای هوایی ارزان قیمت در ایران. مدیریت فردا، ۱۸ (۵۸)، ۶۹-۹۲. [SID. https://sid.ir/paper/383650/fa](https://sid.ir/paper/383650/fa)
- محبوبی، محمدرضا، و باداهنگ گله‌بچه، احمد. (۱۳۹۸). عوامل بازدارنده کسب و کارهای توزیع محصولات و فرآورده‌های گیاهان دارویی در استان گلستان. تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران، ۳۶ (۱)، ۱۱۲-۱۲۹. <https://doi.org/10.22092/ijmapr.2020.126458.2571>
- نوبخت، فرزاد، احسانی، محمد، کوزه چیان، هاشم، و امیری، مجتبی. (۱۳۹۴). عوامل زمینه‌ای موثر بر موفقیت کسب و کارهای متوسط و کوچک ورزش کشور. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۴ (۲۸)، ۱-۱۸. <https://sid.ir/paper/510825/fa>
- واحدی، مرجان، و ناصری، ستار. (۱۳۹۴). سازوکارهای توسعه کسب و کارهای خانگی صنایع دستی برای زنان روستایی شهرستان ایلام، پژوهش‌های اقتصاد روستا، ۲ (۴)، ۱۰۱-۱۱۵.
- یعقوبی، مرتضی، سردار شهرکی، علی، و کرباسی، علیرضا. (۱۴۰۲). تحلیل موانع توسعه بازار تعاونی‌های صنایع دستی روستایی استان سیستان و بلوچستان. راهبردهای توسعه روستایی، ۱۰ (۴)، ۵۱۳-۵۴۰. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2023.359418.2046>

- Braun, V, & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 14, 77-101. DOI:10.1191/1478088706qp063oa
- Barnard, H. (2021). Host countries' level of development and internationalization from emerging markets: A typology of firm strategies. *Journal of International Management*, 27(3), 100828. DOI:10.1016/j.intman.2021.100828
- Beacom, E., Bogue, J, & Repar, L. (2021). Market-oriented Development of Plant-based Food and Beverage Products: A Usage Segmentation Approach. *Journal of Food Products Marketing*, 27(4), 204-222.
<https://doi.org/10.1080/10454446.2021.1955799>
- Ghosal, I., Prasad, B, & Behera, M. P. (2020). Delineating the exchange environment of handicraft industry from market space to marketplace: An inclusive map for RURBAN development. *Paradigm*, 24(2), 133-148.
DOI: 10.1177/0971890720959533
- Huang, Z. Z, & Wang, X. Y. (2011). Research on Silk Apparel Retail Marketing Development Strategy, *In Advanced Materials Research*, 175 & 176, 900-905. DOI:10.4028/www.scientific.net/AMR.175-176.900
- Jones, K. E., Van Assche, K, & Parkins, J. R. (2021). Reimagining craft for community development. *Local Environment*, 26(7), 908-920.
<https://doi.org/10.1080/13549839.2021.1939289>
- Koumara-Tsitsou, S, & Karachalis, N. (2021). Traditional products and crafts as main elements in the effort to establish a city brand linked to sustainable tourism: promoting silversmithing in Ioannina and silk production in Soufli, Greece, *Place Branding and Public Diplomacy*, 17, 257-267. DOI:10.1057/s41254-021-00200-y
- Kumar, D, & Rajeev, P.V. (2013). A New Strategic Approach For Marketing Of Handicraft Products. *International Journal of Applied Services Marketing Perspectives*, 2(3), 540-543.
- Lincoln, Y. S, & Guba, E. G. (1985). *Naturalism inquiry*. Newbury park: Sage.
- Maria, S., Darma, D. C, & Nurfadillah, M. (2019). The Factors that Affect Toward Performance and Cooperative Success. *Archives of Business Research*, 7(12), 219-232. DOI:10.14738/abr.712.7563
- Mairna, M. (2011). Potential of Sustaining Handicrafts as a Tourism Product in Jordan. *International Journal of Business and Social Science*, 2(2), 145-152.
- Min, S, & Kim, J. (2022). Effect of opportunity seizing capability on new market development and small and medium-sized enterprise performance: Role of environmental uncertainty in the IT industry. *Asia Pacific Management Review*, 27(2), 69-79. <https://doi.org/10.1016/j.apmr.2021.05.004>
- Moon, S, & Lee, S. H. (2020). A Strategy for Sustainable Development of Cooperatives in Developing Countries: The Success and Failure Case of Agricultural

Cooperatives in Musambira Sector, Rwanda. *Sustainability*, 12(20), 1-24. DOI:10.3390/su12208632

- Munawar, F., Rahayu, A., Disman, D., & Wibowo, L. (2019). The role of proactive market orientation and management commitment to internal resource on export performance of handicraft industry. *Management Science Letters*, 9(11), 1711-1722. DOI:10.5267/j.msl.2019.6.019

- Reuschl, A., Tiberius, V., Filser, M., & Qiu, Y. (2022). Value configurations in sharing economy business models. *Review of Managerial Science*, 16, 89-112. DOI:10.1007/s11846-020-00433-w

- Rundh, B. (2023). International expansion or stagnation: market development for mature products, *Asia-Pacific Journal of Business Administration*, 15(4), 626-645. <https://doi.org/10.1108/APJBA-11-2021-0560>

- Sharma, A., Dey, A. K., & Karwa, P. (2012). Buyer-seller relationship-challenge in export marketing for The Handicrafts and Handlooms Export Corporation (HHEC). *Emerald Emerging Markets Case Studies*, 2(1), 1-17. <https://doi.org/10.1108/20450621211214469>

- Wut, T. M., Chan, W. T., & Lee, S. W. (2021). Unconventional Entrepreneurship: Women Handicraft Entrepreneurs in a Market-Driven Economy. *Sustainability*, 13(13), 1-13. DOI:10.3390/su13137261

- Zhang, L., Parnell, J. A., & Xiong, C. (2020). Market and Nonmarket Strategies (NMS) in China: Performance Payoffs in Turbulent Environments. *Asian Business & Management*, 20(1), 644-665. DOI:10.1057/s41291-020-00103-5

Exploring the Constituent Elements of Two-Dimensional Consciousness: A Comparative Study of Legends from South Khorasan and Mazandaran

Hamed Norouzi¹ Kolsoom Ghorbani Jouybari² Aniseh Bohlouli Moghaddam³

Received: 30/11/2023

Accepted: 10/06/2024

Introduction

Consciousness is a fundamental human characteristic that has far-reaching implications and reflections on various aspects of human life. It is a mental process that occurs in the present moment, encompassing multiple states, including cognition (beliefs and understanding), perception (analysis), emotion (fear, envy), feeling (pain and suffering), sensory perception (seeing and hearing), quasi-perceptual states (dreaming, imagining), and behavioral states (acting and attempting) (Morland, 2012, p. 142). From a historical perspective, oral literature, also known as folk literature or popular literature, predates written literature. As noted by Jafari Ghanavati (2005, p. 96), “thousands of years before inventing writing and entering the historical stage of their lives, humans had acquired the ability to speak”. Therefore, folk literature can be regarded as the earliest manifestation of human language and imagination. It is no surprise that folk literature, particularly national myths, is one of the greatest and oldest manifestations of individual and collective consciousness of human groups. The present research aims to address the fundamental question of what differences and similarities exist in the constituent elements of awareness in the personalities of South Khorasan and Mazandaran myths.

-
1. Associate Professor of Persian Language and Literature at University of Birjand, Corresponding Author Email: hd_noruzi@birjand.ac.ir **ORCID: 0000-0003-1420-8622**
 2. Associate Professor of Persian Language and Literature at University of Birjand Email: kolsoomghorbani@birjand.ac.ir **ORCID: 0000-0002-1702-4338**
 3. MA in Persian Language and Literature at University of Birjand Email: en.bohlouli@yahoo.com **ORCID: 0009-0007-5539-1693**



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Methods

The research methodology employed in this study is informed by Robert Johnson's theory of levels of consciousness, specifically the masculine dimension. According to Johnson (2007), human consciousness can be categorized into three distinct levels. The first level, epitomized by Don Quixote, is characterized by simplicity and instinct. At this stage, individuals inhabit a self-created, unspoiled paradise in their minds (Johnson, 2007, p. 38). While some aspects of this level of consciousness may be perceived as violent and prejudiced by modern standards, it is essential to examine these components within their original context. The second level, exemplified by Hamlet, is marked by complexity and three-dimensionality. Modern individuals strive to attain this level of awareness, willing to pay any price for it (Johnson, 2007, p. 46). The third and highest level, embodied by Faust, represents the stage of enlightenment. Individuals who reach this level possess a strong motivation to teach and have a profound understanding of their internal and external conditions. They are aware of the interconnectedness of their inner world and external reality, resulting in genuine happiness (Johnson, 2007, p. 132).

This research relies on primary data collected from two books: *Khorasan Legends: Birjand* by Khazae (2006) and *Legends of the People of Mazandaran* by Emadi (2014). Additionally, supplementary sources were consulted as needed. A descriptive and analytical approach was employed to examine the data, guided by Johnson's theory of the evolution of consciousness. In fact, the study analyzed the elements of first-level consciousness, including the use of magic, anima, adherence to ancient collective patterns, the presence of the old man, and other relevant themes, through qualitative content analysis.

Findings

In the first level of consciousness, the similarities of the myths of the regions under study outweigh their differences; the slight difference that exists between the consciousness level of these myths is due to the type and extent of the use of the inner world by primitive man and attention to the outer world, the level of awareness in the child and personality development during the story, the type of view towards women and the embodiment of the wise old man. According to the frequency of data, the myths of South Khorasan (15) compared to the myths of Mazandaran (10) are more committed to tradition and instinct. The heroes, by following these two, are very practical and two-dimensional. This is while in the myths of Mazandaran, the heroes have slightly moved towards doubt between conscience, personal choice, and separation from traditions and following instinct and tradition. The hero of the myths of Mazandaran in some cases and after personality development holds a higher level of awareness and acts more modern. He is realistic and has distanced himself from the world of fantasies and myths. The situation is similar regarding the presence of anima and magical elements. In the myths of Khorasan, the presence of anima (30) is more visible than Mazandaran (20). However, anima in these myths is generally passive and subject to conditions, not dynamic and influential. Magical elements are also observed more in the myths of Khorasan (40) than in Mazandaran (30). These

elements usually have a vital and influential role in the course of the story, indicating the impact of these factors on people's lives and beliefs.

In the myths of South Khorasan, the number of cunning and clever characters with much intelligence to survive is more than in the myths of Mazandaran. While the child in the myths of Mazandaran (20) has a wider presence compared to the myths of Khorasan (10). This, at first glance, indicates a higher level of awareness (or more precisely "intelligence") in the myths of South Khorasan; but it should be noted that it is the instinct of survival and following instinct that ultimately leads to the dominance of traditionalism and the world of the father or the two-dimensional and imaginary world of primitive man; because the hero, without hesitation and doubt, chooses survival and devotes all his power to it. But the hero who approaches the second level sometimes sacrifices his life for doubt (like Hamlet). On the other hand, the intelligent hero of the myths, from the perspective of modern man, is ultimately nothing more than a smart child who tries to deceive others with childish plans. The hero of the legends of South Khorasan, in accordance with their lifestyle and geographical conditions, benefits from their colorful inner world. This benefit is to the extent that the outer world never overcomes the inner world. A world is full of colorful imaginations that connects them to the beyond, the sky, and paradise. The timelessness and placelessness in the legends indicate the hero's introspection. Moreover, since the hero's unconscious dominates their psyche, they live in peace with their inner self and existential elements, although they are unaware of these elements. Heroes in legends usually do not have a mask and do not repress their desires into their unconscious, thus they do not create a terrifying shadow. They are accompanied by it without being aware of its existence. Ultimately, this inner peace, albeit false, and the absence of a shadow in the unconscious psyche, leads to their tranquility and happiness. For this reason, the end of almost all legends is beautiful and happy, and in fact, by the desire of the two-dimensional human, without effort and struggle on the part of the hero and by the forces of nature, everything ends well and happily.

Conclusion

In conclusion, the heroes in the legends of South Khorasan are generally more two-dimensional and primitive compared to those in the legends of Mazandaran. The legends of South Khorasan are more imaginative and better embody the concept of a legend. In contrast, the legends of Mazandaran often blend realistic and historical elements with imaginative ones, which adds depth to their heroes. As a result, the heroes in the legends of South Khorasan tend to exist more at a surface level, whereas those in the legends of Mazandaran exhibit more complexity and nuance.

Keywords: Levels of Consciousness, Two-Dimensional Human, Robert Johnson, Southern Khorasan Legends, Mazandaran Legends.

References

- Barfar, S. M. (2009). Parizâdegân nabâti [Plant's offspring]. *Research on Persian Language and Literature*, 14, 127-146. [In Persian]
- Bilsker, R. (2008). *Tafakor Yûng* [Jung's thought] (H. Payandeh, Trans.). Tehran: Ashian. [In Persian]
- Bolourian, S. (2018). *Hezârtouy afsâneh: Tahlil va tatbiq afsâne-hâyy-e Azerbâijan va Khorâsân* [Labyrinth myth: Analysis and comparison of myths from Azerbaijan and Khorasan]. Tehran: Tirgan. [In Persian]
- Churchland, P. (2014). *Mâde va âgâhi (darâmdi be falsafe-ye zaman-e emruz)* [Matter and consciousness: a contemporary introduction to the philosophy of mind] (A. Gholami, Trans.). Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]
- Deborelle, B. (2007). Objeye kasb-e yaghin (negâhi be khodâgâhi dar falsafe-ye Ebn-e Sinâ) [The quest for certainty: Exploring self-awareness in the philosophy of Avicenna]. *Knowledge and Wisdom Information* (M. Soleymani, Trans.), 5, 23-26. [In Persian]
- Emadi, A. (2014). *Afânah-hây mardom-e mâzandarân* [Myths of the people of Mazandaran]. Sari: Shelfin. [In Persian]
- Ghobadi, A. (2002). Afâneh afâneh-pazuhî dar Irân [The myth of myth studies in Iran]. *Social Sciences Book of the Month*, 61-62, 39-36. [In Persian]
- Hall, Calvin S. (2013). *Moqaddamât-e ravânšenâsi-ye Jung* [A primer of Jungian psychology] (Sh. Shahidi, Trans.). Qom: Ayandeh Derakhshan. [In Persian]
- Heller, Sharon. (2013). *Dânešnâme-ye Freud* [Encyclopedia of Freud] (M. Pardel, Trans.). Mashhad: Taraneh. [In Persian]
- Hosseini, S. M., & Badi, K. (2013). Âgâhî pardâzârî az manzar-e nazariyeh-hây-e bâznemudî-ye zehn [Manifest awareness from the perspective of mind representation theories]. *Philosophy and Kalam*, 41(1), 85-104. [In Persian]
- Houshangî, Hossein. (2003 & 2004). Âgâhî va shenâkht dar falsafeh-ye Kânt [Consciousness and cognition in Kant's philosophy]. *Rahnamoon*, 5&6, 37-54. [In Persian]
- Jafari Ghanavati, M. (2005). Dar bareh adabbyat-e shafahi (2) Adabiyat-e shafahi, mâdari ke hormatash râ pâs nemidârim [About oral literature (2) Oral literature, a mother we do not respect]. *Book of the Month for Children and Adolescents*, 92, 96-99. [In Persian]
- Jennings, J. (2008). Manšâ-yi âgâhi dar forupâshi-ye zaman-e do-sâhati [The origin of consciousness in the breakdown of the bicameral mind] (S. Homayouni, Trans.). Tehran: Nashr-e Nei. [In Persian]
- Johnson, R. (2016). *Sâye-at ra mâlek shou* [Owning your own shadow] (S. Movahed, Trans.). Tehran: Bonya Farhang Zendegi. [In Persian]
- Johnson, R. (2008). *Takâmol âgâhi* [Evolution of consciousness] (F. Eslami, Trans.). Tehran: Harir. [In Persian]
- Johnson, R. (2012a). *Tahlil-e karborde khwab va royâ* [Applied analysis of dreams and visions] (N. Navari, Trans.). Tehran: Bonyad Farhang Zendegi. [In Persian]
- Johnson, R. (2012b). *Takhayol-e fâl* [Active imagination] (N. Navari, Trans.). Tehran: Bonyad Farhang Zendegi. [In Persian]

- Johnson, R. (2012c). *Zendegi-ye nazishteh-at râ zendegi kon* [Live your unlived life] (S. Movahed Trans.). Tehran: Bonyad Farhang Zendegi. [In Persian]
- Johnson, R. (2013). *Osture-ye jâm-e moghaddas* [The legend of the Holy Grail] (T. Banisadr Trans. 3rd ed). Tehran: Lioosa. [In Persian]
- Johnson, R. (2015). *Oqde-ye mâdar va ravâbet-e zan va mard (ravânshenâsi-ye kohan-algo'i-ye ensân-e emruz)* [The mother complex and male-female relationships (Archetypal psychology of modern humans)] (T. Banisadr, Trans.). Tehran: Lioosa. [In Persian]
- Jung, C. G. (2004). *Zamir-e penhân* [The undiscovered self] (A. Esmailpour, Trans.). Tehran: Karvan. [In Persian]
- Kamarposhti, A., & Ahmadinasab, M. (2018). Barrasi-ye sonnat-e nâr andâkhtan dar farhang va dubiti-hây âmmiyâneh Irân (bâ takid bar dubiti-hây Mâzandarân, Khorâsân, va Kermân) [A investigation of the tradition of Nar in Iranian culture and folk poetry with an emphasis on the folk poetry of Mazandaran, Khorasan, and Kerman]. *First National Conference on Literary Research with a Comparative Studies Approach*. Tehran: Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Kashfi, A., & Ahmadi, A. (2000). Brentânû va nazariyeh-e eltefâti budan-e âgâhi [Brentano and the intentionality theory of consciousness]. *Humanities Teacher*, 17, 133-146. [In Persian]
- Khadish, P. (2009). Bâztâb o kârkardahâ-ye sehr o jâdu dar afsâneh-hâ-ye sehr âmiz [Reflection and functions of magic in enchanting legends]. *Persian Language and Literature*, 65, 65-82. [In Persian]
- Khazaee, H. (2006). *Afsâneh-hâ-ye Khorâsân: Birjand* [Myths of Khorasan: Birjand] (Vol. 9). Mashhad: Nashr-e Mahjan. [In Persian]
- Kockelmans, J. J. (1992). Husserl and Kant on the pure ego (A. H. Ranjbar, Trans.). *Culture*, 11(Philosophy Special Issue), 137-176. [In Persian]
- Madhoushianezhad, M. (2023). Barrasi-ye tatbîqi-ye sanduq-e qobur-e chubî-ye Mâzandarân bâ Khorâsân-e bozorg dar gharn-e nohom hijrî qamarî [A comparative study of wooden sarcophagi in Mazandaran and Greater Khorasan in the 9th century AH]. *Arts of Greater Khorasan*, 1(3), 39-52. [In Persian]
- Mahouzi, M., & Tavousi, M., & Saravi, V. (2017). Barrasi-ye tâtbîqi-ye darun-mâyeh-ye nefrin dar dubiti-hây mahalli-ye Khorâsân va Mâzandarân [A Comparative analysis of the theme of curse in local couplets of Khorasan and Mazandaran]. *Iranian Local Literature and Language Journal*, 16(7), 31-50. [In Persian]
- Maleki, G., & Mazaheri, M. A., & Zabihzadeh, A., & Azadi, E., & Malekzadeh, L. (2014). Naqsh-e panj âmil-e bozorg-e shakhseyat dar zehn âgâhî [The role of the five major personality factors in conscious awareness]. *Cognitive and Behavioral Sciences Research*, 1, 103-114. [In Persian]
- Mohammadrezaei, M., & Mehrnia, H. (2005). Hegel, vaz'-e majâmâ' afâlatoon va Kânt, motâl'eh-ye tatbîqi dar bâb-e diâlektik va farâyand-e khod-âgâhî [Hegel, the social conditions of Plato and Kant: A comparative study on dialectics and the process of self-awareness]. *Philosophy of Religion*, 1(3), 5-27. [In Persian]

- Moreno, A. (2012). *Jung, khodâ'ân va ensân-e modern* [Jung, Gods, and Modern Man] (D. Mehrjoui, Trans.). Tehran: Nashr-e-Markaz. [In Persian]
- Morland, J. P. (2011). Borhân-e âgâhi [The evidence of consciousness] (S. Afrouz, Trans.). *Haft Asman*, 14(53), 137-162. [In Persian]
- Morti, K. (1997). Rahâyi az dânestegi [Liberation from knowledge] (M. Lesani, Trans.). Tehran: Behnam. [In Persian]
- Nasiri, M. (2012). Esbât-e khodâ az tarîq-e âgâhî, barrasi-ye taqrîr-e Moorland [Evidence of God's existence through Morland's theory of consciousness]. *Philosophy and Religion*, 10(3), 75-100. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (1985). *Ramz o dâstân-hây-e ramzi dar adab-e fârsi* [Secrets and cryptic stories in Persian literature]. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Ranjbar, S. (2014). Zehn âgâhi yâ bohuhiyâri [Awareness or consciousness]. *Growth Education School Counselor*, 36, 41-43. [In Persian]
- Rezaeimanesh, B. (2015). Atlâs sotuh môtanâzereh maghûlât ma'refati (Atlâs âgâhi) [Atlas of symmetrical surfaces of knowledge statements (Atlas of consciousness)]. In *Collection of articles on theoretical discussions in Allameh Tabatabai University (Promotional Vol. 3)*. Tehran: Daneshgah-e Allameh Tabatabai. [In Persian]
- Sadeghi, R. (2014). Mâteriyâlism va emkân âgâhi [Materialism and the possibility of consciousness]. *Philosophical Knowledge*, 11(43), 59-84. [In Persian]
- Sanaei, A. (2013). Tahlil-e jâyegâh âgâhi dar 'elm-alnafs Arastu az manzar-e falsafeh-ye zehn-e mu'âser [A analysis of the role of knowledge in Aristotle's psychology from the perspective of contemporary philosophy of mind]. *Knowledge*, 6(69), 19-41. [In Persian]
- Saravi, V. (2022). Vâkâvi tatabiqi darun mâyeh shakvâiyeh dar dubiti-hây adab 'âmeh Mâzandarân va Khorâsân [A comparative study of the thematic content of complaints in the folk literature of Mazandaran and Khorasan]. *Culture and Literature Quarterly*, 10(43), 91-126. [In Persian]
- Searle, J. (2015). *The mystery of consciousness* (A. R. Rahimi, Trans.). Tehran: Mehr Vista. [In Persian]
- Shahmoradi, A. (2011). Âgâhi be-mesâbeh bâzنامâyi: negâhi be ketâb dah mas'eleh âgâhi [Consciousness as eepresentation: A look at the book 'Ten Problems of Consciousness]. *Philosophy Monthly Book*, 49, 6-16. [In Persian]
- Shamisa, S. (2010). *Anvâ-e adabi* [Types of literature]. Tehran: Mitra. [In Persian]
- Snowden, R. (2014). *Yûng mafâhîm kelîdî* [Key concepts of Jung] (A. Sheikh-al-Eslamzadeh, Trans.). Tehran, Iran: Ataie. [In Persian]
- Zakari, M., & Hosseini, S. M. (2014). Serl va maseleh âgâhi [Searle and the problem of consciousness]. *Critique and Discourse*, 19(73), 75-93. [In Persian]
- Zarinkoob, A. (1976). *Yâdâsthâ va andîshêhâ* [Notes and thoughts]. Tehran: Elmi. [In Persian]

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی عناصر سطح اول آگاهی انسانِ دوبعدی در افسانه‌ها (مطالعه موردی: افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران)

حامد نوروزی^۱کلثوم قربانی جویباری^۲انسیه بهلولی مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۸، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_197656.html

چکیده

آگاهی، به‌عنوان فرایندی ذهنی که در زمان حال رخ می‌دهد و شامل حالت‌های ذهنی شناخت، درک، عاطفه، احساس و ادراک حسی می‌شود، یکی از ویژگی‌های بشری است که در ساحت‌های مختلف زندگی انسانی تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته و بازتاب یافته است. ادبیات عامیانه و به‌ویژه افسانه‌های قومی، یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین جلوه‌گاه‌های آگاهی‌های فردی و جمعی گروه‌های انسانی‌ست. در این پژوهش که حول یک سوال بنیادی شکل گرفته است، در پی آنیم که تفاوت عناصر برساننده آگاهی شخصیت‌ها در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران را مقایسه نماییم. انتخاب افسانه‌های این دو اقلیم نخست به دلیل تفاوت زیست‌بوم آن‌ها و تأثیرگذاری آن بر اندیشه و آگاهی ساکنان آن‌ها بوده و دوم ریشه‌های مختلف فرهنگی آن‌ها که یکی به فرهنگ و زبان ساسانی (خراسان جنوبی) و دیگری به فرهنگ و زبان اشکانی (مازندران) نسب می‌رساند.

hd_noruzi@birjand.ac.ir

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسئول

ORCID: 0000-0003-1420-8622

kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

ORCID: 0000-0002-1702-4338

en.bohlouli@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

ORCID: 0009-0007-5539-1693



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

هر دو عامل می‌تواند به تفاوت نوع افسانه‌ها و تا حدی اختلاف سطوح آگاهی در برخی از عناصر منجر شود. چارچوب نظری این پژوهش را نظریه سطوح آگاهی (مردانه) رابرت جانسون شکل داده است. این نظریه به بررسی آگاهی انسان، با محوریت قهرمانان داستانی، در سه سطح می‌پردازد. عناصر سطح اول آگاهی (به نمایندگی دن کیشوت) که غریزی، پیشامدرن، ساده و دوبعدی است، اشتراکات بسیاری با عناصر آگاهی در افسانه‌های عامیانه دارد؛ لذا محور اصلی این پژوهش معطوف به بررسی عناصر سطح اول آگاهی در افسانه‌ها خواهد بود. نتیجه بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که اولاً تفاوت فاحش و برجسته‌ای میان قهرمانان افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران وجود ندارد و اغلب قهرمانان هر دو ناحیه کاملاً در سطح اول آگاهی قرار دارند؛ ثانیاً با وجود اشتراکات بسیار میان افسانه‌ها، قهرمان افسانه‌های خراسان جنوبی متناسب با نوع زندگی و شرایط جغرافیایی خویش از دنیای رنگارنگ درون خود بهره می‌گیرد و این بهره‌گیری تا جایی است که هیچ‌گاه دنیای بیرون بر دنیای درون غلبه نمی‌کند. بسامد عوامل مرتبط با خیال‌پردازی در افسانه‌های خراسان از مازندران تا حد زیادی، بیشتر است. دنیای درونی این افسانه‌ها پر از خیالات رنگارنگ است که قهرمان را به ماورا و آسمان و بهشت برین متصل می‌سازد، نه به مکان خشک و خشن کویری. بی‌مکانی و بی‌زمانی در افسانه‌ها نیز نشانگر درون‌گرایی قهرمان است. افزون بر این از آنجا که ناخودآگاه قهرمان بر روانش سلطه دارد، با درون خود و عناصر وجودیش در صلح به سر می‌برد. به طور کلی قهرمانان افسانه‌های خراسان جنوبی نسبت به افسانه‌های مازندران دوبعدی‌تر و ابتدایی‌تر ظاهر می‌شوند. افسانه‌های خراسان جنوبی تخیلی‌تر است و آنچه مفهوم کاملی از افسانه را در برمی‌گیرد در مورد افسانه‌های خراسان جنوبی بیشتر صدق می‌کند. حتی گاهی جنبه‌های واقعی و تاریخی افسانه‌های مازندران بر جنبه‌های خیالی غلبه می‌کند؛ لذا قهرمانان افسانه‌های خراسان جنوبی نسبت به افسانه‌های مازندران بیشتر در سطح اول آگاهی به سر می‌برند.

واژه‌های کلیدی: سطوح آگاهی، انسان دوبعدی، رابرت جانسون، افسانه‌های خراسان جنوبی،

افسانه‌های مازندران.

مقدمه

آگاهی یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های مطرح در علوم مختلف است. اگرچه بیشتر صاحب‌نظران آگاهی را امری بدیهی قلمداد می‌کنند، اما درباره منشأ و چیستی آن اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال، آدمیان، کم‌وبیش، از زمانی که آگاهی در انسان پدید آمد، از آن مطلع بوده‌اند و در هر عصر به زبان روزگار خویش که معمولاً بیان استعاری آگاهی بوده است، توصیفی از آن به دست داده‌اند (جینز، ۱۳۹۵: ۷). به همین دلیل تعاریف و نظریات گوناگون و گاه متناقضی در مورد آگاهی مطرح شده که هیچ‌کدام این مسئله را به صورت کامل تبیین نمی‌کند، اما بر برخی از وجوه آن پرتو روشنی می‌افکند. شاید بتوان آگاهی را به‌طور اجمالی فرایندی ذهنی دانست که در زمان حال رخ می‌دهد و شامل حالت‌های گوناگونی از جمله شناخت (باور کردن، فهمیدن)، درک (تجزیه و تحلیل)، عاطفه (ترس، حسادت)، احساس (درد و رنج)، ادراک حسی (دیدن و شنیدن)، حالات شبه ادراکی (خواب دیدن، خیال کردن) و حالات کنشی (عمل کردن و سعی کردن) می‌باشد (مورلند، ۱۳۹۱: ۱۴۲). اگر آگاهی را مجموعه‌ای از فرایندهای ذهنی فوق‌بدانیم، افزایش یا کاهش این عوامل می‌تواند در میزان آگاهی افراد مختلف تأثیرگذار باشد؛ لذا همه آدمیان، جوامع و گروه‌های انسانی، دارای سطحی مشخص و یکسان از آگاهی نیستند. سطوح مختلف آگاهی، در عرصه‌های گوناگون یک جامعه بازتاب می‌یابد. یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های فرهنگی یک جامعه، ادبیات است که براساس تولیدکننده و خالق آن به گونه‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شود. در این بین، ادبیات عامه به‌ویژه افسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبیات بازتاب دهنده باورها، ذهنیات و شیوه اندیشیدن توده مردم است.

بیان مسئله

در پژوهش حاضر، پرسش محوری حول موضوع سطح آگاهی در افسانه‌ها، به‌عنوان یکی از جلوه‌های بارز سطح اندیشگانی انسان عامی کهن، شکل گرفته است: براساس داده‌های موجود در افسانه‌ها، سطح آگاهی شخصیت‌های داستان که آینه‌ای است از آگاهی انسان عامی، در چه جایگاهی قرار دارد و عناصر برسازنده آن چیست؟ برای پاسخ به این پرسش از چارچوب نظریه «تکامل آگاهی یا سطوح آگاهی» (مردانه) رابرت جانسون استفاده شده است. در این نظریه،

آگاهی انسان، با محوریت قهرمانان داستانی، در سه سطح تقسیم‌بندی می‌شود: سطح اول آگاهی (با محوریت دن‌کیشوت)، سطحی ساده و غریزی است. انسان در این مرحله در بهشتی بکر به سر می‌برد که برای خود و در ذهن خود ساخته است (جانسون، ۱۳۸۷: ۳۸). بسیاری از مؤلفه‌های این سطح از آگاهی براساس دیدگاه‌های انسان امروزی به نوعی نشان‌دهنده خشونت و تعصب است؛ اما لازم است که این مؤلفه‌ها در گفتمان خویش تحلیل و بررسی شود. یک سطح بالاتر از آگاهی اولیه، آگاهی پیچیده یا آگاهی سطح دوم (با محوریت هملت) قرار می‌گیرد. انسان دارای این نوع آگاهی، انسانی سه‌بعدی است. انسان امروز برای به دست آوردن این سطح از آگاهی از هیچ زحمتی فروگذار نکرده، هر بهایی را می‌پردازد (همان: ۴۶). آخرین و سومین سطح از آگاهی (با محوریت فاوست^۱)، مرحلهٔ روشنگری است. انسانی که به این مرحله از آگاهی می‌رسد، دارای انگیزهٔ بسیار قوی برای آموزش است. انسان چهاربعدی از شرایط خویش (بیرون و درون) آگاه است، تفاوتی میان این دو نمی‌یابد و به همین دلیل از درون همیشه شاد است. تفاوت عمده او با انسان دویبعدی نیز در همین امر است. شادی او کاذب نیست؛ بلکه پلی است بین دنیای درون و واقعیت بیرون (همان: ۱۳۲).

با توجه به توضیح مختصری که در مورد سطوح آگاهی از دیدگاه جانسون بیان شد، به نظر می‌رسد بسیاری از ویژگی‌های آگاهی شخصیتهای داستانی در افسانه‌های عامیانه و سطح اول آگاهی بر هم منطبق است. در این مقاله براساس همین پیش‌فرض تنها به بررسی سطح اول آگاهی و نشان دادن عناصر برسازنده آن در افسانه‌ها خواهیم پرداخت. برای این منظور، افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران به عنوان پیکره تحقیق انتخاب، بررسی و مقایسه شده‌اند تا بدین ترتیب عناصر آگاهی در دو ناحیه متفاوت جغرافیایی سنجیده و عوامل مؤثر در آن با دقت کاویده و روشن شود که آیا عناصر آگاهی و به تبع آن سطوح آگاهی در افسانه‌های همه مناطق و شخصیت‌های آن‌ها یکسان است یا با تغییر متغیرهای جغرافیایی و فرهنگی، این عناصر نیز تغییر می‌کند. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که فرهنگ و زبان منطقه خراسان، ریشه در فرهنگ و زبان فارسی میانه (دوره ساسانی) دارد؛ اما فرهنگ و زبان مازندران به فرهنگ و زبان پارتی (دوره

اشکانی)، نسب می‌رساند؛ لذا بررسی سطوح آگاهی در این دو ناحیه می‌تواند نماینده تفاوت سطوح آگاهی در دو منشأ مهم و اصلی فرهنگ‌ها و زبان‌های ایران امروزی باشد.

روش تحقیق

داده‌های اصلی این پژوهش از دو کتاب *افسانه‌های خراسان جنوبی* (خزاعی، ۱۳۸۵) و *افسانه‌های مردم مازندران* (عمادی، ۱۳۹۳) گرد آمده و در صورت نیاز به منابع مکتوب دیگر نیز رجوع شده است. داده‌ها به شیوه توصیفی - تحلیلی و براساس نظریه تکامل آگاهی رابرت جانسون مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور عناصر آگاهی سطح اول که شامل کاربرد جادو و آنیما^۱، پیروی از الگوهای جمعی کهن، حضور پیر و جز این موارد می‌شود، در افسانه‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی بررسی و مقایسه می‌شود. با توجه به طبقه‌بندی افسانه‌ها در حوزه ادبیات شفاهی نمی‌توان تعداد دقیقی برای افسانه‌های هر منطقه مشخص نمود و بسامد هر یک از عناصر را به طور دقیق تعیین کرد؛ لذا در نهایت مقایسه عناصر آگاهی به صورت کلی و براساس تأکید فضای کلی قصه و تأثیرگذاری آن عناصر بر اتمسفر داستان خواهد بود. بر همین اساس، تحلیل داده‌ها و بیان نتایج تحقیق نیز بیش از آنکه مبتنی بر بسامد و تکرار عناصر آگاهی باشد، ناظر بر کیفیت و محتوای افسانه‌ها است.

پیشینه پژوهش

در مورد بررسی تطبیقی فرهنگ و ادبیات عامه خراسان جنوبی و مازندران، تاکنون پژوهش‌هایی مقایسه‌ای - توصیفی از قبیل *هزارتوی افسانه: تحلیل و تطبیق افسانه‌های آذربایجان و خراسان* (بلوریان، ۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی درون‌مایه نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران» (ماحوزی و دیگران، ۱۳۹۶)، «واکاوی تطبیقی درون‌مایه شکواییه در دوبیتی‌های ادب عامه مازندران و خراسان» (ساروی، ۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی صندوق قبور چوبی مازندران با خراسان بزرگ در قرن نهم هجری قمری» (مدهوشیان‌نژاد، ۱۴۰۲)، «بررسی سنت نار انداختن در فرهنگ

۱. شخصیت پنهان زنانه، در ضمیر ناخودآگاه مردان

و دوبیتی‌های عامیانه ایران (با تأکید بر دوبیتی‌های مازندران، خراسان و کرمان) (کمربشتی و احمدی‌نسب، ۱۳۹۷) انجام شده است؛ اما تا کنون پژوهشی در مورد بررسی تطبیقی افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران صورت نگرفته است.

در مورد آگاهی، نوع و سطوح آن نیز پژوهش‌هایی نظیر «آگاهی پدیداری از منظر نظریه‌های بازنمود ذهنی» (حسینی و بدیع، ۱۳۹۲)، «سرل و مسئله آگاهی» (ذاکری و حسینی، ۱۳۹۳)، «آگاهی و شناخت در فلسفه کانت» (هوشنگی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، «تحلیل جایگاه آگاهی در علم‌النفس ارسطو از منظر فلسفه ذهن معاصر» (سنایی، ۱۳۹۲)، «اثبات خدا از طریق آگاهی» (نصیری، ۱۳۹۲)، «آگاهی به‌مثابه بازنمایی» (شاهمرادی، ۱۳۹۰)، «هگل وضع مجامع افلاطون و کانت؛ مطالعه‌ای تطبیقی در باب دیالکتیک و فرایند خودآگاهی» (محمدرضایی و مهرنیا، ۱۳۸۴)، «ماتریالیسم و امکان آگاهی» (صادقی، ۱۳۹۳)، «ابژه کسب یقین» (نگاهی به خودآگاهی در فلسفه ابن‌سینا) (دبورال، ۱۳۸۵)، «تفکرات کانت و هوسرل درباره "من" ناب» (کاکلمنز، ۱۳۷۱)، «برهان آگاهی» (مورلند، ۱۳۹۱)، «اطلس آگاهی» (رضایی‌منش، ۱۳۹۴)، «برنتانو و نظریه التفاتی بودن آگاهی» (احمدی و کشفی، ۱۳۷۹)، «ذهن آگاهی یا بهوشیاری» (رنج بردار، ۱۳۹۳) و «نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در ذهن آگاهی» (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳) انجام شده که تنها در مبانی نظری با پژوهش حاضر اشتراکاتی دارند.

چارچوب نظری پژوهش

ادبیات عامیانه، افسانه و ذهنیت انسان باستانی

از نظر تاریخی، ادبیات شفاهی یا ادبیات عامه (یا آنگونه که در بسیاری از متون آمده «ادبیات عامیانه») بر ادبیات تألیفی تقدم دارد. زیرا انسان هزاران سال پیش از آنکه خط را اختراع کند و وارد مرحله تاریخی حیات خود شود، توانایی سخن گفتن را پیدا کرده بود (جعفری قنواتی، ۱۳۸۴: ۹۶). بنابراین ادبیات عامه را می‌توان به کهن‌سالی زبان و تخیل انسان دانست.

از میان صورت‌های گوناگون ادب عامه، افسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. اگرچه نام نویسندگان، سازندگان و آفرینندگان افسانه‌های عامیانه معلوم نیست ولی از تحلیل محتوای آن می‌توان دانست که سازندگان و آفرینندگان این افسانه‌ها، از کدام طبقه بوده‌اند؟ و به چه دلیل این افسانه‌ها را

خلق کرده‌اند؟ (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۲۴۶) افسانه‌ها و اسطوره‌ها بازمانده دورانی هستند که انسان در جهانی سرشار از ناشناخته‌ها می‌زیست. آن نیروهای ماورای طبیعت و قدرت‌های مافوق انسانی که خدایان اسطوره‌های کهن از آن‌ها برخوردار بودند، در گستره‌ی افسانه‌ها و قصه‌ها جنبه‌ای سحرآمیز یافتند و به اشیا و جانوران منسوب شدند. «آنچه از راه حس و تجربه نمی‌توان علم قطعی راجع به آن پیدا کرد، همواره بیش‌وکم تبیین آن با احساس و تخیل همراه بوده است» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۴۲). افسانه‌ها الگوی همانندسازی را برای نوع بشری فراهم می‌سازد تا از طریق تخیلات عاطفی و هیجانی، خود را با رویدادهای جهان خارج وفق دهد (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

پیروان فروید افسانه را مانند رؤیا، انعکاس گام‌های رؤیازده می‌دانند. از نظر آن‌ها افسانه رؤیایی است که دست‌به‌دست گشته و عمومیت یافته است و تجلی‌بخش آرزوهای دست‌نیافته و بربادرفته قومی است (برفر، ۱۳۸۸: ۱۳۰). با توجه به آنچه گفته شد، افسانه‌ها به دلیل ارتباط با ذهنیت انسان باستانی از یک طرف و وابستگی آن به وقایع زندگی اجتماعی انسان از طرف دیگر، در سراسر دنیا به عنوان منبع مهمی برای مطالعه ساختارها و نظام‌های اندیشگانی و فرهنگی به کار می‌رود (قبادی، ۱۳۸۱: ۳۷). آنچه از منظومه فکری انسان باستانی در این مقاله حائز اهمیت است، سطح آگاهی اوست.

با توجه به آنچه بیان شد و داده‌هایی که در افسانه‌ها از ذهنیت انسان باستانی و سطح اندیشگانی او وجود دارد، در این مقاله براساس افسانه‌های دو ناحیه مختلف جغرافیایی به سنجش سطح آگاهی قهرمانان داستانی - که بازتابی هستند از شخصیت‌های آرمانی کهن - و مقایسه آن‌ها با هم خواهیم پرداخت. در مورد سطح آگاهی قهرمانان افسانه‌ها پنج گزاره زیر در مقاله حاضر چارچوب نظری بحث را شکل می‌دهند: ۱. افسانه‌ها بازمانده از دورانی هستند که انسان در جهانی سرشار از ناشناخته‌ها می‌زیست؛ ۲. آنچه از راه تجربه نمی‌توان علم قطعی درباره آن پیدا کرد، با احساس و تخیل تبیین می‌شود؛ ۳. نیروهای ماورای طبیعت در گستره افسانه‌ها جنبه‌ای خیالین، سحرآمیز و جادویی یافتند؛ ۴. افسانه‌ها الگویی فراهم می‌سازد تا از طریق تخیلات عاطفی و هیجانی، انسان خود را با رویدادهای جهان خارج وفق دهد؛ ۵. بنابراین افسانه‌ها تجلی‌بخش آرزوهای دست‌نیافته و بربادرفته اقوام است. این گزاره‌ها در رویکرد روانشناختی به آگاهی در افسانه‌ها، تأثیرگذار و کلیدی است.

دیدگاه‌های مختلف در مورد فلسفه آگاهی

در مورد تعریف، منشأ و چیستی آگاهی، نظریات و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که گاه در تضاد با یکدیگر است. به طور کلی میان فیلسوفان ذهن، درباره وجود نفس و به تبع آن آگاهی دو دیدگاه کلی وجود دارد: دوگانه‌انگاری^۱ و یگانه‌انگاری^۲ (کشفی، ۱۳۷۹: ۳۹). رویکرد یگانه‌گرا یا مادی‌گرا به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود (ر.ک.: چرچلند، ۱۳۸۶: ۷۷-۸۸). در فلسفه معاصر اصرار بر این است که باید آگاهی را با فروکاستن به چیزی دیگری یکسره کنار بگذاریم. گزینه‌های مطلوب با معیارهای کاملاً "فیزیکی" و برنامه‌های کامپیوتری توضیح داده می‌شوند (سرل، ۱۳۹۴: ۱۰). فروکاست‌گرایان ضمن پذیرش واقعی بودن حالات نفسانی، این حالات را چیزی جز امور جسمانی و فیزیکی نمی‌دانند. مادی‌گرایی فروکاست‌گرا به چهار شاخه تقسیم می‌شود: ۱- رفتارگرایی فلسفی؛ ۲- عملکردگرایی؛ ۳- این‌همانی روانی-تنی نوعی؛ ۴- این‌همانی-تنی مصداقی (کشفی، ۱۳۷۹: ۲۹). اما سرل تلاش می‌کند تا آگاهی را در وضع میانه‌ای قرار دهد که نه امری کاملاً فیزیکی و نه امری غیرفیزیکی باشد (ذاکری و حسینی، ۱۳۹۳: ۹۱).

فروید^۳ (۱۸۵۶-۱۹۳۹م) برای آگاهی انسان دو حالت قائل است: ۱. ذهن خودآگاه که «فرد بر این بخش از ذهن به‌طور مستقیم آگاهی و شناخت دارد» (هال، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ ۲. ضمیر ناخودآگاه که بخشی از ذهن و روان است که واپس زده‌شده و ما همه اندیشه‌ها و افکاری را که اجازه نگاه کردن به آن‌ها را نداریم، در آنجا گنجانده‌ایم (اسنودن، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۴). «فرد نسبت به این بخش از حیات ذهنی ناآگاه است» (هلر، ۱۳۹۳: ۳۹۰). «فرایندهای روانی در وجود آدمی به‌طور عمده ماهیتی ناآگاه دارند ... شعور و آگاهی انسان هم‌چون جزیره کوچکی در گستره ضمیر ناآگاه -این اقیانوس عظیم و پهناور- شناور است» (همان: ۲۶۰).

تفاوت یونگ^۴ (۱۸۷۵-۱۹۶۱م) با استاد خود، فروید، در این بود که ناخودآگاه را حاوی همه وجوه جوهر و سرشت انسانی می‌دانست؛ چه تاریک، چه روشن. یونگ تعادل در تضادها را به‌منزله پایه و اساس ساختار روان می‌دید (بیلسکر، ۱۳۷۸: ۷۴). علاوه‌براین، وی به پدیده‌ای با عنوان

1. dualism
2. monism
3. Sigmund Freud
4. Carl Gustav Jung

ناخودآگاه جمعی نیز معتقد بود. این بخش از کهن‌الگوها، فردی نیست و تا حدودی در همه مردم مشترک است (همان: ۷۵).

از آنجاکه از نظر یونگ آگاهی و ناآگاهی بازنمود دو مرحله از فرایند تکامل انسان‌اند، انسان از حیوان برمی‌آید و آگاهی از ناآگاهی. از این‌رو، ناآگاهی، به لحاظ تاریخی پیش از آگاهی وجود داشته و به‌واقع پدیدآورنده آگاهی است. «آگاهی از روان ناآگاه، پدید می‌آید و رشد می‌کند و همراه با آن، یا حتی علیه آن، به کار خود ادامه می‌دهد. همان‌سان که بدن انسان تاریخ تکامل خاص خود را دارا است و رد پای روشنی از مراحل تکامل آگاهی را نشان می‌دهد، روان آدمی نیز همان‌سان عمل می‌کند» (مورنو، ۱۳۹۲: ۴۶). انرژی روان می‌تواند خود را به سه صورت غریزه (id)، من آگاه (ego) و من برتر (self) نشان دهد. رشد تکاملی روان انسان بدین صورت است که او ابتدا غریزی (id) عمل می‌کند و سپس این انرژی روانی را تحت کنترل من (ego) می‌گذارد و در تکامل بیشتر آن را زیر فرمان خویشتن (self) قرار می‌دهد (جانسون، ۱۳۸۷: ۸).

نظریه تکامل آگاهی رابرت جانسون

رابرت جانسون در کتاب *تکامل آگاهی* اندیشه‌های یونگ را بسط داده و در واقع به‌نوعی نظریات یونگ را شخصی و از آن خویش نموده است؛ ولی جوهره و روند اصلی این تکامل همان است که ریشه در اندیشه یونگ دارد (ر.ک.: یونگ، ۱۳۸۳). وی در کتاب‌های دیگرش (جانسون، ۱۳۹۱ الف، ۱۳۹۱ ب، ۱۳۹۱ ج، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵) نیز همین نظریه را به صورت مختصر و در قالب‌های دیگر مطرح و بررسی کرده است.

جانسون آگاهی را به سه سطح که در حقیقت سطوح آگاهی (مردانه) نامیده می‌شود، تقسیم می‌کند: «سنت زندگی بشر نشان داده که همواره سه سطح از آگاهی در اختیار انسان قرار داشته است؛ آگاهی ساده که دیگر چندان در دنیای مدرن و پیشرفته امروزی دیده نمی‌شود؛ آگاهی پیچیده که وضعیت عادی انسان تحصیل‌کرده متمدن امروزی و به‌ویژه مردم دنیای غرب است و بالاخره آگاهی روشنگر که فقط بر عده معدودی شناخته‌شده و کمال آگاهی انسانی است و تنها کسانی که دارای انگیزه بسیار قوی هستند، با آموزش و کوشش فراوان می‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند» (جانسون، ۱۳۸۷: ۷).

او این سه سطح از آگاهی را آگاهی دوبعدی، سه بعدی و چهاربعدی می نامد و برای هر سطح نمونه‌ای اعلا از قهرمانان داستانی ذکر می کند. نماینده سطح اول آگاهی دن کیشوت (قهرمان داستان سروانتس)^۱؛ نماینده سطح دوم هملت (قهرمان نمایشنامه شکسپیر) و نماینده آگاهی سطح سوم فاوست (قهرمان نمایشنامه گوته) است.

دن کیشوت مردی است شیفته راه‌های ساده انسان دوبعدی یا انسان عامی که با خیال شوالیه - گری به طرز خنده‌آوری آرزوهای دست نیافته خود را بازسازی می کند. شکسپیر، انسان پیچیده را در هملت بسیار دقیق و بی خطا به تصویر می کشد و گوته از جایی که هملت، جنگ را باخته، شروع کرده است و ما را به آگاهی بالاتر می برد که اغلب رهایی نامیده می شود (همان: ۱۴). از آنجا که پیکره این پژوهش، افسانه‌های عامیانه است و سطح آگاهی در ادبیات عامیانه مطابق پنج گزاره‌ای که پیش از این مطرح کردیم، آینه تخیلات و آرزوهای انسان عامی ست (همانند دن - کیشوت)، آگاهی قهرمانان عمدتاً از سطح اول فراتر نمی رود. براین اساس در مقاله حاضر تنها به بررسی سطح اول آگاهی و عناصر سازنده آن در قهرمانان افسانه‌ها پرداخته شده است.

انسان ساده در سطح اول آگاهی همواره خوشحال و راضی است و این رضایت را از دنیای توانگری درونش می گیرد. حال شرایط بیرونی هر چه می خواهد باشد، او دنیای رنگارنگ درون خود و تخیلات خود را می شناسد، اما این شناخت را با فدا کردن حقایق و واقعیات بیرون به دست آورده است (جانسون، ۱۳۸۷: ۱۰). انسان دو بعدی همواره در قلمرو خیالات و تصورات خود زندگی می کند. دنیاهایی که در آن هرگز شکستی نیست: بهشت، کمال و اعتماد کامل. در این دنیاها که محل زیست انسان دوبعدی است و به کلی با دنیای انسان سه بعدی مدرن متفاوت است، انسان ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در ادامه خواهد آمد.

همراهی انسان دوبعدی با سایه

دن کیشوت همراهی دارد به نام سانچوپانزا. به معنی شکمبه و این دو جفت آرکی تایپ^۲ (کهن‌الگو) می سازند. دن کیشوت بلندقد، پرتحمل و کمال گرا است. در مقابل سانچو کوتاه قد،

خپل، واقع‌گرا و سریع‌العمل و شکمو است. این جفت متضاد همان من آگاه و سایه ناآگاه هستند که در درون همگی ما وجود دارند (جانسون، ۱۳۸۷: ۱۸).

جنگ با اژدها

حادثه حمله به آسیاب‌های بادی در حقیقت جنگ قهرمانانه و خیالی کودک یا انسان دو بعدی است. این جنگ همچنین به جنگ با اژدها و جنگ با غول‌ها معروف است که هر کودکی در درون خود با آن درگیر است (همان: ۲۴).

شادی در انسان دوبعدی

برای رهایی از غم باید تمامیت ساختار لذت را درک کنیم. باید بدانیم که ذهن همواره در جست‌وجوی لذت است (مورتی، ۱۳۷۶: ۵۲). جانسون ریشه کلمه "شادی" (happiness) را از فعل "اتفاق افتادن" (to happen) می‌داند. به عبارت دیگر، شادی در مورد مشاهده هر آنچه روی می‌دهد، یافت می‌شود. انسان دوبعدی همواره در زمان حال زندگی می‌کند. برای انسان دوبعدی شادی همان چیزی است که اتفاق می‌افتد (۱۳۸۷: ۱۰).

عمل‌گرایی براساس الگوهای جمعی کهن (سنت) و غریزه

رفتارهای انسان دوبعدی غریزی است. او وی از الگوهای جمعی کهن خویش تبعیت می‌کند. تفکر او اسطوره‌ای است و همواره در جهت بقای خویش با آنچه این بقا را به خطر می‌اندازد، می‌جنگد، بدون اینکه لحظه‌ای در این باره دچار تردید شود (همان: ۲۶). «چنین رفتاری متأثر از اعتقاد به واقعیتی مطلق است که در مقابل جهان نامقدس غیرواقعیت‌ها می‌ایستد» (مورنو، ۱۳۹۲: ۲۱۰). انسان دوبعدی بر خلاف انسان مدرن سه بعدی هیچ‌گاه بین عمل براساس الگوهای جمعی و غریزه و عمل براساس روشنگری، مردد نیست.

حضور آنیما در سطح اول آگاهی

در سطح اول آگاهی مرد از نیروی قدرتمند آنیما ناآگاه است و به تبع آن نسبت به زنی که در واقعیت زندگی او حضور دارد، بی تفاوت است. برای مرد دوبعدی ازدواج و پیوند با زن نقش چندانی در رشد و تکامل او ندارد (جانسون، ۱۳۹۴: ۵۰). در این سطح از آگاهی حضور زن برای مرد الهام‌بخش نیست و در جهت تکامل او نقشی ندارد. او تنها در کنار مرد حضور فیزیکی دارد.

اعتقاد به جادو در سطح اول آگاهی

انسان ابتدایی خرد را مربوط به دنیای خدایان و آسمان‌ها می‌داند که گاهی مثبت و یاری‌دهنده است و گاهی منفی و مخرب. برای انسان دویبعدی، آگاهی مافوق بشری در قالب سحر و جادو ممکن است (جانسون، ۱۳۸۷: ۲۲). جادو در سطح اول آگاهی، جایگزین دانایی و خردی است که انسان سه بعدی مدرن به صورت ناقص و انسان چهاربعدی به صورت کامل، صاحب آن است.

عناصر سطح اول آگاهی در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران

در بررسی سطوح آگاهی در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران برآنیم که به بررسی عناصر سطح اول آگاهی در هر کدام از افسانه‌ها و سپس مقایسه آن‌ها با یکدیگر پردازیم. بدین ترتیب به تفاوت میزان و چگونگی (کمیت و کیفیت) آگاهی و تکامل آن در این دو منطقه دست می‌یابیم. در بررسی سطوح آگاهی در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران به تحلیل عناصری که به صورت برجسته و شاخص در آن‌ها موجود می‌باشد، می‌پردازیم، زیرا تمامی عناصر مربوط به آگاهی را نمی‌توان در افسانه‌ها جست.

انسان کودک در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران

در نظریه آگاهی رابرت جانسون، دن کیشوت نماد انسان کودک و یا از منظر انسان مدرن، انسان احمقی است که تمامی افکار و به دنبال آن رفتارهای او مضحک و خنده‌آور است (جانسون، ۱۳۸۷: ۲۲). اینگونه افکار و رفتارها در جای‌جای افسانه‌ها به چشم می‌خورند. در افسانه‌ها شاهد قهرمان‌هایی هستیم که بنا به تصورشان دنیا را آنگونه که تمایل دارند، می‌بینند و گویی خودمحور هستند. آن‌ها با وجود شکست در دنیای بیرون، در درون خویش پیروز هستند. این انسان دویبعدی گرچه مضحک می‌نماید، ولی در واقع آفریدگار حماسه و شادی است.

در افسانه‌های خراسان جنوبی، زودباور و خودمحور و به معنای واقعی کلمه، کودک هستند. این قهرمانان برخوردی بسیار ساده و ابتدایی با جهان دارند و همیشه به پیش‌پا افتاده‌ترین راه‌ها روی می‌آورند. نمونه بارز این نوع انسان، زوجی به نام "خوله و بوله" هستند که در افسانه‌ای با همین نام، آن‌چنان ساده‌لوحانه و ابتدایی عمل می‌کنند که گویی هیچ نیازی به تفکر درباره تصمیمات خود ندارند. آن‌ها هنگامی که در صحرا شتری را می‌بینند برای جلوگیری از سرماخوردنش، پارچه‌ای به سر او می‌بندند. در ترک زمین، روغن می‌ریزند تا بهبود یابد. آن‌ها از شخصی که در

صحرا می‌بینند، درخواست می‌کنند که به گوشت داخل تنورشان دست نزنند. اما آن فرد که دزد است، گوشت را می‌خورد و استخوان‌ها را در غلیف می‌اندازد. آن دو وقتی به خانه برمی‌گردند، غذای دیگری می‌خورند و برای درخت و زمین گریه می‌کنند. رفتار آنان به گونه‌ای است که گویی جزئی از طبیعت هستند و هیچ تضادی با آن ندارند. به همین دلیل نیازی به تصمیم‌گیری ندارند و رفتارهای آنان ناشی از غرایز طبیعی‌شان است.

نمونه دیگر چنین شخصیتی "ممد" در داستان «خواب» است. او ساده‌دلانه، خشت طلا را نزد خشت‌ساز می‌برد که برایش خرد کند. وی در بخشی از افسانه، دلش برای بیابان تنگ می‌شود و بدون فکر کردن به عاقبت کار و با وجود مخالفت همسرش برای دیدار بیابان، با لشکر پادشاه همراه می‌شود. این همراهی برایش مشکلاتی ایجاد می‌کند. قهرمانانی مانند "پدر و مادر پسر" در داستان "جناب عزرائیل" و "زن و شوهر ارباب" در داستان "غلام" نیز هیچ تردیدی برای باور کردن حرف دیگران به خود راه نمی‌دهند. اما این شخصیت‌های اخیر پس از برخورد با مشکلات رفته‌رفته از کودکی‌شان کاسته می‌شود و در تصمیم‌های بعدی تردید و تعقل بیشتری به کار می‌بندند. در افسانه‌های خراسان جنوبی حدود ده مورد از اینگونه شخصیت‌ها دیده می‌شود.

در افسانه‌های مازندران، قهرمانان از نظر ساده‌لوحی شبیه افسانه‌های خراسان هستند. برای مثال "اتک و متک" که بسیار شبیه به "خوله و بوله" هستند و به دیدار دخترشان رفته‌اند، هنگام خواب از صدای قدقد مرغ‌ها به ستوه می‌آیند و با این پندار که دلیل آن وجود شپش در بدن مرغ‌هاست، آن‌ها را در آب جوش می‌اندازند. شب بعد، آن دو خود را با دوشاب شسته و در پنبه می‌خوابند. دخترش که متوجه خرابکاری‌های آن دو می‌شود، آن‌ها را با مقداری روغن و پارچه و آرد راهی خانه‌شان می‌کند. آن‌ها در راه، پارچه را به سپیدارهای لخت می‌بندند تا سرما نخورند و روغن‌ها را در ترک زمین می‌ریزند تا بهبود یابد. "اتک و متک" گرچه در جهان خارج همواره شکست می‌خورند، ولی در درون، شاد و پیروز و تزلزل‌ناپذیرند. خوش‌بینی آن‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که به مرگ اتک منجر می‌شود، ولی حتی لحظه‌ای هم آشفته و مردد نمی‌شوند.

در نمونه‌ای دیگر، در داستان "سینی طلا" مردی مقداری پنبه را به زنش می‌سپارد تا بریسد. زن هم پنبه را به خاله قورباغه می‌دهد تا این کار را انجام دهد. پس از اینکه همسرش او را تنبیه می‌کند، پنبه را در زیر خاک - به گمان اینکه خاله قورباغه این کار را کرده - می‌جوید. در این

حین یک سینی طلایی پیدا می‌کند. همسرش به او می‌گوید که سینی را برای خرج رمضان کنار بگذارد و او سینی را به دوشاب‌فروشی به نام رمضان می‌بخشد. او که به خاطر عصبانیت شوهرش قهر کرده و بر لب برکه رفته است، با دیدن هر حیوانی گمان می‌کند برای آشتی دادن او با شوهرش آمده است. این سلسله از رفتارهای کودکانه تا پایان افسانه ادامه دارد.

در داستان "سالی که سلیمان بچه زایید" قهرمان افسانه، سلیمان، در مقابل زنش زودباوری شگفت‌انگیزی دارد. زنش بچه‌ای را زیر لحاف قرار می‌دهد و می‌گوید: "این بچه را تو زاییدی" و سلیمان فراری می‌شود. زودباوری مرد خسیس در داستان "عاقبت مرد خسیس" نیز مشابه همین است. زن که از خساست همسرش به ستوه آمده، پیش چشم وی یک مومیایی را شلاق می‌زند و می‌گوید: «این مومیایی مرد خسیسی است که زنش بعد از مرگش بدنش را مومیایی کرده و هر شب به او شلاق می‌زند». مرد با شنیدن این داستان از خست دست برمی‌دارد. در افسانه‌های مازندران حدود بیست مورد از اینگونه شخصیت‌ها قابل مشاهده است.

پیروی از غریزه و الگوهای جمعی (سنت‌ها) در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران

قهرمانان افسانه‌ها در مواجهه با مشکلات و رخداد‌های پرش‌برانگیز، در تردید میان خوب و بد قرار نمی‌گیرند. بلکه بی‌هیچ تفکری از غریزه خویش پیروی یا از الگوهای جمعی تقلید و کاری را می‌کنند که به سودشان است. تا حدی که انسان امروزی، بسیاری از این رفتارها را ناشی از قساوت و بی‌رحمی می‌پندارد. اما انسان دو بعدی تنها در جهت بقای خویش می‌کوشد و با هر چیزی که بقایش را به خطر بیندازد، بدون هیچ تردیدی مقابله می‌کند. او حتی حاضر است برای تحقق اهدافش فرزندانش را نابود سازد؛ نمونه اینگونه تصمیم‌گیری در افسانه «شش درخت بید و یک درخت گل» دیده می‌شود.

اینگونه تصمیم‌گیری (و در اصل، تقلید) درست بر خلاف انسان سطح دوم است. جانسون (۱۳۸۷: ۳۰) در مورد هملت می‌گوید: «او هنوز نمی‌داند چه بکند؟ آیا بی‌توجه به نیک و بد آنچه را سنت‌ها برای او تعیین کرده‌اند، دنبال کند و به راه‌حل وحشیانه آن‌ها تن دهد؟ یا به روح و وجدان روشن خود گوش فرا دهد؟ او هیچ‌کدام را انجام نمی‌دهد و سرانجام ارزش‌های هر دو را از دست می‌دهد»؛ بنابراین انسان سه‌بعدی سطح دوم به دلیل تردید در عمل براساس غریزه و یا براساس روشنگری دچار بی‌عملی می‌گردد. این بی‌عملی هیچ‌گاه گریبان‌گیر انسان دوبعدی سطح

اول نمی‌شود. او همواره مطابق الگوهای جمعی که برایش روایت شده و با آن خو گرفته است، امور خویش را پیش می‌برد. وی کورکورانه به تقلید از این الگوها پرداخته، در این باره دچار احساس گناه یا شکست نمی‌شود؛ حتی اگر در بیرون فاجعه به بار آورد. بنابراین در سطح اول آگاهی پیروی از الگوهای جمعی و بی‌توجهی به درست یا غلط بودن کنش، دو روی یک سکه‌اند. در افسانه‌های خراسان جنوبی رفتار اکثر قهرمانان از همین اصل پیروی می‌کند. برای مثال در افسانه "اوسنه خون" مرد تاجر بنا بر آنچه در رؤیا دیده (درهم‌پیچیده شدن مار سیاه‌وسفید) بدون تردید از زنش می‌خواهد مار شده، از جلویش رد شود تا اگر زنش همان "مار دم‌بریده" باشد، بلافاصله او را بکشد. در افسانه "اصل و نسب"، پادشاه دستور می‌دهد، اگر فرزندش دختر بود، برادرش او را بکشد و خون او را در شیشه به نزد پادشاه ببرد تا بنوشد. در افسانه "اوسنه نی" دو خواهر بزرگتر به دلیل ترس از رسوایی، خواهر کوچکتر را می‌کشند و راز برای همیشه مخفی می‌ماند. در افسانه "گل خندان" مادر دیوها به ازای سلام کردن آدمیزاد که به‌نوعی نشان‌دهنده احترام به مادر و نیز هر شخص بزرگ‌تر است، همه را عفو می‌کند. در افسانه "بلبل سرگشته"، زن‌بابا، پسر شوهرش را می‌کشد و گوشتش را می‌پزد. "دختر ابریشم‌کش" نیز لحظه‌ای در نابودی زنی که فکر می‌کند جادوگر است، تردید نمی‌کند. در افسانه "قلندر"، وزیر برای وصال زن پادشاه حتی دست به کشتن پسرانش "ملک محمد و ملک محسن" می‌زند. در همین افسانه، قاضی در صدد است به وصال دختر پادشاه برسد، اما پس از ناکامی، دختر را گناهکار جلوه می‌دهد و پادشاه نیز بدون هیچ تحقیق و تفحصی دختر را می‌کشد. نمونه‌های فراوان دیگری نیز از تنبیه زنان توسط مردان در افسانه‌ها به چشم می‌خورد که ناشی از همین سنت‌هاست. برای مثال در افسانه "خانم قزلیک" قصاب و آبیار همسرشان را با چاقو و بیل تنبیه می‌کنند. رفتار با رقبا نیز در افسانه‌ها بسیار بی‌رحمانه است. پادشاه در افسانه "خواب" با بی‌رحمی تنها رقیبش "ممد" را به راه بی‌بازگشت می‌فرستد. در افسانه "برگ ظلمات" دو برادر بزرگ‌تر، برادر کوچک‌تر را کور می‌کنند، برگ ظلمات را از او می‌گیرند، نزد پادشاه می‌برند و برنده می‌شوند. در افسانه‌های خراسان حدود پانزده مورد از اینگونه شخصیت‌ها قابل مشاهده است.

در افسانه‌های مازندران نیز وضعیت به همین منوال است. در داستان "بچه خراسانی" اسماعیل با شنیدن خبر خیانت همسرش، بلافاصله او را می‌کشد. در افسانه "پسر زیبا و کره‌اسب دانا"

نامادری قصد دارد پسر را بکشد که اسب به او خبر می‌دهد. در ادامه همین داستان پادشاه، دخترش و همسرش را برای تنبیه به طویله می‌فرستد که در آنجا زندگی کنند. در افسانه "سگ باوفا و زن بی‌وفا" مرد در جواب خیانت همسرش جای او را با سگ عوض می‌کند. این سنت‌گرایی تا جایی پیش می‌رود که در افسانه "سماور طلا" پدر وقتی می‌بیند گردنبنند زن مرحومش، قالب گردن دخترش است، بنابر وصیت زن از دخترش می‌خواهد که با او ازدواج کند. در افسانه "سیب گریان و انار خندان" پادشاه وقتی می‌بیند دخترش عاشق سرباز شده است، برای نابودی سرباز، او را به بیراهه می‌فرستد. در افسانه "کاکل‌زری و دندان مروارید" هنگامی که دو فرزند پادشاه - از زن هفتم - به دنیا می‌آیند، دیگر همسران پادشاه دو نوزاد را در صندوق گذاشته، در آب می‌اندازند و به جای آن دو، دو توله‌سگ به پادشاه نشان می‌دهند و می‌گویند: «زنت این دو را به دنیا آورده». در همه این موارد رفتار قهرمانان کاملاً غریزی و در راستای پیروی از عرف از یک سو و حفظ بقا و منافع فردی است. در افسانه‌های مازندران حدود ده مورد از اینگونه شخصیت‌ها قابل مشاهده است.

حضور دوبعدی آنیما در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران

در نظریه سطوح آگاهی جایگاه زن و نوع بینشی که مردان نسبت به زن دارند، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا مهم‌ترین گام مردان و به‌طور کلی انسان در مسیر آگاهی، شناخت و فهم زنان و نیز طبیعت زنانه درون خویش (آنیما) است. به همین دلیل حضور عنصر زن در افسانه‌های خراسان و مازندران از یک‌سو طیف وسیعی را شامل می‌شود و از سوی دیگر بسامد بالایی دارد. به این معنا که در برخی از افسانه‌ها قهرمان اصلی زنی خدایگونه و کامل است و در برخی دیگر زن عنصری ضدقهرمان و منفی. جانسون (۱۳۹۲: ۱۷) در مورد آنیما می‌گوید: «آنیما می‌تواند یک بار به صورت مثبت تجلی یابد و بار دیگر به صورت منفی. یک بار به صورت ایزد بانو، بار دیگر به صورت زنی مخرب یا بیگانه‌ای مرموز، همچون دوشیزه‌ای جوان، یا در هیئت جادوگر، راهبه، مقدسه و یا به مانند خواهری عرفانی و به مثابه خرد». اما در سطح اول آگاهی، قهرمان از وجود آنیما در درون خویش ناآگاه است؛ بنابراین متناسب با درون خویش با زنی که در بیرون و در کنار او حضور دارد، بی‌تفاوت و خنثی عمل می‌کند. به این معنا که چون از وجود این نیرو در درون خود بی‌خبر است، با زنان اطراف خویش نه همانند انسان مرد سه‌بعدی در ستیز است و

نه مانند انسان چهاربعدی از وجود زن الهام گرفته و به تکامل می‌رسد. او در کمال بی‌خبری به طور غریزی به دنبال زیبایی ظاهری زن است. دن کیشوت یک بار ازدواج کرده، ولی هیچ الهام یا انگیزه‌ای از جانب همسرش دیده نمی‌شود. او به دنبال دولسینا^۱ است که «زنی زیبا و نهایت آمال و آرزوی انسان قرون وسطایی است» (جانسون، ۱۳۸۷: ۱۲)؛ بنابراین در سطح اول آگاهی، زن منفعل، ایستا و بدون تأثیر ظاهر می‌شود و قهرمان مرد به حضور زن توجه خاصی ندارد.

در بسیاری از افسانه‌های خراسان جنوبی زنان بسیار منفعل هستند. "زن" در اغلب افسانه‌ها دختر پادشاه است و به دستور وی به عنوان پاداش به کسی تعلق می‌گیرد که کار خارق‌العاده‌ای را به انجام می‌رساند. بدین ترتیب این دختر کوچک‌ترین نقشی در سرنوشت خویش ندارد.

در افسانه «غلام»، پادشاه تسلیم حيله‌ها و رندی‌های غلام می‌شود و با وجود عدم تمایل دختر او را به غلام می‌دهد. در افسانه "کچلو و سه شرط پادشاه" کچلو موفق می‌شود سه شرط پادشاه را برآورده کند و به‌نوعی برنده "دختر پادشاه" شود. در افسانه "درخت رنگ‌به‌رنگ" پادشاه برای سرب‌نیست کردن پسر شکارگرش، او را راهی می‌کند تا دختر پادشاه همسایه را برای او بیاورد. در افسانه "گل خندان" پادشاه برای تصاحب زنی زیبا، به شوهرش وعده دختر خود را می‌دهد. در افسانه "شه مار سفید" مار در مقابل رها ساختن پیرمرد، یکی از دخترانش را طلب می‌کند و پدر نیز دختر اول و دوم را به مار می‌سپارد. شه‌مار دختران را به خانه می‌برد و بعد از مدتی آنان را می‌خورد و به سراغ دختر بعدی می‌رود.

نکته مهم اینکه هیچ اجبار و اکراهی در پذیرش چنین شرایطی از سوی زنان دیده نمی‌شود و زن به طور فطری در فضایی که متعلق به دنیای پدر و سطح اول آگاهی است، همه چیز را می‌پذیرد. پذیرش بی‌چون‌وچرای همه شرایط از طرف زن بسیار بدیهی به نظر می‌رسد و تصور اینکه شاید زن پذیرای تصمیم‌های مردان نباشد، غیرمعمول است.

در برخی دیگر از افسانه‌ها، هیچ جست‌وجویی از جانب قهرمان مرد برای رسیدن به زن دیده نمی‌شود. برای مثال در افسانه "چاقو و لقمان" تنها نقش زن این است که در ابتدای داستان برای شوهرش و مهمانان، هندوانه می‌آورد. در افسانه "جناب عزرائیل" نیز تنها زن داستان، مادر پسر

است و هیچ نقشی ایفا نمی‌کند. در افسانه‌های "سه برادر"، "هفت" و "خون" نیز زنی حضور ندارد.

در برخی از افسانه‌ها قهرمان مرد برای بهبود شرایط و پایان دادن به رنج خویش ازدواج می‌کند؛ ولی این ازدواج هیچ تاثیری در شرایط روحی وی ندارد و او مجبور می‌شود که دوباره ازدواج کند. در داستان "دختر ابریشم کش" پسر پادشاه مریض، لاغر و نحیف است و طیب ازدواج او با دختر وزیر را علاج بیماری می‌داند. ولی پس از ازدواج نیز درد، التیام نمی‌یابد و او هم چنان نحیف و رنجور است. در افسانه‌های خراسان حدود سی مورد از اینگونه شخصیت‌ها قابل مشاهده است. زن در افسانه‌های مازندران نیز منفعل است و اغلب پاداشی است که در ازای اعمال قهرمانانه به قهرمان داده می‌شود، بدون اینکه خود وی در این تصمیم نقشی داشته باشد. در افسانه‌های "پسر تاجر و روح غریبه‌ای تنها"، "سه برادر دانا" و "حسن پهلوان" دقیقاً بدین گونه است. در برخی داستان‌ها نظیر "ابراهیم چوپان"، "پیش‌گوی خوش‌شانس"، "حسن شکرکار" و "شانس وزیر" هیچ زنی حضور ندارد و این مردان هستند که ماجراها را پیش می‌برند. در برخی داستان‌ها نیز تنها نامی از یک زن در داستان به میان می‌آید، اما هیچ نقشی در داستان ندارد و دیگران در مورد او تصمیم می‌گیرند. در داستان "بزرگمهر پسر بخت جمال"، بزرگمهر به باغبان قول می‌دهد که اگر با او همکاری کند، دخترش را به او خواهد داد و هنگامی که وزیر پادشاه شد، به قول خود عمل می‌کند.

در برخی دیگر از افسانه‌ها نیز، ازدواج اول مرد تأثیر چندانی در زندگیش ندارد و مرد مجدد ازدواج می‌کند. برای مثال در داستان "حاتم طایی و انگشتر سلیمانی" و "سماور طلا". در برخی داستان‌ها نیز با اینکه زن در داستان حضور دارد، اما همان انسان دوبعدی سطح اولی است. حضور زن در داستان‌های "سینی طلا"، "بی‌گناه دانا" و "اتک و متک" اینگونه است. در افسانه‌های مازندران حدود ۲۰ مورد از اینگونه شخصیت‌ها قابل مشاهده است.

جادو و پیر دانا در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران

فضای کلی حاکم بر افسانه‌ها فضایی وابسته به دنیای جادو و مافوق بشری است. انسان ابتدایی سعی در به وحدت رساندن وجودهای پاره‌پاره و رسیدن به کمال را دارد؛ از این‌رو به دنیای برتر و بهشت برین روی می‌آورد و از آنجا که از وجود خرد و تخیل در خود ناآگاه است، بنابراین به

فرافکنی آن در دنیای بیرون می‌پردازد (ر.ک.: خدیش، ۱۳۸۸). این دانایی و خرد در جهان خارج برای او در هاله‌ای از ابهام است و اسرارآمیز جلوه می‌کند. به همین دلیل آن را در هیئت پیردانا یا جادوگر که نماد خرد و دانایی خویشتن است، تصور می‌کند.

حضور پیر دانا در هر مرحله از سطوح آگاهی متفاوت است. قهرمان سطح اول آگاهی در فضای دوبعدی و کودکانه خویش خودمحور است. او هنوز از سرچشمه دانایی و نیروهای طبیعت جدا نشده و به این دنیا متصل است. انسان دوبعدی به طور غریزی با طبیعت اطراف خویش در صلح و با آن عجین است. او نگران نیست، زیرا هیچ چیز ناشناخته‌ای برای او وجود ندارد؛ اما زمانی فرامی‌رسد که قهرمان باید در مسیری ناشناخته و اغلب ماورایی و جادویی قدم بنهد. در این زمان پیر دانا بر سر راه قهرمان قرار می‌گیرد.

در افسانه‌هایی که قهرمانان تا پایان قصه دوبعدی می‌مانند، اثری از پیر دانا دیده نمی‌شود و یا در صورت حضور، نقش موثری در جریان داستان ندارد. در بسیاری از افسانه‌های خراسان جنوبی نظیر "خوله و بوله"، "خال"، "هفت"، "اصل زن" و تعداد زیادی از افسانه‌های مازندران مانند "اتک و متک"، "سینی طلا"، "سالی که سلیمان بچه زایید"، "عاقبت مرد خسیس" اثری از پیر دانا دیده نمی‌شود.

اما در برخی از داستان‌ها پیردانا در مقام جادوگر ظاهر می‌شود. اینگونه حضور، متعلق به سطح اول آگاهی است؛ زیرا ذهن انسان دوبعدی هر پدیده ناشناخته را پدیده‌ای جادویی می‌داند. او با کمک سحر و جادو در قالب موجودات فرانسانی به قدرتهای غیبی و مافوق بشری دست می‌یابد. در این سطح، جلوه‌هایی از کهن‌الگوی پیر دانا یا مادر اسفل حضور دارد. در این سطح از آگاهی، پیردانا در هر هیأتی ظاهر شود، جنبه هدایتگری ندارد. ارتباط قهرمان با دنیای غیب و جادو شکل‌های دیگری نیز دارد که گاه مثبت و گاهی منفی و مخرب است. پیر خردمند در مقام شر، جادوگری خبیث است. عنصر جادو در سطح اول آگاهی حضور دارد. در این سطح انسان ابتدایی آنچنان به این حضور باور دارد که جادو پدیده‌ای معمولی تلقی می‌شود و جزء لاینفک زندگی اوست. جادو به اندازه‌ای در افسانه‌ها رایج است که گویی بخشی از زندگی روزمره قهرمانان داستان‌هاست و تقریباً تمام افسانه‌ها را می‌توان در این بخش نام برد. در اغلب افسانه‌ها جادو جنبه منفی و ویرانگر دارد.

جادو که در اغلب افسانه‌های خراسان جنوبی مشاهده می‌شود، جلوه‌های مختلفی دارد. در افسانه "اوسنه سوم ماه" تبدیل زن به مار، در افسانه "بل" گرفتار شدن پسر در طلسم و در افسانه "شه مار سفید" دادن مهره مار در ازای گرفتن دختران پیرمرد همگی جلوه‌هایی از جادو در این افسانه‌ها هستند. در افسانه‌های خراسان حدود ۴۰ مورد از این‌گونه موارد جادویی قابل مشاهده است.

در اغلب افسانه‌های نظیر "پسر عاشق و جادوگر"، "چهل پهلوان و چهل دیو"، "حسن پهلوان"، "حاتم طایی و انگشتری سلیمان"، "شیرمحمد"، "رند باهوش" عنصر جادو به صورت‌های مختلف از جمله طلسم، موجودات جادویی، جادوگران، دیو، پری و جز آن به کرات قابل مشاهده است. در افسانه‌های مازندران حدود ۳۰ مورد از این‌گونه موارد جادویی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در بررسی سطوح آگاهی مردانه در افسانه‌های خراسان جنوبی و مازندران به‌طور کلی می‌توان گفت به‌ندرت قهرمانانی مشاهده می‌شوند که به سطح دوم یا سوم آگاهی رسیده باشند و اکثر قهرمانان در سطح اول آگاهی، یعنی همان آگاهی دویعدی، قرار می‌گیرند. این گروه، انسان‌های پیشامدرنی هستند که با گرایش فردی، کهن‌الگوهای جمعی و سنت‌های کهن اجتماعی زندگی می‌کنند. مهم‌ترین ویژگی این دسته از قهرمانان افسانه‌ها، عمل‌گرایی و دوری از هرگونه شک و تردید است. قهرمانان از وجود عناصری مانند آنیما، قدرت اراده و تردید در درون خود بی‌خبر و متناسب با آن در دنیای بیرون نسبت به وجود زن، پیردانا و سایه بی‌تفاوت هستند و این عناصر تقریباً نقشی در سیر داستانی قهرمانان سطح اول ندارند.

در سطح اول آگاهی، وجوه تشابه افسانه‌های مناطق مورد بررسی بر وجوه تفارق آن‌ها غلبه دارد؛ تفاوت اندکی که میان سطح آگاهی این افسانه‌ها وجود دارد به نوع و میزان بهره‌گیری انسان ابتدایی از عالم درون و توجه به عالم بیرون، میزان آگاهی در انسان کودک و تحول شخصیت در طول داستان، نوع نگاه به زن و تجسم پیر دانا بازمی‌گردد.

مطابق بسامد داده‌ها، افسانه‌های خراسان جنوبی (۱۵) در مقایسه با افسانه‌های مازندران (۱۰) پایبندی بیشتری به سنت و غریزه دارد. قهرمانان با پیروی از این دو بسیار عمل‌گرا و دوبعدی هستند. این در حالی است که در افسانه‌های مازندران قهرمانان کمی به سوی تردید میان وجدانیات، انتخاب فردی و جدایی از سنت‌ها و پیروی از غریزه و سنت، پیش‌رفته‌اند. قهرمان افسانه‌های مازندران در برخی موارد و پس از تحول شخصیتی رو به سوی آگاهی بالاتری دارد و امروزی‌تر عمل می‌کند. او واقع‌گرا است و از دنیای خیالات و اسطوره فاصله گرفته است. در مورد حضور آنیما و عناصر جادویی نیز شرایط مشابه است. در افسانه‌های خراسان حضور آنیما (۳۰) بیش از مازندران (۲۰) قابل مشاهده است. ولی آنیما در این افسانه‌ها عموماً منفعل و تابع شرایط است، نه پویا و تأثیرگذار. عناصر جادویی نیز در افسانه‌های خراسان (۴۰) بیش از مازندران (۳۰) مشاهده می‌شود. این عناصر معمولاً در روند داستان تأثیرگذار و حیاتی هستند و این امر نشان‌دهنده تأثیر این عوامل در زندگی و باور مردم بوده است.

در افسانه‌های خراسان جنوبی تعداد شخصیت‌های رند و زیرک که برای زنده ماندن هوش سرشاری دارند، نسبت به افسانه‌های مازندران بیشتر است. در حالی که انسان کودک در افسانه‌های مازندران (۲۰) حضور گسترده‌تری نسبت به افسانه‌های خراسان (۱۰) دارد. این امر در نگاه اول، نشان دهنده سطح بالاتری از آگاهی (یا به عبارت دقیق‌تر "هوش") در افسانه‌های خراسان جنوبی است؛ اما باید توجه داشت رانۀ حفظ بقا و پیروی از غریزه است که در نهایت سبب غلبۀ سنت‌گرایی و دنیای پدر یا دنیای دوبعدی و خیالی انسان ابتدایی است؛ چراکه قهرمان بدون تردید و تشکیک، حفظ بقا را انتخاب و به حکم غریزه تمام توان خود را معطوف به آن می‌کند. اما قهرمانی که به سطح دوم نزدیک می‌شود، گاهی جان خود را نیز بر سر تردید فدا می‌کند (مانند هملت). از سوی دیگر قهرمان باهوش افسانه‌ها از نظر انسان امروزی در نهایت کودک باهوشی بیش نیست که با نقشه‌های کودکانه سعی در فریب اطرافیان دارد.

قهرمان افسانه‌های خراسان جنوبی متناسب با نوع زندگی و شرایط جغرافیایی خویش از دنیای رنگارنگ درون خود بهره می‌گیرد و این بهره‌گیری تا جایی است که هیچ‌گاه دنیای بیرون بر دنیای درون غلبه نمی‌کند. دنیایی پر از خیالات رنگارنگ که او را به ماورا و آسمان و بهشت برین متصل می‌سازد. بی‌مکانی و بی‌زمانی در افسانه‌ها نشانگر درون‌گرایی قهرمان است. افزون بر این

از آنجا که ناخودآگاه قهرمان بر روانش سلطه دارد، با درون خود و عناصر وجودیش در صلح به سر می‌برد؛ گرچه از وجود این عناصر در خود ناآگاه است. قهرمانان در افسانه‌ها معمولاً نقاب ندارند و باعث پس‌راندن امیال به ناخودآگاه خویش نمی‌شوند؛ در نتیجه سایه‌ای ترسناک ایجاد نمی‌کنند. آن‌ها بدون اینکه از وجود سایه در خویش آگاه باشند، با آن همراه هستند. در نهایت این صلح درونی، هرچند دروغین، و عدم ایجاد سایه در روان ناخودآگاه، سبب آرامش و شادی او می‌شود. به همین دلیل تقریباً پایان تمامی افسانه‌ها زیبا و خوش است و در واقع مطابق با میل انسان دوبعدی، بدون تلاش و کوشش از جانب قهرمان و به وسیله نیروهای طبیعت همه چیز به خوبی و خوشی پایان می‌پذیرد.

در نهایت می‌توان گفت به‌طور کلی قهرمانان افسانه‌های خراسان جنوبی نسبت به افسانه‌های مازندران دوبعدی‌تر و ابتدایی‌تر ظاهر می‌شوند. افسانه‌های خراسان جنوبی تخیلی‌تر است و آنچه مفهوم کاملی از افسانه را در برمی‌گیرد، بیشتر در مورد افسانه‌های خراسان جنوبی صدق می‌کند. اما در افسانه‌های مازندران گاهی حتی جنبه‌های واقعی و تاریخی بر جنبه‌های خیالی غلبه می‌کند؛ لذا قهرمانان افسانه‌های خراسان جنوبی نسبت به افسانه‌های مازندران بیشتر در سطح اول آگاهی به سر می‌برند.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- اسنودن، روث. (۱۳۹۳). *یونگ مفاهیم کلیدی* (ترجمه افسانه شیخ الاسلام زاده). تهران: عطایی.
- برفر، سیدمحمد. (۱۳۸۸). *پری زادگان نباتی. پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۴، ۱۲۷-۱۴۶. <https://literature.ihss.ac.ir/Article/10082/FullText>
- بلوریان، شهرزاد. (۱۳۹۷). *هزارتوی افسانه: تحلیل و تطبیق افسانه‌های آذربایجان و خراسان*. تهران: تیرگان.
- بیلسکر، ریچارد. (۱۳۸۷). *اندیشه یونگ* (ترجمه حسین پاینده). تهران: آشیان.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۴). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- جانسون، رابرت. (۱۳۸۷). *تکامل آگاهی* (ترجمه فرزانه اسلامی). تهران: حریر.
- _____ (۱۳۹۱ الف). *تحلیل کاربردی خواب و رؤیا* (ترجمه نیلوفر نواری). تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- _____ (۱۳۹۱ ب). *تحلیل فعال* (ترجمه نیلوفر نواری). تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- _____ (۱۳۹۱ ج). *زندگی نزیسته‌ات را زندگی کن* (ترجمه سیمین موحد). تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- _____ (۱۳۹۲). *اسطوره جام مقدس*. (ترجمه تورج بنی صدر). تهران: لیوسا.
- _____ (۱۳۹۴). *عقدہ مادر و روابط زن و مرد* (روانشناسی کهن/الگوی انسان امروز) (ترجمه تورج بنی صدر). تهران: لیوسا.
- _____ (۱۳۹۵). *سایه‌ات را مالک شو* (ترجمه سیمین موحد). تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- جعفری قنوتی، محمد. (۱۳۸۴). *درباره ادبیات شفاهی (۲) ادبیات شفاهی، مادری که حرمتش را پاس نمی‌داریم*. کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۲، ۹۶-۹۹.
- جینز، جولین. (۱۳۸۷). *منشأ آگاهی در فروپاشی ذهن دوساحتی* (ترجمه سعید همایونی). تهران: نشر نی.
- چرچلند، پاول. (۱۳۹۳). *ماده و آگاهی* (درآمدی به فلسفه‌ی ذهن امروز) (ترجمه امیر غلامی). تهران: نشر مرکز.

- حسینی، سید محمد، و بدیع، کامبیز. (۱۳۹۲). آگاهی پدیداری از منظر نظریه‌های بازنمودی ذهن. *فلسفه و کلام*، ۴۱ (۱)، ۸۵-۱۰۴. <https://doi.org/10.22059/jop.2013.36402>
- خدیش، پگاه. (۱۳۸۸). بازتاب و کارکردهای سحر و جادو در افسانه‌های سحرآمیز. *زبان و ادبیات فارسی*، ش ۶۵، ۶۵-۸۲. <http://jpll.khu.ac.ir/article-1-956-fa.html>
- خزاعی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *افسانه‌های خراسان: بیرجند*. ج ۹. مشهد: نشر ماه جان.
- دبورال، بلک. (۱۳۸۵). ابژه کسب یقین (نگاهی به خودآگاهی در فلسفه ابن‌سینا). *اطلاعات حکمت و معرفت (ترجمه مرضیه سلیمانی)*. تیرماه، ش ۵، ۲۳-۲۶.
- ذاکری، مهدی، و حسینی، سیدمصطفی. (۱۳۹۳). سرل و مسئله آگاهی. *نقد و نظر*، ۱۹ (۷۳)، ۷۵-۹۳.
- رضایی‌منش، بهروز. (۱۳۹۴). *اطلس سطوح متناظر مقولات معرفتی (اطلس آگاهی)*. مجموعه مقالات کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبایی (ترویجی). ج ۳. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رنج‌بردار، سمیرا. (۱۳۹۳). ذهن آگاهی یا بهوشیاری. *رشد آموزش مشاور مدرسه*. ش ۳۶، ۴۱-۴۳.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۵). *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*. تهران: علمی.
- ساروی، ویدا. (۱۴۰۱). واکاوی تطبیقی درون مایه شکواییه در دوبیتی‌های ادب عامه مازندران و خراسان. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱۰ (۴۳)، ۹۱-۱۲۶. [doi.10.13921/CFL.10.43.91](https://doi.org/10.13921/CFL.10.43.91)
- سرل، جان. (۱۳۹۴). *راز آگاهی (ترجمه امیررضا رحیمی)*. تهران: مهر ویستا.
- سنایی، علی. (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه آگاهی در علم‌النفوس ارسطو از منظر فلسفه ذهن معاصر. *شناخت*، ۶ (۶۹)، ۱۹-۴۱.
- شاهمرادی، ایوب. (۱۳۹۰). آگاهی به‌مثابه بازنمایی: نگاهی به کتاب ده مسئله آگاهی. *کتاب ماه فلسفه*، مهرماه، ش ۴۹، ۶-۱۶.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). *انواع ادبی*. تهران: میترا.
- صادقی، رضا. (۱۳۹۳). ماتریالیسم و امکان آگاهی. *معرفت فلسفی*، ۱۱ (۴۳)، ۵۹-۸۴.
- عمادی، اسدالله. (۱۳۹۳). *افسانه‌های مردم مازندران*. ساری: شلفین.

- قبادی، علیرضا. (۱۳۸۱). افسانه افسانه‌پژوهی در ایران. کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۶۱ و ۶۲، ۳۶-۳۹.
- کاکلمنز، جوزف. جی. (۱۳۷۱). تفکرات کانت و هوسرل درباره "من" ناب (ترجمه امیرحسین رنجبر). فرهنگ (ویژه فلسفه)، ش ۱۱، ۱۳۷-۱۷۶.
- کشفی، عبدالرسول، و احمدی، احمد. (۱۳۷۹). برنتانو و نظریه التفاتی بودن آگاهی. مدرس علوم انسانی، ش ۱۷، ۱۳۳-۱۴۶.
- کمربشتی، عارف، و احمدی‌نسب، مهرانه. (۱۳۹۷). بررسی سنت نار انداختن در فرهنگ و دوبیتی‌های عامیانه ایران (با تأکید بر دوبیتی‌های مازندران، خراسان و کرمان). نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ماحوزی، مهدی، و طاووسی، محمود، و ساروی، ویدا. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی درون‌مایهٔ نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران. فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۶ (۷)، ۳۱-۵۰.
- محمدرضایی، محمد، و مهرنیا، حسن. (۱۳۸۴). هگل، وضع مجامع افلاطون و کانت مطالعه‌ای تطبیقی در باب دیالکتیک و فرایند خودآگاهی. فلسفه دین، ۱ (۳)، ۵-۲۷.
- مدهوشیان‌نژاد، محمد. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی صندوق قبور چوبی مازندران با خراسان بزرگ در قرن نهم هجری قمری. هنرهای صناعی خراسان بزرگ، ۱ (۳)، ۳۹-۵۲.
- doi.10.22034/DARAYGAH.2021.135048
- ملکی، قیصر، مظاهری، محمدعلی، ذبیح زاده، عباس، آزادی، اسماعیل، و ملک‌زاده، لیدا. (۱۳۹۳). نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در ذهن آگاهی. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ش ۱، ۱۰۳-۱۱۴.
- مورتی، کریشنا. (۱۳۷۶). رهایی از دانستگی (ترجمه مرسله لسانی). تهران: بهنام.
- مورلند، جی. پی. (۱۳۹۱). برهان آگاهی (ترجمه صالح افروغ). هفت آسمان، ۱۴ (۵۳)، ۱۳۷-۱۶۲.
- مورنو، آنتونیو. (۱۹۲). یونگ، خدایان و انسان مدرن (ترجمه داریوش مهرجویی). تهران: نشر مرکز.

- نصیری، منصور. (۱۳۹۲). اثبات خدا از طریق آگاهی بررسی تقریر مورلند. *فلسفه و دین*، ۱۰ (۳)، ۷۵-۱۰۰. doi.10.22059/JPHT.2013.36190
- هال، کالوین، اس. (۱۳۹۳). *مقدمات روانشناسی یونگ* (ترجمه دکتر شهریار شهیدی). قم: آینده درخشان.
- هلر، شارون. (۱۳۹۳). *دانشنامه فروید* (ترجمه مجتبی پردل). مشهد: ترانه.
- هوشنگی، حسین. (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳). آگاهی و شناخت در فلسفه کانت. *رهنمون*، ش ۵ و ۶، ۳۷-۵۴.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *ضمیر پنهان (نفس نامکشوف)* (ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور). تهران: کاروان.

Table and Content

The Influence of Organizational Virtue on Quantum Management and Employee Job Engagement: A Case Study in South Khorasan’s Educational Sector/ Hossein Khosravi, Hadi Pourshafei, Ali Asgari	9
An Exploration and Elucidation of Islamic Pottery in Buzhgan City during the Early and Middle Islamic Periods/ Mahdiye Rahmati, Abed Taghavi, Hassan Hashemi Zarjabad, Hassan Basafa	43
A Study on Needs of Junior High School Students in Mashhad/ Nayereh Shahmohammadi, Fatemeh Parasteh Ghombavani	81
Exploring the Association Between Organizational Pessimism and Job Burnout in South Khorasan Airports: A Case Study of the Moderating Role of Working Life Quality/ Ahmad Arabshahi Kerizi, Maliheh Sadat Hashemi Moghadam	121
Designing a Strategic Pattern for Developing a Marketing Plan for the Sales of Handicraft Products in South Khorasan Province/ Mahdi Mahmoodzadeh Vashan, Ali Farkhondeh .	167
Exploring the Constituent Elements of Two-Dimensional Consciousness: A Comparative Study of Legends from South Khorasan and Mazandaran/ Hamed Norouzi, Kolsoom Ghorbani Jouybari, Aniseh Bohlouli Moghaddam	205



Referees of this Issue (In Alphabetical Order)

Alireza Asadi, Assistant Professor at Ilam University

Mohammad Behnamfar, Professor at University of Birjand

Hadi Pourshafei, Associate Professor at University of Birjand

Mohammad Hajipour, Assistant Professor at University of Birjand

Reza Zare, Assistant Professor at Payam Noor University, Bushehr Branch



Mohammad Hassan Sharbatian, Instructor at Ferdowsi University of Mashhad

Hossein Shakouhifard, Assistant Professor at University of Birjand

Zahra Shirzour Aliabadi, Assistant Professor at University of Birjand

Saman Farzin, Assistant Professor of University of Birjand

Hamidreza Ghorbani, Assistant Professor of Art University Of Isfahan

Hamid Masoudi, Assistant Professor at University of Birjand

In The Name Of God

Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 69

ISBN 1735-8256

Fall 2023, 1st Number, 18th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Farkhunde, Ali

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive editor: Zerang, Mahin

Editorial Board

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Copy Editor: Poursoltani, Somayeh

Translator and English Editor: Saeed Ameri

Technical Editor: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: New Media Magnifying Glass institute

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: General Office of Culture and Guidance, Shahid Mahallati Avenue, Birjand, South Khorasan Province

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

This journal expresses the views presented in its published articles. Authors are solely responsible for the content of their writings, and translators are responsible for the accuracy of their translations. Materials submitted for publication will not be returned if deemed unsuitable. The journal reserves the right to edit or delete portions of submitted materials.

